



نقطه اشتراک

مجموعه کتاب های تبلیغ معارف مهدی

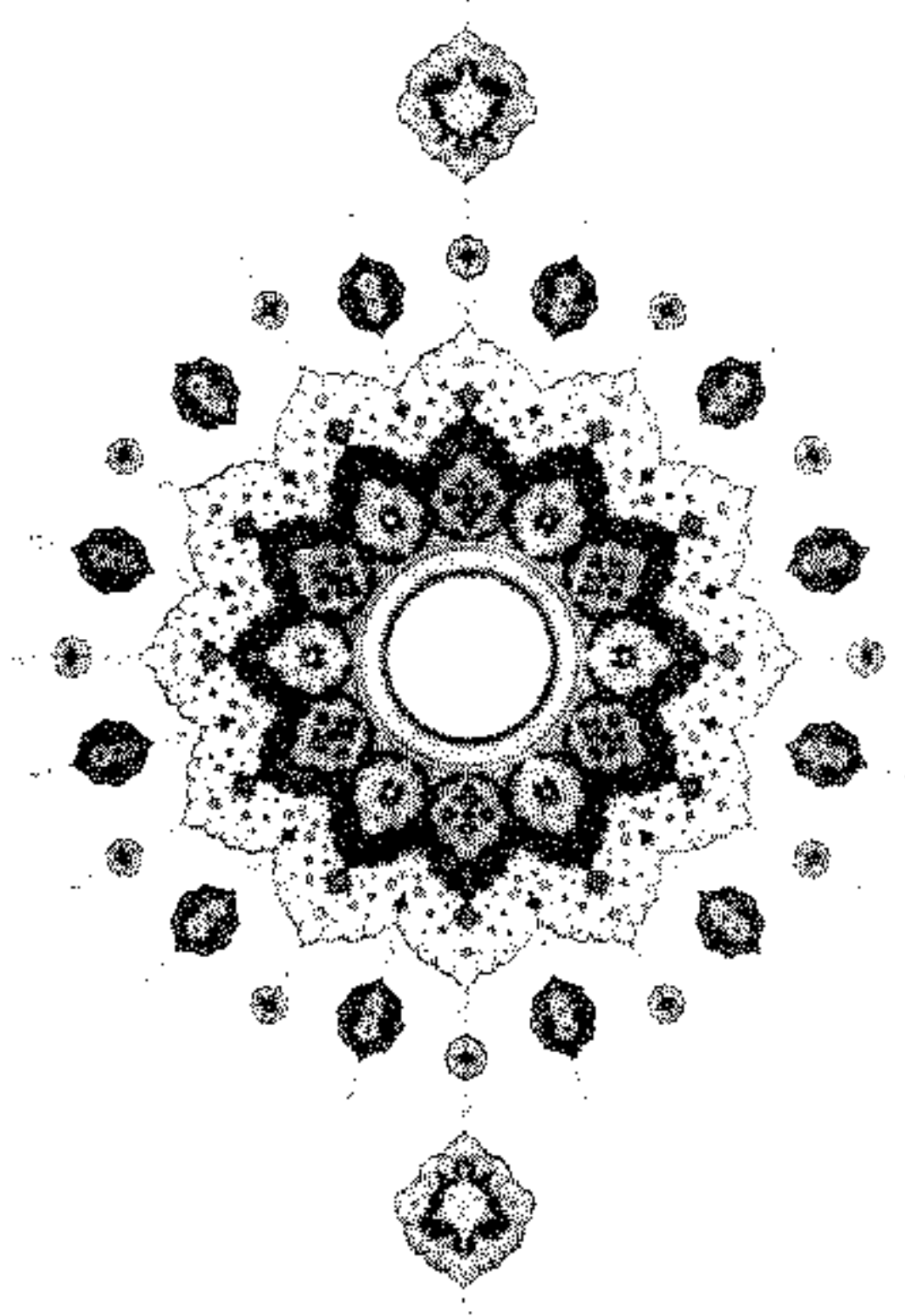
معاونت تبلیغ و ارتباطات
مرکز تخصصی مهدویت



حدیث انتظار (۱)

مجموعه کتاب‌های تبلیغ معارف مهدوی

جمعی از نویسندگان



عنوان و نام پدیدآور: حدیث انتظار (۱)
 مشخصات نشر: قم: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۲۶۲ ص.
 فروست: مجموعه کتابهای تبلیغ معارف مهدوی
 شابک: ۱۰۰۰۰۰: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۲۷-۵-۵
 وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر
 یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شناسه افزوده: حوزه علمیه قم، مرکز تخصصی مهدویت
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۰۶۷۱



حدیث انتظار (۱)

- مؤلف: جمعی از نویسندگان
- ناشر: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت
- صفحه آرا: عباس فریدی
- طراح جلد: امیر تدین
- نوبت چاپ: اول/ بهار ۱۳۹۴
- مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۰۲۷-۵-۵
- شمارگان: سه هزار نسخه
- قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه.....
۱۱.....	سوژه‌های سخن در عرصه فرهنگ انتظار.....
	حجت الاسلام و المسلمین ماندگاری
۱۹.....	خطبه‌های منبر.....
	حجت الاسلام و المسلمین صبوخی
۲۱.....	نمونه دعا‌های پایانی منبرها و سخنرانی‌های مهدوی.....
	حجت الاسلام و المسلمین حسن عرفان
۲۳.....	نمونه سخنرانی‌های مهدوی.....
۲۴.....	عشق به امام زمان علیه السلام در دعای عهد.....
	حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی
۳۹.....	نقش مردم در تغییر دوران غیبت به ظهور.....
	آیت الله حائری شیرازی
۵۴.....	ميلاد معصومین علیهم السلام يوم الله است.....
	حجت الاسلام و المسلمین مسعود عالی
۶۵.....	اندیشه جهانی.....
	حجت الاسلام و المسلمین صبوخی
۷۳.....	نکته‌ها و سوژه‌های مهدوی.....
۷۴.....	امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن.....
	حجت الاسلام و المسلمین اباذری

- ۱۰۷ امام مهدی علیه السلام در آئینه بیانات معصومین علیهم السلام
حجت الاسلام و المسلمین بالادستیان
- ۱۲۱ احیای نیمه شعبان
حجت الاسلام و المسلمین فؤادیان
- ۱۳۵ رویکرد پایگاههای اطلاع رسانی غرب درباره موعود شیعه
حجت الاسلام و المسلمین زهیر دهقانی آرانی
- ۱۵۷ احکام منتظران (اعمال و احکام نیمه شعبان)
حجت الاسلام و المسلمین محمود اکبری
- ۱۶۵ نیم نگاهی به چند دعا و زیارت مهدوی
حجت الاسلام و المسلمین علی ربانی
- ۲۰۵ ویژه ارتحال حضرت امام علیه السلام
ویژگی های امام خمینی علیه السلام
- ۲۰۶ حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی
- ۲۲۴ مهدویت، خطوط راهبردی آن از منظر امام خمینی علیه السلام
حجت الاسلام و المسلمین حسن ملایی
- ۲۲۷ امام علیه السلام به ما آموخت که «انتظار در مبارزه است»
شهید سید مرتضی آوینی
- ۲۳۱ کودک و نوجوان
واحد کودک و نوجوان مرکز تخصصی مهدویت

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (احزاب/ ۳۹)

فلسفه وجودی تأسیس مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، تربیت نیروی انسانی متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه پژوهش و تبلیغ در عرصه اندیشه مهدویت است تا از این طریق مرکز بتواند نقش اساسی خود را در این راستا به انجام رساند.

بایستگی تبلیغ و ترویج دقیق، جامع و منسجم اندیشه مهدویت و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به آموزه مهدویت، به فراخور شرایط کنونی و در خور این رستخیز عظیم، و نیز لزوم آسیب‌شناسی در حوزه رویکرد به آموزه مهدویت، به منظور تبیین عرضه صحیح و دفاع معقول از اندیشه مهدویت و زدودن پیرایه‌های موهوم و موهون از ساحت قدسی این اندیشه نیز از رسالت‌های تأسیس این مرکز بوده است.

بازشناسی و شناساندن جریان صحیح و سالم در تبلیغ و ترویج آموزه مهدویت، ضرورتی است ناگزیر که سال‌ها در میان درد آشنایان دل‌سوخته مطرح می‌شده و جوانبی از آن مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت.

معاونت تبلیغ و ارتباطات مرکز تخصصی مهدویت با توجه به شرایط و

امکانات موجود و نیز نیازمندی‌های مبلغان در سراسر کشور اقدام به تهیه جستاری در عرصه تبلیغ معارف مهدوی تحت عنوان حدیث انتظار (ره‌توشه تبلیغ) نموده است.

هدف از تهیه چنین جستاری تبیین شیوه‌های تبلیغی صحیح در بیان و بلاغ، آموزه مهدویت و سرمشق‌گیری از نمونه‌های، الگویی ممتاز در عرصه تبلیغ مهدوی، در ابعاد مختلف تبلیغ گفتاری و رفتاری، چگونگی برخورد مبلغان با مخاطبان گوناگون چه به لحاظ فکری و عقیدتی، چه به لحاظ سنی و توانمندی‌های تجربی، و چه از نظر صنفی یا طیف اجتماعی می‌باشد که در این کتاب به آنها توجه شده است.

«حدیث انتظار» هدیه‌ای است خُرد به پیشگاه آموزه و اندیشه‌ای سترگ و گامی است، کوچک در راهی بزرگ، تا این راه به خوبی شناخته و پیروی شود. امید است انتشار این اثر، گام نخست برای ارائه آثاری دیگر به شکلی کامل‌تر و انجام پژوهش‌های دیگر در این حوزه تبلیغ باشد.

به هر روی، نظر به اینکه این تجربه در عرصه تبلیغ معارف مهدوی در نوع خود جدید است و تازگی دارد و از سویی دیگر نیاز مبلغان نیز به چنین کتاب‌هایی فراوان است تدوین چنین مجموعه‌هایی نیازمند نگاه تیزبین همه خوانندگان بزرگوار می‌باشد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از تمامی دست‌اندرکاران مرکز، که به راستی زحمات و پی‌گیریهای مداوم آنها، این محصول را به بار نشانند، تقدیر و تشکر نمایم؛ به ویژه از حجت الاسلام و المسلمین کلباسی (دام عزه)

مدیریت محترم مرکز تخصصی مهدویت و کارگروه تبلیغ و اتاق فکر
معاونت تبلیغ که متشکل از فضلاء و فرهیختگان مهدوی می‌باشند که
عبارتند از؛ حجج اسلام آقایان: «محمود اباذری، هادی حسین‌پور، حجت
حیدری چراتی، محمدرضا فؤادیان، امیرمحسن عرفان، محمد یوسفیان» و
همچنین از همراهی و مساعدت معاونت پژوهش حجت الاسلام و المسلمین
مهدی یوسفیان و معاونت آموزش حجت الاسلام علی مصلحی و مسئول
اجرایی این اثر حجت الاسلام محمود مسیبی و حجت الاسلام روح الله
علی‌یاری و کارشناسان بزرگواری همچون حجج اسلام محمدامین بالادستیان،
حسن ملایی و علی ربانی نهایت سپاسگذاری را دارم.
خواهشمند است از نظرات و پیشنهادات خود ما را در ارائه آثار بعدی
یاری فرمائید.

با تشکر

محمد رضا نصوری

معاونت تبلیغ و ارتباطات مرکز تخصصی مهدویت

حوزه علمیه قم

۱۳/رجب/۱۴۳۶

۹۴/۲/۱۲

سوژه‌های سخن در عرصه فرهنگ انتظار

محبت الاسلام و المسلمین ماندگاری

روش‌های بلاغ و بیان فرهنگ انتظار

ما فرهنگ انتظار را می‌توانیم با روش‌های مختلف برای طلاب بیان کنیم که آن‌ها برای مردم بیان کنند:

روش تحلیل مفهومی فرهنگ انتظار:

الف. روش بیان چیستی و ماهیت شناسی فرهنگ انتظار

این که فرهنگ انتظار چیست و چه ماهیتی دارد؟ در این زمینه باید گفت:

۱. فرهنگ انتظار یک مکتب تربیتی است.

۲. یک مکتب پویاست و ایستا نیست.

۳. یک مکتب انقلابی است. لیبرال و محافظه‌کار نیست.

در ایام فاطمیه می‌گفتم که فکر نمی‌کنید آن‌هایی که به امام غایب خیلی می‌پردازند ولی به امام حاضر نمی‌پردازند حقه‌باز هستند؟ چون امام غایب را هر جور دلشان می‌خواهد توجیه می‌کنند اما امام حاضر را باید اطاعت کنند. این‌ها رفتند دنبال امام غایب، چون او را هر طور دلشان بخواهد بیان می‌کنند.

ب. روش بیان چرایی فرهنگ انتظار؟

۱. فلسفه غیبت؛ فلسفه غیبت را می‌گوییم عدم قابلیت بشر در بهره‌برداری از امام و ولی خدا.

۲. فلسفه انتظار؛ تربیت برای کسب قابلیت

۳. فلسفه ظهور؛ فلسفه ظهور هم استفاده از امام برای استفاده از نعمات در مسیر بندگی

«أنعمت علیکم نعمتی. بشرطها و شروطها و انا من شروطها.» تفسیر این است که در ذیل آیه «لتسئلنَّ یومئذٍ عن النعیم» (تکواثر/۸) یک سؤال ظاهراً بیشتر نمی‌شود و آن هم در مسیر بندگی آیا از امامت استفاده کردی یا نه؟ از هدایت الهی استفاده کردی؟ یا نه؟

فلسفه ظهور، هدایت بشریت است. این داخل چرایی است. چرا مهم است؟ چون واقعاً استفاده از نعمات برای بندگی را نمی‌دانیم. چون از امام استفاده نکردیم.

ج. روش بیان چگونگی فرهنگ انتظار

از نگاه کلی، مراحل مختلفی را باید مطرح:

۱. باور و ایمان به:

الف. عزیز بودن حضرت

ب. ضرر خود و ضرر در تشخیص‌ها، در واقع عطش و احساس ضرر «یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا بیضاعة مزجاة» (یوسف/۸۸) یعنی ما واقعاً احساس ضرر نکردیم. احساس ضرر تا در خواص ما ایجاد نشود حرکت رو به جلو پیش نمی‌آید.

همه را هم آیه ۸۸ سوره یوسف دارد. ایمان و باور به عزیز بودن حضرت. و به ضرر خود و ضرر در تشخیص‌ها. ما در تشخیص‌های غلط گیر کردیم. حتی آن‌هایی که فکر می‌کنیم درسته غلط است.

۲. تلاش حداکثری «جثنا ببضاعة مزجاة» (یوسف/۸۸):

همه می‌آیند اما عده‌ای حداقلی، عده‌ای حد وسطی و عده‌ای حداکثری یک عده آمدند برای جمهوری اسلامی ایران فقط رأی دادند. یک عده برای جمهوری اسلامی فقط پول دادند یک عده هم جان دادند. این جان دادن سه درصد بیشتر نبودند. هی ما می‌گوییم مردم ایران نمونه هستند تازه شهید داده‌ها سه درصد هستند. در کل جنگ یک میلیون خانواده ایتارگر داشتیم همیشه یک سی‌ام یعنی سه درصد. تعارف هم نداریم.

حاج آقا قرائتی یک مثال خیلی زیبایی بیان فرمودند: توی راهپیمایی‌ها پیرزنی کاسه ۲ ریالی دست می‌گرفت و کنار تلفن همگانی می‌ایستاد بعضی‌ها فکر می‌کردند گداست. ولی می‌گفت نه، من هم می‌خواهم کاری بکنم، دیدم نمی‌توانم کاری بکنم ۲ ریالی آوردم که شما رزمندگان که می‌خواهید با خونه‌ها تون تماس بگیرید، مشکل پول خرد نداشته باشید.

۳. احساس فقر (با تمام تلاش و دارایی‌ها) «فأوف لنا الكيل و تصدق علينا». (یوسف/۸۸) مشکل ما این است که امام به ما فرمود انقلاب هر چی جلوتر می‌رود باید بیشتر احساس نیاز کنیم «إن الله يجزي المتصدقين» (یوسف/۸۸).

۴. احساس گناه «يا أبانا استغفر لنا ذنوبنا انا كنا خاطئين» (یوسف/۹۷)

البته در آیه ۸۹ هم آمده: «هل علمتم ما فعلتم بیوسف و اخیه» (یوسف/۸۹).
احساس کم کاری و گناه هست. احساس که حق را ادا نکردیم.

د. روش تربیتی:

تربیت نسل منتظر

۱. فردی

۲. خانوادگی

دشمن فهمید اگر دامن ها را آلوده بکند دیگر مردی به معراج نمی ورد.
ای مردم اگر می خواهید تربیت شدگان شما به درد امام زمان علیه السلام بخورد باید
در سه مرحله کاشت، داشت و برداشت جدی باشید.

الف. کاشت

- طهارت جوانی؛ درست دشمن نقطه مقابل را القاء می کند تا داماد و
عروس نشدی حالت رو ببر، تا عروس و داماد نشدی مال خودتی.

- طهارت انتخاب؛ وقتی کسی را انتخاب می کنی فقط به عشق و کیف
خودت فکر نکن. یعنی، طهارت نطفه

ب. داشت.

لقمه پاک، شیر پاک، محیط پاک (محیط رحم، محیط دامن، محیط خانه)
و مربی پاک (مسجد، هیئت و روحانیت).

ج. برداشت. که مال خود فرد است. ولی مادرها یک نقش دارند. تقاضای
والدین از فرزندانشان این است یک کاری کن دعا درست کن باشی. یک
کاری کن رو سفید کن باشی. یک کاری کن شفیع باشی. بتونی شفاعت کنی.

۳. اجتماعی. بحث اجتماع را مقام معظم رهبری (حفظه الله) مطرح کردند. نهضت اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن اسلامی که زمینه‌ساز ظهور است، که ما در مرحله شکل‌گیری دولت اسلامی و جامعه اسلامی هستیم.

سوژه‌های کلی سخنرانی با محوریت فرهنگ انتظار

بعثت، غدیر، عاشورا، انقلاب اسلامی، ظهور
رابطه این پنج واژه: در بعثت، اتفاقی افتاد، غدیر، تکمیل شد، عاشورا،
نقض عهد شد، انقلاب، شروع کرد به اعاده حیثیت و ظهور نقطه اوج
می‌باشد.

عناصر فرهنگ انتظار

۱. ایمان به غیب، «الذین یؤمنون بالغیب» (بقره/۳). خمیرمایه پذیرش دین و قرآن و عترت ایمان به غیب است.
۲. نیاز به غیب و علم
۳. پرسش و پذیرش.
۴. اطاعت
۵. تسلیم
۶. سبقت تا شهادت. (اصلی‌ترین مدال فرهنگ انتظار شهادت است).

آسیب‌شناسی فرهنگ انتظار

۱. به جای ولی زنده، سراغ ولی غایب رفتن.

ما امید به آمدن ولی غایب داریم ولی الان جایی سراغش را نداریم پس
الکی جایی آدرس ندهیم که حتماً آقا این جاست.

۲. به جای وظایف منتظر، سراغ علائم ظهور رفتن.

۳. به جای اسناد قطعی، سراغ اسناد ظنی رفتن. (مثل بیان خواب).

۴. به جای دشمن امروز مهدویت، سراغ دشمن دیروز ولایت رفتن.

۵. به جای در دل حضرت جا گرفتن، آرزوی دیدن کردن. در جمکران

جوانی گفت چاه امام زمان علیه السلام کجاست؟ گفتم چکار داری؟ گفت می‌خواهم
نامه بنویسم و حضرت را ببینم، گفتم اگر حضرت گفت نمی‌خوام تو رو ببینم
چی؟ گفت: چرا؟ گفتم؛ خب ریخت و قیافه‌ات به آن چه حضرت می‌خواهد
نمی‌خورد. اگر در چشم امام زمان علیه السلام بودی هم مهم نیست باید در دل امام
زمان علیه السلام باشی.

۶. زمان ظهور مشخص کردن (توقیت)، که این با مبنای اسلام
سازگاری ندارد.

۷. افراط و تفریط در مهر و قهر حضرت. حضرت طیب است. طیب

شاید بیشتر از چاقوکش چاقوزده باشد، اما برای حیات، حضرت قرار است به
جامعه بشریت حیات بدهد. تا جایی که بشود هر عنصر نامطلوبی را اصلاح
بکند. جایی که استخوان سیاه سرطانی و علف هرز، باشد باید قطع شود.
منطق هم می‌گوید باید قطع شود.

چند نکته برای ارتباط مبلغ با مخاطب

۱. اولین نکته این که ما تواضع داشته باشیم. در سلام کردن پیش قدم

باشیم. مردم آخوند خاکی و خودمونی و کسی که خودش را نمی‌گیرد را دوست دارند. شاید سوار ماشین مدل بالا بشود ولی خودش را نگیرد.

۲. مدعی هم خیلی نباشیم. من احساس می‌کنم اگر مدعی باشیم مردم خوششان می‌آید حال او را بگیرند.

من حتی در جمع نخبگان رفتم. بعضی از رفقای خوب ما از اول آمدند علمیت خودشان را به رخ این‌ها بکشند. این‌ها هم موضع گرفتند. من گفتم نمی‌دانم، چرا برای شما گفتند، من حرف بزنم؟! من که چیزی ندارم من باید: بیایم از شما استفاده کنم. ولی حالا از باب تذکر به خودم چند مطلب می‌گویم. آخرش گفتند این جزء بحث‌هایی بود که خیلی استفاده کردیم. حتی در دروس عالی هم کسانی که خیلی مدعی هستند زیاد شاگرد تربیت نمی‌کنند.

۳. ساده حرف زدن (شیرین گفتن). گاهی فکر می‌کنیم اگر گنده حرف بزنیم می‌گویند این خیلی با سواد است. بارها به من گفته‌اند، که شما بحث‌ها را سبک می‌کنی. گفتم، نه، من مباحث را سبک می‌کنم نه ساده؟
ولقد يَسِّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ (قمر/۱۷). قرآن می‌فرماید اگر ساده نکنید نمی‌فهمند.

خداوند انشاء الله ما را عامل به این‌ها قرار دهد به آبروی محمد و آل محمد.

خطبه‌های منبر

محبت الاسلام و المسلمين صبورى

- ذیلاً چند خطبه پیش از سخنرانى تقدیم سخنرانان و مبلغان مى‌گردد:
۱. «الحمد لله الذى علا فى توحّده و دنى فى تفرّده و جلّ فى سلطانه و عظم فى اركانه و الصلوة و السلام على خير خلقه و اشرف بريّته حبيب اله العالمين ابى القاسم محمّد و على اله الطيبين الطاهرين المعصومين سيّما بقية الله فى السموات و الارضين روحى و ارواح العالمين لتراب مقدمه الفداء الذى يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئب ظلماً و جوراً انك على كل شىء قدير.»
 ۲. «الحمد لله ربّ العالمين و السلام على سيد الانبياء و المرسلين و خاتم السفراء المقربين حبيب اله العالمين ابى القاسم محمّد (ص) و على اهل بيته الطيبين المعصومين المكرّمين المتجيبين سيّما بقية الله المنتظر عجل الله تعالى له الفرج اللهم قوّنا على طاعته و ثبّتنا على متابعتة و اجعلنا فى حزبه و اعوانه و انصاره.»
 ۳. «الحمد لله الذى نورّ قلوبنا بنور الايمان و جعلنا من اهل المعرفة و الايمان و هدانا الى طريق الفوز بنعيم الجنان و الصلوة على سيّد الانام ابى القاسم محمّد (ص) و على اله الكرام سيما ربيع الانام و نضرة الايام الحجة ابن الحسن العسكري عليه و على ابائه الاف التحية و السلام اللهم انصره و انتصر به لدنيك و انصر به اوليائك و اوليائه و شيّعته و انصاره و اجعلنا منهم.»

٤. «الحمد لله الذى جعل ائمتنا حياةً لدينه و هداةً لعباده و حجباً على خلقه و الصلوة و السلام على امين وحيه و خاتم رسله سيدنا و مولانا ابى القاسم محمد (ص) و على اهل بيته الطيبين الهداة المهديين سيما الحجة الثانية عشر الذى وعد الله به الامم اللهم انفعنا بحبه و احشرنا فى زمرة و تحت لوائه.»
٥. «الحمد لله الذى المتجلى لعباده باياته الدالة على ذاته بذاته المتنزه عن مجانسة مخلوقاته و الصلوة على اسم الله الاعظم ابى القاسم محمد (ص) سيما على النفس التى هى للإمكان مصدر و للممكن محور و فى الكون مضمّر طاووس اهل الجنة العدل المؤمل و الامام المنتظر عجل الله تعالى فرجه و لعنة الله على اعدائهم ابدا الابد الى قيام يوم الدين.»
٦. «توكلتُ على الحى الذى لا يموت و الحمد لله ذى الملك و الملكوت و استعنتُ بذى القدرة لاهوت اللهم صلّ على حبيبك و حقيقة نورك و خاتم رسلك ابى القاسم محمد (ص) و على اله المعصومين سيما بقية الله فى الارضين ضياءك الشرق و نورك المتألق علم النور فى تخياء الديجور الغائب المستور و الامام المنصور الحجة ابن الحسن العسكري (عليه السلام)»
٧. «لا حول و لا قوة إلا بالله العلى العظيم حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين و على اهل بيته الطاهرين الذين اوجبت حقهم و فرضت طاعتهم و اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهيراً سيما خاتم الاوصياء و وارث الانبياء اللهم ربنا رأفتنا و رحمتنا و دعائنا و خيرنا ما تنال به سعة من رحمتك.»

نمونه دعا‌های پایانی منبرها و سخنرانی‌های مهدوی

محبت الاسلام و المسلمین مسن عرفان

السلام علی المهدی الذی وعدالله به الامم

• الهی مهدی باوران را مهدی یاور ساز و صالحان را مصلح و عدالت خواهان را عدالت پیشه و مصلحان را مسلح و مسلحان را صلاح کیش.
• ای خوبترین خوبان؛ به شاعران ما شور و شعور، به نثرمان نظم و به نظممان جزم به گفتارمان بلاغت، به نویسندگانمان ادب به ادبیاتمان محتوا به عالمانمان ایمان و عرفان و به عارفان حضور عنایت کن و به یأس نشستگان امید و به کشتی شکستگان انتظار.

• خداوندا! به خفتگان ما بیداری به بیداران ما راهیابی به غافلان هشیاری و به جاهلان دانائی به تن پروران ما درد و دردمندان ما درمان ده و به غیبتمان حضور و به حضور مهدی ظهور.

• ای آفریننده زیبائی‌ها!

به چشم‌های ما پاکی به پاهای ما چالاکی به دل‌های ما بی‌باکی به زبان‌های ما گویایی به قلم‌های ما پویایی به مخالفان ما موذت به دوستانمان مروّت و به دشمنانمان هدایت به پزشکان ما حذاقت، به

رزمندگان ما شجاعت به فرماندهان نصرت به راه‌ماندگان حرکت، به
پویندگان سرعت به سرعت‌مندان وصال به هدف، به خامان ما پختگی و به
مهدی‌خواهان ما آمادگی عنایت فرما.

• کریم!

به متحجران ما سیاست، به سیاستمداران ما مصونیت، به احزاب ما
وحدت به مدیران ما تدبیر و میز به میزداران ما تمیز ببخش و به
مستضعفان، حاکمیت و به حاکمیت ستم فرجام.

• مهربانا!

به توانمندان ما احسان به ناتوانان ما قدرت و به قدرتمندان ما ترحم و
رحمت ارزانی دار. و به غیبت باوران ما ادب حضور و به منتظرانمان آیین
انتظار تعلیم ده.

• ای خوب‌ترین

به پرده پوشان ما عفت و به عفت‌مندان ما پرده پوشی، به مدیران ما
درایت و عدالت به فرمان‌پذیران، بصیرت و به صالحانمان دولت و امامت و
به شهرت‌خواهان هنر بی‌نشانی و به نام‌جویان لذت گمنامی و به نان‌خواهان
عزت قناعت را بچشان.



نمونه سخنرانی های مهدوی



عشق به امام زمان علیه السلام در دعای عهد

محبت الاسلام والمسلمین مومن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحيم

«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

مقدمه: محبت امام

اول بگوییم: امام زمان علیه السلام ما را دوست دارد. چون امام رضا علیه السلام فرمود: «و أشفق علیهم من آبائهم و أمهاتهم» (فقیه/ج ۴/ص ۴۱۸) یکی از ویژگی‌های امام این است که: از پدر و مادر به مردم مهربان‌تر است. این که امام زمان علیه السلام می‌آید همه را قلع و قمع می‌کند، یک تصویر وحشت‌ناک درست می‌کنند، این غلط است.

در دعای ندبه داریم: «أین هادم أبیة الشّرك و النّفاق» ساختمان‌هایی خراب می‌شود. آدم‌هایی محو می‌شوند. اما بلا تشبیه باید بگوییم، مثل ظهور انقلاب، امام خمینی علیه السلام که آمد خوب افرادی را اعدام کردند و افرادی هم فرار کردند. اما واقعاً امام مهربان بود یا خشن؟ همه محبت بود.

یک قطعه زمین که ارث به امام رسیده بود، به امام جمعه‌ی خمین نوشت که تمام این را تقسیم کن. تمامش را به فقرای خمین بده. وقتی تهران بمباران می‌شود و می‌خواهند جای امام را عوض کنند، امام می‌فرماید:

«نه، چطور مردم زیر بمب باشند و من نباشم. اگر هستیم با هم باشیم. وقتی» می‌گویند: خطرناک است شما از پاریس به ایران بیایید. می‌فرماید: خطر باشد. می‌خواهم در بین امت باشم. تازه امام با امام زمان علیه السلام خیلی فاصله‌شان است.

امام زمان علیه السلام فرمود: من هرگز شما را فراموش نمی‌کنم. والله من شما را فراموش نمی‌کنم. ما هم باید علاقه داشته باشیم.

خاطره‌ای از نیمه‌شعبان در مدینه

شب نیمه‌شعبان در مدینه بودم برای عمره. هتل فندق الدخیل، راست قبرستان بقیع، پایینش مغازه است. رویش غذاخوری است. از طبقه دوم به بالا هم مسافرها! چندین کاروان جا دارد، ۱۵، ۱۶ طبقه است. رفتم طبقه‌ی دوم روی پاساژ غذا بخورم، یک مرتبه متوجه شدم نیمه شعبان مگر برای امام زمان علیه السلام نیست؟ قرائتی یک کاری کن! چه کنم؟ برو همین مغازه‌ی پایین، چند تا پیراهن، زیر پیراهنی بخر. برو پیش آشپزها، بگو: شما آشپز هستید. در هوای داغ مدینه پای دیگ داغ، یک عیدی به شما بدهم. نفری یک پیراهن به این آشپزها بده، خوب که طراحی کردم خواستم بلند شوم، متوجه شدم که پول ندارم. پولم تمام شده بود. در دنیای بی‌پولی طراحی کردم. حال من گرفته شد که چرا من پول ندارم نیمه‌شعبان یک کاری برای آقا بکنم؟

بیست دقیقه شد یا نشد نمی‌دانم. یک کسی آمد کنار من نشست گفت: حاج آقا، آشپزها می‌آیند از شما تشکر کنند، هیچی نگو. نگاهشان کن. گفتم:

آشپزها از من برای چه تشکر کنند؟ گفت: من آن طرف نشسته بودم غذا می‌خوردم، به دلم برات شد که بروم مغازه‌های پایین، چند تا پیراهن و زیر پیراهنی بخرم و نزد آشپزها بروم و بگویم: عیدی نیمه شعبان است. منتهی اگر بگویم: من عیدی دادم، کسی لذت نمی‌برد. گفتم قرائتی داده این‌ها بیشتر خوشحال می‌شوند. من به نیت تو این کار را کردم که این‌ها بیشتر خوشحال شوند. من ماندم گفتم: یا حجت بن الحسن علیه السلام، تو چه کسی هستی؟ خدا هم همین‌طور است.

خدا خیلی ما را دوست دارد.

پدر دو شهید روحانی بود، کاروان حج داشت. یک پیرمردی به ایشان گفت: من هم مکه می‌آیم. گفت: پدر جان تو مریض هستی. بیمار هستی. چند رقم بیماری داری. نمی‌توانی خودت را نگه داری. بالاخره باید دکتر اجازه بده. این دست و پا زد، حالا دکتر را دید، چطور شد، خلاصه پیرمرد وصل به این کاروان شد و مکه رفتند و این پیرمرد در مسجدالحرام نتوانست خودش را نگه دارد. خودش را نجس کرد. مدیر کاروان آمد گفت: گفتم نیا!!! من چه خاکی بر سرم کنم؟! مسجدالحرام نجس شد!!! می‌گفت: دو سه تا نعره سر این زائر پیرمرد کشیدم. شب خواب دیدم، که، به تو چه؟ خانه‌ی من نجس شده، چرا سر مهمان من داد زدی؟ مهمان من است.

مراجع هم همین‌طور است. خدا آیت الله العظمی گلپایگانی را رحمت کند. من درسش می‌رفتم، ایشان یک روز گفت: من وقتی می‌فهمم طلبه‌ها کم درس می‌خوانند این قدر می‌سوزم و غصه می‌خورم که می‌افتم و تب

می‌کنم. تب می‌کنم برای این‌که من درس می‌دهم. من اگر همه‌ی بچه‌هایم هم رفوزه شوند، داد می‌زنم ولی تب نمی‌کنم. این سلسله‌ی خدا و اولیای خدا، خدا و امام زمان عجته، ما را دوست دارد. حالا ما چقدر او را دوست داریم؟

سلام به امام زمان عجته از جانب همه مؤمنان

علاقه به امام زمان عجته. این علاقه یک علاقه‌ی ویژه‌ای است.

۱. علاقه‌ی جمعی: در دعای عهد داریم که «اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جميع المؤمنين و المؤمنات» وقتی سلام می‌کند نمی‌گوید: سلام علیکم، السلام عیلك یا مهدی! می‌گوید: از طرف همه‌ی مؤمنین و مؤمنات سلام! علاقه‌ی جمعی، سلام می‌کند، «عن جميع المؤمنين و المؤمنات»

۲. علاقه‌ی بی‌مرز: علاقه‌ی بدون مرز؛ چطور؟ در دعا داریم: «فی مشارق الأرض و مغاربها» «مشارق و مغارب» مشرق و مغرب. عشق من به امام زمان عجته مرز ندارد. سبزوار باشم یا جیرفت، قطر باشم یا اتریش.

۳. علاقه‌ی بدون شرط؛ می‌گوید: «حیهم و میتهم» از زنده سلام، از مرده سلام. شرطش حیات هم نیست.

۴. علاقه‌ی بدون تاریخ؛ «و عن والدی و ولدی»، «عنی» یعنی از طرف خودم، «ولدی» یعنی بچه‌هایم، «و والدی» پدر و مادرم. یعنی هم گذشته‌ی والدین، هم آینده‌ی والدین، بدون تاریخ.

۵. علاقه‌ی بی‌حساب؛ در دعا داریم: «و زنة عرش الله»، «زنة» یعنی

وزن، «و زنة عرش الله» مهدی جان به قدری دوستت دارم، وزن عرش خدا دوستت دارم «زنة عرش الله و مداد کلماته»، «و منتهی رضاه» «و عدد ما أحصاه کتابه و أحاط به علمه» به عدد علمم، و....

۶. علاقه‌ی تازه به تازه، علاقه کهنه نمی‌شود. می‌گویید: «اللّٰهُمَّ أَجَدِّ لَه فِی هَذَا الْیَوْمِ وَ فِی كُلِّ یَوْمٍ» «فی هذا الیوم» یعنی در امروز، «فی هذا الیوم و فی کل یوم» یعنی هر روز.

۷. علاقه‌ی رو به رشد، اول می‌گوید: «عَهْدًا» خدایا مهدی جان با تو عهد دارم. بعد می‌گوید: بالاتر از عهد، «عَقْدًا» با تو گره می‌خورم. می‌گوید: بالاتر از گره، «عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَیْعَةً» اصلاً با تو بیعت می‌کنم. «عَهْدًا» تعهد دارم. بالاتر از تعهد، گره می‌خورم. «عَقْدًا» عقد یعنی گره، عقد عروس و داماد یعنی این‌ها با هم گره خوردند. با تو تعهد دارم. بالاتر از تعهد، به تو گره خوردم. بالاتر از گره، «بَیْعَةً» سرم فدای تو!

۸. علاقه‌ی حتمی: می‌گویید: «فِی رَقَبَتِی» یعنی به گردنم. «فِی رَقَبَتِی» به گردن من.

۹. علاقه‌ی افتخارآمیز: آخر گاهی وقت‌ها آدم یک کسی را دوست دارد و افتخار می‌کند من دوستش دارم. علاقه‌ی افتخارآمیز.

«اللّٰهُمَّ فَکَمَا شَرَفْتَنِی بِهَذَا التَّشْرِیفِ فَضَلْتَنِی بِهَذِهِ الْفَضِیْلَةِ وَ خَصَصْتَنِی بِهَذِهِ النِّعْمَةِ» خدایا، مهدی جان من به تو علاقه دارم. خدا را شکر که تو را دوست دارم. می‌شد به جای علاقه به امام زمان دیگران را دوست داشته باشم.

۱۰. علاقه‌ای همراه با تمام مراحل؛ می‌گوید: خدایا، «اللهم و اجعلنی من أنصاره» از انصار، ناصر، انصار یعنی؟ معنا کنید. انصار، یاران. بالاتر «و أشیاعه» شیعه، بیش از یاور، «و الذابین عنه» مدافع، «و اجعلنی من المستشهدین بین یدیه» پیش مرگ! خدایا مرا قرار بده از انصارش، بالاتر از انصار، اشیاع، شیعه، بالاتر از شیعه، «و الذابین عنه» مدافع، بالاتر از مدافع، «و اجعلنی من المستشهدین بین یدیه» آخر یک کسی امام حسین (ع) را این قدر دوست دارد که روز عاشورا یک پیراهن سیاه می‌پوشد. امام زمان (ع) را این قدر دوست دارد که شب نیمه شعبان چراغانی می‌کند. امام سهم امام را نمی‌دهد. هرچه می‌گویند: بابا این درآمدی که داری بیست درصدش برای امام زمان (ع) است. می‌گوید: نه، امام زمان (ع) را قربانش بروم. اسم بچه‌ام را مهدی گذاشتم. چراغانی هم می‌کند. اما حالا پول برای امام زمان (ع) هم بدهم نه! در حدی که پیراهن سیاه روز عاشورا بپوشم. خرج بدهم نه! می‌گوید: «أنصاره و أشیاعه و الذابین عنه و اجعلنی من المستشهدین بین یدیه»

۱۱. علاقه‌ی عاشقانه: «طائعا غیر مکره»، «مکره» یعنی اکراه ندارم. روی عشق است. با پای خودم آمدم. عاشقانه، آگاهانه، عارفانه، این علاقه‌ها. والا گاهی وقت‌ها عروس و داماد در پارک همدیگر را می‌بینند، یک بستنی می‌خورند، اس ام اس به هم می‌فرستند و عاشق هم می‌شوند، سر یک بستنی با هم گره می‌خورند و سر یک چیز بیهوده با هم قهر می‌کنند.

۱۲. علاقه‌ی همراه با عمل؛ می‌گوید: خدایا «واجعلنی... فی الصف الذی

نعتِ أهله فی کتابک فقلت صفًا کانهم بنیان مرصوص «قرآن در سوره‌ی صف می‌گوید: مردان خدا در جبهه چنان محکم هستند، «بنیان مرصوص» (صف/۴) بتون آرمه‌ای هستند. علاقه‌ی بتون آرمه‌ای. علاقه‌ای نیست که با یک چیزی، مثل علاقه‌ی مادر به بچه‌اش چطور است؟ مادر با بچه‌اش چطور علاقه دارد؟ دائمی است، این‌طور نیست که مثلاً هفده سالگی دوستش داشته بشد، هجده سالگی دوستی‌اش کم شود. نوزده سالگی کم شود، یا روزه‌روز بیشتر شود. علاقه‌ی مادر و بچه علاقه‌ی عمیق، ثابت....

۱۳. علاقه در خط صحیح؛ گاهی وقت‌ها کسی را دوست دارد ولی غلو می‌کند. بعضی‌ها علی‌اللهی‌ها... یکی دیگر می‌گفت: من زینب‌اللهی هستم. گفتم: غلط کردی زینب‌اللهی کیه؟ ما علی‌اللهی نداریم. ما خدا، و هر کس به خدا نزدیک است، هیچ کس خدا نیست. سجده برای غیر خدا، غلط است. عبادت برای غیر خدا غلط است. علاقه‌ای که در خط باشیم. «علی طاعتک و طاعة رسولک» بعضی‌ها علاقه‌شان، علاقه در خط نیست.

یک کسی به حضرت رسید گفت: سلام علیکم و رحمة الله و برکاته! حضرت فرمود: شورش را درآوردی! یک کسی همه‌ی لباس‌هایش را سبز کرد، ریش‌هایش را هم سبز کرد، گفتند: دیگر چرا ریشات را سبز کردی؟ گفت: من می‌خواهم یک ضرب چهارده معصوم شوم.

بعضی‌ها که نمی‌فهمند، مثل این که یک بچه شیرخواره سرما می‌خورد. اگر یک کسی آن‌جا باشد احمق باشد، خوب پدر و مادر می‌فهمند. ولی یک آدم احمقی باشد می‌گوید: سرما خورد. لحاف کرسی رویش بیانداز. خوب

لحاف کرسی را روی بچه‌ی شیرخواره می‌اندازی، خفه می‌شود. باید آدم مواظب باشد علاقه‌ی حساب شده در خط باشد.

۱۴. علاقه‌ی ابدی: می‌گوید: «هذه بيعة له في عنقي إلى يوم القيامة» «لا حول و لا أزال» ذره‌ای منصرف نمی‌شوم. «لا حول» ح جیمی است. «لا حول و لا قوة» «لا حول و لا أزال» علاقه‌ی در خط، نه علاقه‌ای که حالا غلو و مبالغه کنم.

«احتوا في وجوه المداحين التراب» (بحار الانوار/ج ۷۰/ص ۲۹۴) حدیث داریم اگر کسی، کسی را ستایش می‌کند در دهانش خاک بریز. چرا؟ برای این که این دارد چاپلوسی می‌کند. علاقه ما به امام زمان عجته چاپلوسی نیست. بعضی‌ها علاقه‌شان علاقه‌ی شکمی و چاپلوسی است. یک کسی می‌گفت: من وقتی می‌روم سور بخورم، نگاه به سفر می‌کنم. هر طور سفره بود بر وزن سفره دعا می‌کنم. اگر سفره طبیعی بود، پلو بود و یک رقم خورشت، «من قرأ الفاتحه»! بس است، یک رقم خورشت بیشتر نبود. اگر دیدم خورشت‌ها زیاد است، غذا هست، دست‌ها بالا! «نسئلك و ندعوك...» اگر دیدم نه بابا اصلاً کادو هم می‌دهند، حسابی دعایم را پررنگ می‌کنم. «یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی...» این علاقه‌ها، علاقه‌ی شکمی است. حساب امام زمان عجته از حساب همه جداست.

۱۵. علاقه‌ای که آرزوی انتظار در آن باشد. «عجل فرجه» خدیا عجله کن. علاقه‌ای که آدم دلش بخواهد با امام زمان دنیا را اصلاح کند. «و اعمر اللهم به بلادک و أحي به عبادک» مردم را زنده کن با مکتبت، احقاق حق

باشد «و یحق الحقّ و یحقّقه» رونق مکتب باشد. «و مجدّداً لما عطل من أحكام کتابک» مصونیت کامل باشد. خدایا حضرت مهدی را حفظ کن. چند تا را هم که این جا کتبی آوردیم. این علاقه به امام زمان علیه السلام است. امام زمان علیه السلام نخ هستی است. در اسکناس یک نخ است، آن نخ به اسکناس ارزش می‌دهد. «لو لا الحجة لساخت الأرض بأهلها» (بحار الانوار/ج ۵۷/ص ۲۱۲) حجت نبود. زمین ارزش نداشت. زمین اهلش را فرو می‌برد. اگر این نخ در اسکناس نباشد، تمام اسکناس‌ها را بانک مرکزی آتش می‌زند. اگر بانک برای اسکناس ارزش قائل است به خاطر آن نخ است. آن نخ را از اسکناس بکشد، دو تا کامیون اسکناس هم بدهی همه را آتش می‌زند. «حبل الله المتین» (بحار الانوار/ج ۶۵/ص ۲۳۳) نخی که پاره نمی‌شود.

حضور امام زمان علیه السلام در میان مردم

امام زمان غایب است ولی قرآن یک آیه دارد می‌گوید که: امام زمان علیه السلام بین شماست. شما را می‌شناسد، شما او را نمی‌شناسید. یک آیه داریم که یوسف برادرهایش را شناخت. ولی برادرها یوسف را نشناختند. آخرش گفتند: «أ أنت»، «أ» یعنی چه؟ «أنت». «أ أنت» یوسف! تو یوسفی؟ «قال أنا یوسف» (یوسف/۹۰) آن جا دیگر جلسه چه شد؟ بعد دید دهها سال که از هم جدا بودند، یک نوجوان را در چاه انداختند، حالا بعد از سی، چهل سال می‌بینند که یک حکومت دستش است. «أ إنک لأنت یوسف» (یوسف/۹۰) قرآن می‌گوید: «فعرّفهم» (یوسف/۵۸) عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است.

«فعر فهم» یوسف آن‌ها را شناخت. ولی آن‌ها یوسف را نشناختند. امام زمان علیه السلام هم بین ما است و ما را می‌شناسد. «بنفسی أنت» جانم فدایت، «من مغیب» غایب هستی، ولی «لم یخل منا» (بحار الانوار/ج ۹۹/۱۰۸) غایب هستی اما بر کار ما نظارت داری.

حضرت مهدی علیه السلام هر هفته اعمال ما را می‌بیند. روایات زیادی داریم. کارهای شما به ما عرضه داده می‌شود. هر وقت کار خوب می‌کنید ما خوشحال می‌شویم، هر وقت خلاف می‌کنید ما غصه می‌خوریم. امام زمان علیه السلام پدر ما است. قرآن می‌گوید که: «رهبر حق پدر شماست.» «مَلَّةُ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ» (حج/۷۸) به حضرت ابراهیم می‌گوید: «أَب» یعنی پدر. «مَلَّةُ أَبِيكُمْ» پدر شما، «إِبْرَاهِيمَ» حضرت ابراهیم. در دعا داریم «أنا و علیّ أبوا هذه الأمة». پیغمبر فرمود: من و علی پدر شما هستیم.

چند نکته پیرامون ظهور:

الف. مبارزه امام زمان علیه السلام با ظلم و ستم جهانی

حدیث داریم که امام زمان علیه السلام وقتی می‌آید دنیا پر از ظلم شود. خوب می‌گویند: اگر دنیا پر از ظلم شود امام زمان علیه السلام می‌آید، پس بیایید همه ظلم کنیم. هرکسی هر گوشه هست ظلم کند. امر به معروف هم نکند. نهی از منکر هم نکنیم. بگذارید هرکس هر گناهی می‌خواهد بکند، تا دنیا پر شود و بعد امام زمان بیاید. خوب این هم کج‌فهمی است.

روایت گفته: «بعد ما ملئت ظلما» (بحار الانوار/ج ۳۰/ص ۸۰) دنیا پر از

ظلم شود، نه دنیا پر از ظالم شود، فرقی چیست؟ یک وقت می‌گوییم: پنجره را وقتی باز می‌کنم که این‌جا پر از دود شود. یک وقت می‌گوییم: وقتی پنجره را باز می‌کنم که همه سیگاری شوید. نگفته: وقتی پنجره را باز می‌کنم که همه سیگاری شوید. می‌گوید: وقتی پنجره را باز می‌کنم که این‌جا پر از دود شود. یعنی ممکن است همه شما سیگاری نباشید. یک نفر یک کنده درخت می‌آورد، این‌جا پر از دود می‌شود، پر از دود شود نه این‌که مردم همه اهل دود شوند، یک وقتی می‌گوییم: وقتی مسجد را می‌سازم که همه شما پول بدهید. همه شما یک مبلغی بدهید من بنایی را شروع می‌کنم. یک وقتی می‌گوییم، وقتی من مسجد را می‌سازم که پولش پیدا شود. ممکن است یک نفر بیاید یک چک بدهد، پولش را بدهد. یک نفر یک کنده درخت را یک‌جایی بگذارد، یک صدام کافی است که نصف دنیا را به آتش بزند. یک اسرائیل کافی است. صدام عراق را آتش نزد؟ کویت را آتش نزد؟ ایران را آتش نزد؟ لازم نیست همه‌ی مردم جانی باشند. یک جنایتکار کافی است یک کاغذ کافی است که آتش بگیرد و جنگل را آتش بزند. لازم نیست همه درخت‌ها را کبریت بزنیم. «بعد ما ملئت ظلما» بعد از آن که پر از ظلم شود. نه پر از ظالم، این یک معنا.

ب. امام زمان علیه السلام با این اختراعات چه می‌کند؟

ما الآن با موبایل و تلفن همراه، با آن طرف دنیا حرف می‌زنیم. با آمریکا و با کانادا حرف می‌زنیم. صدایش را هم می‌شنویم، وسیله‌ی بهتر، صدای طرف را می‌شنوی، شکلش را هم می‌بینی. در قرآن یک آیه داریم، می‌گوید:

نه فقط صدایش را می‌بینی، و شکلش را، خودش می‌آید. یعنی شما یک کاخ را از آمریکا به ایران آوردی، این دیگر نمی‌شود. بله صدای آمریکا را بشنو. تصویر آمریکا را هم ببین. اما خودش می‌آید. در قرآن یک آیه داریم می‌گوید: که سلیمان تخت بالقیس را می‌خواهد. به یک نفر گفت: چه کسی می‌تواند تخت او را این‌جا بیاورد؟ چون بالقیس حرکت کرد نزد سلیمان بیاید. حضرت سلیمان گفت، من دلم می‌خواهد قبل از آن که خودش بیاید، یک کسی تختش را بردارد و اینجا بیاورد. یکی گفت: تا نشسته‌ای می‌آورم. عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. «قبل أن تقوم من مقامک» (نمل/۳۹) یعنی تا نشسته‌ای می‌آورم. یکی دیگر گفت: نه! «قبل أن یرتد إلیک طرفک» (نمل/۴۰) قبل از آن که مژغات به هم بخورد می‌آورم. یعنی چه؟ یعنی می‌شود قدرت به جایی برسد، که در دو سه ثانیه، نه صدا و تصویر.

حدیث داریم تمام اختراعات تا زمان امام زمان علیه السلام دو بیست و هفتم است. یعنی اگر علم را بیست و هفت قسمت کنیم، تمام ابتکارات دو قسمت است. ۲۵ قسمت باقیمانده زمان امام زمان علیه السلام ظهور می‌کند.

روایت داریم بسیاری از افراد دانه درشت دنیا می‌آیند با امام زمان علیه السلام بیعت می‌کنند. مگر نیروی هوایی نیامد... همان خلبان‌هایی که رفته بودند آمریکا دوره دیده بودند که بازوی شاه شوند، مگر خلبان نیروی هوایی نیامد بیعت کرد، بعد مگر نیروهای مسلح دیگر نیامدند. مگر پادگان‌های جاوید شاه، جاوید شاه، تبدیل به «الله اکبر» نشد؟ همه چیز قابل تغییر است. «این معزّ الأولیاء» اولیائش را عزیز می‌کند. «و مذلّ الأعداء» دشمنانش را ذلیل

می‌کند. مگر نمی‌شود یک مرد خدا حاکم شود. در ایران که امام خمینی رحمه الله حاکم شد، پس آنجا هم می‌شود.

وظیفه‌ی ما در زمان غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

وقتی که امام زمان علیه السلام غایب است فرموده: مرجع تقلید که فقیه، عادل و بی‌هوس باشد. فقیه عادل بی‌هوس! خود امام زمان علیه السلام فرمود: وقتی من نیستم، فقیه! دنبال سیر و سلوک نروید. هرچه واجبات است انجام بدهید، محرمات را انجام ندهید، بهترین سیر و سلوک همین است. دنبال شعرا نروید. دنبال فلاسفه نروید. دنبال این‌ها نروید. البته نمی‌خواهم بگویم همه این‌ها در یک سطح هستند. چون اخیراً دکان باز شده است. هرکسی از یک درس یک دکانی باز کرده است. مردم تشنه هستند، دنبال یک حقیقت می‌گردند وقتی حقیقت نیست، دنبال مصنوعی‌اش می‌روند. مثل این که طلا می‌خواهند، منتهی طلای حقیقی نیست، طلای بدلی است. عارف بدلی، نمی‌دانم مرشد بدلی.

اجرای آیات قرآن در زمان امام زمان علیه السلام

یک سری آیاتی داریم که تا امام زمان علیه السلام نیاید عمل نمی‌شود. من در یک دقیقه تند تند این آیات را بخوانم، آیه این است. «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء/۱۴۱) خدا اجازه نمی‌دهد کفار راه نفوذ بر مسلمان‌ها داشته باشند. یعنی مسلمان‌ها باید همیشه یک سر و گردن بالا باشند که کفار راه نفوذ بر مسلمان‌ها نداشته باشند. این آیه تا به حال عملی

نشده است. زمان امام زمان علیه السلام عمل خواهد شد.

آیه‌ی دوم، «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين» (منافقون/۸) عزت برای خدا و رسول و مؤمنین است. این به طور جامع فقط در زمان امام زمان علیه السلام عمل می‌شود. «ترهبون به عدو الله» (انفال/۶۰) مسلمان‌ها باید دشمن خدا را بترسانند. فقط در زمان امام زمان علیه السلام ما می‌توانیم، دشمنان خدا را بترسانیم. «یکفر بالطاغوت و يؤمن بالله» (بقره/۲۵۶) نسبت به طاغوت کفر بورزیم... کفر به طاغوت‌ها نمونه‌ی بارزش زمان حضرت مهدی علیه السلام است. «إذ كنتم قليلاً فكثركم» (اعراف/۸۶) جمعیت شما روز به روز بیشتر می‌شود. این در زمان امام زمان علیه السلام بهترین نمونه‌اش است. در قرآن آیه‌هایی داریم که تا زمان ظهور نباشد، به آن آیه‌ها عمل نمی‌شود.

حتماً می‌دانید که امام زمان علیه السلام وقتی متولد شد، شب نیمه شعبان بود. بعد از شب قدر شب مهمی است. امام زمان علیه السلام ما در دوست دارد. ما باید بچه‌هایمان را به اسم امام زمان علیه السلام بگذاریم. سهم امام را هم بدهیم. امام جواد علیه السلام فرمود: من امام جواد علیه السلام هستم. به مردم بگویید: من ضامن هستم خمس بدهید، مالتان کم نشود. سهم امام را باید داد. الآن خیلی افراد متمولی هست که متأسفانه از پولش خیر و برکت... البته این‌ها، بعضی‌هایشان نفرین شده هستند. همه نه، بعضی‌هایشان نفرین شده هستند. یعنی گفته: «إن شاء الله» از مالت خیر نبینی. جان می‌کند، نتیجه‌ی جان کندنش وارثانش، وارثانش هم بچه‌های پولداری هستند. وارث‌ها نیاز ندارند، نمی‌گویند: برای وارث‌ها نگذارید. اما شما که وضع مالی‌ات خوب است،

نمی‌خواهی آخر عمرت یک مسجد بسازی؟ نمی‌خواهی یک مدرسه‌ی علمیه بسازی. نمی‌خواهی یک درمانگاه بسازی؟ نمی‌خواهی چهار تا جوان را داماد کنی؟ مگر من باید گاوصندوق گوشتی باشم. پولداری که پولش را انفاق نمی‌کند گاوصندوق گوشتی است. این گاوصندوق‌های دکان‌ها فلزی است. این گاوصندوق گوشتی، من تعجب می‌کنم. می‌داند دو سال، پنج سال دیگر بیشتر عمر ندارد، پیر شده، می‌داند دیگر عمری ندارد. می‌داند این سرمایه‌ها را در قبر نمی‌برد. بالاخره قیامت که هست. بعضی‌ها می‌گویند: خودمان بدهیم. بله انفاق را خودت بده، اما آن که برای امام زمان علیه السلام است باید به دست جانشین امام زمان علیه السلام خرج شود. من دلم می‌خواهد خودم بدهم، این نفس است. من دلم می‌خواهد خودم بدهم. مگر خودت، خودت را عادل می‌دانی. خودت، خودت را بی‌هوس می‌دانی. شما، هم هوس داری هم عادل نیستی. خودت که می‌دانی چه کردی؟ لااقل به کسی بده که هم عادل هست و هم هوس ندارد. بگذار پول دست او خرج شود. چرا دست ما؟

خدایا از الآن تا ابد ما را از یاران حضرت مهدی علیه السلام قرار بده. به آبروی خود امام زمان علیه السلام رفتار و گفتار و افکار و کردار و موضع‌گیری‌های ما را طوری قرار بده که امام زمان علیه السلام از ما راضی باشد. ما را مشمول دعای خاص امام زمان علیه السلام قرار بده. نسل ما را تا آخر تاریخ از یاران امام زمان علیه السلام قرار بده.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

نقش مردم در تغییر دوران غیبت به ظهور

آیت الله مائری شیرازی

تغییر سرنوشت و نعمتها با تغییر اخلاق و رفتار

این دو آیه را در نظر بگیرید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۱ و جای دیگه هم میفرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۲

از دو چیز صحبت می‌کند یکی «ما بقوم» و یکی «ما بأنفسهم» این دو (با هم) رابطه دارند. «ما بأنفسهم» اخلاق و سرشت مردم است و «ما بقوم» سرنوشت مردم و مقدرات آنهاست. سرنوشت مثل اینکه مردم عزیز یا ذلیل شوند. مثالهای متعددی وجود دارد. در احادیث داریم که: «ما عال من اقتصد»^۳ کم نیاورد آن که میانه‌روی کرد. من اقتصد «ما بأنفسهم» و اخلاق است. ما عال

۱ سوره انفال آیه ۵۳

۲ سوره رعد آیه ۱۱

۳ قال صلى الله عليه وآله: من بذّر أقره الله و قال صلى الله عليه وآله: ما عال من اقتصد جامع احادیث

الشیعه ج ۲۲ ص ۲۵۴

«ما بقوم» و سرنوشت و مقدرات است. و باز می فرمایند: «من أسرف افتقر»^۱. اگر کسی بریز و بپاش کرد فقیر می شود. من اسرف اخلاق است. افتقر مقدرات است. اسراف کردن اخلاق است. فقیر شدن مقدرات است. ما عال مقدراتش است. یک جا می گوید هر که اسراف کرد فقیر شد. یک جا می گوید کسی که میانه روی کرد کم نیاورد و فقیر نشد.

غیبت امام سرنوشتی است که ثمره اخلاق و رفتار مردم است

امام غائب بشود و یا ظاهر بشود این جزء سرنوشت و مقدرات است. اینکه مردم قدر امام را بدانند یا ندانند اخلاق است. خدا نعمت امامت را به مردم داده. این نعمت را تغییر نمی دهد مگر این که مردم اخلاق شان را تغییر بدهند. یازده امام خدا برای مردم گذاشت در امام یازده مردم اخلاقشان تغییر کرد خدا هم مقدراتشان را تغییر داد. نامه نوشتند بزرگان به امام یازدهم که مبالغی خدمت شما فرستادیم [بفرمایید] که کجا خرج شده است؟

حضرت در جواب نوشت اگر این امامت یک امر متصلی است پس چرا این سؤال را اجداد شما از اجداد من نکردند؟ یعنی چیز تازه ای شده؟ چطور شد که من را امام می دانید و این سؤال را می کنید؟ بعد از این مکاتبه حضرت اجازه دیدار شیعیان را با خودش نداد. پرده سیاهی در وسط اتاق نصب شد حضرت پشت پرده

۱ به این متن به عنوان حدیث دسترسی پیدا نکردیم اما مضمون آن با عبارات دیگر در احادیث به چشم می خورد. مثلاً الکافی ج ۴ ص ۵۴ باب فضل القصد: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ اقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ وَمَنْ بَذَرَ حَرَمَهُ اللَّهُ. وَبِأَنَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عُبَيْدُ إِنَّ الشَّرَفَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُورِثُ الْغِنَى.

می‌نشستند. شیعیان می‌آمدند سؤال می‌کردند. حضرت جواب می‌داد. نه اجازه می‌داد که ببینندش و نه ببیند آن‌ها را. این اولین مرتبه غیبت است. مردم ما بانفسهم را عوض کردند در نتیجه ما بقوم تغییر کرد. ما بانفسهم که شاکر بودن بود تبدیل شد به کفران نعمت در نتیجه ما بقوم که زیارت امامشان بود به محرومیت از امام تغییر کرد. منتهی اجازه شنیدن صدا را دادند. یعنی پله پله تا امام دوازدهم آمد دیگه ایشان دیدنش و شنیدن صدایش از شیعیان گرفته شد. ما بقوم یک درجه شدیدتر شد. نه آقا را می‌دیدند و نه صدایش را می‌شنیدند نایبش را می‌دیدند و نایب حدود ۷۰ سال رابط بودند بین مردم با حضرت. نامه‌ها را حضرت جواب می‌داد به آخرین نایب نوشت «فانک میت ما بینک و بین سته ایام.»^۱ تا ۶ روز دیگه شما از دنیا می‌روی قد وقعت الغیبة الكبرى مرحله غیبت صغری منتقل شد به غیبت کبری. پس ناشکری بود که سرنوشت مردم را عوض کرد.

۱ متن توقیع: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَكْتَبُ قَالَ: كُنْتُ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ فِي السَّنَةِ الَّتِي تَوَفَّى فِيهَا الشَّيْخُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ قُدْسَ سِرُّهُ فَحَضَرْتُهُ قَبْلَ وَفَاتِهِ بِأَيَّامٍ فَأَخْرَجَ إِلَى النَّاسِ تَوْقِيعًا نُسَخَتْهُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تَوْصِي إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ النَّامَةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمْرِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَسَيِّئِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ [أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ] قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ قَالَ فَنَسَخْنَا هَذَا التَّوْقِيعَ وَخَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ السَّادِسُ عُدْنَا إِلَيْهِ وَهُوَ يَجُودُ بِنَفْسِهِ فَقِيلَ لَهُ مَنْ وَصِيكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ لِلَّهِ أَمْرٌ هُوَ بِالْعُهِ وَفَضَى فَبُذِلَ آخِرُ كَلَامٍ سَمِعَ مِنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَارْضَاهُ. الغيبة (للطوسي) ص: ۳۹۵

ابتدا محروم شدن از زیارت امام و بعد محروم شدن از شنیدن صدای امام. و بعد محروم از سفارت و نیابت خاصه. مهدویت یعنی همین. که چون با ناشکری غیبت واقع شده است جز با شاکر شدن مردم عوض نمی‌شود.

علامت بدون تردید ظهور

علامت بدون تردید ظهور وضعیت مردم است. مردم عوض بشوند باز سرنوشتشان عوض می‌شود به همان دلیل «ذلک بأن الله لم یک مغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم». همانطور که نعمت را زمانی می‌گیرند که مردم ناشکر شدند زمانی پس می‌دهند که مردم سپاسگزار شده باشند. هر وقت دیدید مردم شکور شدند این علامت قرب ظهور است در کتاب منتهی الامال^۱

۱ منبع اصلی حدیث: الکافی ج ۸ (روضة کافی) ص ۳۶۲ مرحوم شیخ عباس قمی ضمن بیان احادیث امام هادی علیه السلام به مناسبتی این حدیث را نقل می‌کنند: باب دوازدهم، امام هادی علیه السلام. فصل چهارم در ذکر چند کلمه از حضرت، حدیث هشتم. بعد از نقل این حدیث می‌فرمایند: مناسب دیدم این خبر را در اینجا نقل کنم: روایت شده از حران که از امام محمد باقر علیه السلام پرسید که: دولت حق شما کی ظاهر خواهد شد؟

فرمود که: ای حران! تو دوستان و برادران و آشنایان داری و از احوال ایشان احوال زمان خود را می‌توانی دانست. این زمان زمانی نیست که امام حق خروج تواند کرد. بدرستی که شخصی بود از علما در زمان سابق و پسری داشت که رغبت نمی‌نمود در علم پدر خود و از او سؤال نمی‌کرد و آن عالم همسایه‌ای داشت که می‌آمد و از او سؤال می‌کرد و علم از او اخذ می‌نمود. پس مرگ آن مرد عالم رسید، پس طلبید فرزند خود را و گفت: ای پسرک من! تو اخذ نکردی از علم من و کم رغبت بودی در آن و از من چیزی نپرسیدی و مرا همسایه‌ای است که از من سؤال می‌کرد و علم مرا اخذ می‌نمود و حفظ می‌کرد. اگر تو را احتیاج شود به علم من برو به نزد همسایه من و او را نشان داد و او را شناسانید.

پس آن عالم به رحمت ایزدی واصل شد و پسر او ماند. پس پادشاه آن زمان خوابی دید و از برای تعبیر خواب سؤال کرد از احوال آن عالم، گفتند: فوت شد.

→...

پرسید که آیا از او فرزندی مانده است؟

گفتند: بلی پسری از او مانده است، پس آن پسر را طلبید. چون ملازمان پادشاه به طلب او آمد گفت: واللّٰه نمی‌دانم که پادشاه از برای چه مرا می‌خواهد و من علمی ندارم و اگر از من سؤال کند رسوا خواهم شد، پس در این حال وصیت پدرش به یادش آمد و رفت به خانه آن شخص که از پدرش علم آموخته بود، گفت:

پادشاه مرا طلبیده است و نمی‌دانم که از برای چه مطلب مرا خواسته است و پدرم مرا امر کرده است که اگر محتاج شوم به علمی به نزد تو بیایم.

آن مرد گفت: من می‌دانم پادشاه تو را از برای چه کار طلبیده است اگر تو را خیر دهم آنچه را برای تو حاصل شود میان من و خود قسمت خواهی کرد؟

گفت: بلی، پس او را سوگند داد و نوشته‌ای در این باب از او گرفت که وفا کند به آنچه شرط کرده است، پس گفت که پادشاه خوابی دیده است و تو را طلبیده است که از تو پرسد که این زمان چه زمان است، تو در جواب بگو که زمان گرگ است.

پس چون پسر به مجلس پادشاه رفت پرسید که من تو را از برای چه مطالب طلبیده‌ام؟

گفت: مرا طلبیده‌ای از برای خوابی که دیده‌ای که این چه زمان است.

پادشاه گفت: راست گفتی، پس بگو که این زمان چه زمان است؟

گفت: زمان گرگ است.

پس پادشاه امر کرد که جایزه به او دادند، پس به خانه برگشت و وفا به شرط خود نکرد و حصه‌ای به آن شخص نداد و گفت: شاید پیش از این که این مال را تمام کنم بمیرم و بار دیگر محتاج نشوم که از آن مرد سؤال کنم.

پس چون مدتی از این بگذشت پادشاه خواب دیگر دید و فرستاد و آن پسر را طلبید و آن پسر پشیمان شد که وفا به عهد خود نکرد و با خود گفت: من علمی ندارم که به نزد پادشاه روم و چگونه به نزد آن عالم بروم و از او سؤال کنم و حال آن که با او مکر کردم و وفا به عهد او نکردم، پس گفت به هر حال بار دیگر می‌روم به نزد او و از او عذر می‌طلبم و باز سوگند می‌خورم که در این مرتبه وفا کنم شاید که تعلیم من بکند، پس نزد آن عالم آمد و گفت: کردم آنچه کردم و وفا به پیمان تو نکردم و آنچه در دست من بود همه پراکنده شده ←...

→

است و چیزی در دست نمانده است و اکنون محتاج شده‌ام به تو. تو را به خدا سوگند می‌دهم که مرا محروم مکن و پیمان می‌کنم با تو و سوگند می‌خورم که آنچه در این مرتبه به دست من آید میان تو و خود قسمت کنم و در این وقت نیز پادشاه مرا طلبیده است و نمی‌دانم که از برای چه چیز می‌خواهد سؤال نماید از من. آن عالم گفت: تو را طلبیده است که از تو سؤال کند باز از خوابی که دیده است که این چه زمان است؟ بگو زمان گوسفند است.

پس چون به مجلس شاه داخل شد از او پرسید که از برای چه کار تو را طلبیده‌ام؟

گفت: خوابی دیده‌ای و می‌خواهی که از من سؤال کنی که چه زمان است؟

پادشاه گفت: راست گفتی، و اکنون بگو که چه زمان است.

گفت: زمان گوسفند است.

پس پادشاه فرمود صله به او دادند. و چون به خانه برگشت. متردد شد که آیا وفا کند به عالم یا مکر کند و حقه او را ندهد. پس بعد از تفکر بسیار گفت شاید من بعد از این محتاج نشوم به او و عزم کرد بر آن که غدر کند و وفا به عهد او نکند.

پس بعد از مدتی دیگر پادشاه او را طلبید. پس او بسیار نادم شد از غدر خود و گفت: بعد از دو مرتبه غدر دیگر چگونه به نزد آن عالم بروم و خود علمی ندارم که جواب پادشاه بگویم. باز رأیش بر آن قرار گرفت که به نزد آن عالم برود. پس چون به خدمت او رسید او را به خدا سوگند داد و التماس کرد که باز تعلیم او بکند و گفت در این مرتبه وفا خواهم کرد و دیگر مکر نخواهم کرد بر من رحم کن و مرا بدین حال مگذار. پس آن عالم پیمان و نوشته‌ها از او گرفت و گفت: باز تو را طلبیده است که سؤال کند از خوابی که دیده است که این زمان چه زمان است. بگو زمان ترازو است. چون به مجلس پادشاه رفت از او پرسید که از برای چه کار تو را طلبیده‌ام؟

گفت: مرا طلبیده‌ای برای خوابی که دیده‌ای و می‌خواهی بررسی که این چه زمان است؟

گفت: راست گفتی، اکنون بگو چه زمان است؟

گفت: زمان ترازو است. پس امر کرد که صله به او دادند. پس آن جایزه‌ها را به نزد عالم آورد و در پیش او گذشت و گفت: این مجموع آن چیزی است که برای من حاصل شده است و آورده‌ام که میان خود و من قسمت نمایی. آن عالم گفت که زمان اول چون زمان گرگ بود تو از گرگان بودی لهذا در اول مرتبه جزم

حمران بن اعین برادر زراره از امام پنجم علیه السلام سؤال می‌کند کی ظهور و قیام شما برمی‌گردد؟ حضرت می‌فرمایند: هر وقت در مردم وفا دیدی آن موقع برگشت ماست.

مشت نمونه خروار است

بعد می‌گویند تو که همه عالم را نمی‌توانی ببینی که بفهمی همه عالم باوفاست. مشت نمونه خروار است. نگاه به قوم و خویش‌ها بکن دوست و رفقا را ببین اگر دیدی این‌ها وفا دارند بدان عصر، عصر وفاست. که حضرت در همان جا این حکایت را نقل می‌کند که عالمی بود سلطانی به او ارادت داشت. اگر خوابی می‌دید این عالم برایش تعبیر می‌کرد. عالم پسر کم‌لیاقتی داشت موقع مرگ این عالم رسید گفت در زندگی از من استفاده نکردی اما وقتی من از دنیا رفتم مشکلاتی پیش بیاد برای این‌ها تو رو می‌برند که ازت سؤال کنند فلانی (اسم برد) از آن استفاده کن و هرچه گفت عمل کن. ایشان از دنیا رفت مدتی بعد

....→

کردی که وفا به عهد خود نکنی. و در زمان دوم چون زمان گوسفند بود گوسفند عزم می‌کند که کاری بکند و نمی‌کند تو نیز اراده کردی که وفا کنی و نکردی و این زمان چون زمان ترازو است و ترازو کارش وفا کردن به حق است تو نیز وفا به عهد کردی، مال خود را بردار که مرا احتیاجی به آن نیست.

علامه مجلسی رحمه الله فرمود: گویا غرض آن حضرت از نقل این قصه آن بود که احوال هر زمان متشابه است، هرگاه یاران و دوستان خود را می‌بینی که با تو در مقام غدر و مکرند چگونه امام علیه السلام اعتماد نماید بر عهدهای ایشان و خروج کند بر مخالفان؟ و چون زمانی در آید که در مقام وفای به عهد باشند و خدا داند که وفا به عهد امام علیه السلام خواهند نمود، امام علیه السلام را مأمور به ظهور و خروج خواهد گردانید، حق تعالی اهل زمان ما را به اصلاح آورد و این عطیه عظمی را نصیب کند بمحمد و آل الطاهرین.

سلطان خوابی دیده بود کسی نتوانسته بود تعبیر کند چون می‌پرسید سلطان بگوئید من چه خوابی دیدم و تعبیر کنید.

آمدند سراغ آقازاده این عالم متوفی ایشان رفت خدمت آن عالمی که پدرش سفارش کرده بود.

گفت آمدند دنبال من، جریان چیست؟ من چه کنم. گفت خوابی دیده است که نتوانسته بفهمد چه خوابی دیده است.

خواب دیده از داخل دریا دستی بیرون آمده سؤال کننده‌ای سؤال کرده این زمان چه زمانی است؟ تو بگو زمان زمان گرگ است. آمدند سراغش و گفتند بگو سلطان چه خوابی دیده. گفت تو خواب دیدی که از تو پرسیدند این زمان چه زمانی است گفت درسته حالا بگو چه زمانی است. گفت زمان گرگ است.

ایشان به عالم گفته بود که هرچه به ما دادند نصف آن را برای شما می‌آورم وقتی که دادند بهش هدایا را گفت دیگه گذشت و پیش نمی‌آید هم‌چنین موردی. ما خودمان لازم داریم. بعد از مدتی دوباره سلطان فرستاد دنبالش. دوباره رفت پیش عالم عذرخواهی واسه ناسپاس. چیه جریان؟ گفت باز سلطان خواب دید ازش پرسیدند چه زمانی است؟

تو بگو زمان میش است. رفت و گفت. بعد از گرفتن هدایا می‌گفت بدم یا ندم؟ دفعه اول یک ضرب گفت نمی‌دهم هی مردد بود آخر هم نداد. بعد از مدتی دوباره سراغش فرستادند این دفعه آمد پیش استاد. باز گفت سلطان چه خوابی دیده‌ام. بگو زمان ترازو. هدایای خوبی هم بهش دادند و نصف هدایا را برای استاد آورد بعد گفت چطور شد و دفعه اول چیزی ندادند؟ گفت آن زمان اول گرگ بود

همه گرگ بودند تو هم گرگ می‌خوردند مال مردم تو هم خوردی زمان دوم زمان میش بود همه میش بودند تو هم بودی می‌خواهی ولی نمی‌کنی زورت به خودت نمی‌رسید. زمان سوم زمان ترازو بود همه دوست بودند تو هم دوست بودی. حضرت به حمران ب‌اعین گفته می‌خوای ببینی مردم شاکرند نگاه به اطرافیان خودت بکن. نگاه به خودت بکن. همان چیزی که در همه عالم است. در اطرافیان خودت همه هست.

تغییر سرنوشت ایران با تغییر رفتار مردم

ببینید زمان ما چه زمانی است؟ سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۵۸. در ۱۳۲۰ ایران به وسیله شوروی و آمریکا و انگلستان اشغال شد. پدر رو بازداشت کردند تحویل به انگلستان دادند. بردنش جزیره. و پسر را به عنوان زندان‌بان ما معرفی کرد. اسم او را هم گذاشتند سلطان. ما در زندان آمریکا بودیم تا بهمن ۵۷. زندان‌بان را برکنار کردی و خودتون تشکیل حکومت دادید. این‌ها رو چه کار کردید به این‌جا رسید؟ همه‌اش ریشه در ارزش گذاشتن برای امام زمان. مردم که عاشق چشم و ابروی امام نبودند. امام را نماینده امام زمان می‌دیدند. «فاما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدینه مخالفاً علی هواه مطيعاً لأمر مولاه»^۱ این صفات را در امام می‌دیدند. از این جهت باورش‌ان بود این نایب امام زمانشان است. از نیمه خرداد ۴۲ مردم آمدند سرمایه‌گذاری کردند که نایب امام زمانشان اعدام نشود. مردم شهید شدند امام حکم اعدامش به زندان تبدیل شد و بعد هم آزاد شد. امام لحنش

۱ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۳۱

را تندتر کرد. یعنی آخرین درجه برخورد تند بعد از کاپیتولاسیون. گفت بر اساس این قانونی که از مجلس گذرانده‌اند اگر یک ایرانی یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد ایرانی را اونها احضار می‌کنند اما اگر یک آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد دادگاه‌های ما نمی‌توانند محاکمه کنند چون مصونیت دارند. شاه را با سگ آمریکایی مقایسه کرد تندترین نحوه برخورد. مردم هرچه لازمه استقامت بود انجام دادند. بعد ایشان تبعید به ترکیه شد. باز مردم سرمایه‌گذاری کردند شهید دادند در زندان‌ها مقاومت کردند از راهی که آمده بودند برنگشتند و اظهار ندامت نکردند. ۱۵ سال مردم روز و شب شهید می‌دادند. بالاخره ۱۲ بهمن امام وارد کشور شد. ۱۰ روز بعد امام حاکم شد. مردم قدر امام زمانشان را می‌دانستند. هرکاری کردند به خاطر امام زمان بود. مهدویت یعنی این. وقتی شاه مسأله‌اش تمام شد امام گفت نوبت آمریکاست. یعنی ما باید همان‌طور که شاه را برانداختیم باید آمریکا را براندازیم. مقابله با صدام مقابله با آمریکا بود. هشت سال دفاع مقدس بعدش به قبول قطعنامه منتهی شد. مردم هشت سال دفاع کردند برای امام زمان بود یا دفاع از کشور و غیرت وطنی؟ چون هر کشوری بهش حمله می‌شود دفاع می‌کند. این مسأله مهمی است در مهدویت. بعد از هشت سال جنگ جنگ تا پیروزی یک شب امام گفت من صلح می‌کنم. این صلح ما تاکتیکی نیست. مردم چکار کردند این مهم بود. مردم گفتند خب شرایط جوری بوده که مجبور شدند صلح کردند. روز غدیر به نفع امام راهپیمایی کردند. آن زمان که غائب شد امام زمان پرده سیاه کشید که مقدمه غیبت بود پول دستشان داده بودند. می‌پرسند پول را چکار کرد؟ الان ۳۰۰ هزار شهید مردم دادند و این همه جانباز دادند نگفتند

شما گفتن جنگ جنگ تا آخرین نفس. چطور شد این‌طوری کردی؟ مردم گفتند شرایطش بوده نائب امام زمان بوده. ما برای امام زمان دادیم. معلوم شد آن هشت سال هم برای امام زمان بود نه به خاطر غیرت ملی امام رفت. خبرگان را تعیین کرد و رفت. خبرگان رهبر فعلی را تعیین کرد. مردم همان ارادتی که به امام داشتند با ایشان وفاداری کردند.

حزب الله را اسرائیل می‌خواهد براندازد. بعد از ۳۳ روز. این را همه را چشم شیعیان می‌بینند. الان هم که در عراق مقاومت می‌کنند رسماً اعلام می‌کنند که این کنار ماست در عین هم که این‌جور حرکت میاد می‌گن به ایران می‌خوره این‌ها را دست به دست هم بدهید همان اتفاقی که در ۲۲ بهمن افتاد در کل عالم واقع می‌شود. ما به این سمت در حال حرکت هستیم.

سوره یوسف سوره اهل بیت است

سوره یوسف سوره اهل بیت است. اگر می‌خواهید جوان‌ها را با مهدویت آشنا کنید روی این سوره کار کنید. برادران یوسف او را در چاه انداختند همان‌طوری که امت با ائمه علیهم السلام رفتار کرد. چه رفتاری کردند؟ دعای ندبه گویای همین‌هاست.

یوسف را خواستند و گفتند ما او را حفظ می‌کنیم و او را تحویل می‌دهیم. بعدها عزیز مصر به آن‌ها گفته بود آن برادر ناتنی اگر همراهتان نباشد به شما آذوقه نمی‌دهیم. به پدر گفته اجازه بده که بیاید گفت خیر! گفتند: حفظش می‌کنیم.

پدر گفت: « قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أُمِنْتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ

خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ^۱ همان طوری که به شما اطمینان کردم و برادرش را تحویل شما دادم این را هم تحویل بدهم؟ نه فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین رفتن سر بارهایشان دیدند جنس‌هایی که بردند گندم بخرند برگردانند و زیرگندم‌هاست. گفتند « هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا » اگر بخواهیم دوباره جنس بخریم این سرمایه همراهان است « فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانًا نَكْتَلُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ » و « نَمِيرُ أَهْلَنَا وَ نَحْفَظُ أَخَانًا وَ نَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلُ يَسِيرٍ » کیل او را ندادند کیل ما ۱۰ تا را دادند این هم زن و بچه دارد ببریمش که سهم او را هم بدهند. ذلک کیل یسیر جنس‌هایمان زیرش بوده. « قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ » این یکی مثل آن قبلی نیست. نمی‌دهم مگر وثیقه بدهید.

امام راحل می‌گوید روزها می‌گذرد حادثه‌ها می‌آید انتظار فرج از نیمه خرداد کشم. بسیاری می‌گویند چون رحلتش در ۱۴ خرداد بود این ناظر بر آن است. نیمه خرداد غیر ۱۴ خرداد است. نیمه خرداد همان دفعه اول است که مردم شهید دادند امام اعدام نشد و اولین قسط و وثیقه امام زمانشان را پرداختند و آثارش در نمایندگانشان پیدا شد امام می‌گوید از آن انتظار فرج دارم که وثیقه‌ها تکمیل بشه و امام‌شان بیاید. در هشت سال دفاع مقدس مردم وثیقه صبر را سپردند. در قبول قطعنامه مردم وثیقه بصیرت را دادند.

تفاوت صبر و بصیرت

تفاوت بصیرت و صبر همین است. یک ساعت بصیرت کار ۱۰ سال صبر را می‌کند. یک ساعت بی‌بصیرتی زحمت ۱۰ سال صبر را هدر می‌دهد. جنگ صفین ۱۰۰ روز طول کشیده قرآن سر نی رفته نیم ساعت طول کشیده. وقتی قرآن سر نی رفت این‌ها بصیرت نداشتند و شمشیر سمت امیرالمؤمنین گرفتند که قبول کن و حکمیت را بپذیر. تحمل کردند نیم ساعت بی‌بصیرتی زحمت صد هزار شهید را هدر داد و ابلیس شش هزار سال عبادت کرده بود وقتی مأمور شد برای سجده بر آدم بی‌بصیرتی زحمت شش هزار سالش را هدر داد. پس به هیچ وجه نگوئید که به قبول قطعنامه ما هر چه رشتیم پنبه کردیم. در قبول قطعنامه امتحان اکبر را دادید. هشت سال دفاع مقدس امتحان اصغر بود؛ چون صبر نسبت به بصیرت اصغر است. «الصبر من الايمان كالرأس من الجسد»^۱. هشت سال دفاع مقدس اگر صبر نبود هشت تا صفر بود. این که این‌ها بلافاصله آمدن در روز غدیر برای امام راهپیمایی کردند بصیرت بود و عدد بعلاوه آمد جلوی ۱۰۰ میلیون. عدد جبری است شد بعلاوه ۱۰۰ میلیون معلوم نبود جلویش علامت منها بیاید یا علامت به علاوه. اگر روز غدیر علیه امام راهپیمایی می‌کردند چه می‌شد؟ تمام زحمت‌ها هدر می‌رفت ولی با بصیرت تثبیت شد. بصیرت شرط متأخر صبر است. و صبر شرط متأخر بقیه عبادات است. اگر صبر آمد عبادت قبول می‌شود و اگر بصیرت آمد این صبر به درد می‌خورد. داعش‌ها و طالبان و جند الشیطان‌ها به

راحتی کمر بند انفجار می‌بندند و خودکشی می‌کنند این صبر است اما بصیرت نیست این کار را برای اسرائیل می‌کنند. آلت دست آن‌ها شدند.

امتحان جوانان امروز سخت‌تر است

روز به روز امتحان جوانان ما سنگین‌تر می‌شود. دوره ما بزرگ‌ترین گناهی که می‌شد انتقال پیدا کند از راه ویدئو بود دوره ما اینترنت و ماهواره نبود. مهدویون کسانی هستند که در کیسه ماهواره مشتش می‌زنند در کیسه اینترنت مشتش می‌زنند. مبارزه با این می‌کنند و قوی می‌شود. ویدئو یک کیسه پنبه‌ای بود اینترنت و ماهواره کیسه ماسه بادی است کسی که توی کیسه ماسه مشتش می‌زند فرق می‌کند. بوکسوری که با کیسه ماسه تمرین کرده به بوکسوری که با کیسه پنبه‌ای تمرین کرده می‌گوید بیا و به من چند مشتش بزن. بعد می‌گوید حالا شما بایست من یک مشتش بهت می‌زنم. یک مشتش این ناقصش می‌کند. جوان‌های ما که از پس اینترنت و ماهواره برمی‌آیند و با آن مقابله می‌کنند این‌ها به مراتب قوی‌تر از آن‌هایی هستند که از پس ویدئو بر می‌آمدند. آن‌هایی که بدون هیچ در آن زمان آدم‌های خوبی بودند اگر این زمان بیایند باید دید چه می‌شود. گرش بینی دست از ترنج بشناسی روا بود که ملامت کنی زلیخا را. کسی که به بازی کامپیوتری عادت کرده بود و ملامتش می‌کردند می‌گفت اگر شما هم مبتلا بشوی می‌فهمی. این‌هایی که مبتلا هستند به بازی کامپیوتری معتاد شدند می‌گویند تو هم بیا یک هفته بازی کن بعد می‌فهمی من چی می‌کشم. خیلی اراده قوی می‌خواه که کسی خودش را از این‌ها نجات بدهد. چرا؟ اگر این سختی‌ها را نکشد معرفت و بصیرتی پیدا نمی‌کند که امام زمان را بشناسد. حضرت موسی به خضر گفت:

«قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (۶۶) قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۶۷) وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (۶۸) قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (۶۹) قَالَ فَإِنْ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (۷۰) فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتُهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا (۷۱) قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۲)». مهدویت یعنی این استطاعت صبر برای حکومت امام زمان مدیریت او و تصمیمات او و قاطعیت او داشته باشد. اگر این مشقت‌ها را حالا تحمل نکند وقتی آن حضرت یک قدم برمی‌دارد. هی نُجْ نُجْ، زمزمه پس باید هر بلا و اتفاق بدی هست الان اتفاق بیافتد چرا؟ چون در حضور ایشان خیلی بد معناست و محضر ایشان مبارک است. «لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ»^۱
و السلام علیکم و رحمة الله.

میلاد معصومین علیهم السلام یوم الله است

محبت الاسلام و المسلمین مسعود عالی

در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «ایام الله، ثلاثه، یوم یقوم القائم و یوم الکَرَّة و یوم القیامه» (الخصال، ص ۱۰۸، ح ۷۵) ایام الله ۳ روز است. من صحبت‌م را با سؤال در مورد همین روایت شروع می‌کنم. شما این رو اجمالاً می‌دونید که هر روزی و هر زمانی که خداوند متعال رحمت خاصی را به عالم دنیا بفرستد آن روز می‌شود یوم الله. میلاد هر کدام از معصومین علیهم السلام یوم الله است. چون خداوند یک نعمت خاص فرستاده است. روزهایی که در طول تاریخ روز پیروزی حق علیه باطل بوده است. ایام الله است. و اما چرا اهل بیت علیهم السلام بین تمام این روزها که ایام الله هستند فقط ۳ روز را ذکر فرمودند؟

چه رابطه‌ای بین این ۳ روز با همدیگر است؟ اگر این را انسان دنبال کند مسائل معرفتی خوبی در رابطه با امام زمان علیه السلام و مهدویت به دست می‌آورد. همه می‌دانیم که تمام آفرینش سیری دارند که مقصدش وجود مبارک حضرت حق است مقصد انسان‌ها لقاء خداست این که بروند به سمت خداوند متعال و اسماء و صفات خدا را به اندازه ظرفیت خودشان ناظر باشد. آیات متعددی در قرآن ناظر به این مطلب است. «یا ایها الانسان انک کادح الی

ربک کدحاً فمُلاقیه» (انشقاق، آیه ۲) ای انسان تو داری زحمت می‌کشی و سعی می‌کنی به سمت پروردگارت پس او را ملاقات می‌کنی «وإلی الله تصیر الامور» همه امور به سمت خداوند می‌رود. و آن‌الی ربک المنتهی نهایت سیر خداست. و امثال این آیات زیاد هستند. پس سیر عالم به سمت توحید است. همه آدم‌ها باید چشمشان باز بشود و ببینند همه کاره توی این عالم وجود کیست؟ همه باید اهل لا اله الا الله باشند. این‌که ما وقتی می‌رویم داخل قبرستان به ما گفتند بگویید «السلام علی اهل لا اله الا الله» چون اونا چشمشان یک مقدار باز شده است یک مقدار اهل لا اله الا الله شدند. همه باید اهل لا اله الا الله بشویم، اهل توحید بشویم. روز قیامت روزی هست که خداوند متعال جلوه می‌کند. با اسماء و صفاتش خودش را نشان می‌دهد. حتی بهشت و جهنم هم مقصد نیست بلکه منازل بین راه است. مقصد اصلی خود خداست. حالا اونایی که خداوند متعال را با جلوه رحمت ملاقات می‌کنند بهشت پیش درآمد آن است. اونهایی که خدا را با اسماء قهر و غضب ملاقات می‌کنند جهنم درآمدش است. بهشت و جهنم مقصد نیست. مقصد لقاء پروردگار است. حاکمیت خدا ولایت خدا و این‌که خداوند همه کاره است. عدالت خدا علم خدا رحمت خدا تمام اسماء خدا که توی دعای جوشن کبیر است. تجلی و دیدن اسما تا شنیدن آن بسیار فاصله دارد. این‌ها توی قیامت ظهور می‌کند و لذا قیامت را می‌گویند روز قیامت. با این‌که اونجا خورشید نیست ولی می‌گوئید روز خورشید و امثال آن‌که برچیده می‌شود. «إذا الشمس کوّرت» (تکویر، آیه ۱) ولی انجا روز است چون هیچی

مخفی نیست همه چیز ظهور دارد آن جا چیزی مخفی نیست. در همین عالم دنیا همه کاره است. منتهی این جا ظهور ندارد. این جا افراد خیال می کنند کار دست دیگران است، «لا حول و لا قوة الا بالله» همه جا کار دست خداست. به قول عطار دائماً او پادشاه مطلق است، دائماً ولی است و ولایت و حاکمیت دارد منتهی این جا ظهور ندارد. در آخرت ظهور پیدا می کند. برای ورود به عرصه قیامت انسان نیاز به آمادگی دارد. مگر هرکسی می تواند وارد قیامت بشود؟ قیامت یک عالم بسیار بسیار متکامل است. حتی جسم ما باید عوض بشود و آمادگی هایی پیدا کنند تا وارد قیامت بشود. شما خودتان در روایات کم و بیش شنیدید جسم قیامتی با این جسم از جهت کمالات تفاوت دارد چون معاد جسمانی است. جسم قیامتی پیری، مریضی و فرسودگی ندارد. خستگی و خواب آن جا نیست حتی جسم باید آماده بشود چه برسد به روح - یک قدمی ما برزخ است که پس از مرگ همه وارد آن می شوند این چنین نیست که هر کسی آمادگی ورود به برزخ را داشته باشد. بعضی ها می برند مرگ برایشون حاصل می شود و نبضشان دیگر نمی زند از جهت طبیعی می برند ولی هنوز مرگ حقیقی و انتقال به برزخ برایشون رخ نداده یعنی این طرف مردند ولی وارد برزخ نشدند چون آماده نیستند. ورود به برزخ هم آمادگی می خواهد. بعضی ها این قدر تعلق به دنیا دارند که حتی پس از مرگشان تا مدت ها متحیرند و وارد برزخ نشدند.

مرحوم شیخ حسنعلی اصفهانی، نقل می کردند؛ که همراهشان وقتی با ایشان وارد قبرستان شدند به من گفت که فلانی بیا بریم سر این قبر و

گفت گوش بده. می‌شنیدم صدای خیار فروش میاد از قبر.

این بنده خدا در عالم قبر یعنی برزخ چنین کاری می‌کند. البته این فرد می‌گوید من اهل شنیدن این اصوات نبودم به عنایت شیخ حسنعلی اصفهانی رحمه الله گوشم باز شد و توانستم چیزهایی بشنوم. به مرحوم اصفهانی گفتم: چه خبره؟ چرا خیارفروشی می‌کند؟ مرحوم اصفهانی فرمود: تعجب نکن به قبر دیگر گوش بده. می‌گفت شنیدم صدای ذکر می‌آید. پرسیدم آقا عالم چه خبره؟! گفت اولی چند روز هست از دنیا رفته خیار فروش بود. هم و غمش صبح تا شب فروش خیارش بود تعلق داشت به آن و الان که از دنیا رفته، هنوز خودش را نیافته که از دنیا رفته. و اون نفر دوم که ذکر می‌گفت توی دنیا اهل ذکر بود، و با خودش ذکر را برد آن طرف. برای ورود به برزخ هم نیاز به آمادگی است. خداوند از روی لطف و برای ورود به عرصه مهدویت عرصه جلوه‌گری خدا و عدالت و ولایتش دوبله مقدماتی در این دنیا قرار داده است. ظهور و رجعت، برای صحنهٔ عدل مطلق الهی و ظهور اسماء خدا قرار داده است. همان عبارت که در زیارت آل یاسین داریم. «أَنْ رَّجَعْتُمْ حَقَّ». رجعت شما اهل بیت علیهم السلام حقی است. دوران رجعت باز مردم بیشتر آماده می‌شوند. بعد که دوران رجعت و حاکمیت اهل بیت علیهم السلام تمام شد دیگر آنوقت یوم القیامه است. از سر لطف خداوند متعال دو مرحله قرار داد. البته افرادی که این دو مرحله را نگذرانند باید وارد برزخ شوند و سختی‌های آن را بکشند تا وارد برزخ بشوند. خوش به حال اونایی که ظهور و رجعت را می‌بینند و همین‌جا آماده می‌شوند و همین‌جا رشد می‌کنند.

پس شما دقت بکنید که ما ظهور و رجعت معصومین علیهم السلام را چگونه تحلیل می‌کنیم؟ در سیر انا الله و انا الیه راجعون ظهور و رجعت را در آن سیر تحلیل می‌کنیم. یکی از تفاوت‌های شیعه با تمام ادیان و مذاهب در مسئله منجی و موعود آخرالزمان همین است. تمام ادیان و مکاتب قبول دارند که آخرالزمان منجی و موعودی خواهد آمد. یکی از تفاوت‌ها که ما از اهل بیت علیهم السلام گرفته‌ایم همین است که ما ظهور را در راستای آمادگی برای قیامت تحلیل می‌کنیم لذا در همان روایت ایام الله ثلاثة اهل بیت یوم الظهور و یوم الرجعت و یوم القیامت را نام بردند. رابطه این سه روز هم برای شما مشخص است. یوم الظهور و یوم الرجعة مقدمه قیامت است مقدمه توجه کامل و ظهور کامل اسماء و صفات خداوند است. حالا یواش یواش می‌شود چیزهایی را از زمان ظهور و رجعت امام زمان علیه السلام متوجه شد. با توجه به این مطلب می‌فرماید در زمان ظهور وقتی حضرت تشریف می‌آورند در جامعه مهدوی تمام استعدادهای انسان‌ها به صورت جهش و سریع السیر به فعلیت می‌رسد. دوره‌ای است که ما حتی تخیل آن را نمی‌توانیم بکنیم.

مقام معظم رهبری «حفظه الله» یک تعبیر جالبی داشتند. فرمودند: «حتی وقتی ما آمدن امام زمان علیه السلام را می‌شنویم خیال می‌کنیم که پایان دوره‌ی تاریخ است و دیگر جامعه انسانی درش بسته می‌شود. نه خیر برعکس از آمدن امام زمان علیه السلام تازه حیات انسانی شروع می‌شود. چون انسانیت به فعلیت می‌رسد». الان واقعاً در این دنیا حیات انسانی برقرار است؟ توحشی که الان به اسم مدرینته و... انسان زیر پای دین‌ها لگدکوب

می‌شود و جاهلیت مدرنی است. الان زندگی انسانی نیست. زندگی انسانی از آن موقع شروع می‌شود. تمام استعدادها رشد می‌کند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وَضَعَ اللهُ يده على رؤوس العباد و فجمع بما عقولهم و كملت بها احلامهم». هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند دست محبتش را به سر بندگان می‌گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می‌کند. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸) اخلاق کامل می‌شود دیگر در قلب‌ها کینه نیست. یعنی یک بهشت دنیایی قبل از بهشت آخرتی در همین دنیا مستقر می‌شود. کراماتی که ما از اولیاء خدا می‌شنویم از طسی الارض و چشم بصیرت در زمان حضرت ولی عصر (ع) برای مردم معمولی خواهد بود. چون آن قدر رشد می‌کنند که گوششان چشمشان به کار می‌افتد. دیگر فقط بزرگان محرم امام زمان (ع) نیستند بلکه همه محرم امام زمان (ع) می‌شوند. همه می‌شوند محرم ولی الله. دیگر فقط مثل بحر العلوم (ع) و مقدس اردبیلی (ع) محرم امام زمان (ع) نیستند بلکه همه می‌شوند محرم امام زمان (ع).

مرحوم شیخ انصاری (ع) کسی بود که تقریباً از ۱۵۰ سال پیش تا به الان تمام مراجع تقلید بی‌استثناء یا با واسطه یا بی‌واسطه شاگردش بودند. چون باید کتاب ایشان را بخوانند تا مجتهد بشوند. آدم عظیمی بوده شیخ انصاری (ع) نقل می‌کنند ایشان پس از مرگش علمش را شاگردش میرزا حبیب الله رشتی به ارث برد.

سیاستش را شاگرد دیگرش میرزای شیرازی (ع) به ارث برد اما تقوایش را

با خود به گور برد.

چون دیگر کسی نبود یا بسیار کم بود که آن ورع شیخ انصاری رحمه الله را داشته باشد.

یکی از شاگردانش نقل می‌کند که در درس شیخ انصاری رحمه الله بودم خیلی مطالعه می‌کردم و زحمت می‌کشیدم ولی خوب نمی‌فهمیدم. گاهی شاگرد زرنگ‌ها اشکال می‌کردند به شیخ و من دلم می‌خواست اشکال کنم و سؤال کنم اما نمی‌توانستم. عقب می‌نشستم و گاهی اوقات چرت می‌زدم. خیلی هم توسل کردم خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام چون نجف بودیم که آقا عنایتی بکند که من هم بتوانم بفهمم. تا این که در خواب امیرالمؤمنین علیه السلام یک بسم الله الرحمن الرحیم در گوش من گفت. فردا اون روز که بلند شدم وقتی وارد درس شدم دیدم خوب می‌فهمم. یواش یواش این شاگرد شروع کرد اشکال کردن و سؤال پرسیدن و جلو نشستن. مدتی گذشت: شاگرد شیخ نقل کرد که در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام بودم که دیدم شیخ انصاری رحمه الله از دور در حال آمدن است و عبا را بر سر کشیده است. به من که نزدیک شد آهسته گفت: فلانی!

اون کسی که در گوش تو بسم الله خواند تا ولا الضالین را در گوش من خوانده است. اگر چیزی بهت یاد دادند خیلی سر و صدا نکن.

حالا وقتی امام زمان علیه السلام تشریف بیاره زمان ظهور نه تا ولا الضالین بلکه تا آخر قرآن را در گوش همه ما می‌خواند. چه رشدی صورت می‌گیرد! حالا اگر امام زمان علیه السلام بیایند و معارف و باطن قرآن را برای ما تشریح کنند

چه رشدی می‌شود؟

مرحوم علامه مجلسی رحمته الله در بحارالانوار نقل کرده است. مرحوم سید بن طاووس رحمته الله می‌گوید: «من وارد سرداب مقدس شدم. سرداب چند پله پایین می‌رود اما حالت انحاء دارد یعنی کسی که بالا می‌ایستد نمی‌تواند انتها را ببیند. باید دور بزند سید بن طاووس رحمته الله می‌گوید روی پله‌های اولی بودم که شنیدم صدای مناجات می‌آید. دقت کردم و متوجه شدم صدای امام زمان علیه السلام است با صدا حضرت را می‌شناخت! سید بن طاووس رحمته الله می‌گوید دیگر پایین‌تر نرفتم. همان‌جا نشستم. مناجات را نقل می‌کند که امام زمان علیه السلام برای شیعیان دعا می‌کرد: «خدایا شیعیان مرا ببخش».

اما در زمان ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام فقط گوش سید بن طاووس رحمته الله محرم نیست. بلکه گوش هممون می‌شه محرم. مرحوم بحرالعلوم رحمته الله در زمان طلبگی در نجف که اسمش آن زمان سید مهدی طباطبایی بروجردی رحمته الله بود. هم‌درس و هم‌بحث با میرزا ابوالقاسم قمی رحمته الله بود که در قم مدفون است. میرزای قمی رحمته الله می‌گفت: سید مهدی طباطبایی رحمته الله استعداد فوق‌العاده‌ای نداشت معمولی بود. بعضی جاها من براش توضیح می‌دادم. مدتی هم‌بحث و هم‌درس بودیم. و بعد از چند سال که جدا شدند و میرزای قمی رحمته الله به ایران سفر کرد. میرزای قمی رحمته الله می‌گوید: بعد از مدتی دیدم طباطبایی رحمته الله معروف شد به بحرالعلوم (دریای علم). میرزای قمی رحمته الله می‌گوید من تعجب کردم چون استعداد خارق‌العاده نبود. تا این‌که توفیق زیارت عتبات برای میرزای قمی رحمته الله حاصل شد وارد نجف و منزل رفیقش سید مهدی طباطبایی رحمته الله رفت

تا این که بحث علمی در گرفت و میرزای قمی رحمته نقل می کند که من دیدم انصافاً این فرد بحرالعلوم شده است دریایی از علم شده است. میرزای قمی رحمته از بحرالعلوم رحمته پرسید: ما قبلاً هم بحث بودیم گاهی اوقات شما متوجه نمی شدی و از من می پرسیدی. الان می بینم خیلی رشد کردی. چطور شد که شما این طوری شدی؟ سید بحرالعلوم رحمته فرمود: صبر کن تا مجلس خلوت شود. بعد گفت: میرزا ابوالقاسم چیزی که بهت می گم از اسرار است تا زنده ام به کسی نگو. یک شب چهارشنبه ای بود من خیلی دوست داشتم بروم و رفتم مسجد سهله. دیدم امام زمان علیه السلام در مقام صاحب الزمان علیه السلام در محراب نشسته است. مسجد هم خلوت بود من از همان دور سلام عرض کردم حضرت برگشتند و فرمودند «سید مهدی بیا جلو. من دو سه قدم رفتم ولی جلوتر نرفتم و حریم نگه داشتم. ابهت حضرت مانع شد که جلوتر بروم. حضرت بلند شدند و فرمودند سید مهدی بیا جلوتر. آن قدر فرمود بیا جلو که آغوش باز کردند و من رفتم در آغوش امام زمان علیه السلام وقتی سینه من رسید به آن سینه این چنین شدم، قطره چون متصل به دریا گشت تو دگر قطره اش میندار دریاست! در زمان ظهور دیگر فقط بحرالعلوم رحمته در آغوش آقا نمی رود. همه را آقا رشد می دهند.

ظهور فرج الله است

در چند روایت داریم که دوران ظهور حضرت ولی عصر فرج الله است. تعبیر شده به فرج خدا.

در روایتی از پیغمبر (ص) است «افضل اعمال امتی انتظار فرج من الله عزوجل (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵). در روایت دیگری از امیرالمؤمنین هم شبیه به آن آمده. افضل العباد الصمت و انتظار فرج الله عزوجل (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲).

اگر کسی خیال کند فرج امام زمان علیه السلام فقط این است و آبادی است درست نیست.

رفاه و آزادی‌های معقول همه جا هست ولی اگر کسی فکر کند فقط ظهور همین است این انتظار تخیلی است انتظار واقعی نیست. اما حضرت برای این چیزها نمی‌آید. بلکه برای بالاتر از آن می‌آید.

حضرت برای فرج الله می‌آید یعنی به مقداری که دنیا گنجایش داشته باشد اسماء و صفات خداوند ظهور می‌کند. البته دنیا محدود است و ظهور تام آن برای قیامت باقی می‌ماند.

علم و عدالت خدا ظهور می‌کند. رحمت خدا می‌بارد. الان در زمانی که ما هستیم زمین و زمان با هم قهر هستند. در دعای فرج می‌خوانیم «وضاقت الارض و منعت السماء» یعنی نه زمین برکاتش را می‌دهد به مردمی که گناه می‌کند و حق خدا را نمی‌شناسند و نه آسمان. و اگر هم آسمان چیزی ببارد گاهی به صورت بلا است.

ولی هنگام ظهور حضرت همش رحمت است.

دوره غیبت غضب خداست

دوره غیبت دوره غضب خداست. در روایت امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اذا

غضب الله تبارک و تعالیٰ علی خلقه نجانا عن جوارهم» هنگامی که خداوند بر خلائق غضب کند ما اهل بیت علیهم السلام را از میان آنها پنهان می کند (کافی، ج ۱، باب الحجة فی باب الغیبة، ص ۳۴۳، ح ۳۱).

چون مردم جفا کردند به ولی خدا و بهترین خلق خدا!! خداوند غضب می کنند. یاد همه کارهاشون هستند ولی یاد او نیستند.

وقتی خداوند غضب بکند امیرالمؤمنین باید خانه نشین بشود. به جای این که تربیت و به اوج قرب الهی برساند در نخلستان بیل می زند. وقتی جفا بیشتر بشود خداوند بقیة الله آخرین ذخیره خودش را بیرون می کشد.

دیگر جوری نیست که مردم به راحتی بشناسند و ببینندش.

خدایا ما را از یاران و یاورانش در غیبت و ظهورش قرار بده.

اندیشه جهانی

محبت الاسلام و المسلمین صمیمی

و لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (انبیاء ۱۰۵)

در این آیه خداوند خبر قطعی می‌دهد که صالحان وارثان کل عالم خواهند شد. اگر قدری تأمل کنیم که حکومت جهانی چه لوازمی دارد قطعاً اولین لازمه آن این است که اندیشه ما باید اندیشه جهانی باشد. و نسل منتظر باید خود و دیگران را از پوستین عادت‌ها و قومیت‌گرایی‌ها و باندگرایی و... خارج کند. حضرت امام که توانست اعجاز بزرگ قرن را به وجود آورد بخاطر انگیزه الهی و اندیشه جهانی او بود. مرتب می‌فرمود مسلمانان عالم - مستضعفان جهان....

و این اندیشه جهانی می‌طلبد که جامعه اسلامی بجای پرداختن به مسائل اختلافی و حاشیه‌ای که در بسیاری از موارد نتیجه‌ای جز هدر دادن قدرت خود ندارد با یکدیگر متحد شوند حضرت امام در بخشی از وصیت‌نامه الهی و سیاسی خود آورده‌اند:

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن

اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع مردم در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد. خنثی کردن تبلیغات، تفرقه افکن خانه برانداز است.

در ذیل آیه شریفه «یا ایها الذین امنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقومٍ یحبّهم و یحبّونه اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومة لائم» (مائده/۵۴) در روایتی ذکر شده که این آیه شریفه با یاران حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش می باشد. «مجمع البیان ۸۰۲/۲»

یاران حضرت در برابر مؤمنان خاضع و فروتن هستند. همان طور که در سوره فتح یاران رسول خدا (ص) را «رحماء بینهم» معرفی می کند. بخصوص امروز که تمام دشمنان علیه ما بسیج شده اند و تمام مستضعفان عالم چشم امید به ما دوخته اند. و هر روز توطئه های برای تفرقه بین ما ساخته می شود باید اتحاد و همدلی بیشتری داشته باشیم و رهبر فرزانه انقلاب با هوشیاری الهی خود امسال را سال دولت و ملت همدلی و همزبانی معرفی کردند. و راه رسیدن به آن را تبیین نمودند.

امام صادق علیه السلام: «فوالله لیرفع عن الملل و الادیان الاختلاف و یکون الدین کله واحداً.» بخدا قسم در حکومت حضرت مهدی علیه السلام ناهماهنگی ادیان و مذاهب از بین می رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند.

و خداوند در بیان صفات مؤمنان آخرالزمان به ابلیس فرمود: «وَأَلْقَى الرَّأْفَةَ وَ الرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ». (بحار ۵۲/۳۸۴) مهربانی و رحمت به یکدیگر را در بین آنها می‌اندازم.

این دوستی‌ها در بین انسان هانقش دارد و همچنین مردم در حکومت دینی نقش مهمی دارند. اگر قدرتی داشتیم که می‌توانستیم به درون همه انسان‌ها راه پیدا کنیم تا ببینیم که خواسته مشترک آنها چیست می‌یافتیم مهم‌ترین خواسته آنها رسیدن به سعادت و خوشبختی است. اما مشکل همه ما این است که آن را در جایی غیر از درون خود جستجو می‌کنیم که:

سال‌ها دل طلب جام جم از ما میکرد

آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد
این که تمام جوامع بشری به دنبال گمشده‌ای است که بیاید منجی آنها گردد. و بساط بی‌عدالتی و پلیدی‌ها برچیده شود برخاسته از همان نیاز درونی آنهاست. آیا اندیشیده‌ایم چرا در حکومت حضرت مهدی علیه السلام همه چیز تغییر می‌کند برکات آسمان و زمین بر مردم سرازیر می‌شود مهم‌ترین علتش آن است که مردم در سایه هدایت‌های ولی خدا تغییر می‌کنند که این سنت الهی است که «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد ۱۱)

همان‌طور که منشأ تمام محرومیت‌ها را باید در وجود خودمان بررسی کنیم «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا

بأنفسهم» (انفال ۵۳)

از این جهت است که مهم‌ترین پایه هر حکومتی به اراده مردم برمی‌گردد و انبیاء از درون مردم برخاستند و چونان پدری دلسوز تمام مصائب را خریدند تا آن‌ها را به سعادت و کمال برسانند.

«لقد جاءكم رسولٌ من أنفسكم عزيزٌ عليه ما عنتم حريصٌ عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم» (توبه ۱۲۸) این که در یک آیه قرآن پنج بار سخن، از مردم، آمده است، نشان از جایگاه والای آن‌ها و نقش بی‌بدلی‌شان در تحولات اجتماعی دارد، و مکتب انتظار؛ یعنی مکتبی که مردم را نه فقط برای پذیرش بلکه برای بدوش کشیدن بار سنگین حکومت مهدوی آماده می‌کند.

برخلاف آنچه کوتاه‌فکران از آن برداشت انظلام و ظلم‌پذیری نمودند. این مکتب مردم را به ظلم‌ستیزی و قیام فرا می‌خواند در حکومت دینی علاوه بر پذیرش و ایمان مردم نیاز به مشارکت و قیام آن‌ها دارد، که تحقق یافتن حکومت جز با تلاش پیگیر و ایثار جان و حال مردم حاصل نمی‌شود. چنان که در حدود ۲۵۰ سال قانون خدا و رهبران معصوم علیهم‌السلام در دسترس مردم بودند ولی حکومت دینی جز در مقطعی کوتاه که مردم به سراغ علی علیه‌السلام رفتند شکل نگرفت.

و عدالت اجتماعی، که از مهم‌ترین اهداف حکومت دینی است جز با قیام، یعنی حرکت آگاهانه و همراه با تلاش و فداکاری به فعلیت نمی‌رسد.

«لقد ارسلنا رسلنا بالبينات و انزلنا معهم الكتاب و الميزان ليقوم الناس

بالقسط» (حدید ۲۵)

تعبیر «لیقوم» اشاره به آن است که پذیرش مردم کافی نیست بلکه باید با فداکاری زمینه استقرار عدل و قسط را فراهم کرد که در جای دیگر قیام به قسط را وظیفه مردم تعیین می‌کند.

«یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین بالقسط» (نساء ۱۳۵)

انبیاء هم نیامدند، تا عدالت را ایجاد و بر بشریت تحمیل کنند، بلکه با هدایت و دعوت انسان‌ها شوق حرکت و مجاهدت را در آن‌ها به وجود آوردند.

نگاهی گذرا به انقلاب اسلامی ما به رهبری حضرت امام خمینی ﷫ این واقعیت را آشکار می‌کند که برای برچیدن نظام فاسد پهلوی و استقرار حکومت اسلامی فقط دعا کردن و حتی پذیرش مردمی کافی نیست هرچند لازم است بلکه به قیام و فداکاری و ایثار نیاز دارد.

دو ابرقدرت شرق و غرب با اختلافاتی که داشتند ولی در یک چیز اتفاق نظر داشتند که دیگر زمان اسلام‌خواهی به سر آمده است. اما در کمال ناباوری دیدند که برخلاف آن‌ها مردی الهی در جاهلیت قرن بیستم با تکیه به مکتب اسلام حکومتی را پایه‌گذاری کرد که به بیداری اسلامی در جهان رسید که حضرت امام ﷫ در وصیت‌نامه خود فرمودند: «اکنون ملت‌های محروم جهان بیدار شده‌اند و طولی نخواهد کشید که این بیداری‌ها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطه ستمگران مستکبر نجات خواهند داد». و در همان وصیت‌نامه اشاره می‌کنند، به این که هرچه مقصود

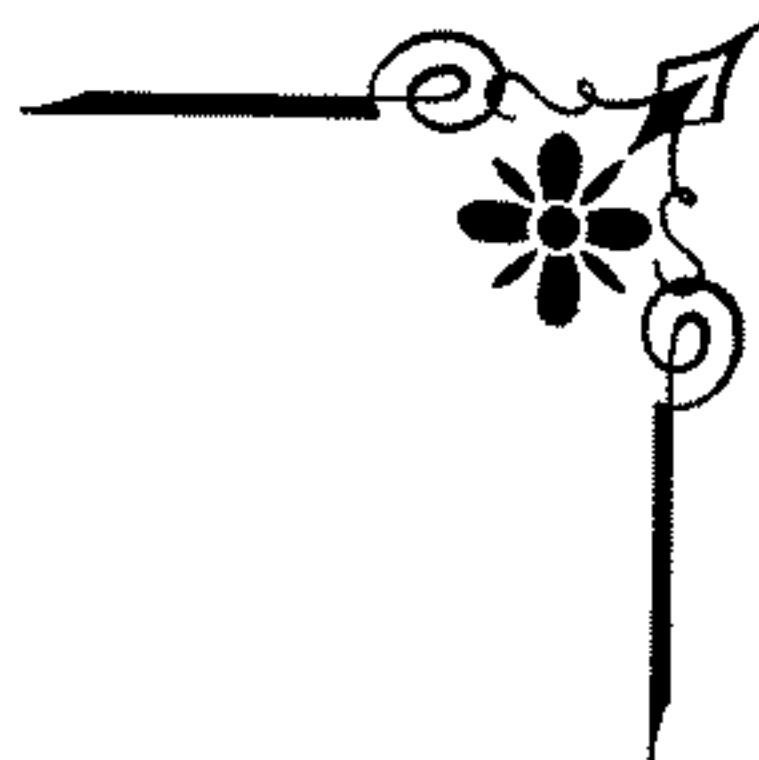
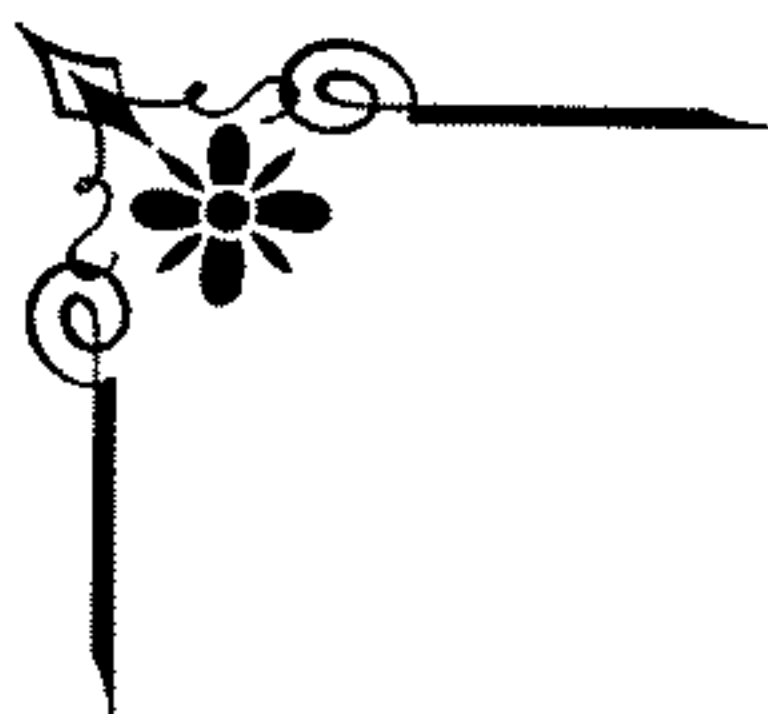
ارزشمندتر باشد فداکاری بیشتری نیاز دارد. در جهان امروز حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است. آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپا خاستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین مقصد و مقصودی است که از صدر عالم، در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است. و خواهد شد، و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است. و باز آمده است: آن روزی که انشاء الله تعالی مصلح کل ظهور نماید گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود - بلکه با کوشش‌ها و فداکاری‌ها ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند.

نگاهی به روایات انتظار به خوبی نشان می‌دهد که منتظران واقعی را باید در صف مجاهدان راه خدا شناخت که از همه جهت خود را برای یاری امام آماده نموده‌اند «مفضل ابن عمر» می‌گوید: سمعتُ ابا عبد الله علیه السلام «و قد ذکر القائم علیه السلام فقلتُ انّی لارجو ان یکون امره فی سهولة فقال: لا یکون ذلک حتّی تمسحو العلق و العرق» (غیبت نعمانی/ ۲۸۴)

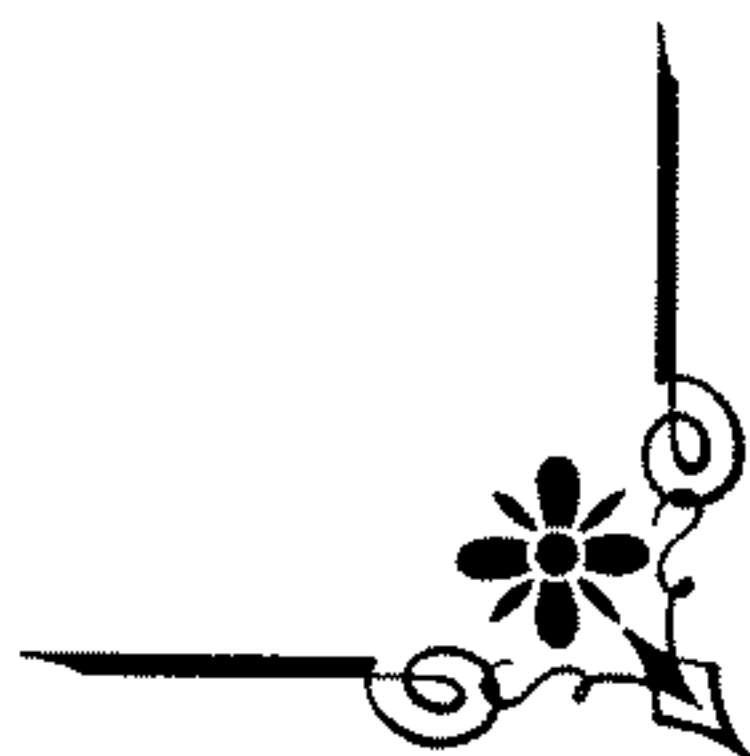
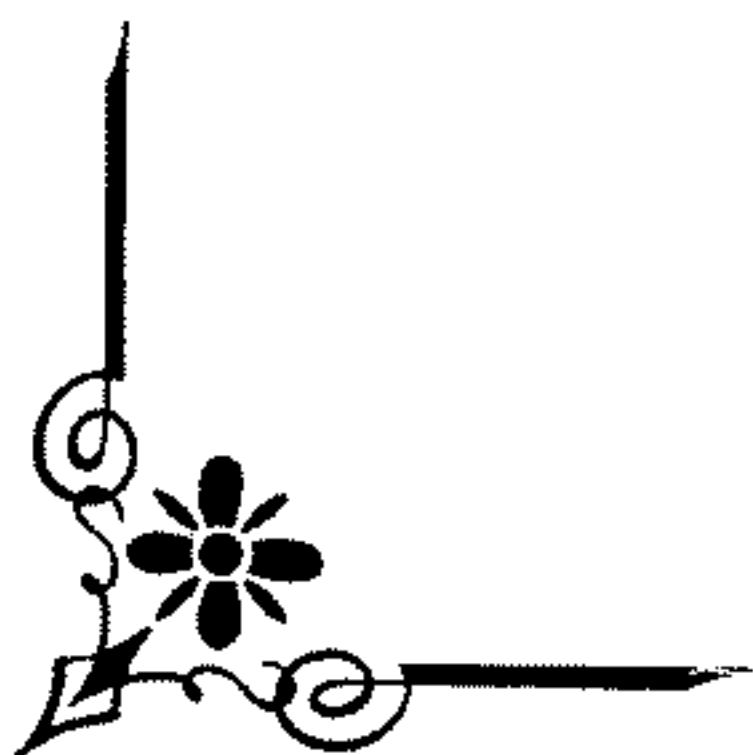
نام حضرت «قائم» در نزد امام صادق علیه السلام برده شد من گفتم: امیدوارم که کار آن امام به آسانی انجام پذیرد، حضرت فرمود: «چنین نخواهد شد مگر این‌که شما در عرق و خون غرق شوید».

و در کوتاه سخن این‌که مردمی که در یاری نائب امام زمانشان سر از پا نشناختند و به خصوص در دفاع مقدس و بعد تحریم‌ها و تهدیدها... که

نمونه‌ای از جامعه مهدوی را در عمل نشان دادند که امام باقر علیه السلام فرمود:
«کأنی باصحاب القائم قد احاطوا بما بین الخافقین لیس من شیء الا هو
مطیع لهم» (موسوعة الامام المهدی ج ۳ ص ۴۵۴)
گویا یاران حضرت را می‌بینم که بر خاور و باختر گیتی مسلط شده‌اند و
هیچ چیز نیست مگر آن که از آنان فرمان می‌برد.
تا برسد روزی که این پرچم را به دست او بسپارم.



نکته‌ها و سوژه‌های مهدوی



امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن

محبت الاسلام و المسلمین اباذری

با توجه به این که در قرآن اصول و کلیات بیان می شود و تبیین و توضیح آن به عهده رسول خدا^۱ می باشد و به حکم غدیر و سایر ادله عقلی و نقلی، این شأن پس از ایشان بر عهده اهل بیت علیهم السلام می باشد، اصل مهدویت یعنی نجات مظلومان عالم و مدیریت جهانی عالم توسط شایسته ترین بندگان صالح خداوند و جهانی شدن دین اسلام، در قرآن مطرح شده و این حقیقت در روایات معصومین علیهم السلام که ۵۶۰ حدیث آن از رسول خدا است^۲ تبیین شده است.

در یک نگاه کلی برخی از آیات مهدویت از قرار ذیل است:

۱- موعود

در آیاتی مثل: توبه: ۳۲ و ۳۳، انبیاء: ۱۰۵، نور: ۵۵، قصص: ۵، فتح: ۲۸،

صف: ۸ و ۹

۱- «وَ أَتَزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» نحل: ۱۶

نکته جالب توجه این است که این تبیین نیز وحیانی است سوره قیامة: ۱۹ به عبارت دیگر در یک تقسیم بندی وحی دو گونه است وحی قرآنی و وحی تبیینی.

۲- معجم احادیث امام مهدی، جمعی از محققان، با بیان بیش از ۲۰۰۰ روایت

۲- موعود موجود

با توجه با آیاتی مثل: قدر: ۴، رعد: ۷

۳- موعود موجود غائب

در آیاتی مثل: بقره: ۳، حج: ۴۵، لقمان: ۲۰، ملک: ۳۰

۴- ویژگی های موعود موجود غائب

با توجه به آیاتی مثل: هود: ۸۶، نمل: ۶۲

۴- وظائف منتظران موعود موجود غائب

با بیان آیاتی مثل: آل عمران: ۲۰۰، حدید: ۱۶

اشاره به نمونه ای از آیات

حاکمیت جهانی اسلام

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ وَنُورُ
كَرِهَةِ الْكَافِرُونَ﴾ ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى
الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱ آن‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود
خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند
کافران ناخشنود باشند. اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد،
تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هرچند شرک‌ورزان ناخشنود باشند.

آیه اول به تلاش مستمر دشمن در ضربه زدن به دین اشاره دارد و به
جنگ روانی و به اصطلاح، جنگ نرم دشمن هشدار می‌دهد. بدیهی است

۱. توبه، آیات ۳۲ و ۳۳.

که جنگ نرم، خطرناک‌تر از جنگ نظامی است، زیرا سلاح آن شایعه، شبهه‌افکنی و دامن زدن به اختلافات داخلی است و اثر آن، غبارآلود شدن و مشتبه شدن حق و باطل است و توان و انرژی جبهه حق، به جای آن که متوجه دشمن اصلی شود، در درگیری داخلی و برادرکشی مصرف می‌شود. برای مثال، معاویه در مبارزه با امام حسن مجتبی علیه السلام به همین شیوه دست یازید. وقتی متوجه شد از راه نظامی کاری از پیش نمی‌برد، به جنگ نرم روی آورد و با شایعه‌افکنی و دروغ‌پردازی، مثل: پیوستن سعد بن عبادہ انصاری^۱ به معاویه و یا صلح امام با معاویه^۲، کاری کرد که خود یاران حضرت به خیمه‌اش حمله نموده، خیمه را غارت و امام را مجروح کردند. جالب این‌جاست که دشمن در این شیوه، فقط به تماشای این حوادث می‌پردازد.

این همان حقیقتی است که در ادبیات دینی ما با نام «دَجَّال» مطرح شده است. «دَجَّال» از ریشه «دَجَل» به معنای دروغ، نیرنگ و تزویر است و در اصطلاح، به کسی یا کسانی گفته می‌شود که در برابر حق قد علم می‌کنند و تمام سعی و تلاش خود را در خاموش کردن نور حق به کار می‌گیرند (يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ) و از سوی دیگر، خود را حق

۱. سعد از سرداران باوفای سپاه امام حسن علیه السلام بود و نام او لرزه بر سپاه معاویه می‌انداخت.

۲. این در حالی بود که هیچ گفت‌وگویی بین امام و معاویه در این رابطه مطرح نشده بوده و چنین چیزی دروغ محض بود؛ رک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۱۰۸.

جلوه می‌دهند. پس دجال دارای دو ویژگی است:

۱. باطل جلوه دادن حق از طریق ایجاد شک و تردید، دروغ، افترا، و...؛
 ۲. حق جلوه دادن باطل با استفاده از نمادهای حق.
- آنچه برخی از اهل کتاب درباره نبی مکرم اسلام ﷺ انجام دادند^۱ و کاری که معاویه درباره امام علی ﷺ انجام داد و آنچه سینمای هالیوود امروزه درباره حضرت مهدی ﷺ در پیش گرفته، نمونه‌ای از این حقیقت است. سینمای هالیوود، امام مهدی ﷺ را پادشاه وحشت و کسی که یاد و خاطره چنگیز را در اذهان زنده می‌کند و کاری جز ویرانگری و کشتار از او سر نمی‌زند، معرفی می‌کند و از سوی دیگر، غرب و رئیس‌جمهور امریکا را مهربان‌تر از مادر نشان می‌دهد که برای نجات کودکی، جان خود را به خطر می‌اندازد!

حضرت علی ﷺ فرمودند:

اگر باطل به طور خالص ارائه می‌شد، هیچ نگرانی نبود، چراکه هیچ عاقلی آن را اختیار نمی‌کرد و اگر حق خالص ارائه می‌شد، هیچ اختلافی باقی نمی‌ماند (یعنی همه حق را برمی‌گزیدند)؛ اما مقداری از این و قدری از آن را برداشته و در هم می‌آمیزند؛ این جاست که شیطان به سوی پیروان خود می‌شتابد و فقط کسانی که از طرف خداوند، نیکی برایشان سبقت

۱. ربک: تفسیر آیات ۴۱ به بعد سوره «بقره».

گرفته، رهایی می‌یابند.^۱

حاصل این که، پیوسته در برابر جریان حق، جریان باطل وجود داشته است، اما بر اساس روایات، گسترده‌ترین برنامه انحرافی در آخرالزمان شکل می‌گیرد و موجبات گمراهی بسیاری را فراهم می‌آورد.^۲ بخش امیدوار کننده آیه این است که در برابر اراده دشمن، خداوند متعال اراده کرده است نقشه‌های آنان را نقش بر آب کند: ﴿وَيَأْتِي اللَّهَ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ﴾ و تاریخ، گواه خوبی بر این امر است. تلاش و اراده نمرودیان، فرعونیان و امثال آنان در محو و نابودی حق و اراده الهی در برابر اراده آن‌ها، نمونه‌ای از این حقیقت امیدبخش است.

و اما در رابطه با آیه ۳۳ توبه مشهور میان مفسران شیعه و اهل سنت این است که این آیه شریفه، بیانگر برقراری حکومت واحد جهانی است و بر اساس روایات، این حقیقت به دست حضرت مهدی علیه السلام اتفاق خواهد افتاد.

علامه طباطبایی رحمته الله درباره این دو آیه می‌نویسد:

این دو آیه، مؤمنان را به مبارزه با اهل کتاب تشویق می‌کند و این امر را

۱. «فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ لَمْ يَخْفَ عَلَى ذِي حِجْبِي وَلَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ لَمْ يَكُنْ اخْتِلَافٌ وَ لَكِنْ يُوْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ فَيَمْرُجَانِ فَيَجِيئَانِ مَعًا فَهَذَاكَ اسْتِخْوَذَ الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَ نَجَا الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى»؛ کافی، ج ۱، ص ۵۴، کتاب فضل العلم، باب البدع و الرأي و المقایس.

۲. جهت تحقیق درباره «دجال» رک: علی کورانی و همکاران، معجم موضوعی/احادیث/امام مهدی علیه السلام، ص ۲۳، فصل دوم؛ لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ج ۳، ص ۲۷۳ و سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبری.

بر آن‌ها واجب می‌گرداند، چرا که این دو آیه دلالت می‌کند بر این که خداوند اراده نموده این دین را در عالم بشری منتشر سازد؛ پس باید در این راه سعی و کوشش کرد.^۱

روایات متعددی از فریقین بر این معنا تأکید می‌کند که دین اسلام، دین واحد جهانی خواهد شد. قرطبی، از علمای اهل سنت، ذیل این آیه می‌گوید: سُدی (از راویان صدر اسلام) گفته است: این حقیقت (غلبه اسلام بر سایر ادیان) با قیام حضرت مهدی به وقوع می‌پیوندد و کسی باقی نمی‌ماند مگر این که مسلمان می‌شود، یا باید جزیه بپردازد.^۲

محمد بن یوسف گنجی، یکی دیگر از علمای اهل سنت، در کتاب البیان فی اخبار مهدی صاحب الزمان از قول سعید بن جبیر در تفسیر آیه شریفه می‌گوید:

هو المهدی من ولد فاطمه؛ او مهدی از فرزندان فاطمه است^۳ که اسلام را بر همه ادیان غالب می‌گرداند).

از ناحیه معصومان (علیهم السلام) روایات متعددی درباره این آیه شریفه وارد شده

-
۱. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۴۷.
 ۲. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۱۲۱.
 ۳. گنجی شافعی، ابی عبدالله محمد، البیان فی اخبار مهدی صاحب الزمان، ص ۱۰۶، باب ۲۵، ح ۶۹.

ملاحظه نامه‌ای که مرکز رابطه العالم الاسلامی در پاسخ به نامه‌ای از کنیا درباره اصالت مهدویت نوشته است، خالی از لطف نیست. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، ج ۷، ص ۳۷۵ و سید رضی قادری، مهدویت در صحاح سته، ابتدای بخش چهارم.

است. امام حسین علیه السلام فرمودند:

نهمین فرزند من کسی است که قیام به حق می کند و خداوند، زمین را بعد از مردنش به دست او زنده می گرداند و دین حق را به واسطه او بر همه دین ها غلبه می دهد، هرچند مشرکان ناخشنود باشند.^۱

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

به خدا قسم، تأویل این آیه هنوز نیامده است و تأویل آن نخواهد آمد تا این که حضرت قائم قیام کند.^۲

۱. قال الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام: مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أُولَئِهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ آخِرُهُمُ النَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ، يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا، وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ محمد بن علي بن بابويه، *كمال الدين وتمام النعمة*، ج ۱، ص ۳۱۷، باب ۳۰، ح ۳.

۲. قال ابو عبد الله عليه السلام في قوله عز و جل: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ فقال: وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عليه السلام، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ» عبد علی عروسی حویزی، *نور الثقلین*، ج ۲، ص ۲۱۱.

راوی می گوید: به امام کاظم عرض کردم: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ﴾. حضرت فرمودند: «این همان چیزی است که خداوند، رسولش را به ولایت برای وصیش فرمان داد و ولایت همان دین حق است.» گفتم: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾. فرمودند: «خداوند این دین حق را در زمان حضرت قائم بر همه دین ها غلبه می بخشد. خداوند می فرماید: ﴿وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ﴾ (صف، آیه ۸)؛ مراد ولایت حضرت قائم است. ﴿وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛ یعنی هرچند کسانی که به ولایت حضرت علی علیه السلام کافر هستند، ناخشنود باشند؛ همان.

صاحب شب قدر

﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾^۱

در آن [شب]، فرشتگان و روح [جبرئیل] به اذن پروردگارشان برای [تقدیر] هر امری نازل شوند.

یکی از شگفتی‌های آفرینش حق تعالی، قرار دادن شب قدر از همان ابتدای خلقت جهان ارضی و نزول امر سال به محضر حجت و ولی خود -

→

در روایت بسیار مهمی، امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم می‌فرمایند: «قائم ما با، ترس و وحشت (که در دل دشمنان می‌افتد) یاری می‌شود و با نصرت (الهی) تأیید و تقویت می‌گردد. زمین برای او جمع و گنج‌های آن برای او آشکار می‌گردد. حکومت او شرق و غرب را فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دینش را بر همه دین‌ها غلبه خواهد بخشید، هر چند مشرکان ناخشنود باشند. پس هیچ ویرانی باقی نمی‌ماند، جز این که آباد می‌شود و حضرت عیسی مسیح فرود می‌آید و پشت سر او به نماز می‌ایستد»؛ محمد بن علی بن بابویه، *کمال‌الدین و تمام النعمة*، ج ۱، ص ۳۳۱، باب ۳۲، ح ۱۶.

۱. قدر، آیه ۴. واژه «تَنْزَلُ» فعل مضارع از باب «تفعل»، در اصل «تَنْزَلُ» بوده و به معنای «فرود آمدن» است. واژه «الرُّوحُ» در قرآن به معانی گوناگونی آمده است، ولی در اینجا مشهور میان مفسران این است که مراد «جبرئیل» می‌باشد. راغب اصفهانی هم در *مفردات* بعد از بیان مصادیق مختلف، می‌گوید: «سَمِيَ بِهِ جَبْرِيلُ، وَ سَمَاءُ بِرُوحِ الْقُدُسِ فِي قَوْلِهِ: قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ [النحل / ۱۰۲]، وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ [البقرة / ۲۵۳]».

بر اساس برخی از روایات «روح»، موجودی با عظمت‌تر از فرشتگان است؛ بنابراین، یا جبرئیل است و یا موجودی با عظمت‌تر از او. رک: *تفسیر نور الثقلین*، ج ۵، ص ۶۱۲ به بعد.

که هرگز زمین از وجودش خالی نبوده و نخواهد بود - است.^۱
 سرّ این حقیقت، همان مسئله وساطت در فیض است. یعنی خداوند
 حکیم برای ارائه میزان و مقدار فیضی که مقرر شده محضر واسطه فیض
 افاضه شود، زمانی را به عنوان «شب قدر» قرار داده تا علاوه بر تفصیل و
 تقدیر امور در این شب،^۲ انسان بتواند با احیا و راز و نیاز، نقشی در مقدار
 فیض خود و افزایش آن داشته باشد.^۳
 در این شب، تفسیر امور سال به محضر حجت زمان نازل شده و برنامه
 یک سال مربوط به عالم، از سوی خداوند متعال به محضر او ارائه می‌شود.^۴
 موضوع «لزوم وجود حجت در هر زمان»، طی چهار مرحله پی‌گیری
 می‌شود:

۱. استمرار شب قدر تا قیامت

علاوه بر روایات متعددی که در تبیین آیه ۴ سوره «قدر» وارد شده و بر

۱. «وَعَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ أَوَّلَ مَا خَلَقَ الدُّنْيَا وَلَقَدْ خَلَقَ فِيهَا أَوَّلَ نَبِيٍّ يَكُونُ وَأَوَّلَ وَصِيٍّ يَكُونُ وَلَقَدْ قَضَى أَنْ يَكُونَ فِي كُلِّ سَنَةٍ لَيْلَةٌ يَهْبِطُ فِيهَا بِتَفْسِيرِ الْأُمُورِ إِلَى مِثْلِهَا مِنَ السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ مَنْ جَحَدَ ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِلْمَهُ»؛ کافی، ج ۱، ص ۲۵۰، کتاب الحجّة، باب فی شأن انا انزلنا، ح ۷.

۲. «فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»؛ دخان، آیه ۴.

۳. ر.ک: بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۱۴۵ به بعد، باب ۷.

۴. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ لَيُنْزَلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ إِلَى وَلِيِّ الْأَمْرِ تَفْسِيرُ الْأُمُورِ سَنَةً سَنَةً يُؤْمَرُ فِيهَا فِي أَمْرِ نَفْسِهِ بِكَذَا وَكَذَا وَفِي أَمْرِ النَّاسِ بِكَذَا وَكَذَا»؛ همان، کافی، ج ۱، ص ۲۴۸، کتاب الحجّة، باب فی شأن انا انزلناه، حدیث ۳.

وجود شب قدر از ابتدای جهان ارضی تا روز قیامت تأکید می‌کند و در تفاسیر اهل سنت نیز ذیل سوره قدر، روایاتی در این رابطه ذکر شده است،^۱ فعل مضارع «تنزل» نیز بر استمرار این حقیقت دلالت دارد.

۲. نزول امر سال در شب قدر

اگر شب قدر هر سال وجود دارد، نزول امر الهی نیز طبق این آیه و آیات ابتدای سوره «دخان» وجود خواهد داشت؛ به عبارت دیگر، با اثبات موضوع، یعنی وجود شب قدر، محمول، یعنی نزول امر سال، نیز بر اساس این آیه ثابت خواهد بود.

۳. لزوم نزول روح و فرشتگان بر کسی

اگر کسی بگوید: لازم نیست این فرشتگان بر کسی نازل شوند، بلکه فرود آمده و برمی‌گردند، پاسخ این است که: آیا نزول چیزی بر هیچ چیز معنا دارد؟^۲ یعنی اگر بر کسی نازل نشوند، در این صورت تعبیر «تنزل»

۱. احمد بن حنبل با ذکر سند می‌گوید: اباذر به پیامبر خدا ﷺ عرض کرد: آیا شب قدر در ماه مبارک رمضان است یا در غیر آن؟ حضرت فرمودند: «در ماه مبارک رمضان است.» سپس سؤال کرد: آیا شب قدر با انبیاست و وقتی رحلت کردند، شب قدر هم برداشته می‌شود یا این که تا روز قیامت استمرار دارد؟ حضرت فرمودند: «تا روز قیامت استمرار دارد.» «...قلت: یا رسول الله، أخبرني عن ليلة القدر أفي رمضان هي أو في غيره؟ قال: بل هي في رمضان. قلت: تكون مع الأنبياء ما كانوا فإذا قبضوا رفعت أم هي إلى يوم القيامة؟ قال: بل هي إلى يوم القيامة.» ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ج ۸، ص ۴۲۹ و جلال الدین سیوطی، تفسیر الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۷۳، ذیل آیه ۴ قدر.

۲. «وإن قالوا إنه ليس ينزل إلى أحدٍ فلا يكون أن ينزل شيء إلى غير شيء»؛ کافی، ج ۱، ص ۲۵۲، کتاب الحجة، باب فی شان انا انزلنا، ح ۹.

صحیح نیست، بلکه تعبیری مثل «تردد» و امثال آن گفته می‌شد؛ همان گونه که درباره ابتدای این سوره نیز که سخن از نزول قرآن به میان آمده است، معقول نیست کسی بگوید: قرآن در این شب نازل شد، ولی لازم نیست بر کسی نازل شده باشد.

از سوی دیگر، همه پذیرفته‌اند که در زمان حضرت رسول ﷺ، جبرئیل و فرشتگان بر ایشان نازل می‌شدند. شایان ذکر است، دقت در آیه دوم سوره «تحل» نیز مطلب را روشن‌تر می‌کند.^۱

۴. ویژگی‌های کسی که میزبان و صاحب شب قدر است
آیا هر کسی می‌تواند میزبان این میهمانان الهی باشد؟ آیا خوبان عالم، علمای ربانی و امثال آنان می‌توانند این مسؤولیت را بر عهده بگیرند؟ ممکن است در پاسخ گفته شود: بله، چرا که در قرآن آمده است: به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند.^۲

با کمی دقت و تأمل در سوره «قدر» درمی‌یابیم آنچه در این جا مطرح است، با آنچه در آیه ۳۰ سوره «فصلت» آمده، بسیار متفاوت است، زیرا: اولاً؛ این جا سخن از نزول جبرئیل یا موجودی با عظمت‌تر از جبرئیل است

۱. ﴿يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾.

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾؛ فصلت، آیه ۳۰.

و به اتفاق نظر علمای فریقین، هر کسی نمی‌تواند محل نزول فرشته عظیم‌الشانی همانند او باشد؛ چرا که سعه وجودی او بسیار قوی‌تر و بالاتر از سعه وجودی ماست؛ از این‌رو، فقط شخصی مانند رسول گرامی اسلام ﷺ و کسانی که در رتبه و منزلت او باشند، چنین ظرفیت و توانی را دارند.

ثانیاً: این «تنزل» برای صرف ملاقات یا برای امری جزئی نیست، بلکه برای تمامی امور و مسائل مربوط به عالم است: ﴿...مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾.

بنابراین، باید بین میهمان و میزبان، تناسب وجود داشته باشد و این میزبان از سوی حق تعالی، حائز مسؤولیت در این عالم باشد؛ به عبارت بهتر، خلیفه خدا در زمین باشد، و چنین امر و مسئولیتی جز از معصوم، از شخص دیگری ساخته نیست. و با توجه به مطالب پیش گفته، لازم است در هر زمان انسان معصومی، ولی و خلیفه خدا باشد تا علاوه بر انجام وظایف الهی، صاحب شب قدر نیز باشد.

اهمیت و جایگاه ایمان به حجت‌حی‌الهی

در ارزش و جایگاه این عقیده، همین بس که امام جواد علیه السلام فرمودند:

فضیلت کسی که ایمان به «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و تفسیر آن دارد، بر کسی که چنین ایمانی ندارد، همانند برتری انسان بر بهائم است.^۱

۱. «ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام فَضْلُ إِيْمَانِ الْمُؤْمِنِ بِحُمْلَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَبِتَفْسِيرِهَا عَلَى مَنْ لَيْسَ مِثْلَهُ فِي الْإِيْمَانِ بِهَا كَفَضْلِ الْإِنْسَانِ عَلَى الْبَهَائِمِ»؛ کافی، ج ۱، ص ۲۵۰، کتاب الحجة، باب فی شأن انا انزلنا، ح ۷.

توضیح این که، کسی که شب قدر و صاحب آن را نشناسد، در واقع امام زمان و «حجّت حی» خود را نشناخته است و کسی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. کسی که مرگش جاهلی باشد، یعنی حیاتش جاهلی بوده و بهره‌ای از اسلام و انسانیت نداشته است، چرا که مرگ عصاره حیات است.

آنچه را امام علیه السلام در این روایت بیان می‌فرماید، همان حقیقتی است که شیعه و سنی از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که ایشان فرمودند: کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است.^۱

۱. کافی، ج ۱، کتاب الحجة، باب من مات و ليس له امام، ص ۳۷۷. برای آشنایی با این حدیث در منابع اهل سنت که با تعبیر گوناگونی آمده است ر.ک: شرح مقاصد، ج ۲، ص ۲۷۵؛ مسلم نیشابوری، صحیح، کتاب الامارة، باب وجوب ملازمة المسلمين، ح ۲۴۳۷ و احمد بن حنبل، مسند، بخش مسند شامیین، ح ۱۶۲۷۱.

ابن ابی‌الحدید درباره عبدالله بن عمر می‌گوید: او از بیعت کردن با حضرت علی امتناع کرد، اما شبانه در خانه حجاج را می‌زند تا با او (به عنوان نایب عبدالملک مروان) بیعت کند تا مبادا یک شب را بدون بیعت با امام به سر ببرد، چراکه از پیامبر خدا روایت شده است که فرموده‌اند: «کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، با مرگ جاهلی از دنیا رفته است.» کارش در حقارت و خواری به جایی رسید که حجاج پایش را از بستر درآورد و گفت: «با پایم بیعت کن!»

«فإنه إمتنع من بيعه على عليه السلام و طرّق على الحجاج بانه ليلاً ليباع لعبد الملك - كيلا يبيت تلك الليلة بلا إمام زعم - لأنه روى عن النبي صلی الله علیه و آله أنه قال: من مات ولا إمام له مات...»

جایگاه و مسئولیت امام زمان علیه السلام

عظمتِ امام زمان علیه السلام آن گاه روشن‌تر می‌شود که در تعبیر «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ» دقت کنیم. به بیان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله: «بعد از این تعبیر، آیا چیزی باقی می‌ماند که تحت آن قرار نگیرد؟»^۱

فرشتگان در شب قدر برای ارائه برنامه همه امور، خدمت حضرت می‌رسند؛ بنابراین، همه امور مادی و معنوی به اذن خداوند، به دست مبارک ایشان است؛ در واقع، ایشان واسطه فیض الهی‌اند.

به عبارت دیگر، ولایت کلی عالم به اذن خداوند بر عهده امام زمان علیه السلام است. زمانی به عظمت امام پی می‌بریم که بدانیم خداوند متعال به «أَصْف

→

مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَ حَتَّى بَلَغَ مِنْ إِحْتِقَارِ الْحِجَاجِ لَهُ وَ اسْتِرْذَالِهِ حَالَهُ، أَنْ أَخْرَجَ رَجُلَهُ مِنْ الْفِرَاشِ فَقَالَ، أَصْفَقَ بِيَدِكَ عَلَيْهَا». شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۴۲.

۱. «وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ عَلَى عليه السلام كَثِيرًا مَا يَقُولُ مَا اجْتَمَعَ التَّيْمِيُّ وَالْعَدَوِيُّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ يَقْرَأُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ بِنُحْشٍ وَ بُكَاءٍ فَيَقُولَانِ مَا أَشَدَّ رَقَّتْكَ لِهَذِهِ السُّورَةُ فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِمَا رَأَتْ عَيْنِي وَ وَعَى قَلْبِي وَ لِمَا يَرَى قَلْبُ هَذَا مِنْ بَعْدِي فَيَقُولَانِ وَ مَا الَّذِي رَأَيْتَ وَ مَا الَّذِي يَرَى قَالَ فَيَكْتُبُ لَهُمَا فِي التُّرَابِ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ قَالَ ثُمَّ يَقُولُ هَلْ بَقِيَ شَيْءٌ بَعْدَ قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ كُلُّ أَمْرٍ فَيَقُولَانِ لَا فَيَقُولُ هَلْ تَعْلَمَانِ مِنَ الْمُنْزَلِ إِلَيْهِ بِذَلِكَ فَيَقُولَانِ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَيَقُولُ نَعَمْ فَيَقُولُ هَلْ تَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مِنْ بَعْدِي فَيَقُولَانِ نَعَمْ قَالَ فَيَقُولُ فَهَلْ يَنْزِلُ ذَلِكَ الْأَمْرُ فِيهَا فَيَقُولَانِ نَعَمْ قَالَ فَيَقُولُ إِلَى مَنْ فَيَقُولَانِ لَا نَدْرِي فَيَأْخُذُ بِرَأْسِي وَ يَقُولُ إِنْ لَمْ تَدْرِيَا فَادْرِيَا هُوَ هَذَا مِنْ بَعْدِي قَالَ فَإِنْ كَانَا لَيَعْرِفَانِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ شِدَّةِ مَا يَدْخُلُهُمَا مِنَ الرَّغْبِ»؛ کافی، ج ۱، ص ۲۴۹، کتاب الحجة، باب فی شأن انا انزلنا، ح ۵.

بن برخیا» که در کمتر از ثانیه‌ای «عرش عظیم» بلقیس را از فاصله صدها کیلومتر حاضر کرد،^۱ فقط یک حرف از اسم اعظم را به او داده بود؛ در قرآن آمده: ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ﴾؛ در حالی که چهارده معصوم، به ۷۲ حرف از ۷۳ حرف اسم اعظم علم دارند؛ از این روست که تعبیر قرآن درباره ایشان ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^۲ است.^۳

بیان نورانی امام علی (علیه السلام) درباره حضور همیشگی حجت حی

از حضرت امیر (علیه السلام) روایت شده است:

شب قدر در هر سال وجود دارد و امر سال در این شب نازل می‌شود و برای این امر پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) والیانی وجود دارد. ابن عباس پرسید: این‌ها چه کسانی هستند؟ فرمودند: من و یازده نفر از صلب من.^۴

۱. ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ﴾؛ نمل، آیه ۴۰.

۲. ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾؛ رعد، آیه ۴۳.

۳. رک: به تفسیر آیه ۴۰ سوره «نمل» و آیه آخر سوره «رعد» و روایات ذیل آن؛ و نیز رک: کافی، کتاب الحجة، ج ۱، ص ۲۳۰، باب ما أعطى الأئمة (علیهم السلام) من اسم الله الأعظم.

۴. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي (علیه السلام) أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) قَالَ لِابْنِ عَبَّاسٍ إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدَرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَ إِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرُ السَّنَةِ وَ لِذَلِكَ الْأَمْرُ وَ لَآءَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ؟ قَالَ: أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صَلْبِي». همان، ص ۵۳۲، ح ۱۱، ابواب التاريخ باب فی ما جاء فی الاثنی عشر....

نتیجه

در هر سال، شب قدر وجود دارد؛ شب قدر هر سال، امر سال نازل می‌شود؛ هم‌اکنون این امر بر چه کسی نازل می‌شود و صاحب شب قدر کیست؟
بر اساس آنچه در مقدمه گذشت، قرآن اصول و کلیات را بیان می‌کند. آنچه از آیه ۴ سوره «قدر» استفاده می‌شود، لزوم وجود «حجّت حی» است، که تبیین آن بر عهده روایات است؛ برای نمونه، در تفسیر نور الثقلین، ذیل این سوره، بیش از یک‌صد روایت درباره این موضوع بیان شده است. البته با دقت نظر در خود آیه، می‌توان به نکات بسیار مهمی درباره جایگاه و شؤون امام دسترسی پیدا کرد.

آیات ابتدایی سوره مبارکه «دخان» نیز بیانگر همین حقیقت است^۱ و روایات متعددی ذیل آن، از معصومان (علیهم‌السلام) به دست ما رسیده است؛ برای مثال: راوی از امام صادق (علیه‌السلام) می‌پرسد: چگونه بفهمم که در هر سال، شب قدر وجود دارد؟ حضرت فرمودند:

بَقِيَّةُ اللَّهِ^۲

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيفٍ﴾^۳

۱. ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم ﴿۱﴾ وَ الْكِتَابُ الْمُبِينُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ﴿۲﴾ فِيهَا يَفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿۳﴾ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿۴﴾ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾

۲. امام زمان (علیه‌السلام) به غیر از ویژگی‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) ویژگی‌های خاصی نیز دارد؛ مانند: غایب شدن، خاتم‌الاولصیا بودن، عمر طولانی، جوان ماندن و... در این بخش به سه ویژگی خواهیم پرداخت و در بخش آیات تبیینی، دو مورد دیگر خواهد آمد. در لابه‌لای مباحث نیز به برخی دیگر اشاره شده است؛ مثل موضوع «غیبت» که در بخش غیبت گذشت.

۳. هود، آیه ۸۶.

آنچه از جانب خدا برایتان باقی می ماند، برای شما بهتر است؛ اگر به راستی ایمان آورده اید، و من نگهبان شما نیستم.

خداوند متعال در شب معراج به پیامبر ﷺ فرمود: «ای احمد! عبادت ده جزء است؛ نه جزء آن در طلب حلال است.»^۱ حضرت شعیب رضی الله عنه در آیه مزبور، به قومش همین توصیه را بیان می کند: «مال حلال برای شما بهتر است، اگر ایمان داشته باشید.»

بطن آیه درباره آخرین حجت الهی، «بقیة الله الاعظم»، است. در روایات متعددی از فریقین، لقب امام مهدی عجته، «بقیة الله» معرفی شده است. امام محمد باقر عجته فرمودند:

اولین سخنی که امام مهدی عجته هنگام ظهور بیان می کند، «بقیة الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین»^۲ است. سپس می فرماید: من بقیت الله و حجت خداوند و خلیفه او بر شما هستم، پس هیچ سلام کننده ای بر او سلام نمی کند مگر این که می گوید: «السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه.»^۲

۱. «الدَّيْلَمِيُّ فِي إِرْشَادِ الْقُلُوبِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّهُ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ فَإِذَا طَبِيتَ مَطْعَمَكَ وَ مَشْرَبَكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَ كَنْفِي»؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۶، باب ۲، مواعظ الله عز و جل.

۲. «وَأَوَّلُ مَا يَنْطَلِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ «بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»؛ محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۶۳، باب ۳۲، ح ۱۶.

هم‌چنین، راوی از امام صادق (ع) درباره نحوه سلام کردن به حضرت مهدی (ع) سؤال می‌کند حضرت می‌فرمایند: «این گونه سلام کنید: «السلام علیک یا بقیة الله فی أرضه»^۱. سپس این آیه شریفه را تلاوت کردند. شبلنجی، از علمای اهل سنت، می‌نویسد:

وقتی حضرت مهدی (ع) خروج کند، بر کعبه تکیه می‌دهد و ۳۱۳ نفر از یارانش گرد او جمع می‌شوند. اولین سخنی که بر زبان ایشان جاری می‌شود، این آیه است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»؛ و می‌فرماید: «انا بقیة الله و خلیفته و حجته علیکم»؛ منم بقیة الله و خلیفه و حجّت خدا بر

...→

هم‌چنین در تشرف احمد بن اسحاق محضر امام حسن عسکری (ع) و درخواست نشانه از حضرت، برای اطمینان به امامت امام مهدی (ع)، خود حضرت فرمودند: «من بقیة الله هستم». متن روایت شیخ صدوق (ع) این گونه است: «فَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ فَقُلْتُ لَهُ يَا مَوْلَايَ فَهَلْ مِنْ عِلَامَةٍ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا قَلْبِي فَتَنطِقَ الْعِلَامُ بِكَ» بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ فَصِيحٍ فَقَالَ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ». کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۱۶، باب ۶، ح ۱.

۱. «مردی از امام صادق (ع) سؤال کرد: آیا به حضرت مهدی می‌توان با تعبیر «امیرالمؤمنین» سلام داد؟ حضرت فرمودند: «نه». عرض کرد: چرا؟ فرمودند: «زیرا امیرالمؤمنین اسمی است که خداوند آن را بر علی گذاشته است و احدی قبل از او و بعد از او به این نام نامیده نمی‌شود، مگر این که کافر خواهد بود». عرض کردم: فدای شما شوم! پس چگونه به حضرت مهدی سلام داده می‌شود؟ فرمودند: «می‌گویند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ». سپس آیه شریفه (۸۶ هود) را خواندند.»؛ کسافی، ج ۱، ص ۴۱۱، کتاب الحجة.

شما.^۱

با توجه به مطالب پیش گفته، مهم‌ترین پیام آیه شریفه این است که خیر و صلاح شما در روی آوردن به امام مهدی عجته، آخرین حجت الهی است. بدیهی است که حضرت به ما نیازی ندارد؛ این ما هستیم که به حجت الهی نیازمندیم و خیر، سعادت، رشد و تعالی ما در گرو توجه به اوست؛ هم‌چنان که خود حضرت در توقیعی بر این معنا تأکید می‌فرمایند.^۲ امام راحل رحمته به خوبی این معنا را درک کرد و با تمام توان به میدان آمد، تا زمینه ظهور حضرت را فراهم کند. امام رحمته انگیزه خود را از انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی

۱. نورالابصار، ص ۳۴۹.

۲. «مشاجره و دعوایی (درباره حضرت مهدی عجته بین ابن ابی غانم قزوینی و گروهی از شیعیان صورت گرفت. ابن ابی غانم می‌گفت: امام حسن عسکری عجته از دنیا رفت، در حالی که جانشینی نداشت! سپس شیعیان حضرت نامه‌ای با ذکر این دعوا نوشتند و به ناحیه مقدسه فرستادند. پاسخ‌نامه آنان با خط مبارک حضرت، به این مضمون صادر شد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند ما را و شما را از فتنه‌ها محافظت فرماید و به ما و شما روح یقین را عنایت فرماید و ما و شما را از عاقبت به شر شدن ننگه دارد. همانا خبر تردید گروهی از شما در دین و شک و سرگردانی آنان درباره والیان امرشان به ما رسید. این مسئله ما را غمگین ساخت، به خاطر خودتان نه به خاطر خودمان، و ما را آزرده به جهت خودتان، نه به جهت خودمان، زیرا خدا با ماست؛ پس هیچ نیازی به احدی نداریم و حق با ماست و برگشتن و دست برداشتن کسی از ما، هرگز ما را به وحشت نمی‌اندازد و ما دست‌پروده پروردگارمان هستیم و مخلوقات، دست‌پروده ما.»
«...فَعَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَا لَنَا وَ سَاءَ مَا فَعَلْنَا لَأَنَّا لَإِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ وَ الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنُيُوحِشَنَّ مَنْ قَعَدَ عَنَّا وَ نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْخَلْقُ بَعْدَ صَنَائِعِنَا»؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، باب ۳۱.

قیام و انقلاب جهانی امام مهدی عجیه بیان می‌کند؛^۱ از این‌رو، وظیفه ماست با جدیت هر چه بیشتر و با اطاعت و پیروی از ولی فقیه و رهبر فرزانه انقلاب، این راه را ادامه دهیم، چرا که زمینه‌سازی ظهور، به عهده خود امت است.

نعمت پنهان

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾؛^۲ آیا ندیدید خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین

۱. امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی ره، تبیان دفتر ۴۲، ص ۳۶۲.

۲. لقمان، آیه ۲۰.

واژه «أَلَمْ تَرَوْا» از ماده «رؤیت» بوده و به معنای «آیا ندیدید» می‌باشد؛ اما مقصود چیست؟ این تعبیر در چنین مواردی، برای دعوت به تفکر و آگاهی دادن به مخاطب است: «و هي كلمة تقولها العربُ عند التَّعَجُّبِ من الشيء و عند تَنْبِيهِ المخاطب كقوله تعالى: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ﴾؛ لسان العرب، ذیل واژه «رأى». راغب اصفهانی نیز بعد از اشاره به مصادیقی از این تعبیر می‌گوید: «كُلَّ ذَلِكَ فِيهِ مَعْنَى التَّنْبِيهِ»؛ مفردات، ذیل همین واژه.

آنچه مهم است این است که آیه شریفه با دعوت به تفکر آغاز می‌شود؛ موضوعی که در گسترده‌ترین سطح در قرآن به چشم می‌خورد. بیش از پنجاه مورد ماده «عقل» آمده و تعبیر «لعلکم تعقلون» در پایان بسیاری از آیات به چشم می‌خورد. بیش از بیست مورد ماده «فکر» و هم‌چنین ماده «فقه» (= فهم عمیق) مطرح شده است. در بسیاری از موارد ماده «نظر» به معنای تحقیق و بررسی است؛ مثل ﴿قَالَ سَتَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ و ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ و ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

است، مسخر شما کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان، بر شما ارزانی داشته است؟!

«معرفت نفس» و «انسان‌شناسی» از مهم‌ترین و ضروری‌ترین موضوعات قابل توجه و قابل تأمل هستند.

مطابق آیه مورد بحث، انسان موجودی است که خداوند متعال آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مسخر و رام او کرده؟ و تمام نعمت‌های پیدا و پنهان خود را بر سر او فرو ریخته است. حال، سؤال این است: چنین موجودی،

→

قدیر؛ و ندای «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» و ندای «فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» توصیه به مشورت، گوش را نوازش می‌دهد؛ اما با این حال، به چه میزان ما این اصل قرآنی را مورد توجه قرار داده‌ایم؟ با کمال تأسف، در مهم‌ترین کارها، از جمله ازدواج، به جای تحقیق و بررسی استخاره می‌گیریم؛ البته اگر همه مراحل را طی کردیم و در حیرت ماندیم، آن‌گاه می‌توانیم با مراجعه به اهلش، استخاره بگیریم. وقتی قرآن فقط برای زیبایی در سفره عقد باشد یا کار را به جایی رسانده‌ایم که اگر از خاندای خدای قرآن بیاید، فوراً می‌گویند: چه کسی مرده است؟ و نهایتاً قرآن، کتاب استخاره قرار می‌گیرد، آیا این مهجوریت قرآن نیست؟! ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾؛ (فرقان، آیه ۳۰)

وقتی قرآن مهجور شد، «ولی خداوند» هم مهجور خواهد ماند. قرآن، نقشه راه زندگی و کتاب سعادت، خوش‌بختی و نسخه شفاست.

واژه «إِسْبَاغ» از ریشه «سبغ» به معنای وسیع، تام و کامل است؛ «دَرَعٌ سَابِغٌ» تام و واسع. قال الله تعالى: أَنْ أَعْمَلَ سَابِغَاتٍ [سبأ / ۱۱]، و عنه استعيرَ إِسْبَاغُ الْوَضوءِ، و إِسْبَاغُ النِّعَمِ قال: وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ؛ راغب اصفهانی، مفردات، ذیل واژه سبغ. از این‌رو، در آن معنای «کثرت» و «فراوانی» گنجانده شده است.

برای چه هدفی خلق شده است؟

اگر تمام دنیا برای انسان خلق شده، پس قطعاً او برای امری فراتر از آن آفریده شده است. تأمل درباره این موضوع، به این نتیجه می‌انجامد که انسان، نه تنها برای دنیا آفریده نشده، بلکه برای رفتن به بهشت نیز به این عالم نیامده است؛ در حقیقت، او برای تقرب الی الله و سیر به سوی او، قدم در این وادی گذاشته است. از این‌روست که خداوند متعال هنگامی که انسان را آفرید، خود را «احسن الخالقین» نامید. استعداد بالقوه‌ای که خالق حکیم در وجود انسان قرار داده، به گونه‌ای است که در صورت شکوفا شدن می‌تواند به بالاترین درجات و مراتب برسد و قطعاً رتبه و مقام، جز با رفع موانع و تقرب به خداوند، به دست نمی‌آید.

اگر انسان برای قرب الی الله به این عالم آمده، راهی پر از خطر و موانع در پیش‌رو دارد که طی این مسیر، جز با وجود راهنمایی که خود در اوج و قله آن قرار دارد، امکان‌پذیر نیست. این همان چیزی است که در بیان نورانی امام کاظم علیه السلام بیان شده است:

راوی می‌گوید: از مولایم آقا موسی بن جعفر علیه السلام درباره آیه: ﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ پرسیدم. حضرت فرمودند: «مراد از نعمت آشکار، امام آشکار و مراد از نعمت پنهان، امام پنهان و غایب است.» عرض کردم: «آیا در میان ائمه کسی هست که غایب می‌شود؟»

فرمودند: «بله، شخص او از دیدگان مردم پنهان می‌شود، ولی یاد او از دل‌های مؤمنان فراموش نمی‌شود و او دوازدهمین ماست. خداوند هر

مشکلی را برای او آسان و هر امر دشواری را برایش راحت می‌گرداند و گنج‌های زمین را برای او آشکار خواهد ساخت و هر دوری را برایش نزدیک می‌گرداند و هر زورگوی معاندی را به دستش نابود می‌گرداند.^۱

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است:

نعمت ظاهره، نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و مراد از نعمت باطنه، ولایت ما اهل بیت است.^۲

نکات:

۱. از تأمل در آیه شریفه و روایات رسیده در ذیل آن، به دست می‌آید که فلسفه وجودی و رسالت اصلی امام معصوم، رساندن انسان‌های لایق به مقام عظیم قرب الی الله است، نه این که امام را وسیله‌ای برای رسیدن به خواسته‌های مادی خود قرار دهیم و فقط در هنگام مواجهه با مشکلات و

۱. «... فَقَالَ عليه السلام النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامُ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنَةُ الْإِمَامُ الْغَائِبُ فَقُلْتُ لَهُ وَ يَكُونُ فِي الْأَيَّامَةِ مَنْ يَغِيبُ قَالَ نَعَمْ يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَ لَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ...»؛ محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۸، باب ۳۴، ح ۶.

۲. «عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً» قَالَ: أَمَّا النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ فَالنَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ مَا جَاءَ بِهِ مِنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَوْحِيدِهِ، وَ أَمَّا النِّعْمَةُ الْبَاطِنَةُ فَوَلَايَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ عَقْدُ مَوَدَّتِنَا فَاعْتَقِدْ وَ اللَّهُ قَوْمٌ هَذِهِ النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ وَ الْبَاطِنَةُ وَ اعْتَقِدْهَا قَوْمٌ ظَاهِرَةٌ وَ لَمْ يَعْتَقِدُوهَا بَاطِنَةً، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يَسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ»؛ عبد علی عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۲۱۳، ذیل آیه.

نیازهای مادی به او متوسل شویم.

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: فرج، در چه زمانی محقق می‌شود؟ حضرت از این سؤال ناراحت شدند، زیرا دریافتند مقصود او این است: چه وقت حضرت مهدی می‌آید تا راحت شویم؛ از این رو، فرمودند:

آیا تو هم از کسانی هستی که دنیا را می‌خواهند؟! کسی که این امر را بشناسد، فرج او به جهت انتظارش حاصل شده است.^۱

یعنی هنگام غیبت امام نیز می‌توان از فیوضات و هدایت‌های باطنی امام بهره‌مند شد، به شرطی که خود، امام معصوم، هدف خلقت و نقش امام را به خوبی بشناسیم.

از امام حسین علیه السلام روایت شده:

خداوند، بندگان خود را نیافرید، مگر برای این که او را بشناسند، که اگر او را شناختند به بندگی او روی می‌آورند و با چنین عبودیتی از هر چیز و هر کس، بی‌نیاز می‌شوند و به مقام غنا می‌رسند. شخصی سؤال کرد: مراد از «شناخت خداوند» چیست؟ حضرت فرمودند: شناخت خداوند، شناخت همان حجتی است که بر مردم، اطاعت و پیروی از او واجب است.^۲

۱. «عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى الْفَرَجُ فَقَالَ يَا أَبَا بصيرٍ وَأَنْتَ مِمَّنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لَانْتِظَارِهِ»؛ کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، کتاب الحجة، باب أَنَّهُ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ.

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ

بنابراین، جز در پرتو هدایت و یاری چنین امامی، دستیابی به این هدف امکان ندارد. علامه طباطبائی رحمته الله علیه در تفسیر آیه ۱۲۴ سوره «بقره» و آیه ۷۳ سوره «انبیاء» و هم‌چنین در کتاب شیعه در اسلام، به طور تفصیل به این موضوع پرداخته است.

با این دیدگاه، نوع بهره‌مندی از امام، متحول خواهد شد، چرا که هم‌اکنون از آثار و برکات وجودی حضرت، همانند خورشید پشت ابر، بهره خواهیم برد و با ظهور حضرت «نور علی نور»؛ از این‌روست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

خوشا به حال کسانی که در زمان ظهور باشند؛ به شرطی که در دوران غیبت، مطیع و فرمان‌بردار حضرت باشند و در امورات خود به ایشان اقتدا کنند.^۱

از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است:

کسی که درباره این امر معرفت داشته باشد، قطعاً فرج او به جهت

→

عِبَادَةُ مَنْ سِوَاهُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ قَالَ مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ؛ محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، ج ۱، ص ۹، باب ۹، ح ۱، ص ۷۴.

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم: طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يَعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَاكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۲ و محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵، ح ۲ و ۳.

انتظارش حاصل شده است.^۱

پس چه نیکوست که مؤمنان برای شناخت خداوند متعال و عبودیت و بندگی بهتر او و برای نجات از وسوسه‌های نفسانی و شیطانی، به امام زمان متوسل شده و از او کمک بگیرند.

۲. اگر انسان برای چنین هدف والایی به این عالم آمده است، بر اساس برهان لطف، همواره باید هادی و رساننده او به این هدف نیز وجود داشته باشد، چرا که طی این مسیر به گونه‌ای نیست که فقط با «ارائه طریق» انجام گیرد، بلکه «ایصال الی المطلوب» لازم است، لذا یکی از اسرار مهم ضرورت وجود امام و خالی نبودن زمین از حجت، همین مطلب است و آنان که در چنین اصلی مشکل دارند و از «غدير» فاصله گرفتند، در واقع از انسانیت فاصله گرفتند و انسان را نشناختند.

هشدار به منتظران خاتم‌الاولیاء و وظائف منتظران

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۲

۱. «عَنْ أَبِي بصير قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى الْفَرَجُ فَقَالَ يَا أَبَا بصير وَأَنْتَ مِمَّنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِانْتِظَارِهِ»؛ کافی، ج ۱، ص ۳۷۱، کتاب الحجة، باب أنه مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُ.

۲. حدید، آیه ۱۶.

آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند، هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده، نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدان‌ها کتاب داده شد و زمان (انتظار) بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آن‌ها فاسق بودند؟

وقتی باران بر زمین خاکی می‌بارد، زمین با آغوش باز قطره باران را می‌پذیرد؛ به این حالت «خشوع» می‌گویند. همین قطره وقتی به سنگ و امثال آن برخورد می‌کند، کمانه کرده و ذره‌ذره می‌شود، به این حالت «قساوت» می‌گویند. روح و روان ما در برابر فرمان‌ها و دستورهای الهی ممکن است یکی از این دو حالت را داشته باشد. خداوند متعال در آیه مزبور به این دو ویژگی اشاره می‌فرماید. بخش ابتدایی آیه، درباره «خشوع» و

→

واژه «یَانِ» از ماده «أَنی یَأْنی»، به معنای «نزدیک شدن زمان چیزی» است؛ مثل واژه «آن یَئین» و «حان یحین».

واژه «خشوع» به معنای «نرم بودن»، رام بودن «پذیرا بودن» و امثال آن آمده است و ضد آن «قساوت» به معنای «غلظت» و «سفتی» است.

«الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ»، یعنی کسانی که به آن‌ها کتاب (آسمانی) داده شد و در اصطلاح، به آن‌ها «اهل کتاب» گفته می‌شود و منظور، یهود و نصاری هستند.

واژه «أَمَد» به معنای «زمان» است؛ البته زمانی که انتهای آن نامعلوم باشد. «وَالْأَمَدُ: مُدَّةٌ لَهَا حَدٌّ مَجْهُولٌ إِذَا أُطْلِقَ»؛ راغب اصفهانی، مفردات. و واژه «فسق» به معنای «خروج از طریق حق» است؛ «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَةِ: هُوَ الْخُرُوجُ عَنْ مَقَرَّاتٍ دِينِيَّةٍ أَوْ عَقْلِيَّةٍ أَوْ طَبِيعِيَّةٍ لَازِمَةٍ. وَ مِنْ مُصَادِقِهِ: خُرُوجُ الْعَبْدِ عَنْ أَمْرِ الرَّبِّ، وَ عَنْ طَاعَتِهِ»؛ حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۸۹.

بخش پایانی آن درباره «قساوت» است.

امام صادق علیه السلام درباره آیه مورد بحث می‌فرماید: «این آیه درباره مردم زمان غیبت نازل شده و «آمد» به معنای زمان غیبت است.^۱»
ویژگی اهل کتاب چه بود که قرآن درباره آن به ما هشدار می‌دهد؟
آنان دست کم دو بار در آزمون «انتظار»، مردود شدند:

الف) حضرت موسی علیه السلام به بنی‌اسرائیل گفت: «من به میعاد الهی می‌روم و برادرم هارون در میان شماست؛ از او پیروی کنید تا من برگردم.»
هنگامی که حضرت موسی علیه السلام بعد از سی روز نیامد، بنی‌اسرائیل به دنبال سامری رفتند و گوساله‌پرست شدند! در واقع، آنان به وعده خداوند و پیامبرش اطمینان نداشتند. آنان باید همچنان منتظر می‌ماندند و به این امر توجه می‌کردند که در این تأخیر، حکمتی نهفته است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: ای قوم من، مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می‌خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!^۲

ب) مژده و نوید ظهور خاتم‌الانبیاء صلی الله علیه و آله به اهل کتاب داده شده بود و آن‌ها موظف بودند با ظهورش به او ایمان آورند، اما هنگامی که انتظار،

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۳۱.

۲. طه، آیه ۸۶.

طولانی شد ناامید شده و به جای خشوع و اطمینان به وعده الهی، دچار قساوت قلب شده و دنبال هوا و هوس و دنیاطلبی رفتند و موعود خود را به کلی فراموش کردند.^۱

پیام مهم آیه مزبور این است که از اهل کتاب عبرت بگیریم و با طولانی شدن زمان غیبت، هرگز دچار قساوت قلب نشویم، بلکه در برابر حکم خداوند، که در قرآن و بیانات نورانی اهل بیت علیهم السلام تبیین شده است، مطیع و فرمانبردار بوده و هرگز دچار رخوت و سستی نشویم. از حضرت امیر علیه السلام نقل شده است:

برای قائم ما غیبتی است که زمان آن طولانی است... هان! کسی که در این دوران بر دینش ثابت قدم بماند و به خاطر طولانی شدن غیبت امامش، دچار قساوت قلب نشود، در روز قیامت با من خواهد بود.^۲

توضیح این که، در دوران غیبت امام، بسیاری از مردم با فراموش کردن امام خود و وظیفه‌ای که در برابر او دارند، دچار دنیاگرایی می‌شوند و هر کسی سعی می‌کند در مسابقه رفاه و تجمل از دیگران عقب نماند. در چنین دورانی، اگر کسی قلبش همچنان پذیرای دستورات الهی و تمام سعیش پیروی از امام زمانش باشد، در قیامت با اهل بیت علیهم السلام خواهد بود؛ مانند سلمان

۱. بقره، آیات ۸۹ به بعد.

۲. «لِلْقَائِمِ مَنَا غِيْبَةٌ اِمْدُهَا طَوِيلٌ... اَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلٰی دِيْنِهِ [وَأَن] لَّمْ يُقَسِّ قَلْبُهُ لِطَوْلِ اَمْدِ غِيْبَةِ اِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

که خواسته مولایش را برخواسته خودش مقدم می‌داشت.^۱ انسان عاقل باید بیندیشد که آیا در عالم هستی، پاداش و درجه‌ای بالاتر از این وجود دارد که انسان در زندگی ابدی خود، هم‌نشین اهل بیت (علیهم‌السلام) شود؟^۲

معنای «فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ»

این عبارت، در بسیاری از ترجمه‌ها این گونه ترجمه شده است: «زمان بر آن‌ها طولانی شد» یا «دوران طولانی بر آن‌ها گذشت». اما با تأمل در این آیه و سایر آیات مرتبط با آن، مانند آیه ۸۶ سوره «طه» و عبارت «طال علی» که در مواردی مانند «عُمُر» هم به کار رفته، این تعبیر به معنای «طولانی به نظر آمدن» است. برای روشن‌تر شدن موضوع، ابتدا این تعبیر را درباره عُمُر و أجل بررسی می‌کنیم. امام علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه

۱. «... قَالَ لَثَلَاثَ خِلَالٍ إِحْدَاهَا إِثَارُهُ هَوَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (علیه‌السلام) عَلَىٰ هَوَىٰ نَفْسِهِ وَ الثَّانِيَةُ حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَ اخْتِيَارُهُ إِيَّاهُمْ عَلَىٰ أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْعَدَدُ وَ الثَّالِثَةُ حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَ الْعُلَمَاءِ إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا خَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ می‌گوید: به امام صادق عرض کردم: آقای من! چگونه است که بسیار یاد سلمان فارسی را از شما می‌شنوم؟ حضرت فرمودند: «نگو سلمان فارسی، بلکه بگو سلمان محمدی!» بعد فرمودند: «آیا می‌دانی چرا زیاد یاد سلمان می‌کنم؟» عرض کردم: نه. فرمودند: «به خاطر سه ویژگی: ۱. ترجیح دادن خواسته مولایش امیرالمؤمنین بر خواسته نفسش.

۲. دوست داشتن فقرا و برگزیدن نشست و برخاست با آنان بر نشست و برخاست با مرفهان. ۳. دوست داشتن علم و علما. او بنده درست‌کار و در صراط مستقیم و تسلیم (خداوند) بود و از مشرکان نبود. بحار/الانوار، ج ۲۲، ص ۳۲۷.

۲. ر.ک: ضمیمه شماره ۴ (از همین کتاب).

می‌فرماید: «وَلَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ فِيهَا الْأَمَدُ»؛^۱ مبادا زمان عمرتان بر شما طولانی بیاید؛ یعنی مبادا تصور کنید دارای عمر طولانی خواهید بود و آخرت را فراموش کنید! در خطبه ۲۲ نهج البلاغه نیز نظیر این تعبیر آمده است.^۲ بدیهی است، معنای این جمله این نیست که: مبادا عمر شما طولانی شود! درباره آیه مورد بحث نیز، همین معنا مورد نظر است؛ یعنی شما مثل اهل کتاب نباشید که زمان بر آن‌ها طولانی آمد؛ به عبارت دیگر، تصور کردند تا زمان تحقق وعده الهی خیلی فاصله است و منتظر بازگشت حجت خداوند نشدند.

شایان ذکر است، از آسیب‌های جدی دوران انتظار، خارج شدن از حالت انتظار و غفلت از زمینه‌سازی برای آمدن موعود الهی است؛ از این‌روست که در روایات آمده: «فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً»؛^۳ پس بامداد و شبانگاه منتظر فرج باشید.

در سوره حدید آیه ۱۶ می‌فرماید: «أَيَا وَقْتُ أَنْ نَرْسِيده است که دل‌های مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق نازل کرده است خاشع گردد؟! و مانند کسانی نباشند که در گذشته به آنها کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنها گذشت و قلب‌هایشان قساوت پیدا کرد و بسیاری از آنها گنهکارند!»

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۲.

۲. «وَلَا يُلْهِيَنَّكُمُ الْأَمَلُ وَلَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمُ الْأَجَلُ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ آمَالِهِمْ، وَ تَغْيِبِ آجَالِهِمْ، حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ، الَّذِي تُرَدُّ عَنْهُ الْمَعْذِرُ وَ تَرْفَعُ عَنْهُ التَّوْبَةُ.»

۳. کافی، ج ۱، کتاب الحجة، ص ۳۳۳، باب نادر فی حال الغیبة.

اهل کتاب چه کردند که خداوند از امت اسلام می‌خواهد همانند آنان نباشند!

در آیات متعددی از قرآن پاسخ این سؤال بیان شده است از جمله در آیه ۸۹ سوره بقره می‌فرماید: «و هنگامی که از طرف خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه‌هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می‌دادند (که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند) با این همه، هنگامی که این کتاب، و پیامبری را که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند لعنت خدا بر کافران باد!»

یعنی منتظران خاتم الانبیاء با تحقق وعده الهی نه تنها ایمان نیاوردند بلکه به او کفر ورزیدند پیام مهم آیه شریفه ۱۶ حدید این است که ای منتظران خاتم الاوصیاء شما مثل آنان نباشید

به راستی آنان چگونه بودند؟ و چه چیزی سبب کفرشان شد؟! در آیات ۹۰ به بعد سوره بقره علل گوناگونی را در این رابطه بر می‌شمارد از جمله این عوامل حرص به دنیا است که سبب شد چنین پیامد ناگواری را برای آنها رقم زده شد^۱ به عبارت دیگر مسابقه رفاه و تجمل جامعه منتظر بنی اسرائیل را در بر گرفت و آنان را از منتظرشان جدا ساخت. امام صادق می‌فرماید: «این آیه (۱۶ حدید) در مورد مردم زمان غیبت نازل شده است و «آمد» یعنی زمان غیبت^۲»

۱ - «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ»

۲ - الغیبه نعمانی ص ۳۱.

برخی از منابع موضوع مهدویت از منظر قرآن

- ۱- معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، ج ۵ (از چاپ پنج جلدی و جلد ۷ از چاپ هشت جلدی)، نشر مؤسسه معارف اسلامی قم، با ذکر بیش از ۲۶۰ آیه
- ۲- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، ترجمه المحجه، سید مهدی حائری قزوینی
- ۳- بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی امام مهدی علیه السلام در دیدگاه فریقین، فتح اله نجارزادگان، نشر سمت
- ۴- معجم مهدویت در تفاسیر شیعه و اهل سنت، محسن طباطبائی و همکاران، قم، بوستان کتاب
- ۵- امام مهدی علیه السلام در قرآن، مهدی یوسفیان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام
- ۶- فصلنامه انتظار موعود، مرکز تخصصی مهدویت قم، شماره ۱۹
- ۷- قافله سالار، محمود اباذری، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام.

امام مهدی علیه السلام در آینه بیانات معصومین علیهم السلام

محبت الاسلام و المسلمین بالادستیان

۱ - قطعیت ظهور

قال رسول الله صلى الله عليه و آله : « لو لم يبقَ من الدنيا الاَّ يومٌ واحد
لطوّل الله ذلك اليوم حتى يبعث رجلاً من وُلدى اسمه إسمى يملأ الارض
قسطاً و عدلاً... »

اگر از دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی
می‌گرداند تا این که مردی از فرزندان من که همانام من است را بفرستد و
زمین را از عدل و داد پر کند.

کمال الدین ج ۱ باب ۲۴ حدیث ۲۷ - سنن ابی داوود، ج ۲ ص ۵۰۹ ح ۴۲۸۲

نکته‌ها:

- الف: تعبیر « لو لم يبقَ... » بیانگر قطعیت ظهور می باشد. نه این که
ظهور، در روز آخر دنیا رقم می خورد.
- سرّ این تاکید این است که یکی از گسترده‌ترین کار های دشمن در
دوران غیبتِ امام، ایجاد شک و تردید است.
- ب: تعبیر «حتى يبعث» نشان دهنده این است که مهدویت از اصول

است نه فروع یعنی خداوند حضرت مهدی علیه السلام را می فرستد. شایان ذکر است که اهل سنت حضرت مهدی را به عنوان خلیفه و جانشین حضرت رسول صلی الله علیه و آله می دانند لذا در سنن ابی داوود در باب المهدی ابتدا احادیث خلفاء اثنا عشر را آورده است این در حالی است که این مطلب با مبانی آنان در جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله که آن را از فروع می دانند سازگاری ندارد و دچار تضاد می شوند.

وقتی حجه الاسلام حاج آقا قرائتی به برخی از علمای اهل سنت فرمود: چرا شورایی تشکیل نمی دهید مهدی را تعیین کنید و بفرستید تا عالم را اصلاح نماید؟! گفتند کار مهدی به دست ما نیست! فرمود: چیزی که آخرش به دست خداست (چون یک موضوع است مهدی جانشین رسول خداست) اولش هم به دست خدا بود.

ج: حضرت مهدی نسبش به رسول خدا می رسد (من وُلدی) و همنام ایشان نیز می باشد یعنی نام زیبای «م ح م د».

د: گستره کار حضرت تمام عالم است (الارض) و اصلاح کامل آن بر اساس عدل و داد. (یملأ الارض قسطاً و عدلاً)

از طرف دیگر تعبیر «یملأ» بیانگر عصمت ایشان نیز می باشد چرا که پر کردن عالم از عدل و داد فقط از معصوم ساخته است.

۲ - جلالت و عظمت امام مهدی علیه السلام

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «کیف انتم إذا نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم».

« چگونه خواهید بود آنگاه که حضرت عیسی علیه السلام میان شما فرود آید

ولی امام و پیشوا از میان شما باشد ﷺ. صحیح بخاری، ج ۲ ص ۲۵۶ چ دار المعرفه
بیروت-بحار ج ۵۱ ص ۸۸

نکته‌ها:

الف: از مهم‌ترین وقائع پس از ظهور امام مهدی ﷺ، نزول حضرت عیسی ﷺ است که مورد اجماع و اتفاق همه امت اسلام است و شارحان صحیح بخاری تصریح دارند که مراد از این امام، همان حضرت مهدی است.

ب: جایگاه و عظمت حضرت مهدی ﷺ (امامکم منکم)

در جلسه ای یکی از علمای اهل سنت بیان کرده بود که شما شیعیان اهل غلو هستید و امامان خود را از انبیاء برتر می دانید! و غالی کافر است در پاسخ گفته شده بود که عقیده شما نیز همین است! مگر این حدیث در صحیح بخاری شما نیست «کیف انتم ...»

ج: شاید بتوان گفت جمله «کیف انتم» توجه به این نکته است که ای امت اسلام! مراقب باشید شما از اطاعت و پیروی کسی که از شماست و از امت اسلام است، از دیگران عقب نمانید.

همان قضیه ای که در مورد حضرت رسول ﷺ اتفاق افتاد و منتظران حضرت، به ایشان کفر ورزیدند (وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ. بقره: ۸۹) و دشمنان آنان یعنی اوس و خزرج به او پیوستند و از انصار شدند لذا در آیه ۱۶ حدید می فرماید: شما مثل اهل کتاب نباشید. امام صادق ﷺ می فرمایند این آیه در مورد مردم

زمان غیبت است. (الغیبه نعمانی، ص ۲۴)

۳ - فریاد رس بشریت

قال رسول الله ﷺ: «يُخْرِجُ الْمَهْدِي فِي أُمْتِي يَبْعَثُهُ اللَّهُ غِيَاثًا لِلنَّاسِ»
حضرت مهدی در اتم قیام می کند و خداوند او را برای فریادرسی مردم
می فرستد.

الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج ۲ ص ۱۳۲ - بحار ج ۵۱ ص ۸۱

نکته ها:

الف: پیشگوئی خروج و قیام حضرت مهدی علیه السلام حدود دو قرن و نیم قبل
از میلاد ایشان. (یخرج المهدی)

ب: از اصول و فعل الله بودن قضیه حضرت مهدی (بیعثه الله)

ج: او برای فریادرسی و نجات می آید نه کشتن! (غیاثاً للناس) آری او
ربیع الانام، کشف العباد و مفزع العباد است و اگر سخن از شمشیر و قیام
مسلحانه آمده است دقیقاً در راستای نجات بشریت است. نجات آنان از
چنگال مستکبران. همانند طبیب حاذق و متعهدی که در راستای نجات
بیمار خود از تیغ جراحی ممکن است استفاده کند و غده چرکینی که
حیات این بیمار را به خطر انداخته است را از بین ببرد.

د: کار امام مهدی علیه السلام جهانی و موضوع کارش تمام بشریت هستند
(للناس) برای او نجات و هدایت و سعادت انسان مهم است شرقی باشد یا
غربی، سفید پوست باشد یا سیاه پوست، شیعه باشد یا غیر شیعه.

۴ - حضرت مهدی ﷑ از عترت رسول خدا ﷺ

قال رسول الله ﷺ: «المهدي من عترتي من ولد فاطمة»

حضرت مهدی از خاندان من و از فرزندان دخترم فاطمه ﷑ است.

سنن ابی داوود، ج ۲ ص ۵۰۹ ح ۴۲۸۴ و سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۱۳۶۸ ح ۴۰۸۶ -

بخار ج ۵۱ ص ۷۵ و ۸۶

نکته ها:

الف: حضرت مهدی از عترت رسول خداست و حضرت در حدیث متواتر ثقلین، فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین، ما ان تمسکتم بهما لن تضلّوا بعدی ابدأ، احدهما أعظم من الآخر کتاب الله حبلٌ ممدودٌ من السماء الى الارض وعترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض انظروا کیف تخلفونی فیهما (سنن ترمذی (یک جلدی) کتاب المناقب باب ۳۲ مناقب اهل بیت النبی ح ۳۷۹۷ ص ۹۹۲)

اگر کسی اعتقاد به وجود حضرت مهدی ﷑ نداشته باشد چه پاسخی در مورد جمله «و انهما لن یفترقا» می تواند داشته باشد؟؟!!

ب: حضرت مهدی از نسل حضرت زهرا است (من ولد فاطمة)

ج: فرزندان حضرت فاطمه سلام الله علیها از عترت و فرزندان حضرت رسول صلوات الله علیهم اجمعین محسوب می شوند.

۵ - زمینه سازان

قال رسول الله ﷺ: «یخرج اناس من المشرق فیوطّون للمهدی سلطانه»

مردمانی از مشرق زمین به پا می‌خیزند و زمینه را برای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فراهم می‌نمایند.

البيان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی الباب الخامس با این تعبیر که هذا حدیث حسن صحیح اخرج ابن ماجه فی سننه. - بحار ج ۵۱ ص ۸۷

نکته ها:

الف: نیازمندی تشکیل حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام به زمینه سازی (فیوطئون للمهدی سلطانه)

همان گونه که قرآن نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)

ب: اگر در برخی از روایات از قیام و انقلاب، قبل از قیام امام مهدی علیه السلام نهی شده است و گفته شده است صاحبها طاغوت، مراد قیام هایی است که انگیزه غیر الهی دارد. ولی قیامی که برای زمینه سازی ظهور باشد مورد تمجید و تجلیل قرار گرفته است (یخرج اناس من المشرق) رک میزان الحکمه، بخش امامت خاصه، الامام القائم، حکم القیام قبل قیام القائم)

۶- ارزش ایمان در عصر غیبت و پاداش منتظران

إمام علی علیه السلام: «...أَلَا فَمَنْ ثَبَّتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ [و] لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لِطُولِ أَمَدٍ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

هلا هر کدامشان بر دین خود ثابت بماند و برای طول غیبت امام دلش دچار قساوت نشود او در روز قیامت در درجه من با من است.

کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۶، باب ۲۶، ح ۱۴

نکته ها:

الف: در دوران غیبت، طوفان سهمگین فتنه های آخر الزمان و تلاش دشمنان و جاذبه های دنیوی سبب می شود در صورت غفلت، دین و ایمان ما آسیب ببیند و به عبارت دیگر به باد داده شود لذا فرمود: «أَلَا فَمَنْ ثَبَّتْ»

ب: از آسیب های مهم دوران غیبت، قساوت قلب و دور شدن از خداست باید مراقب بود (لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لَطُولِ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ) لذا این بیان نورانی حضرت، ناظر به آیه شریفه ۱۶ حدید می باشد که به منتظران، توصیه می کند همانند اهل کتاب نباشید (أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ).

ج: پاداش بزرگ ثابت قدم ماندن بر دین در دوران غیبت (فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ)

در روایات متعدد دیگری بر این پاداش بزرگ تاکید شده است. و عناوینی مثل: گرامی ترین امت نزد حضرت رسول ﷺ (کمال الدین، ج ۱، باب ۲۵، ص ۳۱۸) شگفت انگیزترین مردم از نظر ایمان و یقین (همان، ص ۳۲۰، ح ۸) همتای جهاد در راه خدا در رکاب رسول خدا ﷺ (همان، ص ۳۵۰، باب ۳۰ ح ۳) برترین مردم هر زمان بودن (همان، ص ۳۵۳، باب ۳۱، ح ۲) پاداش هزار شهید از شهداء بدر و احد را داشتن (همان، ص ۳۵۵، باب ۳۱، ح ۷) نزول رحمت الهی به گل روی آنان (همان، ص ۳۶۳، باب ۳۲، ح ۱۵) همانند سلمان

در زمره اهل بیت علیهم السلام قرار گرفتن و بودن با آنان در آخرت (همان، ج ۲، ص ۳۹۴، باب ۲، ح ۵) و...

۷- چه کنیم از اصحاب و یاران حضرت مهدی علیه السلام قرار گیریم؟

امام صادق علیه السلام: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا»^۲ «هَنِيئاً لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.»

کسی که جزء یاران حضرت قائم علیه السلام بودن، او را شاد می سازد (یعنی دوست دارد از یاران ایشان باشد) پس باید منتظر باشد و اهل ورع و پرهیز از گناه و اهل اخلاق نیکو باشد در حالی که منتظر است پس اگر مرد و حضرت قائم علیه السلام بعد از مردن او قیام نمود اجر و پاداش کسی که در رکاب ایشان باشد را خواهد داشت پس تلاش کنید و منتظر باشید گوارا باد بر شما ای گروهی که مورد رحمت الهی قرار گرفته اید.

(الغیبه نعمانی، ص ۲۰۰، باب ۱۱، ح ۱۶)

نکته ها:

الف: شادی و سرور مؤمن در به دست آوردن لیاقت یاری حضرت است.
(مَنْ سَرَّهُ)

ب: به یاد حضرت بودن و چشم به راه ظهورش به سر بردن، تاثیر مهمی در نزدیک شدن به ایشان دارد (فَلْيَنْتَظِرْ) لذا پس از توصیه به دوری

از گناه و تخلق به خوبی‌ها دوباره فرمود: در حالی که منتظر است (وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ) یعنی در انجام خوبی‌ها و دوری از گناه هم به یاد امامان باشیم
ج: با «تخلیه» و دور نمودن خود از گناه و «تحلیه» و آراستن خود به فضائل و خوبی‌ها می‌توان در جرگه یاران حضرت راه یافت. (وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ)

د: این ذهنیت که از کجا معلوم زمان ظهور حضرت، ما باشیم اشتباه است و نباید موجب سستی و کوتاهی‌مان در یاری ایشان شود. ما مامور به وظیفه ایم و اگر در راه کسب لیاقت یاری حضرت و زمینه سازی ظهور تلاش نمودیم ولی اجل مهلت نداد و مردیم لحظه ای ضرر نکرده ایم. (كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجْرٍ مَنْ أَدْرَكَهُ)

ه: در مسیر یاری حضرت، جدیت، تلاش، توجه و به یاد امام بودن، لازم است (فَجِدُوا وَانْتَظِرُوا)

۸- غیبت و ناشناس بودن

امام صادق علیه السلام: فَمَا تُتَكَّرُ هَذِهِ الْأَمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ يُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرُ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأُ بُسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ أَنْ يُعَرِّفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدْنَى لِيُوسُفَ حِينَ قَالَ لَهُمْ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ قَالُوا أَيْنَكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي. (یوسف: ۹۰) (کمال الدین و تمام النعمة؛

ج ۱: ص ۱۴۴)

پس این امت چرا انکار میکنند که خدای - جل و عز - با حجت خود

همان کند که با یوسف کرد، بطوری که او در بازارهای ایشان راه رود و پا روی فرش آنها گذارد (با وجود این او را شناسند) تا خدا در باره او اجازه دهد که خود را معرفی نماید چنان که بیوسف اجازه فرمود در وقتی که به برادرانش گفت: آیا میدانید موقعی که جاهل بودید با یوسف و برادرش چه کردید؟ یوس و برادران گفتند: آیا تو یوسفی؟ گفت: آری من یوسفم و این (بن یامین) هم برادرم میباشد.

نکته ها

الف: غیبت به معنای ناشناس بودن حجت خداست او مردم را می بیند و می شناسد ولی مردم او را می بینند و نمی شناسند. (يَسِيرُ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَ يَمْشِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطَأُ بُسْطَهُمْ وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ)

ب: امام مهدی علیه السلام اولین حجتی نیست که غائب شده است بلکه غیبت حجت خدا سابقه دارد و سنت الهی است (أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ)

ج: مبادا به احدی با دیده حقارت بنگریم چه بسا او حجت خدا باشد و... (وَ هُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ) لذا امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند، چهار چیز را در چهار چیز پنهان نموده است «...وَ أَخْفَى وَلِيَّهُ فِي عِبَادِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ فَرُبَّمَا يَكُونُ وَلِيَّهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ» (کمال الدین، ج ۱، ص ۲۹۶، باب ۲۶، ح ۴)

د: غیبت ولی خدا نتیجه جهل، قدر شناسی و بدرفتاری با حجت خداست (هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ)

ه: کاری نکنیم که با ظهور حضرت و دیدن ایشان، شرمنده‌اش شویم!
(قَالُوا أَإِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ...)

۹- تعیین وقت برای ظهور ممنوع

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «مَنْ وَقَّتَ لَكَ مِنَ النَّاسِ شَيْئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ
فَلَسْنَا نُوقِّتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا» (الغيبة للطوسی؛ ص ۴۲۶)

هر کس از مردم، وقتِ ظهور را برای تو معین نمود، از تکذیب آن
ملاحظه مکن، چه که ما (در این خصوص) برای کسی وقت معین نمی‌کنیم.

نکته‌ها

الف: زمان ظهور از مصادیق غیب است و هر کس در هر رتبه‌ای در
این رابطه اظهار نظر نمود و زمانی مشخص نمود دروغ‌گر است و باید
تکذیب شود.

ب: منتظران در برابر ادعاها و سخنان بی‌اساس در رابطه با ظهور،
وظیفه دارند و نباید بی‌تفاوت باشد (فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكَذِّبَهُ)

ج: اگر سخن نادرستی در باب ظهور بیان شد مقام و موقعیت افراد نباید
سبب شود ما ملاحظه آنان را بکنیم یا از پیامد‌های آن بترسیم و سکوت
نماییم لذا فرمود: هرگز برای تکذیب او ترس به خود راه نده (فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ
تُكَذِّبَهُ)

۱۰- مهم‌ترین کار در دوران غیبت

امام صادق علیه السلام: «...غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشُّعْبَةَ فَعِنْدَ

ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ
فَأَيَّ شَيْءٍ أَعْمَلُ قَالَ يَا زُرَّارَةُ إِنْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَالْزِمْ هَذَا الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ
عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي
رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي
حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»

کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۲، باب ۱، ح ۲۴

...لازم است خداوند شیعیان را بدین وسیله امتحان کند. در آن موقع
است که اهل باطل دچار شک میشوند.

زراره میگوید: عرض کردم: قربانت گردم! اگر من آن زمان را درک نمایم
چه کار کنم؟ فرمود: ای زراره اگر آن روز را درک کردی پیوسته این دعا را
بخوان: اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي یعنی پروردگارا! خود را بمن شناسان که اگر خود
را بمن شناسانی نمیتوانم پیغمبرت را بشناسم، پروردگارا! پیغمبرت را بمن
شناسان که اگر پیغمبرت را بمن شناسانی نمیتوانم حجت تو را بشناسم.
پروردگارا! حجت خود را بمن شناسان، که اگر حجت خود را بمن شناسانی
دین خود را از دست میدهم.

نکته ها

الف: یکی از حکمت های غیبت، امتحان شیعیان است تا مشخص شود
چه کسی در این دوران بر دین خود پایبند می ماند و چه کسی.... (أَنْ اللَّهَ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ)

ب: گناه انسان را دچار شک و تردید در حق و نهایتاً هلاکت می نماید

(فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْمُبْطِلُونَ) و امام عسکری در این رابطه می فرمایند: «أَمَّا إِنَّ لَهُ غِيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ (کمال الدین و تمام النعمه ؛ ج ۲ ؛ ص ۴۳۸، باب ۷، ح ۹)

ج: باید دغدغه ما در دوران غیبت، حفظ دین و ایمانمان باشد و از اهلش راه ثابت قدم ماندن را بپرسیم و از بزرگانمان کمک بگیریم (فَإِنْ أَدْرَكَتْ ذَلِكَ الزَّمَانُ فَأَيُّ شَيْءٍ أَعْمَلُ)

د: دشمن در فضای غفلت در ما طمع می کند و دعا و یاد خدا بودن و کمک خواستن از او تنها راه نجات است (فَالْزَمْ هَذَا الدُّعَاءَ)

ه: شک و تردید و انحراف، نتیجه سستی بنیان اعتقادی و ضعف معرفت و شناخت است باید از خداوند شناخت خودش و حجت هایش را خواست تا ثابت قدم بمانیم (اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ)

و: از شناخت خداوند به شناخت پیامبر و ضرورت وحی و نبوت می رسیم (فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ) و از شناخت خداوند و شناخت وحی و نبوت به ضرورت ولایت و امامت می رسیم (فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ)

ز: اگر کسی حجت خدا را نشناخت دین ندارد زیرا نشناختن حجت خداوند نشانه این است که پیامبر خدا را نشناخته است و در حقیقت یعنی خدا را نشناخته است لذا آقا امام رضا علیه السلام ذیل آیه «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) فرمودند: «هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ إِلَى هَاهُنَا التَّوْحِيدُ»

احیای نیمه شعبان

محبت الاسلام و المسلمین فؤادیان

در تولد اولین حجت الهی در پیشگاه خداوند متعال به امر او، ملائک سجده کردند؛ ما نیز این آیین را به دستور برگزیدگان خداوند، در شب میلاد «آخرین حجت الهی» بر پا کرده و جبین شکر را به آستان حضرت دوست می‌ساییم و صف خود را از «غافلان» جدا می‌کنیم. چرا که در روایات فضائل زیادی برای شب نیمه شعبان بیان شده است. جبرئیل امین در معرفی فضیلت شب نیمه شعبان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض می‌کند: «این شبی است که درهای آسمان و درهای رحمت، خشنودی خدا، آمرزش گناهان، فضل و احسان، توبه، نعمت، جود و بخشش باز است و خداوند - تبارک و تعالی - از بندگان در این شب به عدد موها و کرک‌های چهارپایان^۱ می‌آمرزد:

«فأحيها يا محمد وأمر أمتك بإحيائها و التقرب الى الله تعالى بالعمل فيها،

۱. این تعبیر گویای این حقیقت است که خداوند متعال افراد زیادی را مورد عفو و بخشش قرار می‌دهد. یعنی همان طوری که شمارش موها و کرک‌های گوسفندان ممکن نیست، شمارش افرادی را که خداوند متعال می‌آمرزد ممکن نیست.

فانها ليلة شريفة و لقد أتيتك يا محمد و ما في السماء ملك الا و قد صف قدميه في هذه الليلة بين يدي الله تعالى، قال: فهم بين راکع و قائم و ساجد و داع و متکبر و مستغفر و مسبح، يا محمد ان الله تعالى يطلع في هذه الليلة فيغفر لكل مؤمن قائم يصلي و قاعد يسبح و راکع و ساجد و ذاكر، و هي ليلة لا يدعو فيها داع الا استجيب له و لا سائل الا أعطى و لا مستغفر الا غفر له و لا تائب الا تيب عليه و من حرم خيرها يا محمد فقد حرم»؛

«ای محمد! امشب را احیا کن و به امت خود امر کن که احیا کنند و با عبادت تقرب به سوی خدا جویند. به درستی که این شب بسیار شریف است. یا محمد! هنگامی که به نزد تو می‌آمدم، جمیع ملائکه آسمان‌ها صف ایستاده و مشغول به عبادت بودند؛ برخی از آنها ایستاده و برخی در حال رکوع و عده‌ای به سجده و گروهی مشغول دعا بودند. گروهی تکبیر، برخی تسبیح و بعضی استغفار می‌نمودند. یا محمد! به درستی که حق تعالی در این شب نظر رحمت به سوی بندگان افکنده و مؤمنی را که به نماز ایستاده باشد یا نشسته مشغول تسبیح یا در رکوع و سجده و یا دعا باشد، می‌آمرزد. این شبی است که دعای همه دعاکنندگان مستجاب است و به همه گدایان درگاه الهی عطا می‌شود، و هیچ استغفار کننده و توبه کننده‌ای نیست، مگر این که استغفار و توبه‌اش پذیرفته می‌شود.

محروم کسی است که از خیر امشب محروم بماند.^۱

۱. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۲۰؛ زاد المعاد، ص ۷۰؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۳؛ فوز اکبر، ص ۱۹۲.

پیامبر ﷺ در چنین شبی به یکی از همسرانش (عایشه) فرمود:

«أَتَدْرِينَ أَي لَيْلَةٍ هَذِهِ؟ هَذِهِ لَيْلَةُ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ. فِيهَا تُنْسخُ الْأَعْمَالُ وَتُقَسَّمُ الْأَرْزَاقُ وَتُكْتَبُ الْأَآجَالُ وَيَغْفِرُ اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا لِمُشْرِكٍ أَوْ مُشَاحِنٍ أَوْ قَاطِعِ رَحِمٍ أَوْ مَدْمَنٍ مُسَكَّرٍ أَوْ مُصَرَّرٍ عَلَى ذَنْبٍ أَوْ شَاعِرٍ أَوْ كَاهِنٍ»^۱

«آیا می‌دانی امشب چه شبی است؟ امشب شب نیمه شعبان است که اعمال (گناهان) در آن بخشوده شده و رزق و روزی تقسیم و اجل‌ها نوشته می‌شود. خداوند - تبارک و تعالی - همه را می‌آمرزد، غیر از افراد مشرک، بدعت‌گذار، قطع‌کننده رحم، شرابخوار، اصرارکننده بر گناه، شاعر^۲ و کاهن که ایشان را نمی‌آمرزد».

در روایتی دیگر آمده است که پیامبر ﷺ فرمود:

«أَمَّا تَعْلَمِينَ أَي لَيْلَةٍ هَذِهِ؟ هَذِهِ لَيْلَةُ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فِيهَا تُقَسَّمُ الْأَرْزَاقُ وَفِيهَا تُكْتَبُ الْأَآجَالُ وَفِيهَا يَكْتُبُ وَفِدَ الْحَاجِّ وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيَغْفِرَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مَنْ خَلَقَهُ أَكْثَرَ مِنْ عَدَدِ شَعْرِ مَعْزَى كَلْبٍ وَ يَنْزِلُ اللَّهُ تَعَالَى مَلَائِكَتَهُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ بِمَكَّةَ»^۳

«آیا می‌دانی امشب چه شبی است؟ امشب شب نیمه شعبان است که رزق و روزی‌ها در این شب تقسیم و اجل‌ها در آن

۱. مصباح‌المتجهج، ص ۸۴۱؛ اقبال، ج ۳، ص ۳۲۴؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۵؛ ج ۹۷، ص ۸۸؛ فوز اکبر، ص ۲۰۴؛ مفاتیح‌الجنان.

۲. البته منظور همدی شعرا نیست. ای بسا شاعرانی که مورد توجه باشند.

۳. مصباح‌المتجهج، ص ۸۴۲؛ اقبال، ج ۳، ص ۳۲۵؛ بحار، ج ۹۸، ص ۴۱۸.

نوشته می‌شود. اسامی حاجیان امسال، امشب نوشته می‌شود و خداوند در آن بیشتر از تعداد موهای بزهای قبیله کلب می‌آمرزد و فرشتگانی را از آسمان به سوی سرزمین مکه نازل می‌فرماید».

امام محمد باقر علیه السلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان، فرموده‌اند: «هی افضل ليلة بعد ليلة القدر، فيها يمنح الله العباد فضله و يغفر لهم بمنه، فاجتهدوا في القربة الى الله تعالى فيها، فانها ليلة آلى الله عز وجل على نفسه لا يرده سائلا فيها ما لم يسأل الله معصية و انها الليلة التي جعلها الله لنا اهل البيت بازاء ما جعل ليلة القدر لنبينا صلى الله عليه وآله...»^۱

«شب نیمه شعبان، پس از شب قدر با فضیلت‌ترین شب‌ها است. در آن شب خداوند بر بندگان عطا می‌کند و بر آنان منت نهاده، ایشان را می‌بخشد. بنا بر این در تقرب به خدا در آن شب کوشش کنید؛ زیرا خداوند به ذات خود قسم یاد کرده هیچ سائلی را در آن شب ردّ نکند، مادامی که درباره معصیت از خداوند چیزی نخواهد. آن شبی است که خداوند، آن را برای ما اهل بیت قرار داده است؛ در برابر شب قدر که آن را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده بود...».

۱. مصباح‌المتعبد، ص ۸۳۱؛ مصباح‌النائر، ص ۳۱۳؛ مزار ابن‌مشهدی، ص ۴۰۵؛ اقبال، ج ۳، ص ۳۱۵؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۰۲؛ بحار، ج ۹۸، ص ۴۰۹؛ وسائل‌الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۶؛ زاد‌المعاد، ص ۶۹؛ مفاتیح‌الجنان، اعمال شب نیمه‌ی شعبان؛ فوز‌اکبر، ص ۱۰۹.

در روایتی دیگر، امام علیه السلام در پاسخ به پرسش از فضیلت این شب فرمود:
«ما يغفر الله عزّ وجلّ فيها من خلقه لأكثر من عدد شعر معزى كلب و ينزل الله عزّ وجلّ فيها ملائكته الى سماء الدنيا و الى الارض بمكة»^۱

«خداوند در این شب خلائق را بیشتر از تعداد موی بزهای قبیله کلب می‌آمرزد و ملائکه‌ای را به آسمان دنیا و سرزمین مکه نازل می‌فرماید»؛ یعنی، خداوند فرشتگان را به آسمان دنیا و از آن جا به زمین نازل می‌کند که ابتدا در مکه نازل می‌شوند.

امام رضا علیه السلام درباره این شب فرمود:

«هى ليلة يعتق الله فيها الرقاب من النار و يغفر فيها الذنوب الكبار... و أكثر فيها من ذكر الله تعالى و من الاستغفار و الدعاء فان ابى عليه السلام كان يقول: الدعاء فيها مستجاب»^۲

«این شبی است که خداوند، بنده‌ها را از آتش جهنم آزاد نموده، گناهان کبیره آنان را می‌آمرزد... بنا بر این در این شب ذکر خداوند تبارک و تعالی و دعا و استغفار زیاد کنید؛ چرا که پدرم (امام هفتم) فرمود: دعا در این شب مستجاب است».

امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «...خداوند [در شب نیمه شعبان] ملکی را نازل فرموده که از غروب خورشید تا طلوع فجر ندا می‌دهد: «ألا مستغفر فاغفر له، ألا مسترزق فارزقه»؛ یعنی، آیا

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸، ح ۲۵۳؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۱۰۵، ح ۱، باب ۸.

۲. مصباح‌المتهمجد، ص ۸۳۷.

استغفارکننده‌ای در این شب نیست تا او را بیمارزم و آیا طالب
رزقی نیست که او را رزق و روزی بدهم».^۱

این شب، شبی است که خداوند از میان زمان‌ها، آن را اختیار نموده
است؛ همان طور^۲ که از میان مکان‌ها و انسان‌ها، کعبه و پیامبر ﷺ را
اختیار کرده است. اُفق فضیلت امشب در تشبیه پیامبر اکرم ﷺ نمایان شده
است. ایشان می‌فرماید:

«علی بن ابی طالب فی آل محمد کافضل ایام شعبان و لیالیه و هو لیلة
نصفه و یومه»^۳؛

«علی بن ابی طالب در میان آل محمد، به مانند برترین روزها و
شب‌های ماه شعبان؛ یعنی، شب و روز نیمه شعبان است».

پس امیر مؤمنان علیه السلام در میان اهل بیت چه فضیلتی دارد؟ همان فضیلت
را شب و روز نیمه شعبان نسبت به سایر ایام دارد.

زنده نگه داشتن این شب و عبادت در آن، از وظایف اصلی منتظران
است. صاحب المراقبات می‌گوید: «از شب‌هایی که تأکید بر زنده نگه
داشتن آن شده است و اعمال و عبادات بسیار ارزشمندی در آن وارد شده که
می‌توان گفت: در هیچ شبی - اعم از شب قدر یا غیر آن - مانند آن یا بیشتر

۱. اقبال‌الاعمال، ج ۳، ص ۳۲۳ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۵.

۲. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۸۷.

۳. همان، ج ۳۷، ص ۵۲.

از آن نیامده است»^۱. این کثرت عبادت، پرده از راز مهمی بر می‌دارد و آن
عظمت شب نیمه شعبان است.

دوش وقت سحر از قصه نجاتم دادند

و ندر آن ظلمت شب، آب حیاتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

آن «شب قدر» که این تازه براتم دادند



۱. المراقبات، آیه الله ملکى تبریزی، ص ۱۷۲، ص ۱۷۳، اعمال شب نیمه شعبان.

ای دل دو سه شام تا سحرگاه مَنُخُسب
هنگام تضرّع و نیاز است مَنُخُسب
بیداری ما چراغ عالم باشد
یک شب تو چراغ را نگه دار مَنُخُسب

این شب، یکی از چهار شبی است که روایات زیادی درباره «احیای آن
به عبادات» وارد شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:
«من احیا لیلة العید و لیلة النصف من شعبان لم یمت قلبه یوم
تموت القلوب»^۱

«هر کس این شب و شب عید فطر را زنده نگه دارد، در روزی
که قلب‌ها می‌میرد، قلب او زنده است».

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«کان علی علیه السلام لا ینام ثلاث لیل: لیلة ثلاث و عشرين من
شهر رمضان و لیلة النصف من شعبان و فیها تقسم الارزاق و

۱. اقبال/الاعمال، ج ۳، ص ۳۵۴؛ ثواب الاعمال، ص ۷؛ بحار/الانوار، ج ۹۷، ص ۸۶؛ وسائل، ج ۸، ص ۱۰۵.

الآجال و ما يكون السنة^۱؛

در سه شب سال (شب بیست و سوم ماه رمضان، شب عید فطر، شب نیمه شعبان) نخواب؛ چرا که امیر مؤمنان این سه شب را اصلاً نمی‌خوابیدند.

شب عید فطر، شب مزد و پاداش یک ماه روزه داری را می‌دهند. اما اگر سؤال شود که تقسیم ارزاق و اجل‌ها در شب قدر در ماه رمضان است؛ پس چرا در این گونه روایات شب نیمه شعبان را شب تقسیم رزق و روزی قرار داده است؟ علامه مجلسی^{رحمه الله} در پاسخ این سؤال چندین احتمال بیان می‌کند:

۱. شاید در شب نیمه شعبان املاء (نوشته) می‌شود و شب قدر ماه رمضان (حتمی) محتوم می‌گردد.
۲. احتمال می‌رود در شب نیمه شعبان این امور در علم خداوند تقسیم و در شب قدر رمضان بین خلائق تقسیم می‌شود.
۳. ممکن است در شب نیمه شعبان در لوح محفوظ، تقسیم شود و تفریق و تقسیم بین بندگان در شب قدر رمضان باشد.
۴. شاید تقسیم در هر دو شب صورت می‌گیرد؛ یعنی، قسمتی در این

۱. مصباح‌المتجهّد، ص ۷۸۳؛ وسائل‌الشیعة، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۱۱؛ بحار‌الانوار، ج ۹۱، ص ۱۲۳.

شب و قسمتی دیگر در آن شب^۱ و احتمال دارد انسان با اعمال شایسته در این شب، لیاقت و زمینه بهتری را برای ماه آینده مهیا کند.

با توجه به سیره و روش بزرگان دین، روشن می‌شود که چگونه باید این شب را زنده نگه داشت. زید بن علی (زید شهید) می‌گوید: پدرم امام زین العابدین علیه السلام همه ما را در شب نیمه شعبان جمع نموده سپس آن را به سه قسمت تقسیم می‌کرد. ثلث اول شب را نماز می‌خواندیم، ثلث دوم شب را دعا می‌فرمود و ما آمین می‌گفتیم، و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش می‌نمودیم تا صبح طلوع می‌کرد:

«كان على بن الحسين يجمعنا جميعاً ليلة النصف من شعبان، ثم يجزى الليل اجزاء ثلاثة، فيصلى نا جزءاً، ثم يدعو فتؤمن على دعائه، ثم يستغفر الله و نستغفره، و نسأله الجنة، حتى ينفجر الفجر.»^۲

جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت: «یا محمد! هر که این شب را به گفتن «الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله» و نماز خواندن و قرائت قرآن و طلب آمرزش و استغفار نمودن احیاء نماید، در آخرت جایگاه او بهشت است و خداوند گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد».^۳

امیر مؤمنان علیه السلام درباره کسی که در این شب مقدس بی‌کار نشسته و

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۴؛ علمای دیگر نیز با توجه به مراتب شب قدر پاسخ این سؤال را داده اند: المراقبات مترجم، ص ۱۷۲؛ عصاره‌ی خلقت، آیه الله جوادی آملی، ص ۲۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۱۲؛ زاد المعاد، ص ۶۴.

۳. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۲۰؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۳؛ ج ۸۳، ص ۱۱۵.

سعی نمی‌کند گلیم خویش را از آب بیرون بکشد، اظهار شگفتی می‌کند.^۱
واقعاً جای شگفتی است که انسان به این اندازه غافل و شقی باشد. پیامبر
اکرم ﷺ می‌فرماید:

«هیچ کس در این شب ناتوانی در عبادت و احیاء نمی‌ورزد،
مگر شقی».^۲

امشب سیه کاران، مانند شب‌های دیگر در خواب غفلت‌اند، و کسی که
در تلاش و تکاپو برای عبادات است، بداند که در زمره سعادت‌مندان دنیا و
آخرت قرار دارد.

در این خصوص، ذکر چند نکته ضروری است:

۱. شب میلاد امام زمان علیه السلام، شب جشن و شادی و سرور است و باید در این شب
خوشحال بود؛^۳ اما ضمن ابراز این شادی، نباید مرتکب مسائلی شد که امام زمان علیه السلام

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۴؛ بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۸۷؛ حتی امشب از هم بستر شدن
با همسر نیز نهی شده است. زیرا فرزندی که امشب نطفه‌اش بسته شود، کم‌عقل و رنگ‌مو و
چهره‌اش دارای لک خواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لا تجامع اهلک فی النصف من شعبان
فانه ان قضی بینکما ولد یكون مشوها ذا شامة فی شعره و وجهه» بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۲.
۲. اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۲۲؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۶،
ص ۲۸۸.

۳. امام رضا علیه السلام: «ان سرک ان تكون معنا فی الدرجات العلی من الجنان فافرح لفرحنا و
احزن لحزنا»؛ اگر دوست داری که با ما در درجات عالی‌های بهشتی باشی، در خوشحالی
ما خوشحال و در حزن ما محزون باش. (بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۳؛ ج ۴۴، ص ۲۸۶)
در این زمینه روایات زیادی وارد شده است: ر.ک: (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۴، ج ۴۴
صص ۲۸۷ و ۲۹۰، ج ۶۸، ص ۱۸).

از آن راضی نیستند.

۲. این شب، یکی از شب‌های «احیا» است و اعمال زیادی برای آن نقل شده است. البته کثرت اعمال، سبب نشود که انسان، مأیوس از انجام دادن آن شود؛ بلکه مهم این است که در شبی که در زمین و آسمان غوغا برپا است، ما نیز بهره‌ای داشته باشیم و اسم خود را در زمره ذاکران و عبادت کنندگان و زائران این شب فرخنده ثبت و درج کنیم و اگر نمی‌توانیم صد رکعت نماز بخوانیم، لااقل ده رکعت یا کمتر و بیشتر را به جا آوریم؛ چرا که - بر اساس قاعده «ما لا یدرک کله لا یتروک کله» - اگر همه اعمال را نمی‌توانیم به جا آوریم، تمامی آنها را ترک نکنیم.

هم‌چنین بر اساس قاعده «المیسور لا یسقط بالمعسور»، آنچه مقدور است و توان انجام آن را داریم، نباید به سبب سخت بودن، همه آنها را ترک کنیم و خود را محروم از این فیض بزرگ الهی نماییم.

۳. بر اساس «روایات من بلغ»^۱ یا «تسامح در ادله سنن»، روایات ذکر شده در این نوشتار، دارای اثر و پاداش می‌باشد و برای نیل به آن ثواب‌ها شایسته

۱. روایاتی که به حد تواتر رسیده است (مرات العقول، ج ۸، ص ۱۱۳) و مفاد آن اجر و پاداش عملی است که در روایتی بیان شده اگر چه گفتار و مطلب آن از معصوم ثابت نشده باشد ولی خداوند ثواب آن عمل را به کسی که عمل به روایت نماید عطا می‌فرماید مانند روایت امام صادق علیه السلام «من سمع شیئاً من الثواب علی شیء فصنعه کان له، و ان لم یکن علی ما بلغه» (اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸. برای اطلاع بیشتر رجوع نمائید به مقاله اخبار من بلغ از مجموعه مقالات کنگره‌ی شیخ انصاری نوشته‌ی زین العابدین قربانی).

است، این شب را «احیاء» داشت. علمای اسلام مانند شیخ عباس قمی (ع) در مفاتیح الجنان یکی از اعمال مستحبی این شب را «احیاء» ذکر کرده‌اند.

۴. در این شب مسعود، می‌توان اعمال مشترک ماه شعبان را نیز انجام داد. ناگفته نماند که در این شب‌های مقدس، لازم نیست انسان سعی کند تمام اعمال را سریعاً انجام بدهد؛ بلکه هر مقدار که می‌تواند با حضور قلب و با توجه کامل آن را انجام دهد، کافی است.

۵. تنها به «بیداری چشم» قناعت نشود، بلکه آنچه در شب‌های «احیاء» بسیار مهم و حیاتی است، «بیداری دل» است و این بیداری در سایه ذکر و توجه و توسل حاصل می‌شود.

ع شب و روز نیمه شعبان را یک مسئله بسیار ویژه بدانیم زیرا عظمت این روز تنها به برکت میلاد امام مهدی (ع) است. اگرچه قبل از تولد یوسف زهرا در کلام معصومین شرافت، کرامت و فضیلت این شب بیان شده است و در حقیقت این میلاد پرده از اسرار این عظمت برداشت. آیت‌الله شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) نه تنها برای نیمه شعبان عظمتی خاص قائل است، بلکه می‌گوید: ماه شعبان به واسطه مولود نیمه شعبان به شرافتی عظیم نایل گشته است.^۱

۱. سیمای امام مهدی (ع) در شعر عربی، ص ۲۸۵

هر آنچه می‌زنم از دفتر وجود
نوشته است به خط جلی که
به یمن مولد مسعود، مهدی
زمین به عرش برین از شرف گرفته
برای آنکه نماید نثار مقدم او
زمانه هستی خود را نهاده روی طبق



دلت را خانه‌ی ما کن، مصفا کردنش با ما
به ما درد دل افشا کن، مداوا کردنش با
اگر گم کرده‌ای ای دل کلید استجابت را
بیا یک لحظه با ما باش پیدا کردنش با ما
اگر عمری گنه کردی مشو نومید از زحمت
تو نام توبه را بنویس امضا کردنش با ما

رویکرد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی غرب درباره موعود شیعه

محبت الاسلام و المسلمین (هیر دهقانی آرانی)

فضای مجازی (اینترنت) یکی از رسانه‌های نوظهور است که به دلیل ضریب نفوذ بالا، جذابیت و سرعت انتقال اطلاعات مورد بهره‌برداری بسیاری قرار می‌گیرد. مفهوم منجی‌گرایی به سبب مورد سوال بودن و نیز جذابیت برای مخاطبان، از نگاه رسانه‌های مختلف به ویژه رسانه‌های غربی دور نمانده است. در همین راستا مهدویت (منجی‌گرایی اسلامی) در سالیان اخیر توجه بسیاری به خود جلب کرده و رسانه‌های مختلف غربی در قالب‌های گوناگون خبری، تحلیلی، گزارشی و یا مستند به این موضوع پرداخته‌اند. این نوشتار با بررسی برخی از این نمونه‌ها در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و خبری-تحلیلی، به شیوه نگاه این رسانه‌ها به موضوع منجی‌گرایی - به ویژه مهدویت شیعی - پرداخته و جنبه‌های مثبت و منفی این نگاه را بیان می‌نماید علاوه بر آنکه تاثیرات مواردی همچون وقایع سیاسی و عقاید مذهبی را در این جریان تبلیغات رسانه‌ای بررسی می‌کند. در انتها نیز پیشنهادهایی جهت مقابله و تصحیح نگاه رسانه‌ای غرب ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: مهدویت، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، فضای مجازی (اینترنت)، غرب

مقدمه

روشهای نوین اطلاع رسانی مجازی

با گسترش فناوری در سطح جهان، شیوه اطلاع رسانی اشکال جدیدی به خود گرفته است. اگر در زمانی نه چندان دور اخبار و گزارشها با تاخیری چند روزه و گاه چندماهه به صورت مکتوب منتقل می گردید، امروزه اخبار و تحلیلها در زمانی بسیار کوتاه از طریق شبکه های متعدد ماهواره ای و اینترنتی در سطح جهان مخابره می شود. این تاثیر تا بدان جا بوده که حتی برخی شیوه های قدیمی اطلاع رسانی منسوخ گردیده و بنگاه های خبررسانی مجبور به به کارگیری ابزارهای جدید شده اند. از میان ابزارهای نوظهور اطلاع رسانی، اینترنت جایگاهی ویژه و برجسته داشته و علی رغم نویابودن گستره استفاده ای به وسعت جهان یافته است. دلایلی که استفاده از اینترنت به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای اطلاع رسانی در عرصه جهانی را باعث شده اند عبارتند از:

- سرعت اطلاع رسانی بالا: اخبار و تحلیلها در کمترین زمان در عرصه وب قابلیت انتشار دارند.
- قابلیت دسترسی وسیع: هر فرد در هر جای جهان به صرف اتصال به شبکه پهناور جهانی امکان دسترسی به سایتها را دارد. این امکان هم برای مخاطبان اخبار و هم برای خبرنگاران و تهیه کنندگان محتوا، بستر تبادل گسترده اطلاعات را فراهم می سازد.

- چندرسانه‌ای بودن: با امکان رو به گسترش و فناوریهای جدید، اخبار و گزارشها در شکلهای مختلف داده‌ای همچون متنی، صوتی، تصویری، ویدئویی و ... قابلیت عرضه دارند.
 - ماندگاری درازمدت: خبرها و گزارشات تولیدشده در زمانی طولانی در عرصه وب باقی مانده و قابلیت دسترسی دارند.
 - هزینه پایین: بسیاری هزینه های تولید و پخش خبر با اینترنت حذف می‌شود.
 - همگونی ابزار با اهداف: با گستردگی وسیع ابزارهای کنونی در فضای مجازی، اهداف موردنظر به سادگی قابل دستیابی است
 - بستری مناسب برای پخش اخبار تایید نشده (شبهه و شایعه پراکنی و فریب)
- مورد اخیر ممکن است نیاز به توضیح داشته باشد. عرصه اینترنت علی‌رغم گستره وسیع و سرعت بالا، می‌تواند بستری مناسب برای انتشار اخبار و گزارشهای نادرست هم باشد. دلیل این امر هم این است که در بستر اینترنت فیلتری جهت صحت‌سنجی مطالب، انتشاریافته وجود ندارد و بنابراین ممکن است خبری نادرست یا تحریف شده به راحتی در سطح وسیعی توزیع و پخش شود. روشن است که پس از انتشار یک خبر اصلاح و حذف آن کاری سخت و گاه غیر ممکن است. این نکته عملاً باعث شده نتوان به این ابزار مفید، جنبه‌ای علمی و قابل اتکا داد و شاید به همین دلیل باشد که اینترنت هنوز جایگاه قابل اعتمادی به عنوان منبع دقیق اطلاعاتی پیدا نکرده است.

نگاهی تاریخی به توجه غرب به مهدویت

در طول تاریخ به ویژه دو صده اخیر جهان غرب به موضوع مهدویت و جایگاه آن در اسلام و میان مسلمانان توجه خاص نشان داده است. دلیل این توجه معمولاً به دو امر بازگشت داشته است؛ اول واقعهای تاریخی که توجه حکومتها یا جوامع علمی غرب را به این مفهوم و مفاهیم مرتبط با آن جلب نموده است. دلیل دوم هم موج حاصل از اوج گیری علاقه دانشمندان غربی به شرق و مردمان آن بوده و در این زمینه برخی دانشمندان غربی را به سمت و سوی ادیان شرق از جمله اسلام کشانده و علاقمندان را در این حیطه وارد نموده است. ماحصل این توجه کتابهای چندی است که مستشرقین به طور مستقل و یا در ضمن کتب دیگر در زمینه مهدویت در اسلام منتشر کرده‌اند.

به عنوان مثال می‌توان به جریان محمد احمد سودانی و قیام وی در سال ۱۸۸۵م - ۱۳۰۲ ه.ق اشاره نمود. این واقعه که در شمال آفریقا و در میان مناطق مستعمره کشورهای اروپایی به وقوع پیوست، توجه اروپاییان را به موضوع مهدویت کشانید تا بدانجا که دانشگاه سوربن فرانسه جیمز دارمستتر محقق شرق شناس خود را مامور نمود تحقیقی در این عقیده انجام دهد و ماحصل سخنرانیها و مقالات وی در این موضوع در کتاب "The فَطْرَةُ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا Mahdi, Past & Present" به چاپ رسید.^۱

۱ - این کتاب در ایران با نام "مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم" ترجمه شده و موجود است.

البته علاقه و توجه غرب به موضوع مهدویت تا چندی پیش محدود به جوامع علمی بود و به طور ویژه بستر عمومی غرب به موضوع مهدویت توجه چندانی نشان نمی‌داد. با ظهور انقلاب اسلامی در کشور ایران، توجه غرب دوباره به سمت و سوی علل و عوامل این انقلاب معطوف گشت و در این میان بحث مهدویت به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در این موضوع مطرح شد. از آنجا که غرب با ظهور انقلاب اسلامی در ایران منافع خود را در خطر می‌دید در صدد برآمد اولاً از صدور آموزه‌های عقیدتی و انقلابی ایران به خارج از مرزها خودداری کند و ثانیاً این آموزه‌ها را تهدیدی مهم برای غرب و حتی کل جهان نشان دهد. برای اثبات این کلام کافی است نگاهی به فیلم "نوستراداموس، مردی که فردا را دید"^۱ بیندازیم. در این فیلم که تنها یک سال پس از وقوع انقلاب ساخته شد، اسلام و به ویژه رهبر اسلامی که خلافتی جهانی را به وجود می‌آورد، فردی خونریز و دشمن بشریت معرفی می‌شود.

این روند همگام با گسترش رسانه‌های ارتباطی در سطح جهان ادامه یافت تا آنکه همزمان با جریانات اسلام‌ستیزی در سالهای اخیر به ویژه پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ شکل جدیدی به خود گرفت. در این سالها ما با نمایش شکل جدیدی از اسلام در میان طالبان و گروه القاعده در سطح جهان مواجه می‌شویم که اسلامی خشن، متعصب، بی‌روح و مخالف ستیز را

1 -Nostradamus, The Man Who Saw Tomorrow (1981);

<http://www.imdb.com/title/tt0081109>

به عنوان نماد حقیقی اسلام به جهانیان عرضه می‌نماید. جالب است این روحيات که بر هر مخالفی حکم مرگ جاری می‌کند، پرچم سیاه را به عنوان علامت لشکر پیشگام مهدی، منجی آخرین مسلمانان عَلم می‌نماید و رهبر خود را به عنوان نمایی از آن شخصیت والا معرفی می‌کند. اگر ما به فرض نتوانیم و یا نخواهیم ایجاد و قدرت گرفتن چنین گروهی را به دست غریبان بدانیم، نمی‌توانیم بر این واقعیت چشم خویش را ببندیم که نمایش این گروه کوچک به عنوان نماد تمامی مسلمانان در رسانه‌های غربی بدون قصد و غرض نبوده است.^۱

در سال ۲۰۰۵ همزمان با برخی تحولات سیاسی و تشکیل دولت جدید در ایران، ما با نگاه جدیدی به مقوله مهدویت در غرب مواجه می‌شویم. علت این توجه سخنرانی رییس جمهور ایران در سازمان ملل در آن سالها و پرداختن گسترده به مهدویت و منجی‌گرایی از آن تریبون بوده است. با توجه به مطرح شدن این واژه در سطحی جهانی رسانه‌های غربی باب جدیدی برای معرفی این مفهوم با رویکردی خاص به مخاطبان خود بر می‌آیند که ما ادامه این روند را به طور متعدد در سالیان اخیر نیز مشاهده می‌کنیم. این روند پس از ظهور جریان‌ات بیداری اسلامی در خاورمیانه و به ویژه پس از رخدادهای سوریه شکل خاص‌تری نیز به خود گرفته است. شاید بدون اغراق بتوان گفت فارغ از شیوه طرح این مبحث در زمان حاضر، هیچگاه

۱ - در بخشهای بعدی مقاله، به نمونه ای از این سوء استفاده اشاره خواهد شد.

چنین توجهی در سطح جهان به مفهوم منجی‌گرایی اسلامی و مهدویت نشده است.

بررسی نمونه‌ها

نمونه‌های بسیاری برای موارد ذکر شده در بالا در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی غرب در سالیان اخیر وجود دارد که ذکر و تحلیل تمامی آنها مجال وسیع می‌طلبد که از حوصله این نوشتار خارج است. بنابراین مناسب است با دسته‌بندی شیوه‌های نمایش و تبلیغ منجی‌گرایی اسلامی در این پایگاه‌ها، در ذیل هر دسته نمونه‌هایی ذکر شود و بقیه موارد به مجال دیگر موکول گردد.^۱

الف - معرفی نادقیق:

در این شیوه رسانه بر آن است در موضوعی که برای مخاطب نامانوس و جدید است، اطلاعاتی ارائه نماید. اگرچه اصل کار مطلوب و از وظایف رسانه‌هاست ولی معمولاً دو عامل سبب می‌شود این اطلاعات چهره حقیقی مفهوم مورد بحث را به نمایش نگذارند.

۱. منابع اطلاعاتی که رسانه برای شناخت و معرفی مفهوم جدید به آن رجوع کرده و اطلاعات خود را به آن اسناد داده است، از نظر دقت، صحت و

۱ - لازم به ذکر است با توجه به موضوع مقاله نمونه‌های مطرح شده صرفاً از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی ذکر گردید و از موارد متعدد دیگر به خصوص در کتب و شبکه‌های ماهواره‌ای خودداری گردید.

اعتبار حائز اهمیت بالایی است. طبیعی است بدون استناد به منابع دقیق و دست اول نمی‌توان انتظار ایجاد تصویری صحیح از موضوع ارائه نمود.

۲. نگاه و عقیده نویسنده، تهیه‌کننده و دیگر عناصر رسانه در تهیه اطلاعات در موضوع مورد نظر اهمیت بسیاری دارد. اگرچه در روند اطلاع‌رسانی پیش‌فرضها و ذهنیت‌ها نباید در شناخت و معرفی مفهوم دخیل باشند، ولی معمولاً چنین نیست و دیدگاه تولیدکنندگان در روند اطلاع‌رسانی تأثیرگذار است.

مثالی که در این قسمت ارائه می‌گردد مربوط به سایت‌های دایره المعارف‌های معروف آنلاین همچون ویکی‌پدیای انگلیسی^۱ و یا بریتانیکا^۲ است. دایره‌المعارف ویکی‌پدیا که در میان دایره‌المعارف‌های تحت وب رتبه نخست از نظر مخاطبان را داراست، در ذیل واژه "Mahdi" و ضمن مقاله‌ای نسبتاً طولانی به معرفی این مفهوم می‌پردازد. در این دایره‌المعارف واژه "مهدی"^۳ مفهومی آخرت‌شناختی و از پیشگویی‌های اسلام معرفی شده که در ۷ یا ۹ یا ۱۹ سال پیش از روز قیامت به همراه عیسی ظهور

1 - <http://en.wikipedia.org>

برای بررسی بیشتر عملکرد، اهداف و موفقیت‌های این دایره‌المعارف رایگان اینترنتی می‌توانید مقاله ای با نام "پرونده‌ای برای ویکی‌پدیا" که در آدرس زیر آمده مطالعه نمایید:

<http://forum.p30world.com/showthread.php?t=132144>

2 - <http://britannica.com>

3 - <http://en.wikipedia.org/wiki/Mahdi>

می‌کند و جهان را از بی عدالتی و بدیها و حکومت‌های ستمگرانه پاک می‌نماید. همچنین به اهمیت و پایه‌ای بودن این عقیده نزد شیعه و ارتباط آن با امام دوازدهم شیعه اشاره می‌شود. پس از آن در بخش‌هایی مجزا عقاید فرقه‌های مختلف اسلامی در مورد مهدی را شرح می‌دهد. در ارائه دکترین شیعه در باب مهدویت، به اساسی بودن این عقیده نزد شیعه اذعان می‌شود و در ادامه به نقل از مؤثران مؤمن به رایج‌ترین علائم اشاره شده برای ظهور مهدی ع نزد شیعه اشاره می‌شود که عبارتند از:

- تقابل و جنگ مهدی ع با مسلمانانی که تنها در ظاهر مسلمانند ولی در واقع پایبندی به احکام و قوانین اسلامی ندارند.
 - وقوع دو مرگ سرخ (خونریزی) و مرگ سفید (بلا و مرض) پیش از ظهور مهدی ع که دو سوم مردم جهان را هلاک می‌کند.
 - ظهور دجال تک چشم، سفیانی و یمانی
 - وقوع جنگی بزرگ در سوریه و نابودی آن
 - وقوع مرگ و ترس در عراق و نیز ظهور آتش در آسمان
- مدعیان مهدویت نیز بخش مهمی از این مقاله را تشکیل داده است که در این بخش به معرفی معروفترین افرادی که تحت این نام در جهان اسلام ظهور کرده‌اند، می‌پردازد.
- در دایره المعارف بریتانیکا^۱ نیز "مهدی" را مفهومی آخرت‌گرایانه در

1 - <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/358096/mahdi>

اسلام می‌داند و در توصیف آن می‌نویسد:

"مهدی" اشاره به نجات‌بخشی مسیحایی می‌کند که جهان را از عدالت و انصاف پر می‌نماید، مکتب صحیح را اعاده می‌کند و عصر طلایی ۷ یا ۸ یا ۹ ساله در پایان جهان را راهبری می‌کند. قرآن (کتاب آسمانی مسلمانان) به او اشاره نکرده و اغلب در روایات غیر قابل اعتماد که از پیامبر اسلام نقل شده، به وی اشاره شده است. اگرچه در میان اهل سنت به ویژه متکلمین سنتی آنها سوالاتی در مورد مهدی مطرح شده ولی این عقیده، باوری اساسی نزد شیعه محسوب می‌شود... به نظر می‌رسد باور مهدویت در همان سده‌های نخستین پس از ظهور اسلام (قرن ۷ و ۸ میلادی) در میان پریشانی و تسلسل مکاتب و شورشهای سیاسی پیشرفت کرده باشد...

از دید نویسنده این مقاله در دایره المعارف بریتانیکا، اعتقاد به مهدی در زمانهای بحرانی مورد تاکید و توجه بیشتری قرار گرفته و از آنجایی که مهدی اعاده‌کننده قدرت سیاسی و طهارت مذهبی اسلام دانسته می‌شود، انقلابهای اجتماعی بسیاری در جوامع اسلامی از این عنوان برای خود بهره برده‌اند.

در نقد و تحلیل مطالب فوق که در منابع مرجع دیگر نیز قابل مشاهده و پیگیری است، نکات زیر قابل توجه و تأمل است:

۱. ارجاع بسیاری مقالات فوق به منابعی باز می‌گردد که نه توسط شیعیان و حتی مسلمانان بلکه توسط مستشرقین و روشنفکرانی نگاشته شده که نگاه خاص و مغرضانه در نوشتار آنها هویداست. به عنوان بخش اسلام

در لغتنامه مذاهب آکسفورد را اسقف سابق اورشلیم مدیریت می‌کند و یا بسیاری مقالات را در حیطه شیعه‌شناسی در دایره‌المعارف‌هایی از جمله بریتانیکا و دایره‌المعارف جهان اسلام مدرن، دکتر موژان مؤمن - که پزشکی بهایی است^۱ و با دانشگاه آکسفورد انگلیس همکاری می‌کند - می‌نگارد^۲. این نکته بسیار حائز اهمیت است که غرب با چه عینکی به معارف اسلامی و شیعه نگاه می‌کند.

۲. عدم ارائه مفاهیم اساسی در زمینه مهدویت و یا ارائه ناصحیح مطالب اساسی و در مقابل ارائه مطالبی بی اهمیت^۳ نکته دیگری است که در این مقالات به طور واضح دیده می‌شود. به عنوان مثال کافی است به مواردی که به عنوان علائم ظهور امام مهدی ع در ویکیپدیا اشاره شده و یا تاکید هر دو دایره المعارف به مدعیان مهدویت توجه شود.

۳. مقاله ویکیپدیا گرچه جامعتر به بحث مهدویت نگریسته ولی از چند منظر قابل تامل است^۴: اول آنکه بسیاری از قسمتهای مقاله - به ویژه مواردی که قابل بحث هستند - به صورت گذرا و با کمترین ارجاع بیان شده است که از آن جمله می‌توان به مدت زمان حکومت حضرت، شیوه قیام،

۱ - http://fa.wikipedia.org/wiki/موژان_مومن

۲ - http://bahaikipedia.org/Moojan_Momen (دایره المعارف عقاید و آیین بهائیت)

۳ - مانند ارائه مقاله ای که نام نویسنده آن امام عصر ع درج شده بود.

۴ - ویکیپدیا شعارهایی همچون بی طرفی، انصاف، اثبات‌پذیری و آزاد بودن را یدک می‌کشد رک:

<http://en.wikipedia.org/wiki/Wikipedia:About>

علائم ظهور و... اشاره نمود. در درجه دوم دیدگاه شیعه در این مقاله به صورتی افسانه‌ای و اسطوره‌ای معرفی شده است به طوریکه کمتر کسی با خواندن دیدگاه شیعه به طرف آن جذب شده و آن را حقیقی می‌انگارد.

۴. مقاله بریتانیکا از جهت گستردگی، ارجاعات و صحت مطالب درجه‌ای به مراتب ضعیفتر دارد و همانگونه که دیده می‌شود بیش از آنکه به اصل باور مهدویت پرداخته شود، به مدعیان و قیامهای صورت گرفته بر اساس این عقیده تاکید شده است و حتی اصل عقیده با ذکر عبارت "عدم اشاره قرآن و روایات معتبر به مهدی" مورد تشکیک واقع گردیده است.

لازم به ذکر است نمونه‌های فوق از آن جهت از دایره‌المعارفها انتخاب گردید که معمولا رجوع اولیه هر محقق ناآشنا به مفاهیم، به این منابع و سایتهاست و طبیعی است نگاه این نوشته‌ها به مفاهیم در ذهن مخاطب نقش خواهد بست. متأسفانه ضعف دو مورد ذکر شده در ابتدای این بخش - عدم ارجاع به منابع دست اول و دخالت عقاید نویسندگان در معرفی مفهوم - در مثالهای ذکر شده مشهود می‌باشد.

ب- اطلاع رسانی هدفمند:

در این شیوه سعی می‌شود در قالب خبر و تحلیل در موضوعی سیاسی، اجتماعی و... بحث دیگر مرتبط با آن موضوع که تاحدی برای مخاطب آشناست، توصیف شود. در این روش توصیفی معمولا دقت علمی و جامعیت - سهوا یا عمدا - لحاظ نمی‌شود و به عکس معمولا با توجه به حال و هوای خبر تنها به جنبه‌های مرتبط پرداخته شده و صحت آن مفروض دانسته می‌شود.

این شیوه در بسیاری اخبار و گزارشها و تحلیلهایی که به نحوی مرتبط با مهدویت است، قابل مشاهده است به عنوان نمونه به دو مورد زیر دقت نمایید:

۱. شبکه خبری و اطلاع رسانی نیوزویک در خبری که به مناسبت جشنهای میلاد امام عصر علیه السلام در ایران و قم برگزار می‌گردد، نوشته است: شیعیان معتقدند که امام مهدی -دوازدهمین امام از نژاد محمد پیامبر- زنده است ولی از انتهای قرن نهم در خفا نگهداری می‌شود و او باز نخواهد گشت مگر وقتی که فساد و ظلم به نقطه اوج خود برسد... به دلیل در اقلیت بودن میان مسلمانان از نظر عقیده، شیعیان به طور تاریخی تحت انقیاد و ستم اهل سنت بوده‌اند لذا به امامانشان با نگاه افرادی جنگجو برای عدالت و در مقابل ظلم و ستم می‌نگرند. این دیدگاه تعیین کننده‌ای است که امروز کلاس سیاسی ایران را تشکیل داده است.^۱

همانگونه که در متن بالا مشاهده می‌شود، از نظر این نوشته شیعیان بدین دلیل منتظر امام مهدی ع هستند که سالها در اقلیت بوده و بدین دلیل چنین عقیده و آرزویی دارند.

۲. شبکه خبری هافینگتون پست در گزارشی که در مورد مقایسه دیدگاه

1 - "For Iran's Shiites, a Celebration of Faith and Waiting",
www.nytimes.com/2007/08/30/world/middleeast/30imam.html

آخرالزمانی اسلام و مسیحیت تهیه نموده است^۱، ابتدا دیدگاه مسلمانان و مسیحیان در مورد آخرالزمان را دارای شباهتی شگرف می‌داند؛ گرچه انتهای هر دیدگاه را متفاوت از هم تلقی می‌نماید. در ادامه این گزارش به نقل از یکی از دانشمندان غربی، دیدگاه اسلامی در مورد آخرالزمان را برگرفته از دیدگاه مسیحیان معرفی می‌کند:

دیوید کوک، متخصص آخرالزمان اسلامی و دانشیار دانشگاه رایس می‌گوید: صاحب‌نظران کنونی مسائل آخرالزمانی در میان مسلمانان با کپی برداری از همتایان مسیحی خود مانند هال لیندسی، جری فالول و پت رابرتسون به تعیین تاریخ ظهور ضد‌مسیح (دجال) می‌پردازند. مطالعاتی از علمای مسلمان همانند آنچه در کتاب دانیال، حزقیل و مکاشفات یوحنا آمده، صورت گرفته است و تنها تفاوت آن مطالعات با این نوشته‌ها این است که آدمهای خوب آن مسلمان هستند و نه مسیحی!

این پایگاه خبری در ادامه به بخشی از اعتقادات اسلامی نسبت به آخرالزمان اشاره کرده و به اعتقاد مسلمانان به همراهی عیسی ع با مهدی ع می‌پردازد:

بنابر احادیث اسلامی، عیسی با شخصیتی به نام مهدی همراه می‌شود و با کمک او بر شیطان غلبه کرده و جهان را از لوٲ فساد و بی‌عدالتی پاک

1 -Daniel Burke, "Muslim Views Of The Apocalypse", http://www.huffingtonpost.com/2013/02/07/muslim-views-of-the-apocalypse_n_2635839.html

می‌سازد. مطابق نظر دیوید کوک، برخی مسلمانان که نقش محوری آخرالزمانی عیسی ع را خوش ندارند، نقش محوری نجات بخشی را به مهدی می‌دهند. این دیدگاه در میان شیعیان به ویژه شیعیان دوازده امامی در ایران بسیار قوی است.

همانگونه که مشاهده می‌شود گرچه روال گزارش‌دهی این پایگاه خبری ظاهراً صحیح و برگرفته از نظرات پژوهشگران است ولی چپش کلام به صورتی تنظیم شده که اولاً دیدگاه آخرالزمانی اسلام متأثر و برگرفته از کتاب مقدس مسیحیان تلقی شود و ثانیاً چنین القا شود که میان علمای اسلامی در مورد منجی اختلاف شدیدی بوده و در این میان تنها شیعیان — و به ویژه ایرانیان — هستند که به نقش محوری و اصلی مهدی ع به عنوان منجی اصلی باور دارند.

ج- ایجاد ترس در قالب خبر:

در این شیوه شبکه اطلاع‌رسانی از ابتدا مهدی ع را موجودیتی خطرناک و آسیب‌زا برای صلح و امنیت جهان به ویژه کشورهای غربی معرفی می‌کند و از آنجا که آرمان عدالت خواهانه و صلح‌مدار امام مهدی ع با این امر تضاد دارد، معمولاً برای اثبات چنین فرضی شبکه اطلاع‌رسانی به خبرسازی و تحلیل هدفمند روی می‌آورد. نمونه اینگونه رویکرد رسانه‌ای هر از چندگاهی به ویژه در مناسبتی که ندای منجی‌خواهی در کشوری اسلامی به پا می‌شود و یا کشوری همچون ایران به فن‌آوری نوینی دست می‌یابد، به طور مکرر دیده می‌شود. به عنوان نمونه به دو مورد زیر توجه نمایید:

۱. سایت اطلاع رسانی WorldNetDaily^۱ که مجله معروف FrontPage را منتشر می‌کند، در قالب خبری تحلیلی^۲ به بررسی پیشرفتهای اخیر ایران در فن‌آوری‌های مختلف از جمله فن‌آوری هسته‌ای می‌پردازد و چنین می‌نویسد:

رهبر عالی ایران، آیه‌الله خامنه‌ای جلسات مخفیانه مختلفی با مشاوران نظامی و اقتصادی خود در روزهای گذشته برگزار کرده است تا امکان جنگ با ایالات متحده را بررسی نماید... چنانچه از {آیه الله} خامنه‌ای شنیده شده ظهور آخرین منجی موعود اسلامی - دوازدهمین امام شیعیان امام مهدی - نزدیک است و اقدامات ویژه‌ای برای حفاظت از رژیم ایران در رخدادهای آینده لازم است. مهدی بنابر عقاید شیعیان در زمان آرماگدون ظهور خواهد نمود.

همانگونه که دیده می‌شود این خبر بدون اشاره به هیچ منبع خبری قابل اعتماد، ادعا می‌کند ایران در حال آماده‌سازی جنگ با کشورهای غربی است و این امر را به ظهور امام مهدی ع مرتبط می‌داند. ادامه خبرسازی این شبکه اطلاع رسانی جالب توجه است:

بنا به گزارشات رسیده، نیروهای گزینش شده سپاه پاسداران و بسیج تحت نیروی ویژه‌ای با نام "سربازان امام مهدی" آموزش دیده‌اند و

1 - <http://www.wnd.com>

2 - Reza Kahlili, "Iran preparing now for Armageddon", <http://www.wnd.com/2012/01/iran-preparing-now-for-armageddon/>

مسئولیتهای امنیتی و حفاظت از حکومت ایران از شورشها را بر عهده داشته‌اند. به بسیاری نیروهای سپاه پاسداران و بسیج گفته شده است که امام دوازدهم اکنون بر روی زمین است و در جریان پیروزی حزب الله بر اسرائیل در سال ۲۰۰۶ به یاری حزب الله آمده و به زودی پس از آماده شدن محیط، حضور خود را به صورت عمومی علنی خواهد کرد.

همانگونه که مشاهده می‌شود نویسنده خبر فوق با ترکیب خبرهایی از منابع نامشخص با اطلاعاتی نادرست سعی در ایجاد ترس و وحشت از ایران و امام مهدی ع دارد تا بهره‌برداری موردنظر خود را از آن کسب نماید. توجه به این نکته خالی از لطف نیست که نویسنده متن فوق فردی با نام مستعار رضا خلیلی است که ادعا شده عضو سابق سپاه پاسداران بوده که در دهه ۸۰ و ۹۰ به عنوان عامل سیا در ایران جاسوسی می‌کرده^۱ و کتاب "زمانی برای خیانت"^۲ خاطرات این دوران است که در سال ۲۰۱۰ انتشار یافته است.

۲. در گزارش دیگری^۳ که در سایت شبکه CBN انعکاس یافته، ادعا می‌شود ایران به دنبال کشتار و نابودی سراسری است و علت این کار تسریع در آمدن امام مهدی ع است:

1 - <http://atimetobetray.com/about>

2 - Reza Kahlili, "A Time to Betray", Threshold Editions, 2010

3 - -, "The Mahdi: Why Iran is Seeking Global Destruction", <http://www.cbn.com/cbnnews/world/2010/October/The-Mahdi-Why-Iran-is-Seeking-Global-Destruction>

مسلمانان شیعه -از جمله رئیس جمهور ایران- بر این باورند که نجات دهنده اسلامی که با نام مهدی شناخته شده در انتهای تاریخ ظهور خواهد کرد. آنها معتقدند که مهدی در زمانی که هرج و مرج، قتل عام و پریشانی عالم را فراگرفته، ظهور می‌کند. بنابر گفته جوئل روزنبرگ یکی از نویسندگان برگزیده نیویورک تایمز، مسلمانان شیعه اعتقاد دارند با آمدن این منجی اسلام در آخرالزمان، تمدن یهودی-مسیحی که تاکنون شناخته‌ایم نابود می‌شود، غیر مسلمانان مجبور به پذیرش اسلام شده و در غیر این صورت اعدام می‌شوند و حکومت واحد اسلامی در سراسر جهان تحت نام خلافت تشکیل خواهد شد. بنابر نظر روزنبرگ احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران معتقد است که خدا او را انتخاب کرده است تا جهان را برای آمدن مهدی آماده سازد و او می‌تواند ظهور مهدی را با ایجاد آشوب و هرج و مرج جهانی تسریع کند.

روش تنظیم خبر و گزینش مطالب نوشته فوق -که به صورتهای گوناگونی در رسانه‌های مکتوب و تصویری با همین ادبیات تکرار شده است- با این هدف صورت گرفته که عقاید شیعیان -در مورد آماده‌سازی جهان برای ظهور امام عصر ع و دعا برای تعجیل فرج ایشان- و تلاشهای ایران در زمینه‌های علمی و فن‌آوری به این شکل معنا شود که ایران در پی ایجاد هرج و مرج در کل جهان و از بین بردن تمدن یهودی-مسیحی است و منشا این دیدگاه، باور به امام مهدی ع نزد ایرانیان است.

د- مشابهت دهی با نمونه منفی:

در این شیوه مفهوم در قالب مثالی عینی -البته از نوع منفی- ارائه می‌شود که مخاطب با ملاحظه نمونه منفی معرفی شده، از مفهوم دل‌زدگی پیدا کند. این نوع معرفی به طور وسیع در معرفی مهدی عج در رسانه‌های غربی به کار می‌رود. برای اثبات این مطلب کافی است نگاهی به تبلیغ طالبان و بن لادن به عنوان یکی از نمونه‌های عینی کسی که مسلمانان انتظار آمدن چنین کسی را دارند، بیندازیم. به عنوان مثال سایت اطلاع رسانی WMD در مطلبی با عنوان "آیا بن لادن همان مهدی است؟" با اشاره به پیامی تصویری از بن لادن به موضوع مهدویت می‌پردازد^۱:

متخصصان اطلاعات نظامی ایالات متحده در حال بررسی یک ویدیو کلیپ از اسامه بن لادن هستند که در آن نوشته‌ای در پشت سر وی نوشته شده است: "المهدی المنتظر". هیچ کس از افرادی که ویدیو را دیده‌اند به مفهوم واقعی این نوشته اطمینان ندارند ولی احادیث -که مجموعه‌ای از نوشته‌های مقدس اسلامی است که نقش مکمل قرآن را دارد- پیشگویی کرده‌اند که شخصیتی مسیحایی در آخرین روزهای تاریخ ظهور می‌کند. این "مهدی" همراه با عیسی مؤمنان را برای پیروزی علیه کافران رهبری می‌نماید. ابهام کارشناسان در مورد این ویدیو این است که آیا بن لادن خود را به عنوان مهدی تلقی می‌کند یا شخص دیگری را برای

1 - -, "Is bin Laden the 'Mahdi'?",

<http://www.wnd.com/2003/09/20663/>

ظهور و قیام انتظار می‌کشد.

این گزارش در ادامه به تشابهات ادعایی بن لادن با مهدی از نظر روایات می‌پردازد:

جالب توجه آنکه پس از سال ۲۰۰۱ {و حملات یازده سپتامبر این سال} بن لادن با نام "اسامه بن محمد بن لادن" پیامها را امضا می‌کند و این اهمیتی آخرالزمانی به رهبر طالبان می‌دهد چراکه احادیث نام مهدی را برگرفته از نام پیامبر {اسلام} می‌دانند. در حالی که برخی تحلیلگران اسلامی انتظار دارند بن لادن خود را به عنوان "خلیفه" معرفی کند، برخی معتقدند ممکن است بن لادن جهت کسب موفقیت منطقه ای بیشتر خود را قدرتمندترین عنوان اسلامی یعنی مهدی معرفی کند... اگر چنین ادعایی در جهان اسلام مورد پذیرش قرار گیرد، دیگر آمریکا نمی‌تواند ادعا کند تنها با تروریسم مبارزه می‌کند بلکه در واقع یک درگیری مذهبی جهانی ایجاد خواهد شد.

در متن فوق ادعا شده برخی تشابهات بین بن لادن و مهدی وجود دارد که ممکن است بن لادن از این تشابهات برای ادعای مهدویت بهره گیرد. معرفی بن لادن به عنوان نمونه عینی منجی اسلامی با عنایت به چهره بسیار منفور وی نزد غربیان به وضوح درصدد جهت دهی نگاه مخاطبان این رسانه‌ها به سمتی است که نه تنها علاقه ای برای آشنایی با این مفهوم

اسلامی پیدا نکنند بلکه از همان ابتدا موضعی تقابلی با آن داشته باشند.^۱

شیوه‌های مقابله

با توجه به شدت یافتن رویکرد تهاجمی غرب و رسانه‌های غربی علیه مهدویت در سالیان اخیر، بررسی و اتخاذ راهکارهایی مناسب جهت مقابله با این تهاجم ضروری است. این راهکارها می‌بایست در ابتدا مخاطبان این رسانه‌ها را از خبرسازیه‌ها و سیاه‌نمایی‌ها مصون نماید و در مرحله بعد به حضور فعالانه در زمین دشمن و مطرح ساختن باورهای صحیح بیانجامد. بر این اساس راهکارهای زیر جهت مقابله با این هجمه فراگیر قابل پیگیری است:

۱. تقویت عقاید و باورهای دینی: سطحی بودن، عدم جامع‌بینی، تطبیق نداشتن با مسائل روز و عدم توان پاسخگویی به هجمه‌های جدید از جمله مشکلاتی است که در میان طرفداران مکتب حق قابل مشاهده است و از همین روزنه‌هاست که دشمن بهره‌برداری می‌نماید. در اولین قدم متصدیان مذهبی و سیاسی می‌بایست به تقویت باورهای دینی در خود و مردمان خویش بپردازند. تنها با تکیه بر باوری صحیح و مستحکم می‌توان در برابر حملات دشمن ایمن بود و الگوی بی‌بدیل شیعه برای نجات جهان را به جهانیان معرفی نمود.

۱ - مشابه این شیوه در رسانه‌های دیگر و از جمله کتابها می‌توان مکرراً مشاهده نمود به عنوان مثال اگر به کتاب "مهدی: مسیحای به سرقت رفته" که توسط رون کانتزل نوشته شده نظری بدوزیم عکس بن لادن بر روی جلد آن نمایان است.

۲. رصد اردوگاه دشمن: دشمن در عرصه‌های مختلف به مقابله با عقیده مهدویت می‌پردازد و از همه توان رسانه‌ای خویش در این زمینه بهره می‌برد. بدون آشنایی با فعالیتهای دشمن نمی‌توان دید صحیحی از شیوه و شدت عمل وی داشت و طبعاً برخورد متناسبی صورت نخواهد گرفت. رصد رسانه‌های مکتوب و غیر مکتوب، فضای مجازی و حتی محیطهای عمومی و آکادمیک، راهبرد و نقشه راه جهت اصلاح روشها و برخورد مدبرانه با تهاجم دشمن است.

۳. پاسخگویی و روشنگری روزآمد: متأسفانه علی‌رغم وجود منابع غنی و عقاید محکم، پاسخگویی به شبهات و تهاجمات دشمنان مهدویت همگام با هجمه‌ها نبوده و اثر مطلوب را نداشته است. شاید یکی از اصلی‌ترین علل این امر تناسب نداشتن پاسخها با شبهات و یا عدم تبیین عقاید به زبان روز است. این کار افرادی عالم و زبده را می‌طلبد تا باورهای صحیح را با زبان روز و مخاطب خاص آن تبیین نموده و در اختیار رسانه‌ها قرار دهند.

۴. حضور رسانه‌ای قوی: گرچه غالب رسانه‌های تاثیرگذار جهان در اختیار کشورهای غربی است ولی هنوز می‌توان با حضوری قوی در رسانه‌های آزاد و فراگیر و نیز تقویت رسانه‌های خودی به انتشار و تبلیغ باورهای صحیح در زمینه مهدویت پرداخت. این امر به ویژه در فضای مجازی که عرصه‌ای فراگیر و تا حد بالایی آزاد و کم هزینه است، حائز اهمیت می‌باشد.

احکام منتظران (اعمال و احکام نیمه شعبان)

محبت الاسلام و المسلمین محمود اکبری

نیمه شعبان، شب بسیار مبارکی است. این شب، شبی است که خداوند متعال، آن را برای اهل بیت علیهم السلام علی قرار داده؛ آن گونه که شب قدر را برای پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده است. از جمله برکات این شب، ولادت با سعادت منجی عالم بشریت، حضرت مهدی در سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا می باشد. ۱

اعمال شب نیمه شعبان

برای این شب، چند عمل است:

اول غسل؛ که طبق روایتی از امام صادق علیه السلام سبب کم شدن گناهان معرفی شده است.

دوم احیاء این شب به نماز، دعا و استغفار. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «من احیا لیلۃ العید و لیلۃ النصف من شعبان لم یمت قلبه یوم تموت القلوب ۲؛ هر کس شب عید و شب نیمه شعبان را با عبادت زنده بدارد، در روزی که همه قلبها بمیرند، قلب او نخواهد مرد.»

امام علی علیه السلام نیز در فضیلت نیمه شعبان می فرماید: «یعجبنی ان یفرغ

الرجل نفسه في السنة اربع ليال ليلة الفطر و ليلة الاضحى و ليلة النصف من شعبان و اول ليلة من رجب ۳؛ در شگفتم از کسی که این چهار شب از سال را به بیهودگی بگذارند: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه شعبان و اولین شب از ماه رجب».

سوم زیارت امام حسین علیه السلام؛ که در این شب، از افضل اعمال است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس دوست دارد یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر با او مصافحه کنند، در نیمه شعبان، قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند؛ زیرا ارواح پیامبران به اذن خدا در این شب به زیارت قبر آن حضرت می روند.»

چهارم قرائت صلوات هر روز ماه شعبان.

پنجم قرائت دعای کمیل ۴.

ششم ذکر صد مرتبه سبحان الله، صد مرتبه الحمد لله، صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله.

هفتم: خواندن نماز جعفر طیار ۵.

هشتم: خواندن نماز شب نیمه شعبان، که چهار رکعت است، به دو سلام و در هر رکعت، یک بار حمد و صد بار سوره توحید ۶.

احکام جشن های نیمه شعبان

مهمترین آداب شادی، تعادل و میانه روی است؛ یعنی آدمی، نه باید مجسمه غم باشد و نه آن چنان بی درد که فقط به فکر شادی خود باشد و از غم دیگران چشم ببندد. مجلس عزا، جای خود را دارد و مجلس شادی، جای خود را؛ و دلیلی ندارد که ما شادی ها را تبدیل به عزا کنیم و این

ذهنیت را در نسل جوان جامعه ایجاد نمائیم که «دین» مساوی است با غم و اندوه.

-
۱. مفاتیح نوین، ص ۶۵۰
 ۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۷۸، ح ۹۹۰۳.
 ۳. همان، ج ۸، ص ۱۰۹، ح ۱۰۱۸۹.
 ۴. فرهنگ فقه، ج ۳، ص ۶۲۶
 ۵. عروۃ الوثقی، ج ۳، ص ۴۰۵.
 ۶. جامع عباسی، ص ۲۰۰، انتشارات اسلامی.
 ۷. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۷۷.
 ۸. بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۷۲.
 ۹. مسائل جدید، ج ۱، ص ۱۶۷.
 ۱۰. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۲، ص ۳۶ و ۳۷.
 ۱۱. استفتائات جدید، ج ۲، ص ۷۰۵.
 ۱۲. استفتائات جدید، ج ۱، ص ۱۴۹؛ آموزش فقه، فلاح زاده، ص ۴۲۳.

آداب شادی

شادی شرایط و آدابی دارد که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) مجالس شادی همراه با گناه نباشد

متأسفانه، گاهی شادی‌ها آن‌چنان با گناه همراه است که شادی با گناه

مساوی می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

لا تسخطوا الله برضا أحد من خلقه و لا تتقربوا إلى أحد من الخلق بتباعد من الله.^۱

خداوند را به غضب نیاورید به خاطر رضایت و خشنودی احدی از مردم و

نزدیک نشوید به مردم به وسیله دوری از خدا.

و نیز فرمود:

لا ينبغي للمؤمن أن يجلس مجلساً يعصى الله فيه - و لا يقدر على تغييره.^۲

سزوار نیست برای مؤمن در مجلسی بنشیند که معصیت خدا در آن

می‌شود و نمی‌تواند جو مجلس را عوض کند.

ب) شادی با اذیت و آزار همراه نباشد

یکی از شرایط شادی این است که با اذیت و آزار دیگران همراه نباشد،

۱. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۷۱، ص ۱۹۹؛ میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۶، ح ۲۱۵۱۲.

متأسفانه امروزه بسیاری از شادی‌های ما با آزار دیگران همراه است.
مانند: بلند کردن صدای موسیقی و آهنگ‌های مبتذل، مزاحمت‌های
تلفنی، انفجاری‌های تفریحی و... پیامبر (ص) فرمود:
من اذی مؤمناً فقد اذانی.^۱

کسی که مؤمنی را آزار دهد مرا آزار داده است.
هشام بن سالم می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: خداوند
می‌فرماید:

لیأذن بحرب منی من اذی عبدی المؤمن.^۲
اعلان جنگ به من داده کسی که بنده مرا اذیت کند.

ج) همراه با لهُو نباشد

در آیین اسلام، سرگرمی‌های زیانبار و همه عوامل بازدارنده از
پیشرفت‌های معنوی، ممنوع است. موسیقی حرام، یکی از سرگرمی‌های
زیان‌بار است که آدمی را از توجه به خدا و آخرت باز می‌دارد. موسیقی، اثری
همچون الكل و افیون در روح و روان انسان دارد، یعنی با رخوتی که در
اعصاب انسان ایجاد می‌کند، موجب خواهد شد که انسان موقتاً از
واقعیت‌های زندگی فاصله بگیرد.

لذا امام خمینی رحمه الله و مراجع دیگر شنیدن و نواختن موسیقی را حرام

۱. بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۷۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۷.

می‌دانند.^۱

آیت الله مکارم هم در این زمینه می‌فرماید:
استفاده از آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است، حرام است و
بین موسیقی سنتی و نوین و فرح‌انگیز و غیر آن فرق نیست.^۲

(د) میانه‌روی در شادی

یکی از آداب شادی، تعادل و میانه‌روی است، یعنی آدمی، نباید مجسمه
غم باشد و نه آن چنان بی‌درد که فقط به فکر شادی خود باشد و از غم
دیگران چشم‌پنسد. چنانچه حاکمان هوسران و پادشاهان خوش‌گذران، در
دربار خود با استفاده از افرادی بی‌شخصیت به عنوان «دلچسپ، تلخک و
ملیجک» به تحقیر و استهزای دیگران می‌پرداختند تا ساعاتی را در غفلت و
بی‌خبری، در شادی مستانه بگذرانند.

و امروزه کم نیستند کسانی که فقط به شادی می‌اندیشیند، حتی در
روزهایی که شایسته است انسان محزون باشد. مانند: ایام محرم و ایام
شهادت معصومین و در مقابل، عده‌ای نیز فقط به دنبال غم و اندوه هستند،
حتی در ایام شادی و اعیاد مذهبی. فضای جشن را غمگین می‌سازند و
می‌گویند که شعیه عید ندارد، در حالی که مجلس عزای خود را دارد و
مجلس شادی جای خود را و دلیلی ندارد که ما شادی‌ها را تبدیل به عزای

۱. استفتائات امام خمینی، ج ۲، ص ۱۱، س ۲۵.

۲. استفتائات جدید آیه‌الله مکارم شیرازی، س ۱۴۴.

کنیم و این ذهنیت را در نسل جوان جامعه ایجاد کنیم که «دین» مساوی است با غم و اندوه.

شادی، برخی بایدها و نبایدها دارد که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:

- برگزاری مراسم جشن و حضور در آن، همراه با اخلاص و نیت پاک.
- عدم استفاده از امکانات و پول‌های حرام.
- خودداری از انگیزه‌ها و اخلاق ناپسند مثل: تفاخر و ریا.
- رعایت آموزه‌های دینی و اخلاقی مانند: حفظ حجاب، عدم اختلاط زن و مردم و عدم اسراف.
- پرهیز از نصب تصاویر نامناسب و غیره.
- دوری از نواختن و پخش آهنگ‌ها و اشعار مسأله‌دار.
- رعایت نکات امینتی و بهداشتی.
- حفظ نظافت و زیبایی فضای شهر و محیط زندگی.
- خاموش کردن چراغ‌های روشنایی به هنگام روز و جلوگیری از اسراف.
- پیشگیری از مسدود شدن کوچه و خیابان‌ها و روان سازی ترافیک.
- برنامه‌ریزی و هدایت مراسم اعیاد اسلامی در جهت تقویت معرفت دینی و محبت اولیای الهی (تغذیه معنوی).

نیم تگاهی به چند دعا و زیارت مهدوی

محبت الاسلام و المسلمین علی (بانی

مقدمه

دعا موجب تقویت و استمرار ایمان در دل است. خطر از دست دادن ایمان همواره در رویارویی با سختیها، سرخوشیها، نعمتهای فراوان و دیگر لحظه های حساس زندگی، برای انسان وجود دارد و با دعا و ذکر خدا، می توان ایمان و اعتقاد سست و شکننده را ثابت و مطمئن ساخت و از ضعف و نابودی در امان داشت.

مفهوم شناسی واژه دعا

دعا در لغت

الدُّعَاءُ مفرد أدعیه از ماده "دعوت" است که اصل آن "دعاو" بوده است که چون واو بعد از الف واقع شده است، تبدیل به همزه شده است.^۱ دعا، اشتیاق بسوی خداوند است. «الدُّعَاءُ: الرَّغْبَةُ إِلَى اللَّهِ»^۲ صاحب تاج

۱. (کتاب الماء، ج ۲، ص: ۴۵۶) الدُّعَاءُ: واحد الأدعیه، وأصله دُعَاوٌ، من دَعَوْتُ، إِلَّا أَنْ الْوَاوَ لَمَّا جَاءَتْ بَعْدَ الْأَلِفِ هُمَزَتْ.

۲. همان

العروس قیودی را به آن اضافه می‌کند: «فِيمَا عِنْدَهُ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْإِبْتِهَالِ إِلَيْهِ بِالسُّؤَالِ»^۱ یعنی رغبت به سوی خدا در آنچه در نزد اوست از خیر، که با حالت ابتهال و تضرع از او درخواست شود. فیومی در مصباح المنیر نیز همین قیود برای دعا بسوی پروردگار را در نظر می‌گیرد.^۲

ابن منظور^۳ و دیگر لغت شناسان به نقل از زجاج سه وجه برای دعا بسوی خدا ذکر نموده‌اند که اول از آن، حمد و ثنای الهی است. مثل اینکه گفته شود: «يا الله لا إله إلا أنت» دوم طلب عفو و رحمت است مثل گفتن: «اللهم اغفر لنا» و سوم درخواست نصیبی از دنیا، مثل اینکه بگویی: «اللهم ارزقني مالاً و ولداً»

دلیل آنکه به تهلیل و تحمید و تمجید، دعا اطلاق می‌شود، مشترک بودن آنها در پاداش و جزا بردن است. این تحلیل ابن منظور است^۴ اما تحلیل ازدی این است که چون در اول همه اینها از یا الله و یارب و نظیر آن استفاده می‌شود به آنها دعا اطلاق می‌شود.^۵

۱. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۹، ص: ۴۰۵

۲. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص: ۱۹۵ دَعَوْتُ: اللَّهَ (أَدْعُوهُ) (دُعَاءً)

إِبْتِهَلْتُ إِلَيْهِ بِالسُّؤَالِ وَ رَغِبْتُ فِيمَا عِنْدَهُ مِنَ الْخَيْرِ

۳. لسان العرب، ج ۱۴، ص: ۲۵۷

۴. همان

۵. کتاب الماء، ج ۲، ص: ۴۵۶

معانی دعا در قرآن

۱ - خواندن

صاحب قاموس قرآن می‌گوید: «دعاء بمعنی خواندن و حاجت خواستن و استمداد است و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است مثل {فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا}¹ و گاهی مراد همان در خواست و استمداد است مثل {الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ}² دعوه نیز بمعنی خواندن میباشد.»³

نمونه‌ی دیگر این آیه شریفه است: «هنالك دعا زكريا ربه قال هب لي من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء»⁴ در آن هنگام زکریا پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: [خداوندا] از ناحیه خود فرزند پاکیزه‌ای به من عطا فرما که تو شنونده دعایی.

۲ - پرسش کردن

«قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي»⁵ بنی اسرائیل به حضرت موسی عليه السلام گفتند: برای ما از پروردگارت بپرس، این گاو چگونه گاوی باشد، برای ما روشن کند؟

۱. نوح: ۶

۲. ابراهیم: ۳۹

۳. قاموس قرآن، ج ۲، ص: ۳۴۵

۴. آل عمران / ۲۸

۵. بقره / ۷۰ و ۶۸

۳ - فریادرس خواستن و استغاثه

«قل ارايتم ان اتاكم عذاب الله او اتتكم الساعةُ اغير الله تدعون ان كنتم صادقين بل اياه تدعون»^۱ بگو اگر راست می گوئید به من خبر دهید، اگر عذاب خدا به شما رو آورد، یا قیامت فرا رسد، آیا غیر خدا کسی را به فریادرسی خود می خوانید؟ [قطعاً نه] بلکه تنها خدا را به فریاد رسی می خوانید.

۴ - تشویق و ترغیب کردن

«والله يدعو الى دارالسلام»^۲ خدا به خانه امن و سلامت تشویق می کند.
«يا قوم مالي ادعوكم الى النجاة و تدعونني الى النار»^۳ مؤمن آل فرعون گفت: ای قوم! چرا من شما را به نجات تشویق می کنم و شما مرا به آتش تشویق می کنید.

۵ - کمک خواستن

«فاتوا بسورة من مثله وادعوا شهداءكم من دون الله ان كنتم صادقين»^۴
سوره ای مثل قرآن بیاورید و از نخبگانان غیر از خدا کمک بخواهید، اگر راست می گوئید.

۱. انعام / ۴۱ و ۴۰

۲. یونس / ۲۵

۳. غافر / ۴۱

۴. بقره / ۲۳

۶ - نام گذاری کردن

راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «دُعَاء - در معنی نام نهادن روی فرزند و نامیدن هم بکار می‌رود مثل: دَعَوْتُ ابْنِي زَيْدًا - اسم فرزندم را زید گزاردم. خدای تعالی گوید: لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا^۱ (همانطور که خودتان در میان خویش، یکدیگر را صدا می‌زنید، پیامبر ﷺ را آنطور صدا نزنید) که تشویقی بر تعظیم و بزرگداشت پیامبر ﷺ است و اینجا روی سخن با کسی است که می‌گوید: یا محمد که ایشان را مثل افراد عادی صدا می‌زند.»^۲

نکات:

۱. فرقی که بین واژه دعا با کلمات مترادف آن وجود دارد در کتابهایی مثل فروق اللغة به آن پرداخته شده است. از میان آنها به تفاوت دعاء با واژه نداء به نقل از قاموس قرآن می‌پردازیم. در این آیه شریفه هر دو کلمه آمده است: «مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكُمْ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۳

صاحب قاموس می‌گوید: «از مجمع البیان بدست می‌آید که دعا مطلق خواندن و نداء خواندن با صدای بلند است علی هذا نداء از دعا اخصّ است. راغب می‌گوید: دعا مثل نداء است مگر آنکه نداء گاهی فقط خواندن است

۱. نور / ۶۳

۲. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص: ۶۷۷

۳. بقره: ۱۷۱

بدون ذکر اسم ولی دعا بیشتر با ذکر اسم می‌شود مثل: ای زید و در باب نون گفته: نداء بلند کردن صدا و اظهار آن است و گاهی بمجرد صدا اطلاق می‌شود. بنظر می‌آید فرقی که از مجمع نقل شد بهتر و قانع کننده‌تر باشد. نعیق و نعق صدای چوپان است که برای راندن گوسفندان بلند می‌کند. معنی آیه شریفه چنین بنظر می‌آید: مثل کفار با پیامبران (که سخن آنها را می‌شنوند و اعتنا نمی‌کنند) مانند چوپانی است که آنچه را جز خواندن و آواز نمی‌شنود صدا کند کر و لال و کوراند و در نتیجه نمی‌فهمند.^۱

۲. در قرآن اغلب آیاتی که به عبارت ربنا مزین شده بیانگر این واقعیت است که اهل ایمان را ارشاد فرماید تا چه چیزهایی را با چه جملاتی از خداوند تبارک و تعالی طلب کنند. نکته قابل توجه این است که در این آیات، خدای متعال با عنوان «رب» یاد شده است که نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ عنصر دعا با موضوع ربوبیت است و بیانگر این نکته مهم است که با وجود اعتقاد به ربوبیت اوست که می‌توان رو به سوی او آورد و از او رفع نیازهای مادی و معنوی را خواست. گذشته از این خداوند با دستور به دعا، به مؤمنان یاد می‌دهد که نعمت‌های مخصوص الهی، بدون تقاضا از او جلب نمی‌گردد، و بی آن غیر از محرومیت، نتیجه‌ای عاید بنده نخواهد شد.

این رابطه مستقیم و تاثیر گذاری متقابل به گونه‌ای است که بدون اعتقاد به پروردگاری حق، دعا محقق نمی‌گردد، و از آن طرف دعا نیز خود

۱. قاموس قرآن، ج ۲، ص: ۳۴۷

عامل بسیار مهم و مؤثر در تقویت و استحکام این عقیده در جان مؤمن است.

روی همین اساس، در آغاز اکثریت قریب به اتفاق دعا‌های قرآنی، خدای بزرگ با عنوان «ربنا» و مانند آن، مخاطب قرار گرفته و محل سؤال و طلب واقع شده است و این آیات هر چند در آن واژه دعا به کار نرفته است اما مصادیق عینی دعا می‌باشند.

مفهوم شناسی واژه زیارت

مفهوم لغوی

نظر مرحوم طریحی در این واژه چنین است: «زیارت به معنای قصد است و به کسی که آن را انجام می‌دهد زائر و زوَّار گفته می‌شود.»^۱ صاحب مصباح المنیر نیز به همین معنا اذعان دارد.^۲ ابن منظور تعبیر دیگری از زیارت دارد و آن عزیمت است.^۳

معجم مقاییس اللغة، زائر را به معنای کسی که از غیر زیارت شونده عدول کرده است، معنا نموده است: «الزَّوْر: الميل، يقال ازوراً عن كذا، أي

۱. مجمع البحرین، ج ۳، ص: ۳۲۰ «زَارَهُ يَزُورُهُ زِيَارَةً: قصده، فهو زَائِرٌ وَ زَوَّارٌ وَ زُوَّارٌ»
۲. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص: ۲۶۰ (زَارَهُ) (زِيَارَةً) وَ (زَوَّاراً) قَصْدُهُ فَهُوَ (زَائِرٌ) وَ (زَوَّارٌ) وَ قَوْمٌ (زَوَّارٌ) وَ (زُوَّارٌ)
۳. لسان العرب، ج ۴، ص: ۳۳۵ الزَّوْرُ: العزيمة... والزَّوْرُ: الزائرون. و زاره يَزُورُهُ زَوَّاراً وَ زِيَارَةً وَ زَوَّارَةً وَ اَزْدَارَةً: عاده افْتَعَلَ مِنَ الزِيَارَةِ

مال عنه و من الباب: الزائر، لأنه إذ زارك فقد عدل عن غيرك.^۱
در ادعیه این گونه آمده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُؤَارِكَ» خدایا مرا از
کسانی که تو را قصد می کنند و به سوی تو التجاء دارند قرار بده و واژه‌ی
«الْمَزَارُ» به معنای موضع و مکان زیارت است.^۲

اینکه در روایات آمده، اگر کسی فلان کار را انجام دهد خدا را زیارت
کرده است بدان معنی است که شیخ صدوق می گوید: «زیارت خداوند زیارت
انبیاء و حجت‌های الهی است. کسی که آنها را زیارت کند، خدا را زیارت کرده
است همانطوری که اگر کسی از آنها اطاعت کند، در واقع خدا را اطاعت
نموده است و کسی که از فرمان آنها سرپیچی کند، امر خدا را نافرمانی کرده
است و تبعیت از آنها تبعیت از خدا است و آن طور که مشبهه می گویند
نیست و پروردگار از آنچه آنها گمان می کنند برتر است و برتری بسیاری
دارد.»^۳

مفهوم عرفی

معنای عرفی زیارت، قصد کردن زیارت شونده است درحالی که در آن

۱. معجم المقایس اللغة، ج ۳، ص: ۳۶

۲. مجمع البحرین، ج ۳، ص: ۳۲۰

۳. (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۹۳) «زِیَارَةُ اللَّهِ تَعَالَى زِیَارَةُ أَنْبِيَائِهِ وَ حُجَّجِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ زَارَهُمْ فَقَدْ زَارَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ، كَمَا أَنَّ مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ تَابَعَهُمْ فَقَدْ تَابَعَ اللَّهَ، وَ لَيْسَ ذَلِكَ عَلَى مَا تَتَأَوَّلُهُ الْمَشْبِهُةُ، تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ عَلَوًا كَبِيرًا»

احترام و بزرگ شمردن باشد و با وی رابطه انس برقرار شود. «الزِّيَارَةُ فِي الْعَرَفِ: قَصْدُ الْمَزُورِ إِكْرَامًا لَهُ وَ تَعْظِيمًا لَهُ وَ اسْتِنَاسًا بِهِ»^۱ این تعبیر مرحوم طریحی است. تعبیر فیومی در مصباح المنیر همین است با این تفاوت که قید «تعظیما له» را ندارد.

زیارت بیت الله الحرام، زیارت قبر النبی، زیارت امیرالمومنین در نجف، زیارت قبر سید الشهداء، زیارت قبور ائمه‌ی بقیع، زیارت امام رضا، زیارت عتبات در کشور عراق، اینان تعبیری است که در عرف جایگاه ویژه‌ای دارد. زیارت هم به شخص نسبت داده می‌شود هم به مکان و هم به قبر تا آنجا که به قبر مزار هم اطلاق می‌شود. هرچه عظمت مزور بیشتر باشد، اکرام و تعظیم آن باید بیشتر باشد. زیارت شونده هم می‌تواند زنده باشد مثل زیارت برادران دینی که بسیار سفارش شده است، مخصوصا زیارت مریض که از آن تعبیر به عیادت می‌شود و هم می‌تواند از دار دنیا کوچ کرده باشد که در این صورت به زیارت قبور آنها می‌رویم که نفع زیادی به حال ما و ایشان دارد.

آثار زیارت

در فضیلت زیارت هر یک از معصومین روایات فراوانی بیان شده است. دقت در این روایات ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که تفاوتی بین زیارت حضوری و زیارت قبور معصومین نیست و همان آثاری که بر زیارت

قبور مترتب است بر زیارت امامی که زنده است، بار می‌شود. پیامبر گرامی اسلام ﷺ خطاب به امیر المومنین علیه السلام می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَمَاتِي أَوْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَمَاتِكَ أَوْ زَارَ ابْنَيْكَ فِي حَيَاتِهِمَا أَوْ بَعْدَ مَمَاتِهِمَا ضَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا وَشَدَائِدِهَا حَتَّى أَصِيرَهُ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي»^۱ یا علی کسی که مرا در زمان حیاتم یا بعد از وفاتم زیارت کند و کسی که تو را در زمان حیاتت و یا بعد از شهادتت زیارت کند و کسی که دو فرزند تو را در زمان زندگی آنها و یا بعد از شهادتشان زیارت کند، ضمانت می‌کنم که در روز قیامت او را از گرفتاریها و اتفاقات هولناک آن روز رهایی بخشم تا او را به کنار خودم برسانم.

امام کاظم علیه السلام نیز در مورد اینکه تفاوتی بین زیارت معصومین با یکدیگر وجود ندارد خطاب به عبد الرحمن بن مسلم می‌فرماید: «يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ مَنْ زَارَ أَوَّلَنَا فَقَدْ زَارَ آخِرَنَا وَمَنْ زَارَ آخِرَنَا فَقَدْ زَارَ أَوَّلَنَا»^۲ ای عبد الرحمن، کسی که اول از ما اهل بیت را زیارت کند به تحقیق آخرین ما را زیارت کرده است و کسی که آخرین ما ائمه را زیارت کند مانند آن است که اول امام را زیارت کرده است.

بنابراین فضیلت زیارت امام عصر علیه السلام با دیگر معصومین علیهم السلام تفاوتی ندارد. علاوه بر اینکه زیارت دیگر معصومین هم که به ظاهر زیارت قبور

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۵۷۸

۲. کامل الزیارات، النص، ص: ۳۳۶

آنها است، زیارت حضوری است و امام حاضر و ناظر است. در اذن دخولی که در همه‌ی مشاهد مشرفه مستحب است، می‌خوانیم: «أعلم أن رسولك و خلفائك عليهم السلام أحياء عندك يرزقون يرون مقامي و يسمعون كلامي و يردّون سلامي و أنك حجت عن سمعي كلامهم و فتحت باب فهمي بلذيت مناجاتهم» خدایا من می‌دانم که پیغمبر و اولیاء تو زنده‌اند، سخن من را می‌شنوند، من را می‌بینند، به سلامم جواب می‌دهند؛ اما من نمی‌شنوم. بودند بزرگانی که وقتی سلام می‌کردند جوابش را می‌شنیدند. اگر بخواهیم از این زیارت‌ها درست استفاده کنیم، باید این اعتقادهامان را جدی بگیریم. باید باور کنم که واقعاً اینجا کسی هست که مرا می‌بیند و صدای مرا می‌شنود. باید اجازه بدهند تا من وارد شوم! بودند و هستند بزرگانی که گفته‌اند: اگر اذن دخول خواندید و دلتان شکست وارد نشوید و برگردید.

باید باورمان باشد که امام می‌بیند، می‌شنود، و جواب ما را می‌دهد و آنچه در دل داریم می‌فهمد. برای او فرقی نمی‌کند که بگوییم یا نه؛ این برای ما مهم است که توجه داشته باشیم و ارتباط برقرار کنیم. این ماییم که باید بفهمیم در مقابل چه کسی ایستاده‌ایم. چه موقعیتی داریم و چه شرافتی نصیبمان شده است و چه قدر می‌توانیم از این موقعیتی که گیرمان آمده است بهره‌برداری کنیم.

آثار زیارت سید الشهداء علیه السلام

شیخ مفید رحمته الله در کتاب مزار خود ابوابی را در فضیلت زیارت امام حسین

آورده است که هر باب فضیلتی را می‌شمارد. برخی از عناوین این ابواب عبارتند از:

۱. تمحیص الذنوب (از بین رفتن گناهان)
۲. تفریح الکرب (رفع گرفتاری‌ها)
۳. زیاده العمر (طولانی شدن عمر)
۴. نقصان العمر بترک زیارت (کوتاه شدن عمر در اثر ترک زیارت)
۵. انتقاص الدین بترک زیارت (نقصان ایمان و کامل نبودن دین در اثر بی توجهی و نرفتن به زیارت)

شرایط کسب فضایل زیارت

از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که: «أَدْنَى مَا يُثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِسَطِّ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَحُرْمَتَهُ وَوَلَايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ»^۱ کمترین اجری که به زائر سید الشهداء علیه السلام در کنار نحر فرات داده می‌شود این است که گناهان گذشته و آینده‌ی او بخشیده می‌شود البته این زمانی است که حق و حرمت و ولایت حضرت را بشناسد.

وصول به فضائل زیارت امام شرایطی را لازم دارد که در این روایت به آن اشاره شده است. معرفت به حق امام، معرفت حرمت امام و رسیدن به شناخت در مسیر ولایت ایشان شرایطی است که به هر مقدار زائر از آنها برخوردار باشد به همان میزان می‌تواند از برکات وجودی امام بهره‌بردار.

۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۴، ص: ۵۸۲

زیارت از سه رکن و پایه اصیل مرکب است: اول زائر، دوم مزور (شخص یا چیزی که میل به سوی اوست) و سوم خصیصه ای نفسانی به نام گرایش قلبی که با تکریم و تعظیم و انس گرفتن با مزور همراه است در صورت نبود هر یک از این ارکان زیارت محقق نمی شود و تنها پنداری از زیارت باقی می ماند.

زیارت در راستای ولایت الله است

گروهی کج اندیش سلام دادن به قبر پیامبر ﷺ را شرک معرفی کرده و زیارت قبور معصومین علیهم السلام را کفر می دانند در حالی که تفاوتی بین زمان حیات پیامبر ﷺ با بعد از وفات ایشان نیست. احترام به امام و سلام دادن به پیامبر و واسطه قرار دادن ایشان بین خود و خداوند متعال فارق از ادله قرآنی، اقتضای طبیعی حرکت در مسیر ولایت الله است چون هر آنکه را خدا برگزیده تا راهبر باشد باید با او همراه شد و به او توسل جست و دست در دست او گذاشت تا راه گم نشود.

از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده است: «مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَاْبْعَثُوا بِالسَّلَامِ، فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي»^۱ کسی که قبرم را بعد از وفاتم زیارت کند همانند کسی است که در زمان حیاتم بسوی من مهاجرت نموده است. اگر کسی نتوانست مرا زیارت کند یک سلام هم که از راه دور به من بدهد آن سلام به من خواهد رسید. پیامبر ﷺ به صیغه امر سلام دادن را مطرح می کنند و این یعنی سلام و

۱. المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص: ۳۴

عرض ارادت به پیامبر واجب است و باید این کار صورت بگیرد.
 زید شحام از امام صادق سوال می‌کند: برای کسی که به زیارت رسول
 الله ﷺ برود چگونه پاداشی است؟ حضرت در جواب فرمودند: «كَمَنْ زَارَ
 اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ»^۱ همانند کسی است که خدا را در عرش زیارت نموده است.
 یعنی زیارت رسول خدا جدای از زیارت خدا نیست و این سبک مغری است
 اگر کسی آن را جدا دانسته و شرک تلقی کند.

زیارت معصومین علیهم السلام نیز جدای از زیارت پیامبر ﷺ نیست و همان اجر
 و پاداش را دارد. در سوال دیگری زید از امام می‌پرسد: «مَا لِمَنْ زَارَ وَاحِدًا
 مِنْكُمْ» زیارت یکی از شما معصومین چگونه است؟ امام فرمودند: «كَمَنْ زَارَ
 رَسُولَ اللَّهِ»^۲ مانند کسی است که رسول خدا ﷺ را زیارت نموده است.

زیارت حق امام بر گردن مأموم است

پیوند برقرار کردن با امام و میثاق بستن با او ضرورتی انکار ناپذیر است
 که اثرش به خود ما برمی‌گردد با این حال امام آنرا حقی معرفی می‌کند تا از
 آن غافل نبوده و به عهد خود با امام عمل نماییم. از امام رضا نقل شده است
 که: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ
 زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِّقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ
 أَيْمَتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳ برای هر امامی در گردن دوستان و شیعیانش

۱. همان

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۵۷۸

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۵۷۷

عهدی است که کامل کردن وفای به این عهد زیارت قبورشان است و کسی که با شوق و از سر صدق به زیارت آنها بشتابد، روز قیامت از شفاعت ایشان برخوردار خواهد شد.

بررسی دعای ندبه

انتصاب دعا به معصوم علیه السلام

اولین جمله ای که در مورد این دعا در کتاب المزار ابن مشهدی آمده این است: «...انه الدعاء لصاحب الزمان علیه السلام...»^۱ در مورد کلمه «لصاحب الزمان» که در این عبارت آمده بحث است که آیا منظور از آن این است که این دعا در مورد حضرت است و یا اینکه این دعا از جانب حضرت است؟ برخی از علماء بر این عقیده اند که این دعای شریف از جانب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر گردیده است که در این میان می توان به مرحوم محدث نوری، میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی (صاحب مکیال المکارم)^۲ اشاره کرد.

اما در طرف مقابل برخی دیگر از بزرگان همانند سید بن طاووس در

۱ الدعاء للندبة: قال محمد بن ابی قره: نقلت من کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین ابن سفیان البزوفری رضی الله عنه هذا الدعاء، وذكر فيه انه الدعاء لصاحب الزمان صلوات الله عليه وعجل فرجه وفرجنا به، ويستحب ان يدعى به في الاعياد الاربعة:... کتاب المزار ابن مشهدی ص ۵۷۳/ نشر القیوم تحقیق: جواد قیومی اصفهانی چاپ اول انتشارات: مؤسسه نشر اسلامی

۲ با دعای ندبه در پگاه جمعه، ص ۵۰ تا ۵۵

کتاب گرانسنگ الاقبال بعد از نقل دعای ندبه می فرماید:
 فإذا فرغت من الدعاء فتأهب للسجود بين يدي مولاك و قل ما روينا
 بإسنادنا إلى أبي عبد الله ع قال إذا فرغت من دعاء العيد المذكور ضع خدك
 الأيمن على الأرض و قل...^۱

مرحوم مجلسی نیز در کتاب زاد المعاد^۲ این دعا را منقول از جانب امام
 صادق علیه السلام می داند.

نتیجه: به هر صورت در مورد صدور این دعا از جانب امام معصوم دو
 احتمال (امام صادق علیه السلام و امام زمان علیه السلام) وجود دارد که در هر صورت می
 توان گفت که این دعا از جانب معصوم صادر گردیده است.

سند و منبع دعا

اشخاصی که این دعا را در کتبشان نقل کرده اند به ترتیب عبارتند از:
 • ابو عبدالله محمد بن حسین بن سفیان بزوفری، او از اساتید بی واسطه
 شیخ مفید (م ۴۱۳هـ) و نخستین کسی است که این دعا را در کتابش موسوم
 به کتاب الدعاء نقل کرده است. زمان حیات او نزدیک به دوران غیبت
 صغری بوده است و همه علماء او را توثیق کرده اند.^۳

۱ الاقبال، ص ۲۹۹

۲ زادالمعاد، ص ۴۸۶

۳ الحسین بن علی بن سفیان بن خالد: = الحسین بن علی أبو عبد الله البزوفری.
 قال النجاشی: الحسین بن علی بن سفیان بن خالد بن سفیان أبو عبد الله البزوفری شیخ ثقة،
 جلیل من أصحابنا له کتب، معجم الرجال ج ۶ ص ۴۷

• ابوالفرج محمد بن علی بن ابی قره قنایی از مشایخ اجازه نجاشی (۳۷۲-۴۵۰هـ) او این دعا را در کتابش موسوم به کتاب الدعاء نقل کرده است.^۱

نکته: این دو کتاب اکنون در دسترس نمی باشند.

محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی حائری معروف به ابن مشهدی (۵۱۰-۵۸۰هـ) در کتاب المزار الکبیر^۲، او درباره کتابش در مقدمه می گوید:

فإني قد جمعت في كتابي هذا من فنون الزيارات للمشاهد و ما ورد في الترغيب في المساجد المباركات و الأدعية المختارات و ما يدعى به عقيب الصلوات و ما يناجي به القديم تعالى من لذيذ الدعوات و الخلوات، و ما يلجأ إليه من الأدعية عند المهمات، مما اتصلت به ثقات الرواة إلى السادات...

این کتاب کاملترین و جامعترین کتابی است که در طول هشت قرن که از تالیف آن می گذرد مورد استناد بزرگان بوده است.

• کتاب مزار قدیم، بنا به قرائنی می گویند مولف این کتاب هم عصر صاحب احتجاج، مرحوم علی بن احمد طبرسی (تولد قرن ۶) بوده است. لازم

۱ محمد بن علی بن یعقوب بن إسحاق بن أبی قره أبو الفرج القنائي الكاتب: كان ثقة و سمع كثيرا و كتب كثيرا و كان يورق لأصحابنا و معنا في المجالس. له كتب منها: [كتاب] عمل يوم الجمعة كتاب عمل الشهور كتاب معجم رجال أبی المفضل كتاب التجهد. أخبرني و أجازني جميع كتبه. رجال النجاشي ص : ۳۹۸

۲ وصف الكبير را مرحوم علامه مجلسی در بحار نقل می کند. (به نقل از معجم الرجال)

به ذکر است، چون مولف این کتاب مجهول است تنها به عنوان موید بر نقل ابن مشهدی می توان از آن استفاده کرد.

• سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (۵۸۹هـ — ۶۶۴هـ) ایشان این دعا را در دو کتاب نقل نموده است:

— مصباح الزائر، ص ۴۴۶ — ۴۵۳

— الاقبال بالاعمال الحسنة، ص ۲۹۵

در نقل سید بعد از خواندن دعا نماز هم روایت شده است.

• محمد باقر بن محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، معروف به علامه

مجلسی و مجلسی ثانی،

(۱۰۳۷ — ۱۱۱۰هـ) ایشان این دعا را در سه کتاب نقل می کند:

— تحفة الزائر، ص ۴۳۴، به نقل از سید بن طاووس وابن مشهدی

— زادالمعاد، ص ۴۸۶، ایشان در مقدمه به صحت اسناد ادعیه موجود در

کتاب شهادت داده اند.

— بحار الانوار ج ۹۹ ص ۱۰۴، انتشارات الوفاء، بیروت — لبنان، به نقل

از مصباح الزائر سید بن طاووس

• شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹هـ) در کتاب مفاتیح الجنان، ص ۸۸۰ به نقل

از مصباح الزائر سید بن طاووس

برخی از شروح این دعا

— با دعای ندبه در پگاه جمعه، علی اکبر مهدی پور، تهران موعود عصر

— شرح دعای ندبه، سید علی اکبر واعظ موسوی، تهران مولف

— حدیث آرزو مندی، کریمی جهرمی، قم، راسخون

— کتاب شرح فراق، شرحی نو بر دعای ندبه؛ علی اصغر همتیان،

انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی عج، مرکز تخصصی مهدویت

زمان خواندن دعا

در کتاب المزار این جمله آمده که:...و يستحب ان يدعى به فى الاعياد

الاربعة، مرحوم علامه مجلسی نیز در بحار نیز این عبارت را بیان کرده است

که خواندن دعا در چهار عید غدیر، قربان، فطر و جمعه مستحب است.

محتوای دعای ندبه

«این دعا از چهار فراز تشکیل شده که با یکدیگر مرتبط بوده و مجموعاً

یک منظومه‌ی منظم و سیر منسجم را تشکیل می‌دهند.

فراز اول: حمد و صلوات

این دعا با حمد بر ربوبیت خداوند و صلوات بر پیامبر گرامی اسلام و اهل

بیت مکرّمش ﷺ آغاز می‌شود.

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد نبیه و آله و سلم

تسلیم.

ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است و درود و سلام مخصوص

خداوند بر آقای ما پیامبرش و خاندان او باد.

فراز دوم: ثنای بر قضاء

این فراز که با حمد و ثنای دوباره بر جریان قضای الهی نسبت به

اولیائش شروع می شود، در واقع دربردارنده‌ی همه‌ی دعا به نحو اجمال است که با عباراتی مختصر، مضامین بعدی دعا را مورد اشاره قرار می دهد. اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في اوليائك... و جعلتهم الذريعة اليك و الوسيلة الى رضوانك.

بار خدایا! ستایش فقط تو را سزااست بر آن قضاء و قدری که درباره‌ی اولیا و نمایندگانت جاری شد... و آنان را سبب دست آویزی به سویت و وسیله ای برای خشنودی محضت قرار دادی.

فراز سوم: تاریخ، از آغاز تا تکامل

در سومین فراز از این دعای شریف، ماجرای تفصیلی قضا و حکم الهی در مورد اولیائش مورد بررسی قرار می گیرد که در آن، نقطه‌ی شروع تاریخ بشریت و تحولات اساسی و در نهایت، سیر تکاملی آن به سوی عصر حاکمیت حضرت بقیة الله علیه السلام که اوج تقرب جامعه‌ی بشری به خدای متعال و هدف نهایی از خلقت است، مورد توجه واقع می شود. این فراز با عبارت فبعض اسکنته جنتک آغاز می گردد و با جمله‌ی و نحن نقول الحمد لله رب العالمین به انتها می رسد.

فراز چهارم: استغاثه و طلب

استغاثه به درگاه حضرت حق، آخرین فراز از دعای ندبه را به خود اختصاص می دهد:

اللهم انت کشف الكرب و البلوی....

خدایا! تویی تنها برطرف کننده گرفتاری‌ها و سختی‌ها....

کلید فهم دعا

به نظر چنین می‌رسد که شاید بتوان از این دعای شریف، ره یافت‌های جدی و مفیدی را برای پی‌ریزی یک فلسفه‌ی تاریخ بر مبنای معارف اصیل اهل بیت علیهم‌السلام به دست آورد. اما قبل از ورود به بحث لازم است، اشاره‌ای گذرا به تعریف فلسفه‌ی تاریخ و دیدگاه‌های مختلف در رابطه با آن داشته باشیم.

مقصود از فلسفه‌ی تاریخ، تحلیل کل تاریخ بشریت است؛ یعنی در این علم، جریان و حرکت تاریخ از ابتدا تا انتها، نحوه‌ی تکامل تاریخ و عوامل حاکم بر تحول و تکامل آن مورد بررسی قرار می‌گیرند. بنابراین، از آن جا که تحلیل جریان‌ها و تحولات تاریخی و نظر دادن در رابطه با حرکت تکاملی آن‌ها، از یک سو به چگونگی نگاه انسان به جهان بستگی دارد و از سوی دیگر، به کیفیت تحلیل از وجود انسان وابسته می‌باشد. دانشمندان مسلمان و موحد که اساس آفرینش و تکامل آن را بر پایه‌ی خالقیت و ربوبیت حضرت حق بنا می‌نهند، نمی‌توانند نظریات مادی‌گرایانی که نظام آفرینش را بر اساس استقلال و استغناء ماده تحلیل می‌کنند، بپذیرند؛ زیرا نظریه پردازان مادی، کمال‌نمایی در خلقت را بر اساس مطلق‌گرایی حسی و اصل بودن محسوسات و لذا ید مادی تعریف می‌کنند و مبتنی بر همین دیدگاه، مرحله‌ی تکامل تاریخ را مرحله‌ای می‌دانند که در آن، غرایز انسانی به صورت تام و تمام ارضا شود. این نظر در تضاد جدی با عقاید و دیدگاه‌های پیروان آیین توحیدی اسلام است که بر پایه‌ی اعتقاد به خالقیت

مطلقه‌ی خدای یکتا، تکامل خلقت را به ربوبیت الهی بر می گردانند و می گویند: این پروردگار یگانه است که با افاضه و ربوبیت دایمی خود، همه‌ی مخلوقات را در مسیر تکامل قرار می دهد. که در این صورت، کمال تاریخ نیز هنگامی خواهد بود که جامعه به سمت پذیرش بیشتر ربوبیت و ولایت الهی و ظهور کامل تر آن، پیش رود. رسیدن به این هدف مهم فقط در کنار اراده‌ی انسان‌ها ممکن خواهد بود؛ یعنی این انسان‌ها هستند که با اختیار و پذیرش ولایت الهی، خود را در تکامل تاریخ، شریک می سازد و راز نزدیک شدن جامعه به یک پرستش اجتماعی را باز می کنند. در نتیجه، جریان ولایت و سرپرستی الهی در عالم انسانی، ظهور بیشتری پیدا می کند که این، همان کمال نهایی تاریخ است.

در این میان، اولیای خاص خدا، نقش مجرا و مسیر اجرای ولایت الهی را بر انسان‌ها ایفا می کنند؛ یعنی این طور نیست که خداوند متعال برای اجرای ولایت خویش بر انسان‌ها، به طور مستقیم با آن‌ها ارتباط برقرار کند، بلکه ولایت خویش را با واسطه و از طریق اولیای برگزیده‌ی خویش بر جامعه‌ی انسانی اعمال می کند. و این اولیای مخصوص خدا هستند که به خاطر پذیرش تام و تمام ولایت الهی و سربلند بیرون آمدن از ابتلائات و امتحانات، اراده شان مجرای ولایت الهی در عالم هستی شده است و به همین دلیل، در نگاه معارف ملکوتی تشیع، کمال جامعه‌ی انسانی و حرکت تاریخ به سمت کمال مطلوب، از بستر اولیای الهی گذر می کند و متناسب با ظهور اراده‌ی آن‌ها در عالم انسانی خواهد بود؛ زیرا ایشان، خلیفه و

جانشینان حضرت حق بر روی زمین هستند و انسان‌ها وظیفه دارند که به ولایت آن‌ها گردن نهند:

من اطاعکم فقد اطاع الله و من عصاکم فقد عصی الله.

هر که از شما پیروی کند، از خدا پیروی کرده و هر که از شما نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است.

به یقین هر کس که در این رهگذر، ولایت اولیای خدا را نپذیرد، تحت ولایت و سرپرستی شیطان درآمده است:

و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت...

سرپرستی کسانی که کافر شدند به دست طاغوت است.

بنابراین، آن چه محور اساسی در پیوند افراد یک جامعه‌ی توحیدی و حرکت آن به سوی کمال است، محبت و پذیرش ولایت الهی و تولی تام به ولایت ولی الله است. همان طور که محور پیوند بین افراد جامعه‌ی شیطانی نیز محبت و تولی به شیطان و حرکت به سوی ارضای هر چه تمام‌تر غرایز مادی است.

به نظر می‌رسد این نوعی :^۱گاه فلسفه‌ی تاریخی به ماجرای ولایت ائمه و اولیای الهی علیهم‌السلام در عالم انسانی است که گویا می‌توان تمام سیر عالم و حرکت جامعه به سوی خداوند متعال و حتی کیفیت این سیر را از مضامین عالی و نورانی دعای ندبه استظهار کرد.

شرح فرازها

فراز اول: حمد و صلوات

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد نبیه و آله و سلم تسلیما.

این فراز از دعای ندبه با تمام کوتاهی اش، بیان کننده ی خلاصه ای از تمام ماجرای است که در عالم هستی و جامعه ی انسانی باید اتفاق بیافتد. عبارت الحمد لله رب العالمین به ماجرای ربوبیت خداوند متعال بر تمام هستی اشاره دارد که در نتیجه، ولایت الهی را به دنبال خواهد داشت. عبارت و صلی الله علی سیدنا محمد نبیه و آله و سلم تسلیما به مجرا و محور آن ربوبیت و ولایتی اشاره می کند که از جانب خدا بر تمام عالم سیطره دارد؛ زیرا محور ربوبیت الهی بر همه ی هستی، از مسیر جریان این ربوبیت نسبت به نبی مکرم اسلام و اهل بیت گرامی آن حضرت ﷺ می گذارد.

به طور کلی، می توان این فراز کوتاه را به عنوان براعت استهلالی برای مجموعه ی این دعای شریف و مطالبی که در بقیه فرازهای دعا به آنها پرداخته شده است، دانست.

فراز دوم: ثنای بر قضاء

در فراز دوم که با جمله ی اللهم لك الحمد علی ما جری به قضاؤك فی اولیائك الذین... آغاز می شود، خدا را بر آن چه از ناحیه ی قضای الهی بر اولیائش جاری شده است، حمد می کنیم. در ادامه ی این فراز، چگونگی

جریان این قضاء را بر اولیا به طور مجمل چنین بیان می‌کند: از آن جا که خداوند تبارک و تعالی در عالم، نسبت به زهد در درجات و مراحل مختلف عالم دنیا از اولیائش، میثاقی گرفته و آن‌ها نیز بر آن پیمان که با خدای خود بسته‌اند، پابرجا و استوار ماندند و همه‌ی ابتلائات و سختی‌ها را در راه حفظ آن میثاق تحمل کردند:

بعد ان شرطت علیهم الزهد فی درجات هذه الدنيا الدنیه... فشرطوا لك ذلك،

خداوند متعال هم به پاس این مجاهدت‌ها و پایداری در میثاق، برجسته‌ترین نعمت‌های ابدی خویش را برای ایشان برگزید، تلاش‌های آنان را پذیرفت و ایشان را به خود نزدیک کرد. نام‌شان را بلند و پرآوازه ساخت و ستایش آشکار خود را بر آن‌ها قرار داد. این نعمت‌های عظیم تا آن جا ادامه یافت که خداوند، فرشتگان خود را بر آن اولیای گرامی فروفرستاد و با نزول وحی بر آن‌ها، ایشان را اکرام کرد و نتیجه‌ی این پذیرش و تقرب الهی آن شد که خدا با بذل علم خویش، اولیای خاص خود را کمک کرد. هنگامی که به این منزلت رسیدند، آن‌ها را وسیله و دست‌آویزی برای جلب خشنودی خود قرار داد، یعنی به مرتبه‌ای رسیدند که منشا هدایت برای همه‌ی عوالم شدند.

فقبلتهم و قربتهم و قدمت لهم الذكر العلی و الثناء الجلی و اهبطت علیهم ملائکتک....

بنابراین، به طور خلاصه می‌توان گفت که در این فراز، چند نکته‌ی

اساسی نهفته است که عبارتند از این که، اولیای الهی به خاطر میثاق زهدی که نسبت به درجات مختلف این دنیا با خدا بستند و بر تمامی ابتلائات و امتحانات سنگین آن نیز فائق آمدند، از جانب خدا از دو پاداش برخوردار شدند. نخست این که، خود مقرب درگاه الهی گشتند. دیگر این که، باعث هدایت و دست گیری نسبت به دیگر مخلوق ها شدند و این، همان ماجرای قضای الهی بر اولیائش است که ستودنی است؛ زیرا محور ربوبیت الهی بر همه ی عالم، از این مجرا واقع می شود.

البته باید دانست که رسیدن به مرحله ی حمد خدا بر جریان قضای الهی، نسبت به اولیائش نیازمند پشت سر گذاشتن مرحله ی سنگین ابتلاء به بلای ولی خدا و درگیر شدن با بلای ولی خداست که چنین ابتلائی دارای مراتب مختلفی است؛ زیرا بعد از ابتلاء در مرحله ی نخست، باید بر بلای ولی الله صبر کرد و در درجه ی بعد تسلیم آن بلا شد. سپس بر آن بلا راضی شد و در مرحله ی آخر، خدا را بر آن بلا شکر کرد. روشن است انسانی که از ابتلای ولی خدا فارغ است و به درک هیچ یک از بلایای اولیای خدا نرسیده است، هیچ گاه نمی تواند به مرحله ی حمد و شکر نسبت به چنین بلایی برسد؛ زیرا درک حمد بر قضای الهی منوط به این است که انسان، مجموعه ی سختی های اولیای خدا را دیده و ثمرات آن را هم درک کرده باشد. هم چنین در این ماجرا، زیبایی صنع خدا نسبت به اولیای خودش را نیز دریافته باشد؛ که چنین انسانی پس از پیمودن این مراحل می تواند به حمد و ثنای خدا بر جریان قضائش نسبت به اولیائش برسد.

فراز سوم: تاریخ، از آغاز تا تکامل

این فراز از دعای ندبه که طولانی‌ترین فرازهای آن به شمار می‌آید، به بیان تفصیلی مراحل تکامل تاریخ می‌پردازد که بر این اساس، این فراز را به چند بخش می‌توان تقسیم کرد.

بخش اول:

فبعض اسکتته جنتک الی ان اخرجته منها... فنتبع آیاتک من قبل ان نذل و نخزی.

در بخش اول، گذری اجمالی به ماجرای بعثت انبیا دارد که بعد از ذکر حضرت آدم و جریان بیرون رانده شدن او از بهشت، به بیان هر یک از انبیای اولوالعزم به همراه مهم‌ترین حادثه‌ای که در طول رسالت آن‌ها رخ داده، می‌پردازد. در ضمن چند کلمه، محوری‌ترین و اصلی‌ترین صحنه‌ی جریان قضای الهی بر ایشان را بیان کرده است که اگر از منظر فلسفه‌ی تاریخی خواسته باشیم به این بخش از دعا نگاه کنیم، باید بگوییم که این بخش به بیان سرحلقه‌های اساسی تکامل تاریخ که همان بعثت انبیای اولوالعزم است، پرداخته است. چرا که اگر ما، کمال جامعه‌ی بشری را مرحله‌ی تقرب به سوی خدای متعال بدانیم که در آن ولایت الهی به ظهور رسیده و همه‌ی شؤون جامعه بر مدار اراده‌ی الهی می‌چرخد، طبیعی است که عمده‌ترین مراحل کمال تاریخ را بعثت انبیای صاحب شریعت ارزیابی می‌کنیم؛ زیرا با بعثت هر کدام از انبیای اولوالعزم که پیوند بین خدای متعال و جامعه بشری بودند، شریعت الهی بر روی زمین از کمال بیشتری برخوردار

شد. در نتیجه، زمینه‌ی بندگی خدا بیش از پیش برای انسان‌ها فراهم گشته است و این، ورود جامعه‌ی بشری به مرحله‌ی جدیدی از هدایت را به دنبال می‌آورد. در پایان این بخش از دعا، یادآور می‌شود که به وسیله‌ی بعثت این انبیا، حجت الهی بر همه‌ی تاریخ تمام شده و با این بیان، محدوده‌ی ربوبیت و ولایت الهی بر تاریخ را روشن می‌کند که هیچ منافاتی با اختیار و اراده انسان ندارد، بلکه چه بسا انسان‌هایی که بعد از آمدن فرستادگان الهی (که از ناحیه‌ی آن‌ها، ولایت خدا بر جامعه جاری می‌شود) باز هم راه باطل را پیش گیرند و تولی طاغوت را بپذیرند؛ زیرا قبل از این، حفظ محور حق در تاریخ را مرهون تلاش‌های این انبیا برمی‌شمرد.

بخش دوم:

«الی ان انتهیت بالامر الی حبیبک و نجیبک محمد ﷺ وسلم....»

بعد از اتمام بررسی مراحل تحول تاریخ با بعثت برخی از انبیای اولوالعزم، در بخش دوم از این فراز دعا، با بیان ویژگی‌هایی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ به سراغ مرحله‌ی متکامل تری از تاریخ می‌رود که با بعثت آخرین فرستاده‌ی خدا به وجود آمد. این مطلب را با دقت در ویژگی‌هایی که در این بخش از دعا برای رسول مکرم اسلام ﷺ برشمرده می‌شود، می‌توان دریافت. انتخاب پیغمبر اکرم ﷺ وسلم به عنوان سید و آقای همه‌ی مخلوقات، زبده‌ی برگزیدگان، برترین انتخاب شدگان و گرامی‌ترین کسی که خدا به او اعتماد کرده، همه حاکی از آن است که تقدم و سرآمد بودن آن حضرت بر دیگر انبیا، امری روشن و آشکار است. در نتیجه، بعثت

آن حضرت نیز از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار خواهد بود که از آن جمله می‌توان، بعثت عام و فراگیر پیامبر اسلام نسبت به جن و انس، نفوذ شریعت و رسالت آن حضرت به مشرق و مغرب و نصرتش با رعب و ترس و حفاظت آن بزرگوار به وسیله‌ی بهترین ملائکه و در نهایت، وعده‌ی پیروزی او و دینش بر دیگر ادیان و... را نام برد.

بنابر این، به یقین، می‌توان گفت اگر مراحل بلوغ و تکامل عالم با بعثت انبیای اوالوالعزم شروع شده باشد، با آمدن حضرت خاتم الانبیاء ﷺ و سلم، وارد مرحله‌ی جدیدی از بلوغ گشته و این بلوغ و تکامل باید به دست چنین فرستاده‌ای صورت می‌گرفته که از چنین کمالات و درجاتی برخوردار بوده است (که انبیای گذشته فاقد این ویژگی‌ها بودند). پس اوست که بر تاریخ مسلط است و اوست که با غلبه بر عالم، هدایت و تکامل نهایی جامعه‌ی بشری را به دست می‌گیرد و این، همان قضای خدای متعال بر نبی مکرم اسلام ﷺ و سلم است.

بخش سوم:

«و ذلک بعد ان بوئته مبوء صدق من اهله....»

در بخش سوم این فراز از دعا، با مطرح شدن جانشینان و اوصیای پیامبر گرامی اسلام ﷺ و سلم، به بیان نقش آن‌ها در پیش برد اهداف آن حضرت و در نتیجه، سیر تکاملی تاریخ به وسیله‌ی هدایت آن بزرگواران پرداخته می‌شود.

هرچند در بخش اول از این فراز، به طور سربسته و مجمل از کنار

مسالهی وصایت دیگر انبیای اولوالعزم گذر شد؛ و تخیرت له اوصیاء مستحفظا بعد مستحفظ، ولی در این بخش، ماجرای وصایت و جانشینی پیامبر اسلام ﷺ و سلم به طور مفصل بیان می شود و این نشان گر سهم عمده‌ی ایشان در این مرحله از تاریخ است، زیرا قضای خدای متعال بر نبی اکرم ﷺ و سلم از طریق اوصیای آن حضرت - که اولیای برگزیده‌ی خدا هستند - ادامه پیدا می کند. یعنی از آن جا که خاندان نبی گرامی اسلام که از جانب خدا به جانشینی آن حضرت انتخاب شده‌اند، همگی نور واحدی هستند که خدا در بین ایشان، جایگاه خاصی رابه پیامبرش عطا کرده و در آیه ای از قرآنش، تنها مزد رسالت را قدم نهادن در راه خدا بیان کرده و در آیه‌ی دیگری، مودت آن خاندان را تنها مزد رسالت معرفی کرده است، روشن می شود که مزد رسالت که قدم نهادن در راه خداست، چیزی جز مودت اهل بیت ﷺ نیست. پس ادامه‌ی رسالت در حفظ خاندان رسول معنی می شود و هر بلایی را که ایشان متحمل می شوند، بلای پیامبر اکرم محسوب می شود و هدایتی هم که به وسیله‌ی ایشان برای جامعه‌ی بشری محقق می شود، هدایت رسول خدا ارزیابی می شود. یعنی بخشی از هدایت جامعه به عهده‌ی خود حضرت رسول ﷺ بوده و بخش دیگری از آن بر دوش اهل بیت آن حضرت ﷺ. به همین دلیل بعد از بیان سپری شدن دوران عمر پیامبر اکرم ﷺ، بلافاصله به مسالهی وصایت امیرالمؤمنین علی ﷺ پرداخته و آن را به صورت مفصل بسط می دهد که این خود، نشان دهنده‌ی نقش کلیدی حضرت علی ﷺ در جریان هدایت تاریخی جامعه به

وسیله‌ی وصایت خویش و روشن کننده‌ی آن است که ظهور اصلی وصایت، در حضرت علی علیه السلام است و با آوردن عبارت: اذ کان هو المنذر و لکل قوم هاد، به مخاطب خود می‌فهماند که انذار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آن مرحله از هدایت تاریخی که در دوره‌ی زندگی پربرکت آن حضرت اتفاق افتاد، به تنهایی کافی نیست، بلکه در کنار آن انذار و هدایت تاریخی، یک هدایت مستمری هم لازم است که این هدایت مستمر به وسیله‌ی خاندان عصمت و طهارت و به ویژه حضرت علی علیه السلام واقع می‌شود.

بعد از بیان این مرحله با بیان فضیلت‌های حضرت علی علیه السلام، وارد کارهایی که پیامبر خدا جهت مهیاسازی جامعه برای پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام انجام دادند، می‌شود که از ماجرای روز هجدهم ذی الحجه در محل غدیر خم که بارزترین آن هاست، شروع کرده و بعد از ذکر حدیث: انا و علی من شجرة واحدة و سایر الناس من شجرة شتی به سراغ ماجرای جنگ تبوک و حدیث منزلت رفته و سپس به زیباترین حادثه‌ای که مدینه پس از هجرت پیامبر به خود مشاهده کرد، رفته و پای ازدواج امیرالمؤمنین علی علیه السلام با یگانه دختر رسول خدا را به میان می‌کشد و با تذکر خاطره‌ی بستن درب همه‌ی خانه‌ها به حیاط مسجد النبی جز درب خانه‌ی حضرت علی علیه السلام به معرفی حوادثی که هر کدام مقام و درجه‌ی بلند و ملکوتی را برای آن حضرت ورق می‌زنند، می‌پردازد تا پرچم هادی بعد از خود را در میان امت به پا داشته و مسیر هدایت بعد از خود را آماده‌سازی کند و این‌ها، همگی وقایعی بوده‌اند که هر کدام اساس تحولی مهم در

تکامل تاریخ به شمار می روند و تک تک این ماجراها به منزله‌ی پله‌هایی هستند که جامعه را به سمت پذیرش ولایت الهی به پیش می برند. اما از آن جا که مصلحت عالم بر پایه‌ی جبر ربوبی شکل نگرفته و جامعه در انتخاب مسیر ولایت پذیری خود مختار است که سر به تولی ولایت الله بگذارد یا در دامن تولی و سرپرستی طاغوت و شیطان بیافتد و متأسفانه امت، بعد از پیامبر از مسیر تکاملی تقرب به خدا منحرف شده و از پذیرش هدایت به سوی ولایت الهی اعراض کرد، باعث پدید آمدن ابتلائاتی سنگین برای اهل بیت علیهم‌السلام که اولیای خاص خدا و اوصیای نبی خدا بودند، شد. لم یمثل امر رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فی الهادین بعد الهادین و الامة مصرة علی مقته....

ناگفته نماند که علی رغم رویارویی اولیای خدا با آن ابتلائات و بلایای طاقت فرسا، باز هم ولایت و سرپرستی جامعه از دست تدبیر ربوبی خارج نگشته و اراده‌ی الهی چنین تعلق گرفته که عاقبت و پایان نیکو و زیبای کار عالم به دست اولیائش بیافتد و این، نتیجه‌ی تمامی آن زحمت‌های خالصانه‌ای است که در راه احیای دین خدا متحمل شدند. «و جری القضاء بما یرجی له حسن المثوبة... والعاقبة للمتقین.»

بخش چهارم:

بعد از پشت سر نهادن تمامی مراحل گذشته که انسان از طریق ندبه و اشک ریختن به بلای اولیا، آمادگی بهره‌مندی از بلای آن‌ها را در خود ایجاد کرد. در این بخش، دعا درصدد جهت دادن به آن مصیبت زدگی است

که با پدیدآوردن روحیه‌ی انتظار، انسان را به سوی بهره‌گیری از این مصیبت زدگی سوق می‌دهد و او را به توجه به ساحت حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء دعوت می‌کند، که این توجه در سه مرحله و با لحن‌های متفاوتی در این دعای شریف، ظهور پیدا کرده است.

در مرحله‌ی اول با لفظ این به جست‌وجوی آن حضرت که تنها امید اولیا برای جمع کردن بساط طاغوت است، می‌پردازد که در این جست‌وجو غالباً هدف‌های حکومت امام زمان علیه‌السلام دنبال می‌شود:

«أین بقیة الله التي لا تخلو من العترة الهادية این المعد لقطع دابر الظلمة....»

در مرحله‌ی دوم، بعد از پشت سر گذاشتن مرحله‌ی اول با حرف نداء یا به طلب شخصیت خود آن حضرت پرداخته و با خطاب مستقیم به آن حضرت توجه پیدا می‌کند. این مرحله از مرحله‌ی قبل بالاتر است؛ زیرا ناشی از احساس حضور در محضر آن حضرت است و در این مرحله، بیشتر از اوصاف وجودی و شخصیتی آن حضرت، سخن به میان می‌آید: یا بن السادة المقربين یا بن... و در مرحله‌ی آخر، شروع به نجوا و بازگو کردن سخن‌های دل با آن جناب می‌کند که این نجواها آن زمان که گفت و گوه‌ای انسان و راز و نیاز او با ولی خدا از حد لقلقه‌ی زبان فراتر رفته و نیاز واقعی به آن حضرت را احساس کرد، در وجود آدمی پدیدار می‌شوند. رسیدن به این مرحله که از نوعی دلدادگی خاص، حکایت می‌کند، ناشی از شدت اوج طلب‌ها در دو مرحله‌ی قبل است:

لیت شعری این استقرت بک النوی...

فراز چهارم: استغاثه و طلب

اللهم انت کشف الكرب و البلوی...

در این فراز از دعای شریف ندبه که انسان را از حالت راز و نیاز با ولی خدا به حالت تقاضا و درخواست از درگاه الهی منتقل می کند، در ابتدا که با درخواست لقای ولی خدا شروع می شود و نشان دهنده ی شدت عطش روحی و اشتیاق انسان به درک وجود امام زمان علیه السلام است و البته همراه با تقاضاهایی است که انسان برای خود از خدای متعال دارد، و برای به استجابت رسیدن این درخواست ها، آن هم نه فقط در دنیا، بلکه هم در دنیا و هم در آخرت، با صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام، توجهی دوباره به ساحت اولیای خاص خدا پیدا می کند و در پایان، تقاضای شفاعت و همراهی همیشگی و وصال بی پایان ولی خدا را که نتیجه ی آن انتظارها و آن جست وجوهاست، از درگاه خدای متعال بر زبان جاری می کند.

همان طور که ملاحظه شد، این دعای شریف از ابتدای فراز سوم با بیان گزارشات کوتاهی از تحولات عمده و رو به تکامل جامعه ی بشری، درصدد قرار دادن انسان، در متن ماجرای قضای الهی نسبت به اولیای خاص خدا برآمد و خواننده ی دعا را در انتهای بخش سوم از همین فراز با بیان این جملات: *فعلى الاطایب من اهل بیت محمد و على صلی الله علیهما و آلهما فییک الباکون...* درگیر با بلای اولیای الهی می کند و در همین حال با ذکر عباراتی چون: *این الحسین این الحسین روح مبتلا و مصیبت زده ی او را به سوی انتظار روزگار رفع بلا و به نتیجه رسیدن زحمات اولیاء الله سوق می*

دهد، یعنی درصدد هدایت مصیبت زدگی انسانی که مبتلا به بلای ولی خدا شده برمی آید و عزاداری او را با روشن نمودن چراغ انتظار در وجودش هدف مند می نماید (که این انتظار همان درخواست کمال نهایی برای جامعه‌ی بشری است) و البته به همین مقدار هم اکتفا نمی کند، بلکه بعد از گذراندن مراتب سه گانه‌ی انتظار، در فراز چهارم، پس از درخواست و دعا برای درک دولت حقه‌ی ولی خدا بر روی زمین، خواننده را به سوی تقاضای وصال ابدی و اخروی نیز راهنمایی می فرماید. و این چیزی جز یک فلسفه‌ی تاریخ توحیدی بر مبنای معارف ملکوتی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیست که در قالب دعا از جانب ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده است. و الحمدلله رب العالمین.^۱

بررسی دعای عهد

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر علیه‌السلام و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت یکی از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد.

امام محمد باقر علیه‌السلام در تفسیر کلام خدای تعالی: «یا ایها الذین آمنوا

۱. نوشته‌ی حاضر در محتوای دعای ندبه، تقریر سلسله درس‌های «مروری بر دعای ندبه» از استاد سید مهدی میرباقری است که در مرکز تخصصی مهدویت وابسته به بنیاد حضرت مهدی موعود علیه‌السلام در قم، برای جمعی از طلاب و دانش پژوهان ارایه شده است. از تلاش حجت الاسلام فلاح از دانش پژوهان کوشای این دوره برای تدوین این درس ها، سپاس گزاری می شود.

اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون»^۱ می فرماید: بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید، و پیوند خود را با امام منتظرتان مستحکم نمایید.^۲

همچنین امام صادق علیه السلام در روایت دیگری که در تفسیر آیه مزبور رسیده است، می فرماید: بر واجبات صبر کنید و یکدیگر را بر مصایب به صبر وادارید و خود را بر پیوند با امامان (و یاری آنها) ملتزم سازید.^۳

حداقل کاری که ما برای حفظ و تقویت پیوند قلبی خود با امام زمانمان می توانیم انجام دهیم، خواندن دعای عهد است. دعایی که زمزمه آن در آغاز هر صبح گاه ما را از حال غفلت و بی خبری خارج می سازد و متوجه مان می کند که ما عهد و عقد و پیمانی از مولای خود بر گردن داریم که تا از عهده وفای به آنها برنیاایم نمی توانیم از خدا بخواهیم که ما را از جمله انصار و اعوان آن حضرت قرار دهد.

از امام صادق علیه السلام در ابتدای دعای عهد نقل شده است که: «مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا عليه السلام، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ، وَ أُعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، هَر كَسَ چهل روز این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم علیه السلام

۱. سورة آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰.

۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، ص ۱۹۹، همچنین رک: حسینی بحرانی، سید

هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴

۳. بحرانی، حسینی، سید هاشم، همان، ح ۲

خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدای تعالی او را زنده خواهد کرد، تا در رکاب آن جناب جهاد نماید؛ و به شماره هر کلمه از آن هزار حسنه برایش نوشته می شود، و هزار کار بد از او محو می گردد.^۱

انتصاب به معصوم

روی عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام انه قال...^۲ منابع، این دعا را از کلام گهربار امام صادق می دانند پس این دعا در زمره ادعیه منقول از حضرت امام صادق عليه السلام است که حراست از آن و ذکر مداومش در عصر غیبت تاکید شده است.

منابع این دعای شریف

۱. کتاب العتیق قدیمی ترین منبعی که طبق گزارش علامه مجلسی متعلق به هارون بن موسی تلعبری است^۳

۱. المزار الکبیر (لابن المشهدی)، ص: ۶۶۳، ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، ص ۴۵۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

۲. نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ... قَالَ سَمِعْتُ سَيِّدَنَا الْإِمَامَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ يَقُولُ، بحارالأنوار ج: ۹۱ ص: ۴۲

۳. و کتاب العتیق کله فی الأدعیه و هو مشتمل علی أدعیه کامله بلیغه غریبه یشرق من کل منها نور الإعجاز و الإفهام و کل فقره من فقراتها شاهد عدل علی صدورها عن أئمة الأنام و أمراء الکلام و قد نقل منه السيد ابن طاوس رحمه الله فی المهج و غیره کثیرا و کان تاریخ کتابه النسخه التي أخرجنا منها سنة ست و سبعین و خمس مائة و يظهر من الکفعمی أنه مجموع الدعوات للشيخ الجليل أبي الحسين محمد بن هارون التلعكبري (بحارالأنوار، ۱ ص ۳۲، الفصل الثاني فی بیان الوثوق علی الكتب)

۲. مجموعه جباعی؛ الشيخ محمد بن علی الجبعی^۱
۳. کتاب المزار، ابن مشهدی
۴. مصباح الزائر سید بن طاووس
۵. مهج الدعوات، سید بن طاووس که در این منبع سند دعا کاملاً ذکر شده است.

۶. مصباح الکفعمی^۲
۷. البلد الامین کفعمی^۳
۸. بحار الأنوار علامه مجلسی:
- ج ۵۳ ص ۹۵، باب ۲۹ الرجعة (نقل از مصباح الزائر)
- ج ۵۳ ص ۳۲۷، الفایدة الثانية (بدون اشاره به متن دعاء)
- ج ۸۳ ص ۲۸۴، باب ۴۵ الادعية والاذکار عند الصباح و المساء (نقل از کتاب العتیق)
- ج ۹۱ ص ۴۱، باب ۲۸ - الاستشفاع بمحمد و آل محمد (ص)
- ج ۹۹ ص ۱۱۱ باب ۷ زیارة الامام المستتر عن الابصار (به نقل از سید بن طاووس)

۱. بحار الأنوار ج : ۹۱ ص : ۴۲
۲. المصباح، ص ۵۵۰، الفصل الرابع و الأربعون
۳. البلد الامین، ص ۸۲، الصلاة فی يوم الجمعة

محتوای دعا

مهمترین آموزه های اسلامی در این دعا به تصویر کشیده شده است. محتوا و مضامین عالی این دعا، چند محور دارد:

۱. اعتراف به عظمت پروردگار (خداشناسی)

۲. درود بر امام مهدی ﷺ

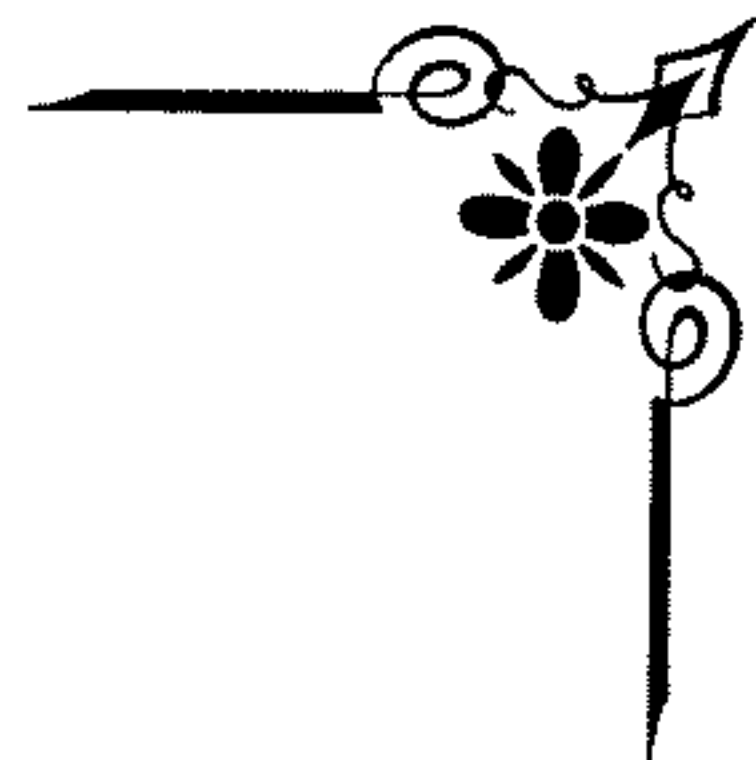
۳. تجدید بیعت با امام مهدی ﷺ

۴. درخواست قرار گرفتن در زمره یاران حضرت

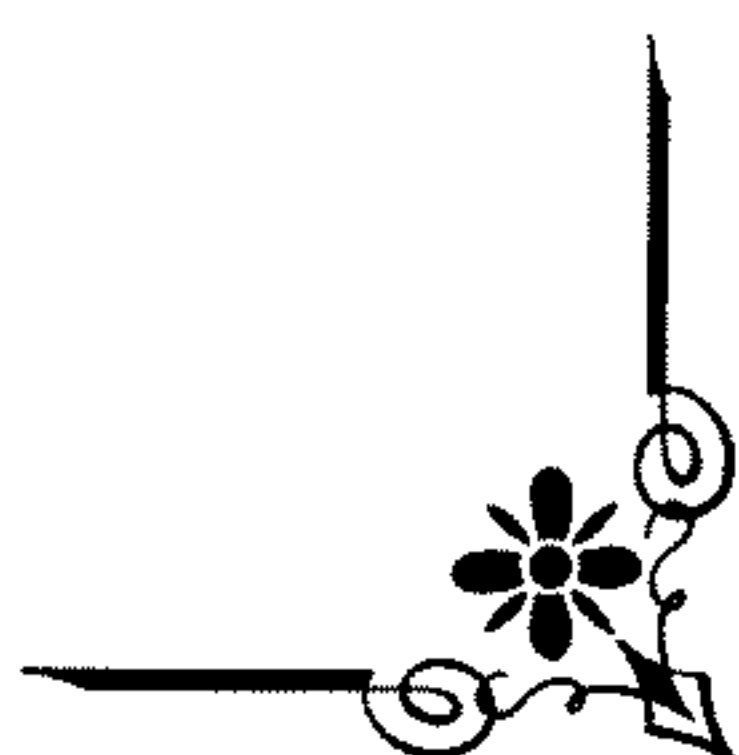
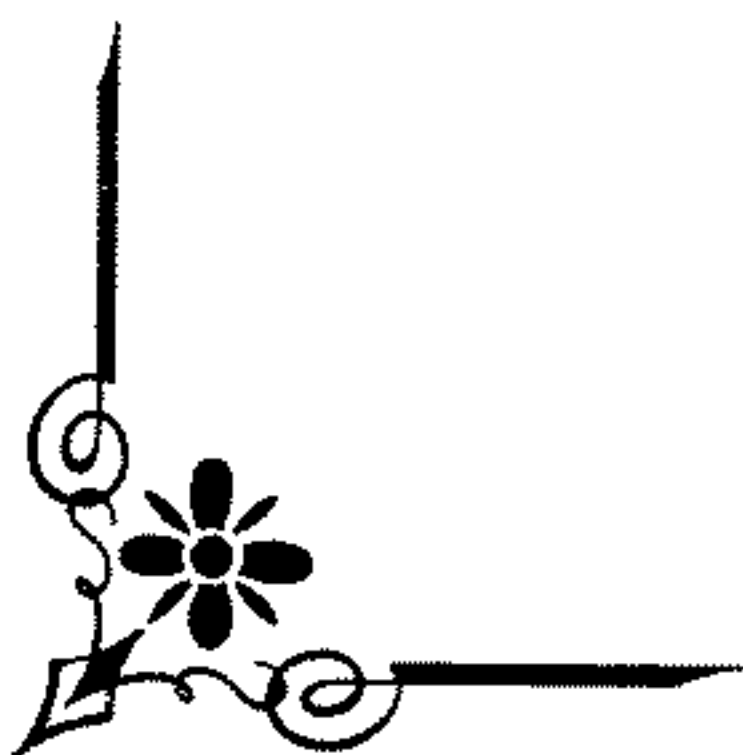
۵. رجعت

۶. ویژگیهای حکومت حضرت

۷. دعا برای ظهور با دو عبارت



ویژه ارتحال حضرت امام علیه السلام



ویژگی‌های امام خمینی علیه السلام

محبت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحيم - الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی
من از ویژگی‌های امام چند تا را یادداشت کردم، برایتان بگویم. گرچه
خیلی‌ها هم می‌دانند.

اولین ویژگی: طرح حکومت اسلامی، ولایت فقیه

مجلس در همه دنیا هست. رییس جمهور در همه‌ی دنیا هست. آنچه که
در ایران هست و جای دیگر نیست، ولایت فقیه است. ولایت یعنی حکومت.
والی شهر یعنی حاکم شهر. تولیت مدرسه، یعنی حکومت مدرسه دست چه
کسی است؟ والی، تولیت، ولایت...

حالا یک محاسبه‌ی عقلی هم برایتان بگویم. هرچه شما گفتید من
می‌گویم. چون نسل نو هستید و تحصیل کرده. جامعه رهبر می‌خواهد یا
نمی‌خواهد. هر جامعه‌ای کار به ایران نداریم. اصولاً جمعیت رهبر می‌خواهد
یا نمی‌خواهد. حالا خوب یا بد! رهبر می‌خواهد. یعنی اگر نباشد هرج و مرج
می‌شود.

نیاز جامعه به رهبر و حاکم

امیرالمومنین می‌فرماید: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ» (نهج البلاغه/ص ۸۲) حتماً یک امیری می‌خواهد. «بَرٌّ أَوْ فَاجِرٌ» (نهج البلاغه/ص ۸۲) چه خوب، چه بد. پس ببینید. جامعه رهبر می‌خواهد. رهبر جامعه باید به جامعه بخورد، یا نخورد. باید هماهنگ باشد. یعنی اگر جامعه اسلامی است، باید رهبرش هم اسلام‌شناس باشد. اسلام‌شناس که شد، اسلام‌شناس یا عادل باشد، یا فاسق. کدام باشد؟ عادل باشد. خیلی خوب! ولایت فقیه یعنی جامعه رهبر می‌خواهد، رهبرش هم چون امت اسلامی است، رهبرش هم باید اسلام‌شناس باشد، اسلام‌شناس هم باید عادل باشد. ولایت فقیه همین است. یعنی یک اسلام‌شناس عادل زمام حکومت دستش باشد. چیز خاصی هم نیست. اگر از شما بپرسند آقا ولایت فقیه چیست؟ جواب می‌دهیم مردم هر جای کره‌ی زمین یک امینی می‌خواهند. حتی حدیث داریم اگر سه نفر با هم مسافرت می‌روند یکی رییس باشد، یکی از آنها حرف آخر را بزند، یعنی اگر اختلاف شد بگویند ببین، یا آراء اکثریت، یا اگر درگیری شد هرکسی یک چیز گفت، یک نفر را داور و حَکَم قرار بدهند. در همه‌ی بازی‌ها هم داور دارد. ۱- پس جامعه رهبر می‌خواهد. ۲- چون جامعه مسلمان هستند، رهبرش هم باید اسلام‌شناس باشد. در اسلام‌شناس‌ها هم عادل و فاسق داریم. باید رهبرش. یک مجتهد عادل حکومت را دست بگیرد. که اگر وزراء، وکلا، سفرا، مسئولین نظامی، انتظامی، هرکس اختلافی داشت، حرف آخر را او بزند. و بداند حرف آخری هم که می‌زند روی هوا و هوس نباشد. ولایت

فقیه این است چیز خاصی هم نیست. حالا این ولایت فقیه برای اسلام است.

سابقه ولایت فقیه در ادیان پیشین

این مسئله‌ی ولایت فقیه برای اسلام نیست. قبل از اسلام پیغمبر اولوالعزم عیسی بوده، قبل از عیسی، موسی بوده است. موسی کتابی داشته، کتاب آسمانی موسی اسمش تورات بوده است. حالا من این آیه را برایتان بخوانیم. (مائده ۴۴). ببینید که این مسئله‌ی ولایت فقیه چه سابقه‌ای در ادیان قبل داشته است. «بسم الله الرحمن الرحيم». قرآن می‌فرماید: «إِنَّا» به درستی که ما «أَنْزَلْنَاهُ» را شما معنا کنید. نازل کردیم، «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ التَّوْرَةَ» تورات را هم که می‌دانید یعنی چه. ما کتاب تورات را نازل کردیم. «فِيهَا» یعنی چه؟ در آن، در تورات «هُدًى وَ نُورٌ» هدایت و نور در تورات و کتاب آسمانی هست. در کتاب آسمانی تورات هدایت و نور بوده است. حالا بعد تحریفاتی هم متأسفانه شده است. «يَحْكُمُ بِهَا» حکومت می‌کند. «بِهَا» یعنی به همین تورات، «النَّبِيُّونَ» بعد می‌گوید: «النَّبِيُّونَ» نبیون چه کسانی هستند. «الَّذِينَ أَسْلَمُوا» بعد می‌گوید: «وَالرَّبَّانِيُّونَ» بعد می‌گوید: «وَالْأَخْبَارُ»، «النَّبِيُّونَ» یعنی انبیاء، «الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ» یعنی علماء، ببینید آیه‌ی قرآن است. سوره‌ی مائده آیه ۴۴. بحث این است که ولایت فقیه مخصوص اسلام نیست. ما نازل کردیم تورات را، در تورات هدایت و نور است. «يَحْكُمُ» دو تا معنا دارد. یا حکومت می‌کند، یا حُکْمیت، داوری می‌کند. حالا فرق نمی‌کند. قاضی هم باشد و داور باشد، داوری هم از شئون حکومت

است. حکومت می‌کند به این تورات پیغمبران و علما. یعنی حکومت علما براساس تورات. ما تورات را فرستادیم، که طبق تورات حکومت کنند هم پیغمبرها، هم علما. یعنی حکومت علما براساس کتاب آسمانی. ولایت فقیه هم همین است. ولایت فقیه یعنی چه؟ یعنی فقیه‌ی طبق قرآن بر مردم حکومت کند. هر وقت هم این فقیه یک گناه از او سر زد، اتوماتیک از همه‌ی پست‌ها می‌افتد. یعنی دیگر لازم نیست، جلسه‌ای بگیرند، عزل کنند. خود به خود عزل می‌شود. عزل می‌شود. با استبداد چه فرقی می‌کند؟ استبداد یک نفر حکومت می‌کند، با زور. فقیه یک نفر حکومت می‌کند با عدالت. من این را قبلاً هم گفتم، سالهای قبل اجازه بدهید تکرار کنم.

یک جوانی، یک کسی یک وقت از من پرسید که فرق بین شاه و ولایت فقیه چیست؟ زمان شاه قدرت دست شاه بود، الآن قدرت دست ولی فقیه است. آن یک نفر بود و آن هم یک نفر. گفتم: قصه‌ی یوسف را شنیدی؟ گفت: بله. دیگر حالا قصه‌ی یوسف را همه‌ی ایرانی‌ها بلد هستند. وقتی زلیخا عاشق یوسف شد، درها را بست. وقتی یوسف دید درها را می‌بندد و زلیخا قصد بدی دارد، یوسف چه کرد؟ فرار کرد. وقتی یوسف داشت فرار می‌کرد، زلیخا چه کرد؟ او هم دنبالش کرد. هر دو می‌دویدند. فرق این دو تا چیست؟ یعنی هم یوسف می‌دوید و هم زلیخا. هر دو می‌دوند. یوسف می‌دوید که گناه نکند. زلیخا می‌دوید که گناه بکند. دویدن است. هر دو می‌دویدند. قرآن هم می‌گوید: هر دو می‌دویدند. «وَاسْتَبَقَا الْبَابَ» (یوسف / ۲۵) «استَبَقَا» یعنی مسابقه گذاشتند. «باب» یعنی در. به سمت در

هر دو دویندند. یکی می‌دود که گناه نکند، یکی می‌دود که گناه بکند.

ولایت فقیه، بر مبنای رضای خدا و حق و عدالت

ما زمان شاه، به شاه بله قربان می‌گفتیم، الآن هم به ولایت فقیه بله قربان می‌گوییم. هردو بله قربان است. منتهی شاه فاسق بود، فقیه عادل است. شاه نظر شخصی‌اش را می‌گفت. فقیه نظر پیغمبر را می‌گوید. هدف شاه راضی کردن آمریکا بود. هدف فقیه رضای خداست. بله قربان گفتن، به عادلی که نظر اسلام را برای رضای خدا می‌گوید، فرق می‌کند به بله قربان، به فاسقی که نظر شخصی‌اش را برای رضای آمریکا می‌گوید.

ویژگی دوم: امام اهل مبارزه‌ی قلمی بود.

یک نامردی پیدا شد، به اسلام حمله کرد. کتابی نوشت. نقل شد امام درس‌هایش را تعطیل کرد، کشف اسرار نوشت. کشف اسرار کتابی است که امام خمینی نوشت در جلوی آن شبهات. یعنی پاسخگوی شبهات. مبارزه‌ی قلمی.

ویژگی سوم: اخلاص

یکی از ویژگی‌های امام اخلاصش بود. مسئله‌ی اخلاص. این مهم است که برای خدا بود. یک قصه برایتان بگویم.

یک وقتی یک استاد دانشگاهی تهران با یک نواری آمد. گفت که عوامل ایجاد موج چیست؟ چگونه می‌شود در جامعه موج انداخت؟ یک بودجه‌ای تعیین کردند برای این پژوهش و تحقیق. چه کنیم در جامعه موج

بیاندازیم؟ گفتم: مگر بنا است موج بیاندازید؟ گفت: نه مثلاً امام خمینی موج انداخت. گفتم: امام خمینی که نمی‌خواست موج بیاندازد. او می‌خواست به وظیفه‌ی شرعی‌اش عمل کند، در انجام وظیفه‌ی شرعی موج افتاد. مثل یک خانم، یک آقا یا یک خانم وقتی می‌رود لباس بشوید هدفش لباس شستن است. منتها وقتی می‌رود لباس بشوید عرق بدنش هم در می‌آید. غذایش هم هضم می‌شود. ورزش هم می‌کند. ولی هدف چیست؟ ما که سجده می‌رویم هدف ما بندگی خداست. منتهی وقتی آدم در حال سجده رفت، خون هم به مغز بهتر می‌رسد. هیچ کس در وقت سجده اگر با او مصاحبه کنند آقا «سمع الله لمن حمده» الله اکبر! غرض شما چیست؟ غرض بنده این است که خون به مغز من برسد. هدف سجده برای خداست. منتهی در حال سجده بهترین وقتی است که خون به مغز هم می‌رسد. هدف امام که موج نبود. هدف ابراهیم این بود که تبر برداشت بت‌ها را شکست، منتهی موج افتاد. امام حسین هدفش این بود که گفت: «إنی أرید أن آمر بالمعروف» (مجموعه ورام/ ج ۲/ ص ۱۱) من می‌خواهم امر به معروف کنم. نهی از منکر کنم. حکومت بنی‌امیه منکر است. من باید رژیم را بردارم. منتهی در مبارزه با بنی‌امیه کربلا پیدا شد موج هم افتاد. یک خرده اینها را گفتیم. استاد دانشگاه هم آدم خوب و با انصافی بود. گفت: راست می‌گویی؟ گفت: پس چرا میلیون‌ها تومان پول برای این کار گذاشتند؟ گفتم: خوب پول را نمی‌دانند چه کنند؟ می‌گویند: برو یک پژوهش انجام بده. ما الآن در دانشگاه‌ها خیلی پژوهش بی‌خاصیت داریم. راجع به یک موضوعی تحقیق

می‌کنند که هیچ خاصیتی برای فرد و جامعه ندارد. ما هم یک سؤال‌هایی می‌کنیم که هیچ خاصیتی ندارد. مثلاً می‌پرسند: آقا این حدیث از امام حسن است یا امام حسین؟ حالا چه فرق دارد؟ مثل کسی که آمده نماز جمعه، بگوییم: ببخشید با کدام شیرها وضو گرفت؟

حالا یا با این شیر، آبش یکی است. سؤال‌هایی که هیچ خاصیتی ندارد و سؤال‌های لغو است. متأسفانه مذهبی‌ها هم به اسم دین این سؤال‌ها را می‌کنند. حالا... یکی از ویژگی‌های امام اخلاص بود. برای موج این کار را نکرد. اصلاً هر جا که مطرح می‌شد خودش را کنار می‌کشید.

یکی از علمای تهران، خدا رحمتش کند، مرحوم سروش محلاتی از علمای تهران بود، یک مدتی هم کنار شهر ما راوند، روحانی راوند بود. از علمای تهران، ایشان شاگرد امام بود. خودش دو هزار تومان چهل، پنجاه سال پیش پول داد رساله‌ی امام را چاپ کرد. یعنی مرجعی شد که تا بعد از مرجعیت هم رساله نداشت. یک زمانی که طرفدارهای شاه عکس امام را پاره می‌کردند، من خودم از امام شنیدم، فرمود: بگذارید عکس من را پاره کنند، شما روی عکس من هیچ حساسیتی نشان ندهید. ما هدفمان اسلام است. نه عکس خودمان! یک وقت امام می‌خواست راه برود، نگاه می‌کرد افرادی پشت سر او هستند. فرمود: آقا بفرمایید بروید. شما عروس که نمی‌برید. خوب بروید من تنها می‌روم. دنگ و فنگ و رساله‌اش را چاپ کند. عکسش را چاپ کند!

به امام گفتند: آقا این همسایه‌ی شما روضه می‌خواند، یک شب روضه

بروید. گفت: می‌خواهم روضه بروم، ولی چون همسایه لب در ایستاده نگاه نگاه می‌کند، من می‌ترسم برای نگاه او روضه بروم. قصد خدا در من نباشد. من می‌خواهم اگر روضه می‌روم برای خاطر خدا بروم. نه به خاطر اینکه حالا که نگاه کرد، پس برویم یک چند دقیقه‌ای روضه‌اش بنشینیم. چون آخر بعضی‌ها نگاه می‌کنند. اخلاص امام!

یک روز یکی از علما در یک ماجرای به امام گفت: حوزه‌ی نجف سنگین شده است، حوزه‌ی قم سبک! فرمود: چرا؟ گفت: چون طلبه‌های با سواد نجف می‌روند، طلبه‌های نو و مبتدی، طلبه‌های تازه‌کار قم می‌ایستند. حوزه‌ی قم برای بچه‌های طلبه می‌شود. حوزه‌ی نجف دانشمندان می‌شود. امام فرمود: سبک چیست؟ سنگین چیست؟ در چه فکری هستی؟ آن عالم می‌گفت: حدود دو، سه ساعت، امام با من صحبت کرد، که کسی فکر کند این کار را بکنیم، سنگین است. این کار را بکنیم سبک است. این حرف‌ها چیست؟

ویژگی چهارم: تواضع حضرت امام در برابر علماء و مردم

مسئله‌ی تواضع امام، جوان بودم، شاید حدود بیست و دو، بیست و سه سال. امام قیام کرد. فرمود: من دست مراجع را می‌بوسم. بعد فرمود: دست بقال‌ها و کاسب‌ها و افراد عادی را هم می‌بوسم. یکبار یک بچه‌ی ۱۳ ساله که به نام حسین فهمیده شد. فرمود: رهبر من همان پسر ۱۳ ساله است. یک مرتبه فرمود: رهبر من زن‌های خیابان چهارمردان قم هستند. یعنی هیچ عارش نمی‌شد که بگوید. ما زود عارمان می‌شود.

خدا را ببینید. خالق است. ولی از لقمان حرف می‌زند. «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِأَبْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ» (لقمان / ۱۳) لقمان به پسرش چنین گفت. خدایا تو خالق هستی. می‌گویی: من خالق هستم. ولی من می‌خواهم، از مخلوقم حرف نقل کنم. ما الآن گاهی وقت‌ها حاضر نیستیم، بگوییم: این را از چه کسی یاد گرفته‌ایم؟ مثلاً یک چیزی را نقل می‌کنیم، می‌گویند: از چه کسی است؟ عارمان می‌شود بگوییم از چه کسی است؟ بگو: بلد نبودم از این آقا یاد گرفتم. آقا این بشقاب را از این همسایه قرض کردم. آقا این خانه را از ایشان پول گرفتم. طوری نیست. البته لازم نیست بگوییم. ولی اگر پرسیدند، طوری نیست. عارمان نشود. آقا من بلد نیستم. نمی‌دانستم. ندارم. یعنی گیر خودمان هستیم. برای ما سنگین است بگوییم: نمی‌دانم. استاد سر کلاس سؤال می‌کنند. بگویی: آقا من بلد نیستم. فردا جواب او را بده. بلد نیستم. تواضع امام، احترام به بزرگان.

شاید شانزده، هفده ساله بودم. اول طلبگی‌ام بود. در کاشان یک زمینی بود، سابقه‌ی قبرستانی داشت. می‌خواستند حمّام بسازند. حالا الآن هم می‌دانم، حمّام کجاست. زمین کجاست. در کدام خیابان است. در ذهنم هست. یادم نرفته است. منتهی قبرستان تا سی سال نمی‌شود نبش قبر کرد. اگر سی سال گذشت و آثاری نبود، آن یک حکم دیگر دارد. مردم کاشان گفتند: چون آنجا قبرستان بوده، می‌خواهید حمّام درست کنید، غسل در زمین غصبی حرام است و گیر دارد و فلان است. بنا شد بپرسند. یک نوشته‌ای به ما دادند. آقای بروجردی زنده بود. ما دیدیم دستان به آقای

بروجردی نمی‌رسد. گفتیم: دیگر مجتهد چه کسی است؟ یکی از مجتهدان آن زمان گفتند: امام است. طلبه‌ی هفده ساله بودم. رفتم در خانه‌ی امام را شب زدم. یک بچه آمد. بچه‌ی ده، دوازده ساله کمتر. گفتم: یک سؤال است به ایشان بدهید جواب بدهد. سؤال این بود که اگر قبرستانی مثلاً شصت سال از آن گذشته است، می‌شود این قبرستان را حمّام ساخت یا نه؟ امام این را که خواند، فرمود که: این از شئون فقیه موجود است. خانه‌ی آقای بروجردی بروید. یعنی ادب می‌کرد. این ادب خیلی مهم است. فقیر پهلوی امام حسین آمد. گفت: چقدر به تو داده است؟ گفت: امام حسن صد درهم به من داد. فرمود: پس من ۹۹ درهم می‌دهم. چون اگر من صد تا بدهم، امام حسن هم صد تا این معنی این است من هم حد حسن هستم. حالا که برادر بزرگ من صد تا داد، من ۹۹ تا می‌دهم که احترام برادر بزرگ را بگیرم. چون امام حسن ده سال امامِ امام حسین هم بود. امام حسین علیه السلام یک دقیقه امامِ امام حسن نبود. ولی امام حسن ده سال همینطور که امام همه بود، امامِ امام حسین هم بود. احترام برادر بزرگ‌تر. اینها نکته است.

وقتی رفتند فرودگاه امام خمینی را بیاورند، برادری داشت، آیت الله پسندیده بزرگ‌تر از امام بود. امام فرمود: شما جلو برو، من عقب! گفت: بابا همه‌ی ایران منتظر شما هستند. روز ورود امام به ایران، همه‌ی ایران منتظر شما هستند. فرمود: تو برادر بزرگ هستی. تو جلو برو. خواهر بزرگ، برادر بزرگ، احترام بزرگان.

ویژگی پنجم: شجاعت حضرت امام در برابر دشمنان

شجاعت! یک آیه در قرآن است که اگر ما امام خمینی را نمی‌دیدیم، می‌گفتیم: این آیه چه کسی را می‌گوید؟ آیه این است. می‌خوانم شما ترجمه‌اش را می‌فهمید. «لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا» (احزاب / ۳۹) یعنی چه؟ یعنی از احدی نمی‌ترسد. می‌گفتیم: از احدی نمی‌ترسد. اصلاً مگر می‌شود؟ آدم از سوسک می‌ترسد. بعضی‌ها یک سوسک می‌بینند، جیغ می‌زنند. بعضی‌ها از یک موش می‌ترسند. بعضی‌ها از گربه می‌ترسند. بعضی‌ها از سگ می‌ترسند. بعضی‌ها از آدم‌ها می‌ترسند. از احدی نمی‌ترسد. بنده با دو گوش خودم شنیدم که امام فرمود: والله در عمرم نترسیدم. آخر بعضی آیات قرآن را همه عمل می‌کنند. آن آیه که همه‌ی مردم به آن عمل می‌کنند، می‌دانید کدام آیه است؟ «كُلُوا» بخورید. تنها آیه‌ای است که همه به آن عمل می‌کنند. یک آیه داریم هیچ‌کس به آن عمل نمی‌کند مثل «لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا».

شجاعت! و این شجاعت هم از جوانی‌هایش داشت. امام بیست سالش بود. از خمین و اراک، به قم آمده بود. زمان رضاشاه یک آقای، چرندی گفت. جسارت کرد. آن آقای که چرند را گفت، ۷۵ سالش بود و از مهمترین شخصیت‌های مملکتی آن زمان در قم بود. آیت‌الله بهاءالدینی می‌گفت: امام چنان در گوش این پیرمرد زد، که عینک او چهار قطعه شد. یعنی آن زمانی هم که امام ۲۰ سالش بود، شجاع بود. حساب نمی‌کرد که این چه کسی است؟ بزرگ‌ترین شخصیت مملکتی است. به همین خاطر هم وقتی از پاریس به بهشت زهرا آمد، به شاپور بختیار گفت: من در دهان این دولت

می‌زنم. یعنی رگ زدن او را دارد. جوان‌ها! رگ دارید یا رگ ندارید؟ اگر رگ ندارید، پروفیسور هم بشوید، پروفیسور بی‌رگ هستید. دکتر بی‌رگ، مهندس بی‌رگ، حجت الاسلام بی‌خاصیت، بی‌رگ. اگر رگ دارید، باید از حالا رگ شما معلوم باشد. در خانه‌تان چه نقش دارید؟ در مسجد محله‌تان؟ در همشاگردی‌هایتان؟

صبح یک کسی به من گفت: فاطمه‌ی زهرا در زمان ما هم می‌تواند الگو باشد؟ گفتم: بله! گفت: آخر گفتم: دانشجو کنار دستش نشسته، خود نویسنش را به بغل دستی‌اش نمی‌دهد. البته نه همه، بعضی! حضرت زهرا خانه‌ی شوهر می‌رفت در راه پیراهن عروسی‌اش را داد. این آقا خود نویسنش را به بغل دستی‌اش نمی‌دهد؟ اصلاً فاصله‌ی ما با آنها، هیچ چیز ما به هیچ فاصله نمی‌خورد. فاصله ۱۵ و ۱۶ نیست. صفر و میلیارد است.

الگوی مصرف! نمی‌دانم حسینه جماران رفتید یا نه؟ اگر رفتید که رفتید. اگر نرفتید خبرش را از من بشنوید. حسینه جماران گچ و خاک است. فرمود: من نمی‌خواهم در این حسینه که من آدم حتی سفید کنید. گچ‌بری که هیچ، اصلاً سفید هم نکنید. در حسین حسینه‌ی جماران بنی‌صدر را عزل کرد. در همین حسینه‌ی جماران چند رئیس جمهور را نصب کرد. یعنی کسی اگر جوهر داشته بشد خیلی گیر امکانات نیست. یک چیزی برایتان بگویم. زیادی گوش بدهید.

در انبیای ما با برکت‌ترین پیغمبر حضرت ابراهیم بوده است. از کجا می‌گویی؟ از اینجایی که ما در دعاها وقتی می‌گوییم: خدایا بر پیغمبر صلوات

بفرست، می‌گوییم: از این صلوات‌های ابراهیمی. «بارک» به محمد برکت بده. «کما بارکت علی ابراهیم» یعنی از آن برکت‌های ابراهیمی. معلوم می‌شود برکت ابراهیمی یک برکت ویژه‌ای است که می‌گوییم: خدایا! از آن صلوات‌ها و از آن برکت‌ها به پیغمبر... چون عیسی از نسل ابراهیم است. موسی از نسل ابراهیم است. پیغمبر ما هم از نسل ابراهیم است. انبیاء از نسل ابراهیم هستند. حالا ابراهیم که اینقدر با برکت بود و مبارک بود، چه چیزی داشت؟ کامپیوتر داشت؟ می‌گوید: یک درخت هم نداشت. یک جره آب هم نداشت. قرآن بخوانم. «بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ» (ابراهیم / ۳۷) یعنی در بیابانی که هیچ چیز نداشت. می‌دانی می‌خواهد چه بگوید؟ می‌خواهد بگوید: اگر آدم خودش ابراهیم باشد و جوهر داشته باشد و بند به خدا باشد، با دست خالی موفق می‌شود. ولی اگر آدم خودش جوهر نداشته باشد، دور تا دورش هم کتابخانه و کامپیوتر بچینند، این اهل مطالعه نیست.

آیت الله سبحانی می‌گفت: الغدير چاپ شد، امام می‌خواست مطالعه کند، پول نداشت بخرد. یک جلد یک جلد از آیت الله زنجانی، آقا سید احمد زنجانی، قرض می‌کرد، مطالعه می‌کرد، پس می‌داد. ایشان الغدير قرضی را یازده جلد مطالعه کرد. محسن قرائتی چهل سال است الغدير خریده است، مطالعه نکرده است. خیلی‌ها یک کاسه‌ی روحی دارند، هزار تا آدم از آن آب می‌خورد. خیلی‌ها تنگ مُرَصَّع دارند، در دکور گذاشتند، احدی از آن آب نمی‌خورد. خیلی‌ها روی موکت به مردم غذا می‌دهند. خیلی‌ها در خانه‌شان قالی ابریشمی است، سال می‌آید و می‌رود یک گرسنه روی این قالی

ابریشمی سیر نمی‌شود. خیلی‌ها با یک خودکار ساده حرف‌های خوبی را می‌نویسند، خیلی‌ها با خودنویس گران قیمت هیچ غلطی نمی‌کنند. این مسئله‌ی جوهر داشتن، دانشمند شدن خیلی کتاب نمی‌خواهد. غیرت دین می‌خواهد. غیرت مطالعه می‌خواهد. اینقدر بچه‌های فقیر درس‌هایشان خوب است و اینقدر بچه‌ها که همه امکاناتی دارند، در درس خیلی پیلی می‌خورند. حاج احمد آقا می‌گفت: هیچوقت کتاب‌های امام دویست تا بیشتر نشد. با دویست تا کتاب دنیا را تکان داد.

ویژگی ششم: حضرت امام و صرفه جویی در زندگی

الگوی مصرف! در اتاق امام سه رقم لامپ بود. ناقل این آقای رحیمیان است که در بیت امام بود. نماینده‌ی آقا در بنیاد شهید. می‌گفت: یک لامپ خواب داشت. خیلی لامپ کوچولو بود. مثل این لامپ‌های شیشه‌ای، کوچولو اندازه‌ی آلبالو بود، ریز، یک لامپ خواب داشت. یک مهتابی داشت. یک لامپ آویز. هر وقت امام می‌خواست مطالعه کند، هم لامپ آویز را روشن می‌کرد، هم مهتابی را. چون می‌خواست مطالعه کند باید نور قوی باشد. وقتی کتاب را کنار می‌گذاشت، دست می‌کرد این لامپ را خاموش می‌کرد. می‌گفت: من می‌خواهم شما را ببینم، با یک لامپ هم می‌بینم. وقتی می‌خواست نماز بخواند، دو تا لامپ را خاموش می‌کرد، با لامپ خواب نماز می‌خواند. یعنی برای نمازش یک لامپ خواب، برای ملاقات دوستانش یک مهتابی، برای مطالعه دو تا لامپ، الگوی مصرف این است.

حاج احمد آقا می‌گفت: امام آبی را نوشید. کنار گذاشت. یک دستمالی را

برداشت، در این لیوان گذاشت. گفتند: این دستمال را چرا اینجا می‌گذاری؟ فرمود: عصری که تشنه شدم باقی‌اش را می‌خورم. دور ریختن نصف لیوان آب هم اسراف است و اسراف گناه کبیره است. حالا ما شیلنگ دست می‌گیریم، چقدر آب می‌ریزیم. یک قصه برای شما بگویم. این را از مقام معظم رهبری شنیدم. او هم از کارشناس‌ها شنیده بود. در سخنرانی رسمی‌اش نبود. در سخنرانی مسئولین خدمت ایشان رسیده بودند، ایشان فرمود: یک دهم آب کشور خرج عطش، انسان‌ها و حیوان‌ها و صنعت می‌شود. کارخانه‌ها! یعنی انسان‌ها و حیوان‌ها و صنعت یک دهم آب است. نه، دهم آن برای کشاورزی است. این کشاورزهای ما اگر تدبیری بیاندیشند که یک دهم آب را صرفه‌جویی کنند، یعنی به اندازه‌ی تمام انسان‌ها و تمام حیوان‌ها و تمام کارخانه‌ها، یعنی یک دهم صرفه‌جویی کنیم اینقدر است.

امام در الگوی مصرف! اصلاً امام یعنی پیشوا، حالا که این را گفتم این را هم از امام بگویم. یکی از علما می‌گفت: وقتی امام از نجف، می‌خواست کربلا برود، می‌گفت: یک ماشین خوب تهیه کنید. گفتیم: آقا شما سر ماشین می‌گویید: خوب! مثلاً نمی‌گویید: یک فرش خوب بخر. یک پارچه‌ی خوب برای لباس بخر. یک غذای خوب درست کن. این کلمه‌ی خوب را برای هیچ چیز نمی‌گویید. به ماشین که می‌رسی، می‌گویید: ماشین خوب تهیه کنید. ما نمی‌فهمیم چرا راجع به ماشین می‌گویید: خوب؟! امام فرمود: گونی و پتو و نمد، زیلو، موکت، فرش ساده آدم را نمی‌کشد. نان خالی آدم را نمی‌کشد. اما ماشین قراضه آدم را می‌کشد. ماشین باید ماشین سالم باشد.

خانه سالم است. حالا گچ‌بری ندارد ولی پایه‌هایش محکم است. یک جاهایی صرفه‌جویی غلط است. الگوی مصرف باید ببینیم کجا خرج کنیم و چه طور خرج کنیم؟

دوستی داشتیم می‌گفت: یک کاسه‌ی سفالی داشتم، شکست. خوب باید دور بیاندازم. دلم نیامد دور بیاندازم. گفتم: این اسراف است. خواستم این سفال‌ها را به هم بچسبانم، ۲۵۰ تومان دادم چسب خریدم که یک کاسه‌ی ۵۰ تومانی را به هم بچسبانم. بعد می‌گفت: چسب روی لباس ریخت، ۲۵۰ تومان به اتوشویی دادم. یعنی گاهی وقت‌ها هم همه‌جا صرفه‌جویی عاقلانه نیست. خیلی جاها صرفه‌جویی بی‌عقلی است. خیلی جاها پول خرج کردن غلط است و خیلی جاها پول خرج نکردن غلط است. این

کارشناس می‌خواهد. مثلاً فیلم‌برداری می‌شود با یک دوربین درجه یک فیلم‌برداری کرد که این فیلم تا چند قرن بماند. می‌شود با یک دوربینی فیلم‌برداری کرد که بعد از یک مدت کمی از بین برود دوربین خوب اسراف نیست. گران‌ترین دوربین‌ها اسراف نیست. برای اینکه این برنامه برای طول تاریخ ضبط می‌شود. ماشین خوب اسراف نیست. فرش دست باف اسراف نیست اگر کسی پول دارد بخرد. فرش دست باف از فرش ماشینی بهتر است. چون فرش دست باف را می‌خری، دست دومش قیمت فرش ماشینی است. بعد بیست سال که روی آن می‌نشینی، تازه چند برابر قیمت اول... باید نگاه کرد وقتی می‌گوییم: اسراف، کسی نگوید: قالی دست باف اسراف است.

این ماشین اسراف است. زود هم نگویند: اسراف است. ببینید کارایی آن چقدر است؟

ویژگی هفتم: امام خمینی و مدیریت بحران‌های جامعه

یکی از خصوصیات امام مدیریت بحران است. الآن در دانشکده‌ی مدیریت، یک مدیریت است به نام مدیریت بحران، که در شرایط حاد طرف چطور تصمیم‌گیری کند؟ چون امام در کل عمرشان مدیریتش بحران بود. یعنی شرایط دائم بحران بود. لیبرال‌ها بحران بود. در جنگ بحران بود. منافقین بحران بود. نمی‌دانم خلق چه و خلق چه و خلق چه بحران بود. ناامنی مرزها، کومله و دموکرات، بحران بود. ترور شخصیت‌ها، شهدای محراب، ترورهای کور، ایجاد قانون اساسی، ایجاد قانون خبرگان، اینها همه بحران بود. مدیریت بحران، و همت بلند. آخر بعضی جوان‌ها می‌گویند: خدایا! فقط کنکور قبول شوم، همین! هیچ آرزویی ندارد جز اینکه در دانشگاه برود. ولی آرزوی امام چه بود؟ می‌گفت: تا رفع کلّ فتنه از جهان، وقتی گفتند: جنگ جنگ تا پیروزی... فرمود: نه تا پیروزی، ما پیروز شویم، یک گوشه‌ی ایران پیروز شده است، باید آرزوی ما چشم‌انداز ما باشد که کل فتنه‌ها از جهان رفع شود... یکبار امام در اعلامیه‌اش فرمود: مسلمان‌های همه‌ی دنیا، هسته‌های مقاومت تشکیل بدهند. یعنی ایجاد هسته‌ی مقاومت در کل دنیا. خوب این چشم‌اندازش کمره‌ی زمین، چشم‌اندازش قیامت. نامه به گورباچف می‌نویسد.

ویژگی هشتم: اشک‌های امام

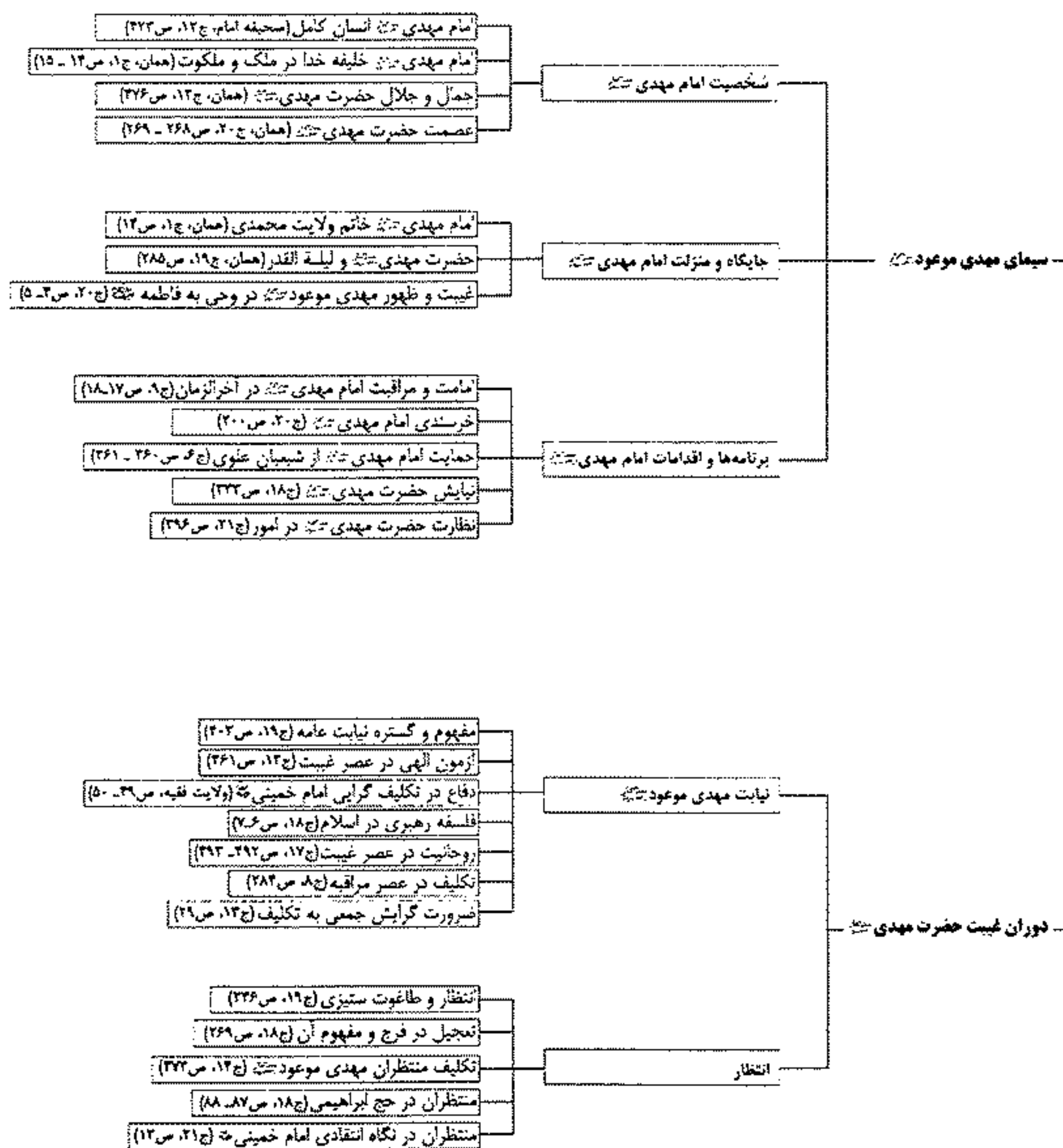
حاج احمد آقا می‌گفت: اول امام با دستمال اشک‌هایش را پاک می‌کرد، بعد از مدتی با حوله، یعنی اهل اشک و مناجات بود. این خصوصیات امام است. برای شادی روح امام و همه‌ی مراجع و همه‌ی شهدا و همه‌ی کسانی که به گردن ما حق دارند، سه تا صلوات بفرستید.

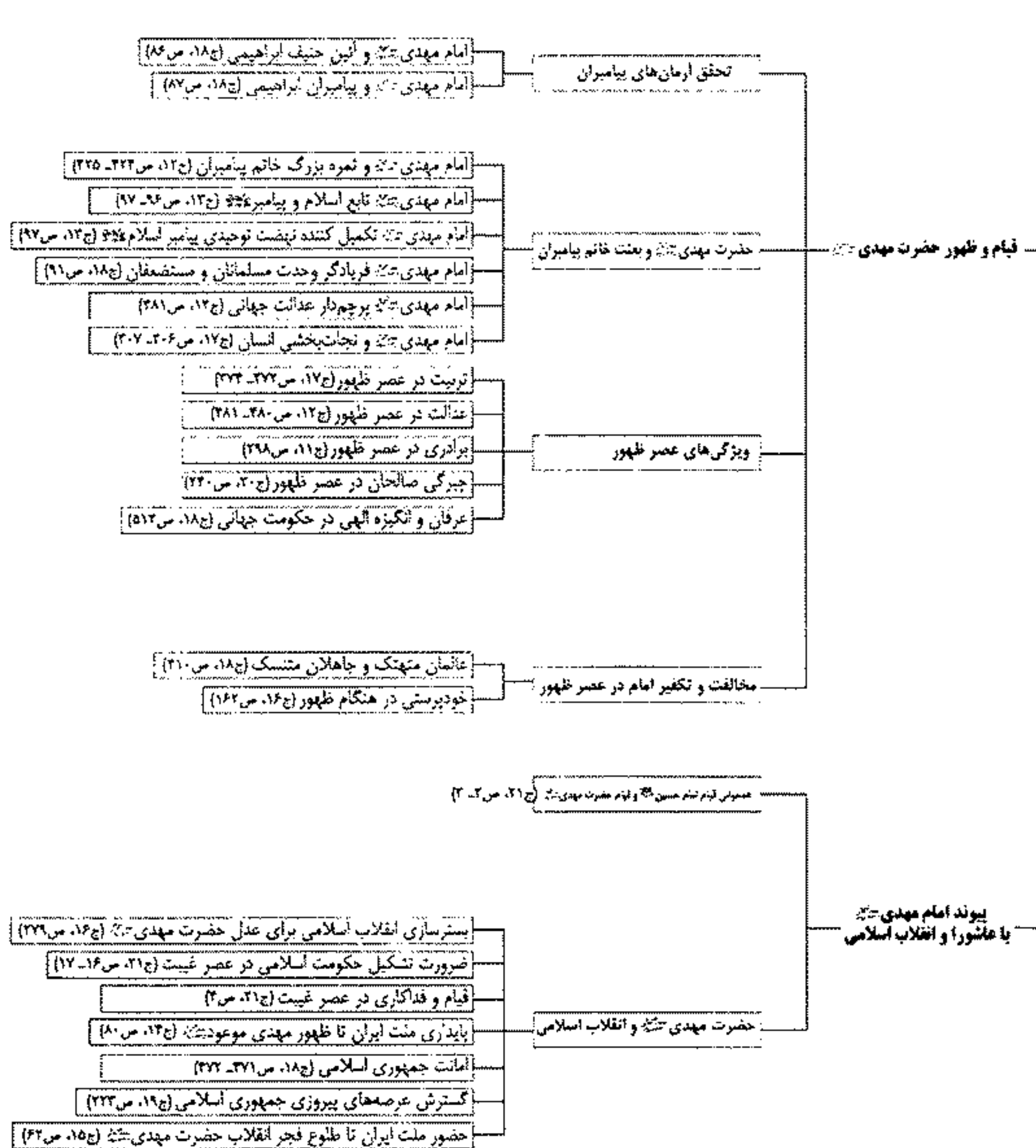
«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

مهدویت، خطوط راهبردی آن از منظر
امام خمینی علیه السلام

مجت الاسلام و المسلمین حسن ملایی

مهدویت خطوط راهبردی آن از منظر امام خمینی علیه السلام





برای مطالعه تفصیلی به کتاب «مهدویت از منظر امام خمینی (ره)» مراجعه فرمایید.

امام علیه السلام به ما آموخت که «انتظار در مبارزه است»

شهید سید مرتضی آوینی

داغ‌های همه تاریخ را ما به یکباره دیدیم؛ چرا که ما امت آخرالزمانیم، و خمینی رحمه الله میراث‌دار همه صاحبان عهد بود در شب یلدای تاریخ. در عصر ادبار عقل و فلک زدگی بشر، در زمانه غربت حق، در عصری که دیگر هیچ پیامبری مبعوث نمی‌شد و هیچ منذری نمی‌آمد، خمینی، میراث‌دار همه انبیا و اسباط ایشان بود و داغ او بر دل ما، داغ همه اعصار است، داغی بی‌تسلی. ما را این گمان نبود که بعد از او بمانیم؛ اما او رفت و زمین ماند و ما نیز بر زمین، در این پهنه بی‌منتهایی که عقل راه به جایی نمی‌برد. دریاها و زمین و آسمان و ماه و خورشید بر جای ماندند تا مقصود خمینی رحمه الله محقق شود؛ آن سان که بعد از رحلت آخرین فرستاده خدا نیز، دور فلک بر جای ماند تا حقیقت وجود او را در جهان تحقق بخشد. آخر انسان‌هایی چون او، که یک فرد نیستند، یک امت‌اند و یک تاریخ.

کوران روز حشر در اینجا نیز کورند که: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ

فِي الْآخِرَةِ أَغْمَى^۱ و نمی‌بینند. آنان از کجا بدانند که کدام امر عظیم واقع شده است؟ نه آنگاه که امام آمد و نه امروز که رفته است. اگر نه، این ولی خدا برای آنان حجتی می‌شد تا صدق قصص انبیا را باور کنند و چون سحره فرعون در برابر این انقلاب به سجده درآیند که «آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى»^۲ اگر نه، این ولی خدا برای آنان حجتی می‌شد تا زهد و عدالت علی علیه السلام را باور کنند، حلم حسن علیه السلام را و شجاعت حسین علیه السلام را و...؛ این ولی خدا برای آنان حجتی می‌شد تا عظمت حق را و همه صفات خدایی را در وجودش بنگرد و انسان را؛ همچون خورشیدی که نورش از ازلیت تا به ابدیت را فراگرفته است.

داغ‌های همه تاریخ را ما به یکباره دیده‌ایم. یک بار دیگر، این رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که از دنیا رفته است؛ یک بار دیگر، این علی علیه السلام است که به شهادت رسیده است؛ یک بار دیگر، این فاطمه علیها السلام است و حسن علیه السلام است و حسین علیه السلام است که ما را داغ‌دار کرده‌اند؛ یک بار دیگر، این مهدی علیه السلام است که در حجاب غیبت، رفته است.

دست ما اگر به نخل بلند وجود او نمی‌رسد، دست خمینی که می‌رسید. او آمد تا معنای «انتظار» را به این امت بیاموزد، در آینه وجود خود که اسوه

۱. «اما کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نایبنا بوده است، در آخرت نیز نایبنا و گمراه‌تر است!» سوره اسراء / ۷۲.

۲. «(موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید.) ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم!» سوره طه / ۷۰.

مصادیق منتظران بود. و اکنون، دیگر دور افلاک را مرادی نیست جز آنکه منتظر مهدی علیه السلام باشد.

امام علیه السلام به ما آموخت که «انتظار در مبارزه است» و این بزرگترین پیام او بود، و پس از او، اگر باز هم امیدی ما را زنده می‌دارد، همین است که برای ظهور آخرین حجت حق مبارزه کنیم. امام علیه السلام به ما آموخت که «عرفان را با مبارزه جمع کنیم» و خود، بهترین شاهد بود بر این مدعا که عرفان عین مبارزه است، و از این پس، دیگر چه داعیه‌ای می‌ماند برای آنان که عرفان را به مثابه امری کاملاً شخصی، بهانه واماندگی خویش می‌گرفتند؟ او کتاب و سنت را در وجود خویش تفسیر کرد و مجهولات شریعت و طریقت را با مفتاح مبارک حیات خویش گشود و ما می‌دانستیم که جهاد اصغر، شرط لازم جهاد اکبر است و اولیای مقرب خدا در تمام طول تاریخ همواره بر همین شیوه زیسته‌اند.

دیگر چه داعیه‌ای می‌ماند برای آنان که حکم بر ظاهر اشعار عرفانی می‌راندند و با چشمی ظاهربین، چهره افیونی خویش را در آینه صاف وجود عرفا می‌دیدند و حتی این اواخر، دیگر افعال و اقوال منصور حلاج را هم با عقل کج اندیش ماتریالیسم دیالکتیک معنا می‌کردند و حافظ را شراب خواره و زن‌باره‌ای از سلک خویش می‌گرفتند؟

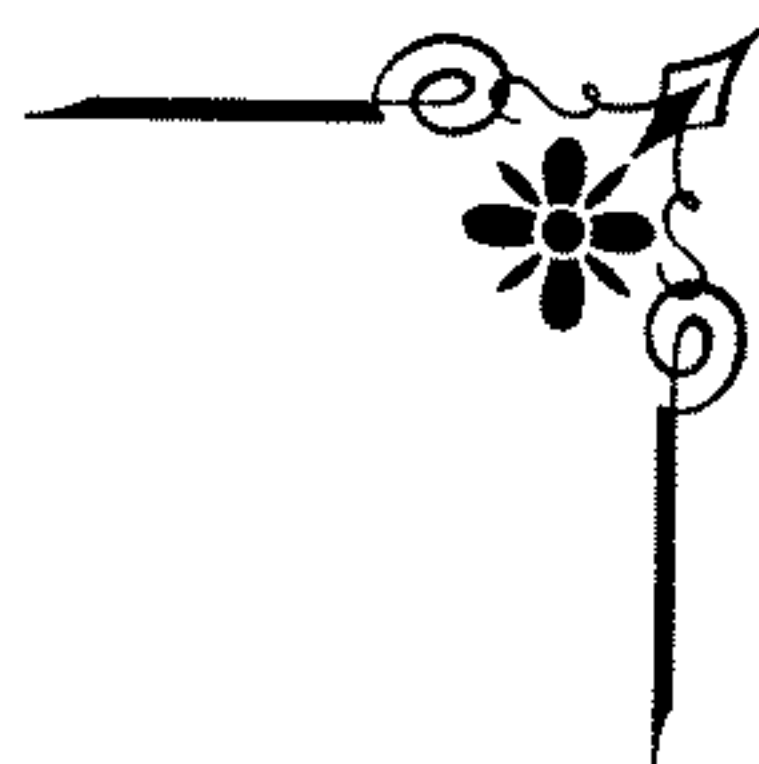
آیا ندیدند او را که از این سوی، پنجه در پنجه ارباب جور انداخته بود و از آن سوی، «سجاده به می‌رنگین» داشته بود و «دلق مرتع را گرو جامی شراب مرد افکن» نهاده بود؟ آیا ندیدند که در «خلوت، آن کار دیگر کردن»

و «صراحی پنهان کشیدن» یعنی چه؟ مگر این مردترین مردان میدان مبارزه و زاهدترین زهاد زمانه نبود که دم از خال لب و چشم بیمار، می و میخانه، بتکده و رند می‌آلود و خرقة پیر خراباتی می‌زد؟

امام رفت و زمین ماند و ما نیز بر زمین ماندیم. با داغ جراحی سخت بر دل و باری سنگین بر دوش. امام رفت تا بار تکلیف ما برگردانده عقل و اختیارمان بار شود و همان‌سان که سنت لا یتغیر خلقت بوده است، چرخه بلیات، ما را نیز به میدان کشد و آزموده شویم و این آیت ربانی درست درآید که «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ»^۱.

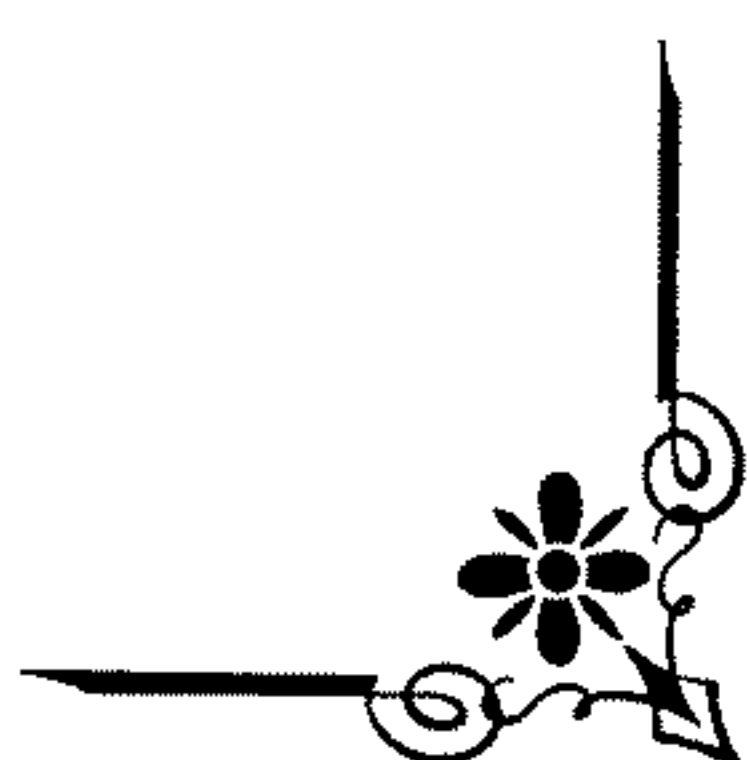
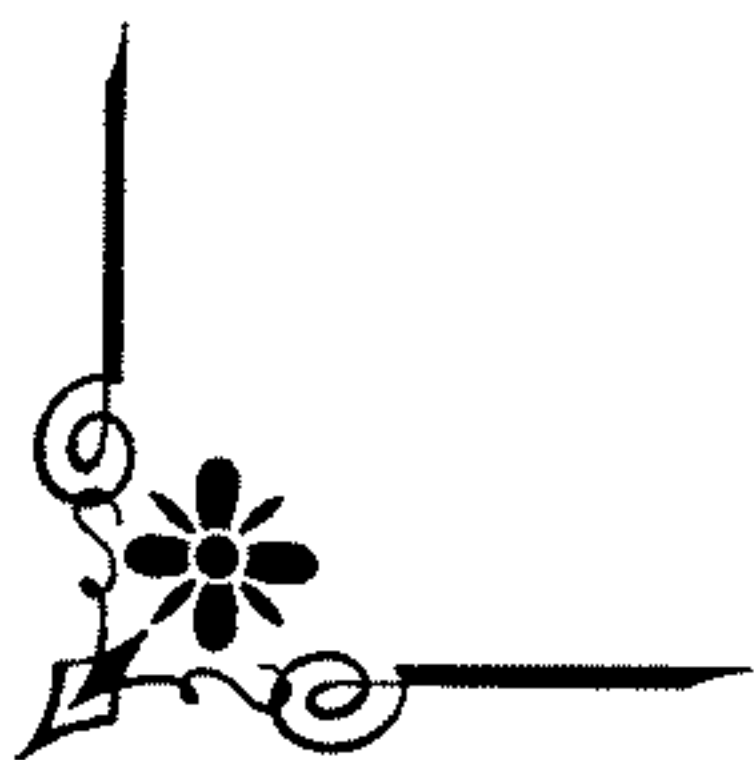
اکنون، این ماییم و امانت او. دست بیعت از آستین اخلاص برآریم و در کف فرزند و برادرش و تلمیذ مدرسه‌اش بگذاریم که اگر بعد از رحلت رسول‌الله، ظهر حکومت اسلام به غروب خونین شهادت حسین بن علی و «شب بی‌قمر غیبت» انجامید، این بار، امام فرصت یافت تا وثیقه حکومت را به معتمدین خویش بسپارد و این، خود نشانه‌ای است بر این بار بشارت که خداوند اراده کرده است تا حزب‌الله و مستضعفین را به امامت و وراثت زمین برساند.

۱. «ما همه شما را قطعاً می‌آزمائیم تا معلوم شود مجاهدان واقعی و صابران از میان شما چه کسانی هستند، و اخبار شما را بیازماییم!» سوره محمد/۳۱.



کودک و نوجوان

وامد کودکی و نوجوان مرکز تخصصی مهدویت



معلم نورانی

به نام خدی خوب و مهربان، به نام خدی شما گل های قشنگ

سلام سلام آی بچه ها آی بچه های با صفا
 امیدوارم خندان باشید همیشه مهربان باشید
 فکر شما اینجا باشد دل شما با ما باشد

به به چه روزی، چه روز و روزگاری، کی خورشید اون بالاها نشونده،
 ابرها را دور و برش کشونده، کی شب برده و روز آورده ؟

بله، خدا خدا، دوست همه بچه ها، بلند بگید: خدا خدا، دوست همه بچه ها
 بله بچه ها، خدا بهترین دوست ماست و باید همیشه به یاد او باشیم.

دیگه چه کسانی دوست ما هستند که باید به یاد آنها باشیم؟

تذکر: عبارت زیر بر روی کارت نوشته می شود و مربی آن را به بچه ها در ضمن توضیح، نشان می دهد.

پیامبران - قرآن - امامان - پدر و مادر - معلم

بله بچه ها، یکی از کسانی که ما را خیلی دوست دارد، امام زمان علیه السلام است. ایشان فرموده اند: که من شما را فراموش نمی کنم و همیشه به یاد شما هستم، ما هم حتماً باید به یاد ایشان باشیم.

حالا که در نیمه شعبان سالروز تولد ایشان هستیم برای این که یادی از آن حضرت کرده باشیم، شعر نیمه شعبان را با هم می خوانیم به شرط این که بلند و یک صدا با هم بگویید: نیمه شعبان شده، نیمه شعبان شده.

۱- غنچه‌ی لبهایتان خوشگل و خندان شده

نیمه‌ی شعبان شده

۲- شب شده مانند روز روشن و تابان شده

نیمه‌ی شعبان شده

۳- برای میلاد تو کوچه چراغان شده

نیمه‌ی شعبان شده

۴- درهم و پُر درد و غم چهره‌ی شیطان شده

نیمه‌ی شعبان شده

۵- دشمنِ سرسخت تو زار و پریشان شده

نیمه‌ی شعبان شده

خُب بچه‌ها حالا که سرحال شدید و شعر را خوب جواب دادید بیایید یک بازی انجام دهیم:

حسین، این خودکار را در جایی از کلاس مخفی می‌کنیم که تو باید پیدا کنی، شما از کلاس برای چند دقیقه بیرون برو و هر وقت که صدایت زدیم، به داخل کلاس بیا. وقتی حسین از کلاس بیرون می‌رود و برمی‌گردد، پیدا کردن خودکار برای او غیر ممکن و یا خیلی سخت است.

در مرحله بعد به او می‌گوییم از کلاس بیرون برو و وقتی به کلاس آمد به او می‌گوییم ما تو را راهنمایی می‌کنیم هر وقت به محل خودکار که مخفی کرده‌ایم نزدیک شوی، صدای تشویق بچه‌ها بلندتر می‌شود در این

حالت خیلی زودتر حسین به محل مورد نظر دست پیدا می‌کند.
 خُب بچه‌ها به نظر شما چرا حسین دفعه اول نتوانست پیدا کند ولی دفعه
 بعد توانست؟

بله، وقتی که به کمک ما، راهنمایی شد، توانست راه درست را تشخیص
 دهد.

حالا این را بدانید که اگر در زندگی دنیا، معلم و راهنمایی که از طرف
 خدا، معین شده باشد، نداشته باشیم راه درست و صحیح را در زندگی
 نمی‌توانیم پیدا کنیم به همین دلیل خداوند پیامبران و امامان را برای هدایت
 و راهنمایی ما فرستاده است تا ما در کلاس آن‌ها شرکت کنیم.

شما اگر اول سال، سر کلاس بروید اما بگویند متأسفانه تا آخر سال معلم
 ندارید، چه اتفاقی می‌افتد؟ کسی چیزی یاد نمی‌گیرد چون برای با سواد
 شدن و یادگرفتن، هم کتاب لازم است و هم معلم تا ما را راهنمایی کند،
 مثل شما که حسین را راهنمایی کردید.

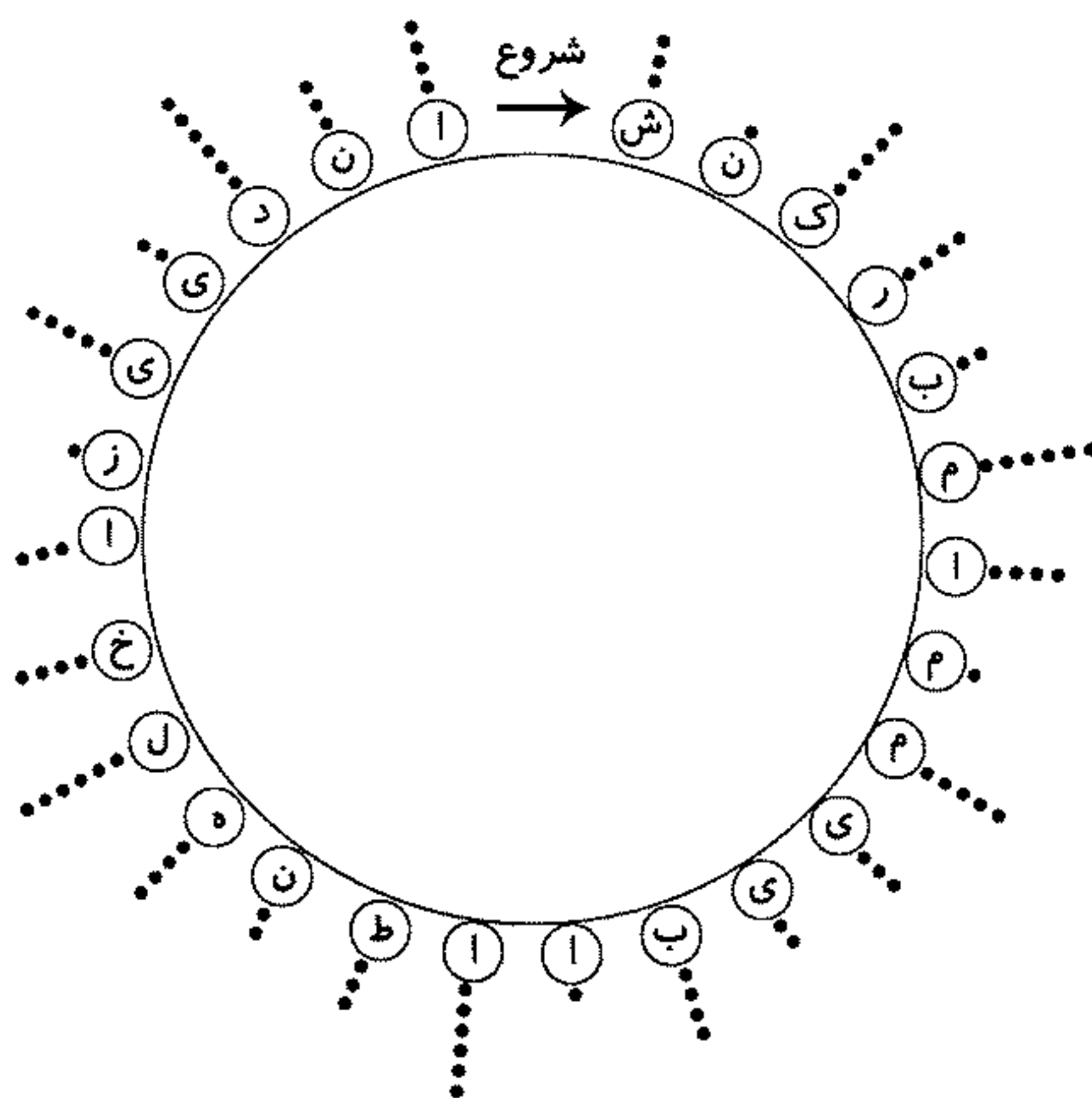
بچه‌های عزیز، قرآن به عنوان کتاب درسی ما و پیامبران و امامان، معلم
 و راهنمای ما هستند. ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه یعنی این که معلم سر کلاس
 بیاید و همه مردم دنیا با هم سر کلاس ایشان شرکت کنند و به صورت
 یکنواخت از راهنمایی‌ها و هدایت ایشان استفاده کنند.

حال که امام زمان عجل الله تعالی فرجه، امام، رهبر، معلم و راهنمای ماست، برای این که
 از سخنان آن امام عزیز استفاده ببریم و آن را در زندگی عمل کنیم تا ایشان
 خوشحال شوند و برای ما دعا کنند، یک حدیث نورانی از ایشان در قالب

مسابقه بیان می‌شود، هرچه زودتر آن را پیدا کنید و انشاء الله به آن عمل کنید.

حدیث دوست:

از نقطه شروع در جهت عقربه‌های ساعت پیش برو، اول حروفی که یک دایره دارند را بخوان، بعد حروفی که دو دایره دارند و به همین ترتیب ادامه بده تا حدیثی از امام زمان علیه‌سلام را به دست آوری.



مام مهدی علیه السلام فرمود:

شعر:

آهای بچه‌ی بسا هوش	نماز بخون همیشه
هر کی نماز بخونه	آره برنسنده می شه
مهدی صاحب زمان علیه السلام	چه حرف خوبی فرمود
با نماز شماها	شیطونه میشه نسا بود
آقا امام حسین هم	وقتی رسید کربلا
با این که تشنه بودند	بسین تیر و نیزه ها
وقتی اذان ظهر شد	نمازشونو خونن
به چه پیام خوبی	به آدمها رسوندن
باید به حرف مولا	با هم دیگه بدیم گوش
پیام آقا اینسه	نماز نشه فراموش

خمینی مرد مهدی یاور

دوستان خوب و دانا، حتماً می‌دونید شما ما ابتدای هر کار می‌گیم به نام خدا
اسم خدا تا میاد مسلمونا می‌شن شاد چون که با یاری او دل می‌شه از غم
خوبه که ما و شما کلاسمون رو حالا روشن کنیم به نور یک صلوات
بچه‌ها سلام. حالتون خوبه؟ لب‌ها خندونه؟ همه آماده؟ پس چرا جواب
سلام من رو محکم ندادید مگه نمی‌دونید سلام چه قدر ثواب داره؟

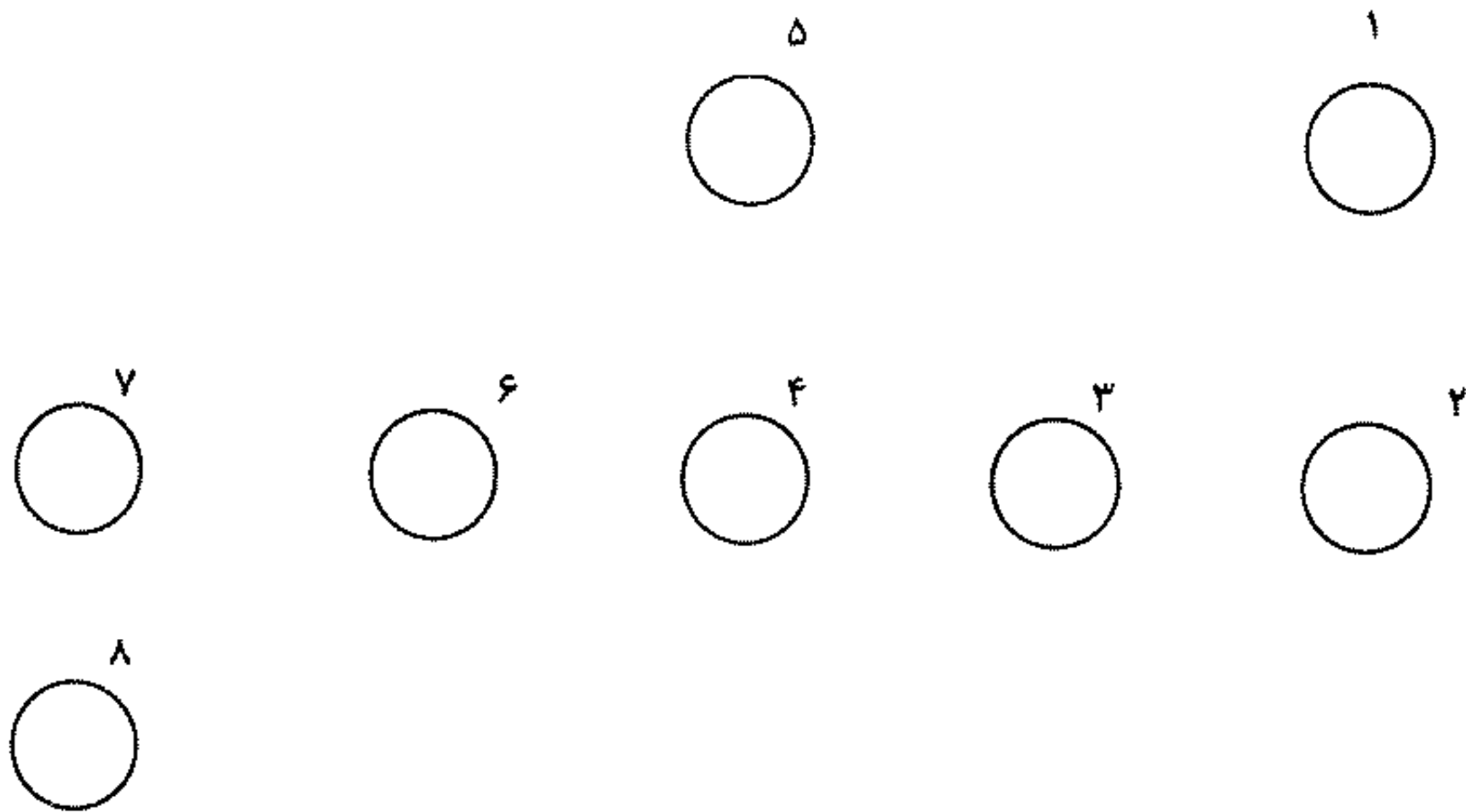
ما پیرو قرآنیم	خوش خوی و مهربانیم
عادت ما سلام است	سفارش اسلام است
به پدر و به مادر	به خواهر و برادر
با هر که رو به روییم	اول سلام گوییم
سلام عزت آرد	خیر و سعادت آرد

یه بار دیگه سلام. بلندتر، سلام. آفرین حالا شد. این عید رو به همه
شما دوستان خوبم تبریک می‌گم.

راز دایره‌ها:

من ۸ تا دایره روی تابلو می‌کشم و بعد از آن ۸ تا سؤال از شما می‌پرسم

و داخل دایره‌ها می‌نویسم ان شاء الله که شما بتوانید به همه سؤالات پاسخ بدید.



سؤالات:

- ۱- به چیزی که نپخته است می‌گویند. (خام)
- ۲- تقسیم کننده سال به ۱۲ قسمت. (ماه)
- ۳- دست به عربی. (ید)
- ۴- لقب امام دهم به معنای پاکیزه. (نقی)
- ۵- کدام پیامبر به خاطر حمایت از عفاف و پاکدامنی شهید شد. (یحیی)
- ۶- اسمی دخترانه که اگر حرف اول آن را برداریم وسیله جنگی می‌شود و اگر حرف آخر آن را برداریم و به حرف اول اضافه کنیم اسم پسرانه می‌شود. (مینا)
- ۷- آن نیست گهی تند و گهی خسته رود..... آن

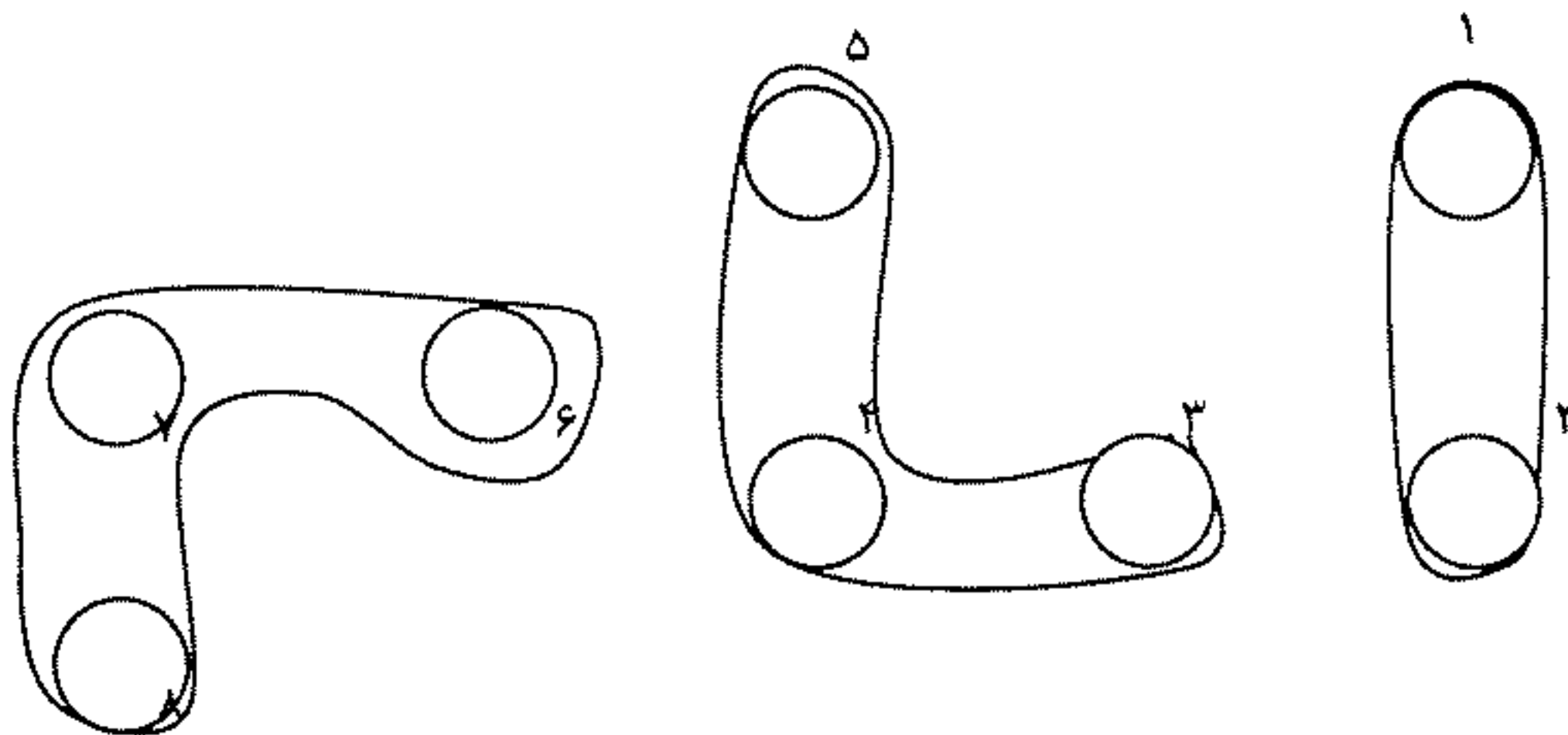
است که آهسته و پیوسته رود. (رهرو)

۸- به معنای شجاع (دلیر)

آفرین که به همه سوالات درست پاسخ دادید. اما راز دایره‌های ما رو کی می‌تونه حدس بزنه؟

راهنمایی: حرف اول کلمات به اضافه حرف آخر کلمات. یعنی ابتدا حرف اول را به هم وصل کنید تا شماره ۸ و بعد دوباره از ۱ تا ۸ حروف آخر را به هم وصل کنید.

بله درسته راز دایره‌های ما می‌شود: خمینی مَرَد مهدی یاور
بچه‌ها این ایام مصادف شده با رحلت امام خمینی علیه السلام رهبر کبیر انقلاب
اسلامی که چون پیشوای انقلاب بودند، به او امام می‌گفتند ما هم اگر
دایره‌ها را به هم وصل کنیم کلمه امام به دست می‌آید.



از آنجا که هیچ وقت زمین بدون حجت نمی‌ماند و امام زمان علیه السلام نیز در
پس پرده غیبت به سر می‌برند خود حضرت فرمود: در حوادثی که در ایام
غیبت پیش می‌آید به فقیهان و مراجع تقلید مراجعه کنید. جمعی از مراجع و

فقها در مجلس خبرگان، از میان خود یک نفر را به عنوان رهبر انتخاب می‌کنند تا در غیاب امام زمان (عج) جامعه را مدیریت کند.

در زمان غیبت آقا که به آن بزرگوار دسترسی نداریم باید از علمای دین که متخصص در این کار هستند، رجوع کنیم و در رهبری و امور سیاسی و اجتماعی و نظامی جامعه تابع ولی فقیه باشیم.

مردم خوب ما وقتی که ظلم و ستم شاه و اطرافیان او را دیدند به تبعیت از حضرت امام (عج)، انقلاب کردند و حکومت اسلامی را شکل دادند تا گامی اساسی برای حکومت مهدوی بردارند ما نیز باید با تلاش خود این انقلاب را حفظ کنیم تا به دستان امام زمان (عج) برسانیم.

اما بد نیست در اینجا به چند نمونه از ویژگی‌های امام خمینی (ره) اشاره کنیم.

۱- نظم: نظم امام در زندگی به حدی بود که اطرافیان از حرکت، سکون، خواب، بیداری، نشست و برخاست ایشان در می‌یافتند که چه ساعت از روز و شب است.

۲- بازی: گاهی اوقات با علی فرزند کوچک حاج احمد آقا (نوه امام) توپ بازی می‌کردند. یعنی در یک طرف اتاق، آقا می‌ایستاد و طرف دیگر، علی و برای هم توپ می‌انداختند.

۳- ساده زیستن: در نجف، در اتاق مجلسی منزل امام، قالی نبود، زیلوهایی بود که از ایران آورده بودند به امام عرض شد که این گلیم‌ها زیاد مناسب نیست و اجازه بدهید فرش بخریم. امام فرمودند: مگر منزل صدراعظم است؟ و اجازه فرمودند.

مسابقه:

۱- مسابقه سه گزینه‌ای: مربی سؤالات سه گزینه‌ای زیادی را درباره امام زمان علیه السلام و امام خمینی (ره) آماده می‌کند، سپس از بچه‌ها می‌پرسد و دانش آموزان باید هر سؤالی که پرسیده می‌شود در کنار جواب گزینه‌ای که مربی از قبل با الف - ب - ج مشخص کرده بایستند، هر گروهی که اشتباه کند کنار می‌رود و مسابقه با برنده‌ها ادامه پیدا می‌کند تا بالاخره یک نفر برنده شود.

تذکر: سؤالات باید آسان، متوسط، سخت باشد تا بچه‌ها در پایان برنده شوند.

سؤالات پیشنهادی:

۱- پدر بزرگوار امام مهدی علیه السلام در چند سالگی به شهادت رسیدند؟

الف) ۴۰ ب) ۲۸ ج) ۶۳

۲- قبر مطهر پدر امام زمان علیه السلام کجاست؟

الف) مدینه ب) سامرا ج) کاظمین

۳- امام مهدی علیه السلام هنگام شهادت پدرشان چند سال داشتند؟

الف) ۷ ب) ۹ ج) ۵

۴- نام مادر امام زمان علیه السلام چه بود؟

الف) نرجس خاتون ب) حکیمه خاتون ج) مهدیه

۵- امام زمان علیه السلام در چه سالی به دنیا آمدند؟

الف) ۲۶۰ هـ ق ب) ۲۵۵ هـ ق ج) ۳۶۰ هـ ق

۶- کنیه امام زمان علیه السلام همانند کیست؟

- الف) پیامبر (ص) ب) امام علی علیه السلام ج) امام جواد علیه السلام
- ۷- ولادت امام زمان علیه السلام همانند ولادت کیست؟
- الف) حضرت عیسی ب) حضرت یحیی ج) حضرت موسی
- ۸- نواب خاصه امام زمان علیه السلام در زمان غیبت صغری چند نفر بودند؟
- الف) ۳ ب) ۴ ج) ۵
- ۹- اعمال ما در چه روزهایی بر امام زمان علیه السلام عرضه می شود؟
- الف) دوشنبه و پنجشنبه ب) جمعه و شنبه
- ج) سه شنبه و جمعه
- ۱۰- بهترین عمل امت پیامبر چه می باشد؟
- الف) نماز ب) حج ج) انتظار فرج
- ۱۱- در حوادث دوران غیبت باید به چه کسانی مراجعه کنیم؟
- الف) فقیهان ب) سیاستمداران ج) دانشمندان
- ۱۲- علت غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟
- الف) قدرناشناسی مردم، حفظ جان امام ب) آزمایش و امتحان مردم
- ج) هردو مورد
- ۱۳- غیبت امام مهدی به چه چیز تشبیه شده است؟
- الف) آخرین ستاره ب) خورشید پشت ابر ج) تنهاترین ستاره
- ۱۴- تعداد یاران خاص امام زمان علیه السلام هنگام ظهور چند نفر می باشد؟
- الف) ۳۰۰ ب) ۴۰ ج) ۳۱۳

دعا:

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

یاران مهدی (ع)

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم
بچه‌ها سلام، آفرین بر شماها که دوست دارید با امام زمانتان آشنا شوید
و از یاران و یاوران آن حضرت باشید به خصوص در این روزها که به
مناسبت نیمه شعبان، سالروز تولد امام زمان (ع) همه جا جشن و شادی
برپاست باید تلاش کنیم درحالی که ما هم جشن برگزار می‌کنیم، یا در
جشن شرکت می‌کنیم؛ هرچه بیشتر با امام زمان (ع) آشنا شویم.

خُب بچه‌ها، سرودی را برایتان می‌خوانم، در هر قسمتی که من گفتم،
بلند و یک صدا می‌گویید: «تولدت مبارک»

دوباره کوچه‌ها شد

نظافت و چراغان

رسیده ماه شعبان

تولدت مبارک

خوش آمدی به دنیا

دلم شده پرنده

رسیده جشن و خنده

تولدت مبارک

شب‌های ناامیدی

شد از جهان فراری

گشته هوا بهاری
تولدت مبارک
نمانده توی قلبم
نه غُصّه و نه دردی
رسیده ماه مهدی
تولدت مبارک
همیشه ای امیدم
تو چون چراغ راهی
برای من پناهی
تولدت مبارک
خدا کند بینی
همیشه خوبی از ما
ما را دعا کن آقا
تولدت مبارک

حالا که خوب و هماهنگ جواب دادید، آفرین، صد آفرین، ۳۱۳ آفرین.
اما چرا ۳۱۳ آفرین، چون همه ما دوست داریم از یاران امام زمان علیه السلام
شویم.

بچه‌ها برای این که بدانیم یاران امام زمان علیه السلام چه صفات و ویژگی‌هایی
دارند، جدول زیر را حل کنید.

جدول یاران:

ویژگی یاران امام زمان علیه السلام را همانند مثال در جدول زیر، دور آن خط
بکش (از راست به چپ و برعکس، از بالا به پایین و برعکس).

جدول

ن	د	ا	س	ت	گ	و	خ
ا	ر	ا	ک	ا	د	ف	م
و	م	ه	ر	ب	ا	ن	ی
خ	ت	ش	ذ	گ	ا	ب	ن
س	ب	ا	ت	ق	و	ی	ی
ر	ز	ا	م	ن	ا	ب	*
د	ب	ا	ح	ج	ا	ب	*

بنابراین یعنی یاران امام زمان علیه السلام: درس خوان، راستگو، فداکار، مهربان،
باگذشت، باتقوی، بانماز و باحجاب هستند.

اگر درست به جدول نگاه کنی خواهی دید که یک ستون آن وقتی
حروف آن را به هم وصل کنیم کلمه «خمینی» به دست می آید.

درسته بچه‌ها، یکی از یاران خوب و بزرگ امام زمان علیه السلام، امام خمینی رحمه الله

بود.

اگر پرسید که ما چگونه می‌توانیم امام زمان علیه السلام را یاری کنیم و چه کار کنیم تا امام زمان علیه السلام ظهور کند؟ در جواب باید گفت که بچه‌ها، شما نگاه کنید به انقلاب خودمان که چگونه پیروز شد و امام خمینی رحمه الله بعد از چندین سال تبعید و دوری از وطن دوباره به ایران بازگشتند.

یکی از دلایل و علت‌های مهم پیروزی مردم ایران، به خاطر یاری و کمک آنها به انقلاب و عمل به دستورات و حرف‌های حضرت امام (ره) بود. مردم ایران سال‌ها در مقابل طاغوت و ستمگران ایستادگی کردند و در خیابان‌ها تظاهرات و راهپیمایی می‌کردند و حتی به شهادت می‌رسیدند و به زندان آن‌ها را می‌بردند، این قدر مقاومت و پایداری کردند که شاه ظالم و ستمگر مجبور به فرار شد و جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در ایران ایجاد شد. حال اگر تمام مردم دنیا همین کاری را که مردم ایران انجام دادند را انجام دهند یعنی در مقابل ظالمان و ستمگران قیام کنند و از خداوند بخواهند که امام زمان علیه السلام را به کمک آنها بفرستد و قول بدهند که ایشان را یاری کنند، خداوند: امام زمان علیه السلام را به کمک آنها خواهد فرستاد و دنیا را از شر تمام ظالمان نجات خواهد بخشید.

بچه‌ها دعا کنید که همه ما و جهانیان هرچه زودتر آماده شویم تا آقای مهربانمان ظهور کند تا با رهبری ایشان جهان، پر از شادی و صفا و خوبی‌ها شود.

شعر:

گل‌های خوب و زیبا	سلام سلام بچه‌ها
شعر ظهور آقا	بیايد با هم بخونيم
پیر از شکوفه و نور	یه روزی دنیا می‌شه
جهان بعد از ظهور	چقدر خوب و قشنگه
می‌بره زشتی‌ارو	یه روزی آقا میاد
قشنگ‌ترین بهارو	نشون می‌ده به ماها
همه می‌شن یارهم	آقا میاد و دیگه
یارو و غمخوار هم	تموم مردم می‌شن
جهان پر از فرشته	آقا میاد و می‌شه
زمین مثل بهشته	وقتی که آقا بیاد
تموم می‌شه ختلاف	وقتی که آقا بیاد
گناه و کار خلاف	تموم می‌شه تودنیا
میاره شادی و شور	آقا میاد و با خود
روز قشنگ ظهور	چه خوبه دنیا پس ز

دعا:

مريضا رو شفا بده	خدای خوب و مهربون
به خونمون صفا بده	به دردامون دوا بده
رهبر ما زنده بدار	حضرت مهدی رو ببار

میلاد نور

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشنده مهربان
خداوند زیبایی و عطر و رنگ خداوند پروانه‌های قشنگ

بچه‌ها سلام! صدا ضعیفه! سلام. بهتر شد، بلندتر، سلام.
سلام به همه شما بچه‌های خوب که فرا رسیدن نیمه شعبان رو جشن
گرفتید. بنده هم این روز با سعادت رو به شما تبریک عرض می‌کنم.

شعر:

مژده مژده بچه‌ها	عید اومده غنچه‌ها
شده نیمه‌ی شعبان	اومد امام زمان
امام مهربونی	اون مورد آسمونی
همون که با ظهورش	دنیا میشه نورانی
بیاید بیاید بچه‌ها	وقت نماز و دعا
ظهور حضرش را	همه بخوایم از خدا (۲)

حالا هرچه‌قدر که امام زمان خودتون رو دوست دارید برای سلامتی و
ظهورش صلوات بفرستید.

سؤال:

کی می‌تونه بگه تولد امام زمان عجل الله با تولد کدام پیامبر شباهت دارد؟
راهنمایی: وقتی که به دنیا آمدند تولد او از همه مخفی ماند و جز عده

معدودی کسی از تولد این بزرگوار خبردار نشد.

بله، حضرت موسی علیه السلام.

همانطور که می‌دانید منجمان زمان حضرت موسی علیه السلام از آمدن کودکی خبردادند که قرار بود حکومت فرعونیان را نابود کند. به همین خاطر فرعون دستور داد که هر کودکی که به دنیا می‌آید شناسایی شود و حتی دستور داد تا عده زیادی از کودکان را بکشند. اما به اذن خدا حضرت موسی علیه السلام متولد شد بدون اینکه کسی خبردار شود و همانطور که می‌دانید در دامان خود فرعون پرورش یافت بدون اینکه فرعون بفهمد تا قدرت خدا بیش از پیش آشکار شود.

در زمان امام حسن عسکری علیه السلام نیز حکومت ظالم بر اساس اخبار و احادیث اطلاع یافته بود که به زودی کودکی متولد خواهد شد که تخت و کاخ جباران و ستمگران را جمع می‌کند و ظلم را ریشه کن می‌کند و عدالت را در همه جا می‌گستراند و او منجی بشریت خواهد بود.

به همین خاطر از مدت‌ها قبل پدران این کودک را تحت پیگیری و محاصره قرار دارند تا وقتی که پسر کودکی به دنیا آمد او را از بین ببرند. اما به اذن خداوند متعال حضرت مهدی علیه السلام به دنیا آمد بدون اینکه دشمن مطلع شود و جز عده معدودی از یاران و نزدیکان امام حسن عسکری علیه السلام کسی خبردار نبود.

در مدت ۵ سال آغاز عمر حضرت که پدرشان امام حسن عسکری علیه السلام حیات داشتند شیعیان خاص به حضور حضرت می‌رسیدند و بعد از شهادت

امام حسن عسکری علیه السلام بر پیکر ایشان نماز خواندند و به عنوان امام، جانشین پدر شدند ولی به دلایل خاص به غیبت صغری رفتند که ۶۹ سال به طول انجامید و اکنون نیز در غیبت کبری به سر می‌برند که انشاء الله به همین زودی به پایان برسد.

بله بچه‌ها امام ما به صورت مخفیانه متولد شدند و اکنون نیز در دوران غیبت هستند تا وقتی که خداوند متعال اجازه ظهور می‌دهد. اما ما هم باید برای ظهور حضرت دعا کنیم و زمینه را برای ظهور ایشان و حکومت حضرت آماده کنیم و کارهایی را انجام بدهیم که باعث خوشحالی امام زمان علیه السلام می‌شود و از کارهایی که ایشان را ناراحت می‌کند پرهیز کنیم.

کارت:

حالا من کارتهایی را به شما نشان می‌دهم که روی آن کارهایی نوشته شده، شما بگویید کدام یک از این کارها حضرت را خوشحال و کدام یک حضرت را ناراحت می‌کند.

دعا برای فرج	بی احترامی به والدین	صدقه برای سلامتی امام زمان	
کمک کردن	دعوا کردن	غیبت کردن	شکر نعمت
دروغ گویی	نگاه به نامحرم	رعایت حجاب	

ما همیشه باید کارهایی کنیم تا امام زمان عجله الله تعالی فرجه که در هر حال ناظر کارهای ماست با انجام این کارها خوشحال شوند. این ایام مصادف شده با رحلت رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی رحمه الله، این شخصیت بزرگ همیشه مواظب رفتار خود بودند و دقت می‌کردند تا مهدی پسند زندگی کنند و امام زمان عجله الله تعالی فرجه را از خود راضی نگه دارند. در اینجا دو داستان ذکر می‌کنیم تا ببینید حضرت امام چه قدر نسبت به رفتار خود دقت می‌کردند:

داستان ۱:

در دل شب هنگامی که امام برای نماز شب بیدار می‌شوند لامپ را روشن نمی‌کردند بلکه از یک چراغ قوه بسیار کوچک استفاده می‌کردند که تنها جلوی پای ایشان را روشن می‌کرد. ایشان به آرامی راه می‌رفتند تا دیگران بیدار نشوند. (دکتر محمد بروجردی - سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام، ج ۳)

داستان ۲:

وقتی که امام در تبعید بودند امام خیلی سفارش کرده بود به دلیل حضور جمعیت زیاد و رفت و آمد مداوم، مبادا حرکت یا رفتاری شود که همسایه‌هایی که همه مسیحی بودند، ناراحت شوند. در حقیقت امام نسبت به رعایت آسایش و آرامش همسایگان خود بسیار مقید و مواظب بودند مبادا همسایه‌ها از بابت جمعیت یا رفت و آمدی که به خانه ایشان می‌شود ناراحت و اذیت شوند. این رعایت و اخلاق باعث شده بود موقعی که امام

می‌خواستند به ایران بیایند همه اهل محل و دهکده نوفل لوشاتو از دوری ایشان و رفتنشان ناراحت بودند. به همین دلیل، مقداری از خاک فرانسه را به امام هدیه دادند. (حجت الاسلام سید محمد سجادی اصفهانی - روزنامه ایران - پنج‌شنبه ۷۹/۳/۱۲)

شعر:

وقتی که او بیاید صفا شود در جهان	شادی و سبز گردد گویی شود بهاران
برای هر پرنده دیگر نماند قفس	به راحتی و خوبی قرآن بخواند هر کس
پیش از تولد ما، خدا گرفته عهدی	سعی بکنید همیشه باشید یاور مهدی

مسابقه:

- ۱- با یک نفس هر کس بتواند این جمله را بیشتر تکرار کند برنده است.
«من همیشه به یاد امام زمان هستم» کلمه همیشه را باید تکرار کنید.
- قاعده بازی: ۱- با یک نفس باید بگوید. ۲- اگر جمله به پایان نرسید بازنده است. ۳- جمله واضح گفته شود.
- ۲- مربی چند نفر را می‌آورد و به آنها می‌گوید که اگر کلمه دوست را گفتم دستها را بالا ببرید و اگر کلمه دشمن را گفتم دستها را پایین بیارید.
- تذکره ۱: مربی می‌تواند دوستان و دشمنان امام زمان علیه السلام را معرفی کند بعد مسابقه را برگزار نماید).
- تذکره ۲: مربی خودش انجام می‌دهد ولی به صورت اشتباه که بچه‌ها دچار اشتباه بشوند.

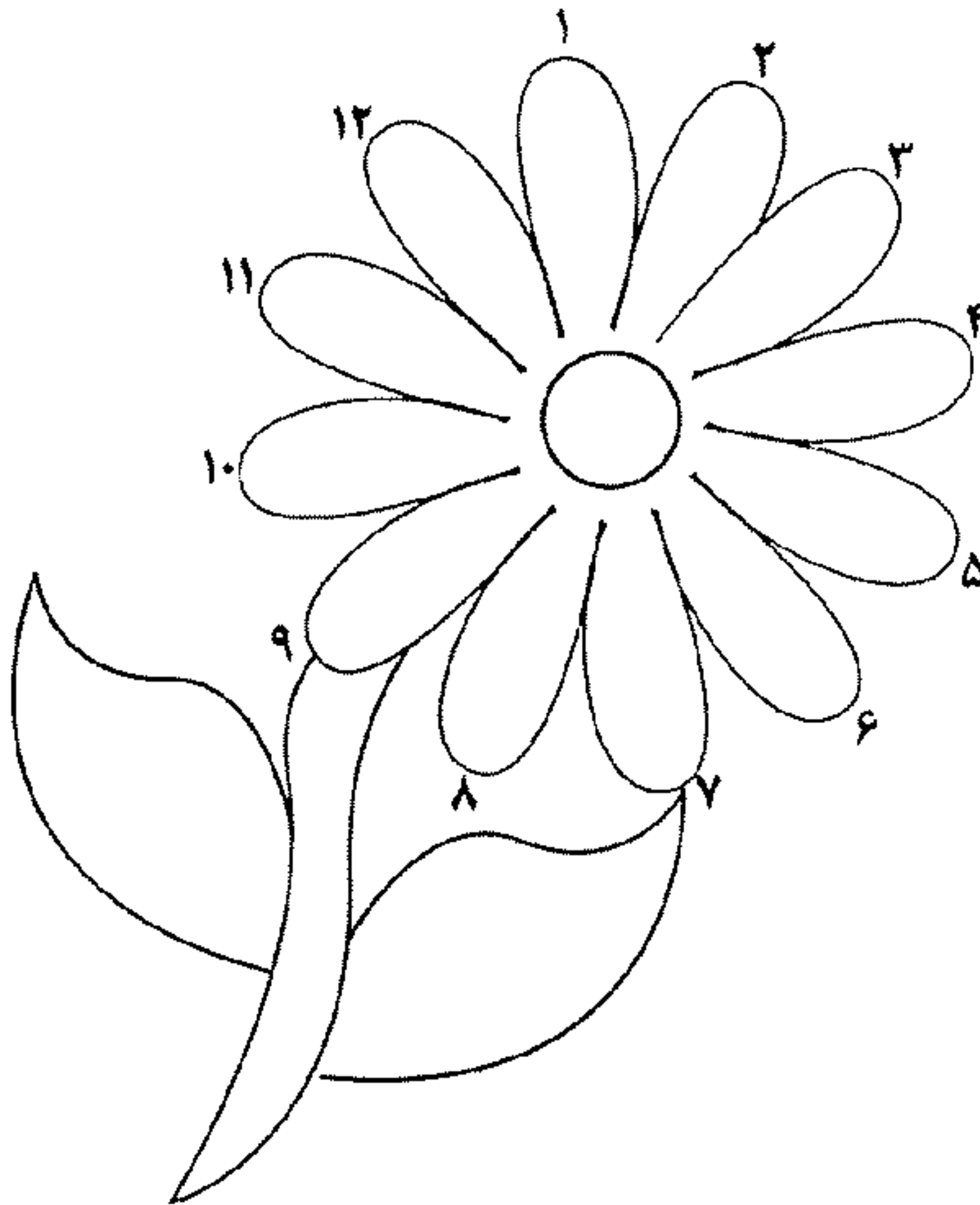
دعای پایانی:

باید که ما دعا کنیم	خدا مونو صدا کنیم
بگیم خدای مهربون	تویی صفای دلمون
مریضا رو شفا بده	به خونشون صفا بده
حاجتمون روا بکن	راهی کربلا بکن
غصه رو از ما بردار	امام زمان نگه‌دار
غصه رو از ما بردار	رهبر ما نگه‌دار

خورشید پشت ابر

اول به نام خدا، خدای خوب و دانا می‌گم سلام پس از اون به تک تک شماها آمده فصل شادی، مبارکه بچه‌ها مژده که باز رسیده، روزای خوب و زیبا برنامه را با نام خدا و یک سلام گرم و صمیمی به شما دوستان خوبم شروع می‌کنم، دوستان خوبم سلام! مثل اینکه بعضی‌ها جواب سلام منو ندادند، یه بار دیگه همه با هم بلند بگیم «سلام» آفرین حالا شد. البته بهتره بگیم «علیک سلام». فرارسیدن نیمه شعبان، روز میلاد با سعادت منجی عالم حضرت مهدی علیه السلام رو به همه شما بچه‌های عزیز تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم که همیشه زیر سایه امام زمان علیه السلام در کنار خانواده محترمتان زندگی خوب و با برکتی داشته باشید.

راز گل‌ها: من یک گل را روی تابلو می‌کشم که این گل به نیت دوازده امام، دوازده گلبرگ داره و ۱۲ سؤال از شما می‌پرسم و جواب‌ها رو داخل این گلبرگ‌ها می‌نویسم، انشاء الله که به همه سؤالات پاسخ صحیح بدید.



سؤالات:

- ۱- شهری که امام خمینی علیه السلام در آن به دنیا آمدند؟ (خمین)
- ۲- ضد تفرقه، به معنای همدلی و اتحاد داشتن که از ویژگی‌های یاران حضرت امام (ره) بود. (وحدت)
- ۳- ماه نزول قرآن (رمضان)
- ۴- به شخصی که جان خود را در راه خدا از دست می‌دهد گفته می‌شود. (شهید)

- ۵- کدام پیامبر از دوری فرزندش آنقدر اشک ریخت که نابینا شد. (یعقوب)
- ۶- مزرعه آخرت می‌باشد. (دنیا)
- ۷- روز میلاد امام حسین علیه السلام به این عنوان نام‌گذاری شده است. (پاسدار)
- ۸- خورشید به عربی (شمس)
- ۹- کدام سوره قرآن بدون بسم‌الله شروع می‌شود. (توبه)
- ۱۰- به شخصی که در نماز جماعت مردم به او اقتدا می‌کنند گفته می‌شود. (امام جماعت)
- ۱۱- ماه پیروزی انقلاب اسلامی ایران. (بهمن)
- ۱۲- لقب حضرت عیسی علیه السلام که نام حضرت امام خمینی علیه السلام نیز هست. (روح‌الله)

چند تذکر برای مربیان

- تذکر ۱: مربی می‌تواند سؤالات دیگری را جایگزین این سؤالات کند البته با این تذکر که سؤالات نوعاً باید با موضوع بحث در ارتباط باشد.
- تذکر ۲: مربی با توجه به وقتی که در اختیار دارد می‌تواند برخی از سؤالات را توضیح دهد اما باید مختصر باشد.
- تذکر ۳: در صورتی که مربی تابلو در اختیار نداشته باشد می‌تواند جواب سؤالات را روی کاغذ یا کارت بنویسد و هر کسی که به سؤال پاسخ صحیح داد جواب مربوط به آن سؤال را می‌گیرد، در آخر افرادی که برگه‌ها را گرفته‌اند به جایگاه می‌آیند و مخاطبین باید رمز کارت‌ها را حدس بزنند. (کارت‌ها را رو به مخاطبین می‌گیرند).

ادامه بحث:

آفرین به شما بچه‌های خوب که به همه سؤالات پاسخ صحیح دادید. حالا کدومیک از شما می‌تونه راز گل ما رو حدس بزنه؟ بله کاملاً درسته «خورشید پشت ابر»

تذکر: اگر دانش آموزان نتوانستند حدس بزنند مربی می‌تواند راهنمایی کند که رمز از به هم وصل کردن حروف اول کلمات به دست می‌آید. امام زمان علیه السلام به خورشید پشت ابر تشبیه شده‌اند، همانطوری که وقتی خورشید پشت ابر باشد موجودات از خورشید استفاده می‌کنند و هوا روشن است و همه ما وجود خورشید را احساس می‌کنیم. امام زمان علیه السلام نیز مانند خورشید پشت ابر هستند، با اینکه الان غایب هستند و در ظاهر از چشم‌ها پنهان می‌باشد ولی همه عالم به نور وجود ایشان روشن است و توجهات و عنایات حضرت در عالم فراگیر است.

یک نمونه آشکار این عنایت و توجهات، انقلاب امام خمینی (ره) بود که با عنایت امام زمان علیه السلام به پیروزی رسید با اینکه شاه خائن حضرت امام را تبعید کرد و مردم دیگر امام را نمی‌دیدند ولی دل مردم با امام بود و لحظه به لحظه منتظر آمدن امامشان بودند مقدمات را برای آمدن محبوب خود آماده می‌کردند، اعلامیه پخش می‌کردند حتی خیلی‌ها در این راه جان خود را از دست دادند. امام هم در دوران تبعید رهنمودهای خود را از مردم دریغ نمی‌کردند.

شعر:

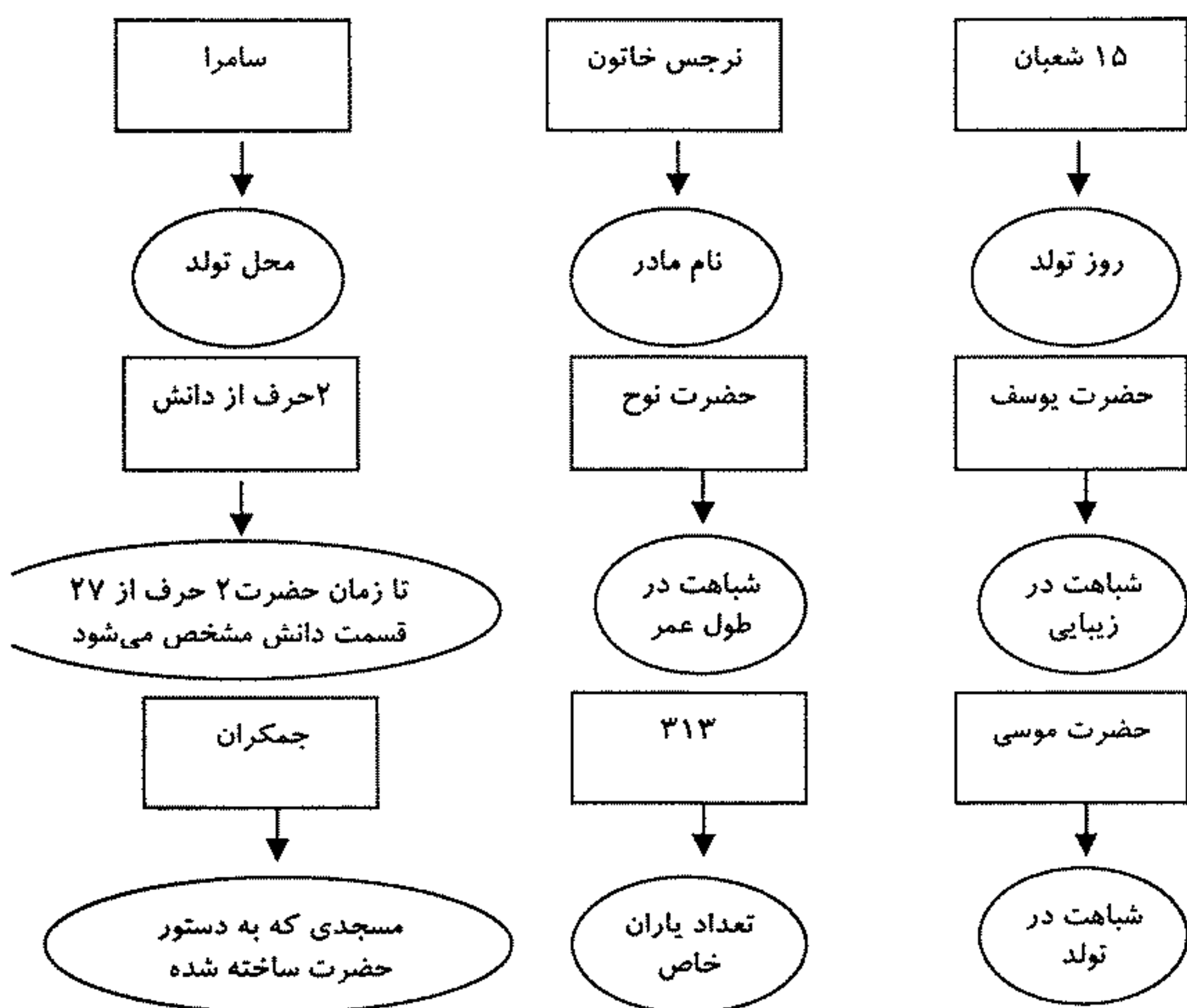
حالا با هم یک شعر زیبا درباره امام زمان علیه السلام می خوانیم:

شب چی میشه؟ تموم میشه	روز چی می شه؟ پیدا می شه
حق چی میشه؟ برپا میشه	ظلم چی میشه؟ رسوا میشه
وقتی که شب تموم میشه	وقتی که روز پیدا میشه
وقتی که حق برپا میشه	کی رهبر دنیا میشه؟
حضرت صاحب الزمـون	رهبر خوب و مهربـون
دشمن کل ظالمان	و حامی مستضعفان

تذکر: مربی می تواند از اشعار دیگر نیز استفاده کند که ریتم دار باشد تا بچه ها هم خوانی کنند.

کارت:

خُب، من کارت هایی رو به شما نشان می دم شما بگید این کارت ها چه ارتباطی با امام زمان علیه السلام دارد.



مسابقه:

- ۱- مربی چند جمله درباره امام خمینی رحمه الله یا امام زمان علیه السلام آماده می‌کند و از دانش‌آموزان می‌خواهد تا بدون نقطه بنویسند.
- ۲- مربی متنی را آماده می‌کند بدون نقطه، و از دانش‌آموزان می‌خواهد تا نقطه گذاری کنند.
- ۳- مربی جمله یا متنی را آماده می‌کند درباره امام زمان علیه السلام یا امام خمینی رحمه الله و از دانش‌آموزان می‌خواهد که متن را با یک نفس بخوانند. هرکس که با یک نفس متن بیشتری خواند برنده است.

جملات پیشنهادی برای مسابقه:

۱- با فضیلت‌ترین (بهترین) عمل، انتظار فرج و ظهور امام زمان علیه السلام است.

۲- انجام کارهای خوب باعث خوشحالی حضرت می‌شود.

۳- نماز کلید بهشت است.

۴- بهشت زیر پای مادران است.

۵- دروغ کلید همه بدی‌هاست.

۶- برای سلامتی امام زمان علیه السلام دعا می‌کنم.

۷- برای سلامتی امام زمان علیه السلام صدقه می‌دهم.

متن پیشنهادی برای مسابقه «متن بدون نقطه»

ساده زیستی امام علیه السلام

سطح زندگی امام از نظر تغذیه، اسکان، استفاده از وسایل شخصی و دیگر امور زندگی از افراد طبقه سه جامعه هم پایین‌تر بود با این که ایشان رهبر بودند و یک شخصیت سیاسی و جهانی داشتند، اما حاضر نبودند حتی کوچکترین قدمی در جهت بسط زندگی شخصی خود بردارند. بارها اتفاق می‌افتاد که امام به جهت برخی از امور، از جمله رنگ‌آمیزی منزلشان، زیادی مصرف آب و برق و استفاده نامناسب از وسایل منزل از ما بازخواست می‌کردند.

متن پیشنهادی برای خواندن متن با یک نفس

۱- ما دانش‌آموزان با امام خود عهد می‌بندیم که هرگز فریب
نیرنگ‌های غرب را نخوریم و امام زمانمان را که به فرموده پیامبر ﷺ،
انسانی والا و با مهر و محبت است، همیشه یاری کنیم و برای آمدنش،
لحظه‌ای از تلاش و کوشش بازنمانیم.

امام ما فرزند علی مرتضی علیه السلام است که در مقابل اشک یتیم، زانو می‌زند
و همراه او اشک می‌ریخت و برای او غذا تهیه می‌کرد.

۲- ای مولای مهربان! مرا ببخش که برای حاجات خود وقت صرف
کردم، اما لحظه‌ای به یاد ظهورت نبودم، حالا وقت جبران است، عنایت فرما
تا ثانیه، ثانیه زندگی‌ام را وقف آمدنت کنم. آمدنی که جهان را گلستان و
دلها را نورانی می‌نماید. توفیق عنایت فرما که بعد از هر نماز، دستانم را
آسمانی کنم و با گونه‌های مرطوب از اشک عشق، خالصانه زبان به دعا
بگشایم که: بیا ای تک سوار جاده عشق.

اللهم عجل لولیک الفرج

دعای پایانی:

خدایا منو صدا کنیم	شبانه روز دعا کنیم
خدا به ما نظر داره	دعای ما اثر داره
خالق آب و دریا	خدای خوب و دانا
موقع هم عهدی بیاد	کاشکی خدا، مهدی بیاد
جان پیامبر ما	تورا به جان زهرا
پر کن جهان ز نورش	اجازه ده ظهورش